



مطالعات زن و خانواده

فصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده
پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)
دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۲۴، بهار ۱۴۰۱



دانشگاه الزهراء
پژوهشکده زنان

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۲۳۸۴
شاپا الکترونیکی: ۲۵۳۸-۲۰۰۴



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی

مطالعات زن و خانواده

بهار ۱۴۰۱

دوره ۱۰، شماره ۱، سالی ۲۴



این نشریه در اتمار مقالات حوزه زن و خانواده با انجمن مشاوره ایران بکاربری می‌کند

صاحب امتیاز: پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)

سردبیر: دکتر انسیه خزعلی

مدیر مسئول: دکتر سیده فاطمه موسوی

اعضای هیأت تحریریه

دکتر سوسن سیف

دانشیار مشاوره خانواده بازنشسته دانشگاه الزهراء (س)

دکتر سیمین حسینیان

استاد مشاوره دانشگاه الزهراء (س)

دکتر فریبا شایگان

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین

دکتر جمیله علم الهدی

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید بهشتی (س)

دکتر محمود گلزاری

دانشیار مشاوره بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی (س)

دکتر رضا خجسته مهر

رئیس انجمن روان‌شناسی خانواده ایران و استاد مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر غلامرضا جمشیدیها

استاد دانشگاه تهران

دکتر الهام امین‌زاده

دانشیار حقوق عمومی دانشگاه تهران

دکتر غلامرضا دهشیری

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

دکتر سیده فاطمه موسوی

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

دکتر محمدجواد جاوید

استاد حقوق عمومی دانشگاه تهران

دکتر محمدتقی ایمان

استاد علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

ویراستار ادبی و علمی:

دکتر سمانه‌سادات سدیدپور

ویراستار انگلیسی:

شرکت رضوان تک

طراح و صفحه‌ار:

دکتر سمانه‌سادات سدیدپور

ناشر:

دانشگاه الزهراء (س)

ترتیب انتشار:

فصلنامه

شماره پروانه انتشار:

۲۶۹۲ - ۲۳۴۵

شماره پروانه علمی-پژوهشی:

۳/۲۶۰۹۴

شمارگان: چاپ الکترونیکی

نشانی دفتر مجله:

تهران، میدان ونک، خیابان ونک، دانشگاه

الزهراء، ساختمان خوارزمی، طبقه ششم،

پژوهشکده زنان

تلفکس: ۸۸۰۴۹۸۰۹ (۲۱) ۹۸ +

آدرس وبگاه:

<http://jwfs.alzahra.ac.ir>

پست الکترونیک:

jwfs@alzahra.ac.ir

کدپستی: ۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶

مدیر اجرایی: دکتر سمانه‌سادات سدیدپور



مطالعات زن و خانواده

حق چاپ ۱۳۹۱ پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)

همه حقوق از آن ناشر است. چاپ، باز نشر و کپی از این فصلنامه یا بخش‌هایی از آن، به هر شکل، نیازمند اجازه کتبی ناشر است.

چاپ شده در جمهوری اسلامی ایران

درجه علمی-پژوهشی فصلنامه مطالعات زن و خانواده، از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۹۱/۲/۱۱

شماره ۳/۲۶۰۹۴ ابلاغ شد.

طبق آیین نامه ارزیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از تاریخ ۹۹/۲/۰۸ تمامی نشریات مصوب، نشریات علمی

تقدادمی شوند.

راهنمای نویسندگان

فصلنامه «مطالعات زن و خانواده»، نشریه علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء^(س) است که اقدام به انتشار مقالات اصیل منتج از یافته‌های پژوهشی، مقالات کیفی، موردی و مقالات نظریه‌پردازی در حوزه زن و خانواده می‌کند.

نویسندگان محترم موظف اند جهت تسریع در فرایند بررسی و داوری، فرمت نشریه را کاملاً رعایت نمایند و پیش از ارسال مقاله نسبت به عدم ارسال همزمان مقاله به نشریه دیگر تا حصول نتیجه متعهد شوند، لذا، هنگام ارسال مقاله (فرم تعهد) و (فرم تعارض منافع نویسندگان) توسط نویسنده مسئول تکمیل و در سامانه بارگذاری شود.

این نشریه با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) بوده و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.

این فصلنامه در ارزیابی مقاله از سامانه مشابهت‌یاب «سیمیم نور» و «همیباب» استفاده می‌کند.

مقالات را دو داور، داور تطبیقی و دبیر تخصصی ارزیابی می‌نمایند و در هر مرحله از ارزیابی امکان عدم پذیرش مقاله وجود دارد.

پس از صدور نامه پذیرش، هیچ‌گونه تغییری در اطلاعات شناسنامه‌ای مقاله داده نخواهد شد، لذا نویسندگان محترم در هنگام ثبت مقاله در سامانه مجله، اطلاعات همه نویسندگان مقاله را به طور دقیق به فارسی و انگلیسی ثبت نمایند. بعد از انتشار مقاله، دفتر مجله هیچ تعهدی نسبت به تغییر اطلاعات نویسندگان ندارد.

اجزای یک مقاله

یک مقاله پژوهشی به ترتیب شامل بخش‌های زیر است:

- عنوان مقاله به فارسی (B Zar-Bold: 14)
- نام نویسندگان (به ترتیب) (B Nazanin: 12) و وابستگی سازمانی آن‌ها در پانویس (9) (B Mitra) (نویسنده مسئول) در مقابل وابستگی نویسنده مسئول قرار گرفته و ایمیل وی درج می‌شود.
- تیتیر چکیده (B Nazanin: 14) و متن چکیده کوتاه (بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ واژه) به زبان فارسی (B Nazanin: 11)
- چکیده فارسی و چکیده انگلیسی باید منطبق برهم بوده، در مقالات پژوهشی شامل مقدمه و هدف پژوهش، روش‌شناسی، نمونه و شیوه نمونه‌گیری، ابزارهای پژوهش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری است. دقت شود که بخش‌های یادشده مجزا نوشته نمی‌شوند.
- در مقالات مروری، چکیده دربرگیرنده هدف پژوهش، منابع داده‌ها، روش مطالعه، تعداد مطالعات انجام‌شده و معیارهای انتخاب، یافته‌ها (جمع‌بندی اطلاعات و ارتباط بین جملات و سازماندهی یافته‌ها و نتایج حاصل از مرور مطالعات انجام شده) و نتیجه‌گیری و کاربردهای آن در حوزه مربوطه است.
- تیتیر واژگان کلیدی (B Nazanin-Bold: 11): واژه‌ها بین ۳ تا ۵ واژه (B Nazanin: 11)

- Title of Paper (Times New Roman-Bold: 14)
- The Authors (Times New Roman-Bold: 10) and affiliation in footnote (Times New Roman: 9) (Corresponding author) is typed in front of the Corresponding author' name with an email.
- Abstract (Times New Roman-Bold: 11) the text of abstract (between 200-250 words) (Times New Roman: 11)
- Keywords (Times New Roman-Bold: 11) between 3-5 words (Times New Roman: 11)

- تیتیر مقدمه (B Lotus-Bold: 14) و متن مقدمه (B Lotus: 12)

این بخش شامل بیان هدف، مسأله، تعریف واژگان نوظهور (متغیرهای مورد مطالعه)، مروری بر پیشینه نظری و تجربی پژوهش، ضرورت مطالعه و نوآوری پژوهش به سایر پژوهش‌های مشابه است. نویسنده باید تلاش کند تا بستری مناسب (که همسو با اهداف نشریه است) برای پرداخت به موضوع مورد مطالعه پیدا کرده و با شروع از گروه مورد مطالعه، متغیرهای وابسته (ملاک) و مستقل (پیش‌بین) خود را در این بستر و در رابطه با یکدیگر یک به یک مورد توجه قرار دهد. مطالب بهم‌پیوسته باید انسجام روایی و محتوایی داشته باشد و حلقه‌های یک زنجیره را تشکیل دهد، نه زنجیره‌های گسسته و خواننده در پیدا کردن حلقه اتصال آن‌ها دچار سردرگمی شود، خلاء پژوهش و سوالاتی که در خلال پژوهش‌های پیشین به آنها پاسخ داده نشده و نویسنده قصد دارد در این مطالعه به آنها پاسخ دهد، مشخص شود.

- تیتیر روش‌شناسی پژوهش (B Lotus-Bold: 14) و متن روش‌شناسی پژوهش (B Lotus: 12)

این بخش شامل اطلاعاتی در مورد جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری و معیارهای ورود و خروج و تمامی مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه است.

- تیتیر ابزارهای پژوهش (B Lotus-Bold: 14) و متن ابزارهای پژوهش (B Lotus: 12)

این بخش شامل اطلاعاتی در مورد سازنده، سال، تعداد گویه‌ها، خرده‌آزمون‌ها، طیف نمره‌گذاری، شیوه نمره‌گذاری، روایی و پایایی ابزار در پژوهش‌های داخلی و خارجی (ترجیحاً در نمونه مشابه با پژوهش حاضر) و پایایی ابزار در پژوهش حاضر باشد)

- تیتیر شیوه اجرای پژوهش (B Lotus-Bold: 14) و متن شیوه اجرای پژوهش (B Lotus: 12) این بخش شامل نحوه گردآوری داده ها و مراحل اجرای پژوهش اعم از اخذ مجوزها، نحوه رعایت اخلاق پژوهش، کسب رضایت شرکت کنندگان و حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی و... است.
- تیتیر یافته‌ها (B Lotus-Bold: 14) این بخش شامل خلاصه‌ای از یافته‌های بدست آمده از داده‌های جمع‌آوری شده و نتایج مربوط به تحلیل آزمون‌های آماری است که در قالب جداول و نمودارها گزارش می‌شود. تعداد جداول حداکثر تا ۴ جدول و تعداد نمودارها نیز حداکثر ۳-۲ نمودار است. مفروضه‌های اجرای آزمون آماری به کار رفته در پژوهش در قالب متن و نه جدول پیش از گزارش جداول بیان شود.
- عناوین جداول (بالای آن و وسط چین) (B Nazanin-Bold: 11) و متن جدول (B Nazanin: 11) باشد. تمامی اعداد در جداول و نمودارها به فارسی و با دو رقم اعشار (علامت /) گزارش می‌شوند.
- تیتیر بحث و نتیجه‌گیری (B Lotus-Bold: 14) این بخش به خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش اشاره دارد و به تفسیر و شرح آنها می‌پردازد، همسویی و ناهمسویی نتایج با یافته‌های پژوهش‌های مشابه قبلی مقایسه و با استفاده از مباحث نظری پرداخت شده در بخش مقدمه، تبیین می‌شوند، لذا نویسنده ابتدا پس از بیان هدف پژوهش و یافته‌های پژوهش به صورت مجزا، به بیان پژوهش‌های همسو و ناهمسو پرداخته و صرفاً بر اساس پیشینه تجربی و نظری بحث شده در مقدمه (ونه دریافت‌های شخصی نویسنده) به تبیین این همسویی و ناهمسویی می‌پردازد. و در پایان، پس از ذکر محدودیت‌های پژوهش، پیشنهادات برخاسته از نتایج پژوهش و کاربرد نتایج در عمل برای پژوهشگرانی که ممکن است در حوزه پژوهش حاضر مطالعه کنند، بیان می‌شود.
- در این بخش از کلی‌گویی‌های بی‌مورد چون توصیه به دست‌اندرکاران و مسئولین و برگزاری کارگاه و آموزش و... خودداری نموده و کاربرد عینی نتایج پژوهش خود را در حوزه مربوطه بیان کنید.
- تیتیر ملاحظات اخلاقی (B Lotus-Bold: 14) شامل تیتیرهای جزئی‌تر (B Lotus-Bold: 11) به قرار زیر است: رعایت اخلاق پژوهش (B Lotus-Bold: 11): شامل کد اخلاق، مجوزهای اخذ شده، مستخرج از رساله و سال دفاع، مستخرج از طرح پژوهشی و بیان کد طرح (یا شماره و تاریخ قرارداد) با ذکر رعایت اصول اخلاق پژوهش‌های انسانی یا غیرانسانی است. (B Lotus: 11) حمایت مالی (B Lotus-Bold: 11): حمایت مالی دریافت شده از سازمان یا موسسه برای انجام پژوهش را ذکر کنید و چنانچه بدون حمایت مالی صورت گرفته است، قید کنید. (B Lotus: 11) سهم نویسندگان (B Lotus-Bold: 11): نقش هریک از نویسندگان و نوع همکاری آن‌ها در پژوهش و نگارش مقاله حاضر به ترتیب مشخص شود. (B Lotus: 11) تضاد منافع (B Lotus-Bold: 11): در یک عبارت بیان شود که آیا پژوهش حاضر با منافع شخصی یا سازمان خاصی تعارض منافع دارد یا نه؟ (B Lotus: 11) تشکر و قدردانی (B Lotus-Bold: 11): در این قسمت، از کلیه افراد حقیقی یا حقوقی که در اجرا، تحلیل یا در نقش مشاور به پژوهش حاضر کمک کرده‌اند، با ذکر دلایل سپاس، قدردانی شود.
- تیتیر منابع فارسی (B Lotus-Bold: 14) کلیه منابع مندرج درون متنی باید به ترتیب حروف الفبا (نام خانوادگی) و به سبک APA نسخه ۷ در این بخش تنظیم شوند. (B Lotus: 11) نکات مورد توجه:
 - ۳۰٪ از منابع مورد ارجاع مقاله باید مربوط به ۵ سال اخیر باشد.
 - ارجاع به رساله، صرفاً در مقطع دکتری به صورت محدود و در ضرورت صورت گیرد.
 - منابع مورد ارجاع از نشریات معتبر نمایه‌شده در نمایه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی صورت گیرد.
 - تعداد منابع مورد ارجاع در مقالات پژوهشی کم‌تر از ۳۰ منبع و در مقالات مروری کم‌تر از ۵۰ نباشد. (لازم به ذکر است مقاله مروری، با مقاله آرشویی یا کتابخانه‌ای متفاوت بوده و فقط از صاحب‌نظران حوزه مربوطه قابل انتظار و دریافت است، به گونه‌ای که بخشی از ارجاعات مقاله، حاصل سال‌ها پژوهش و مطالعات محقق در حوزه مربوطه است).
 - تک‌تک ارجاعات درون‌متنی و پایان‌متنی باید با هم مطابقت داشته باشند، به گونه‌ای که هر منبع درون‌متنی به صورت هایپرلینک منبع پایان‌متنی را نشان دهد.
 - منابع دارای DOI را حتماً با ذکر شناسه دیجیتال ذکر کنید.
 - از ارجاع به مقالات همایش بپرهیزید.
 - پس از ذکر هر منبع پایان‌متنی داخل کروشه [Link] لینک منبع مذکور را به صورت هایپرلینک ارجاع دهید، به گونه‌ای که با کلیک بر روی [Link] بتوان به منبع ارجاع شده، دست یافت. برای چگونگی هایپرلینک منابع درون‌متنی یا پایان‌متنی بر روی این لینک کلیک نمایید.

نمونه‌های از شیوه‌ارجاع به منابع پایان‌متنی به صورت مقاله، کتاب و رساله به شکل زیر گزارش می‌شوند:

ارجاع به مقاله چاپ‌شده در نشریه

احمدی، خدابخش. (۱۳۹۱). مقایسه وضعیت استحکام خانواده در خانواده‌های نظامی و غیرنظامی. *مجله علوم رفتاری*. ۶ (۱): ۳۷-۳۱. DOI: [Link]
Tang, T. L., & West, W. B. (1997). *The importance of human needs during peacetime, retrospective peacetime, and the Persian Gulf War. International Journal of Stress Management, 4(1): 47-62. DOI: https://doi.org/xxxx. [Link]*

ارجاع به کتاب تألیفی

ادیبی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). *تکه‌انگاری: فرایندی در طراحی معماری (ویراست...)*. دانشگاه تهران.
Jahoda, M. (1958). *Current concepts of positive mental health (...ed.)*. Basic Books Publisher. [Link]

- کتاب ترجمه‌ای چاپی مثال:

احمدی، علی. (۱۳۸۱). فن نشر کتاب. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی و هوشنگ خوش‌آموز. سمت. [Link]

ارجاع به وب‌سایت

دیلمقانی، میترا. (۱۳۷۸). دانشگاه‌های مجازی: چالش‌ها و ضرورت‌ها. مقاله ارائه شده به کنفرانس آموزش الکترونیکی ایران. بازبایی‌شده در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵. به نشانی: <http://www.wsu.edu/0dee/GLOSSARY/ARETE.HTM>.
Hooker, R. (1996). *Arete*. Retrieved April 7, 1999 from the World Wide Web: <http://www.wsu.edu/0dee/glossary/arete.htm>. [Link]

ارجاع به پایان‌نامه و منابع منتشرنشده

خامسان، احمد. (۱۳۷۴). بررسی مقایسه‌ای ادراک خود در زمینه تحولی و سلامت روانی. رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، چاپ نشده.
ارجاع به فصلی از کتاب

Jahoda, M. & Jahoda, M. (1958). Title of the book chapter. In R. Hooker, & Y. Hooker (Eds.), *Title of the book* (2nd ed., pp. 15-30). Springer. [Link]

نمونه‌ای از ارجاع درون‌متنی (نقل قول غیرمستقیم) به قرار زیر است:

تعداد نویسندگان	اولین بار در متن	بارهای بعدی در متن
۱	ادیبی (۱۳۸۷)	ادیبی (۱۳۸۷)
۲	جاوید و ایزدی (۱۳۸۹)	جاوید و ایزدی (۱۳۸۹)
۳ و بیشتر	علیزاده و همکاران (۱۳۸۹)	علیزاده و همکاران (۱۳۹۱)

در ارجاعات درون‌متنی نقل قول شده از افراد مهم، روایات یا احادیث، علامت گیومه و ذکر شماره صفحات الزامی است.

تیترا (References (Times New Roman-Bold:12)

کلیه منابع انگلیسی مندرج درون‌متنی باید به ترتیب حروف الفبا (نام خانوادگی) و به سبک APA نسخه ۷ در این بخش تنظیم شوند. (Times New Roman-10)

چنانچه مقاله در مرحله داوری نیازمند اصلاح تشخیص داده شد، نویسنده موظف است همه منابع فارسی مندرج در بخش منابع فارسی پایان‌متنی را با مراجعه به سایت انگلیسی (منبع استخراج و در بخش منابع لاتین (با رعایت حفظ ترتیب الفبا) درج کند و چنانچه منبع یادشده دارای DOI است، در انتهای منبع قراردهد. در آخر هر منبع فارسی به انگلیسی برگردانده شده (text in Persian) نوشته شود.

سخن سردبیر

پژوهش در علوم انسانی و به صورت خاص رشته‌ها و موضوعات ویژه و پرکاربرد و مورد مراجعه عصر حاضر از دغدغه‌های اندیشمندان خصوصاً در رشته‌ها و گرایش‌هایی است که آسیب‌های اجتماعی با آن ارتباط و تعلق خاص دارد و بدون شک برنامه‌ریزی صحیح و علمی در این زمینه نیازمند پشتوانه پژوهشی استوار با رویکردهای گوناگون بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای است.

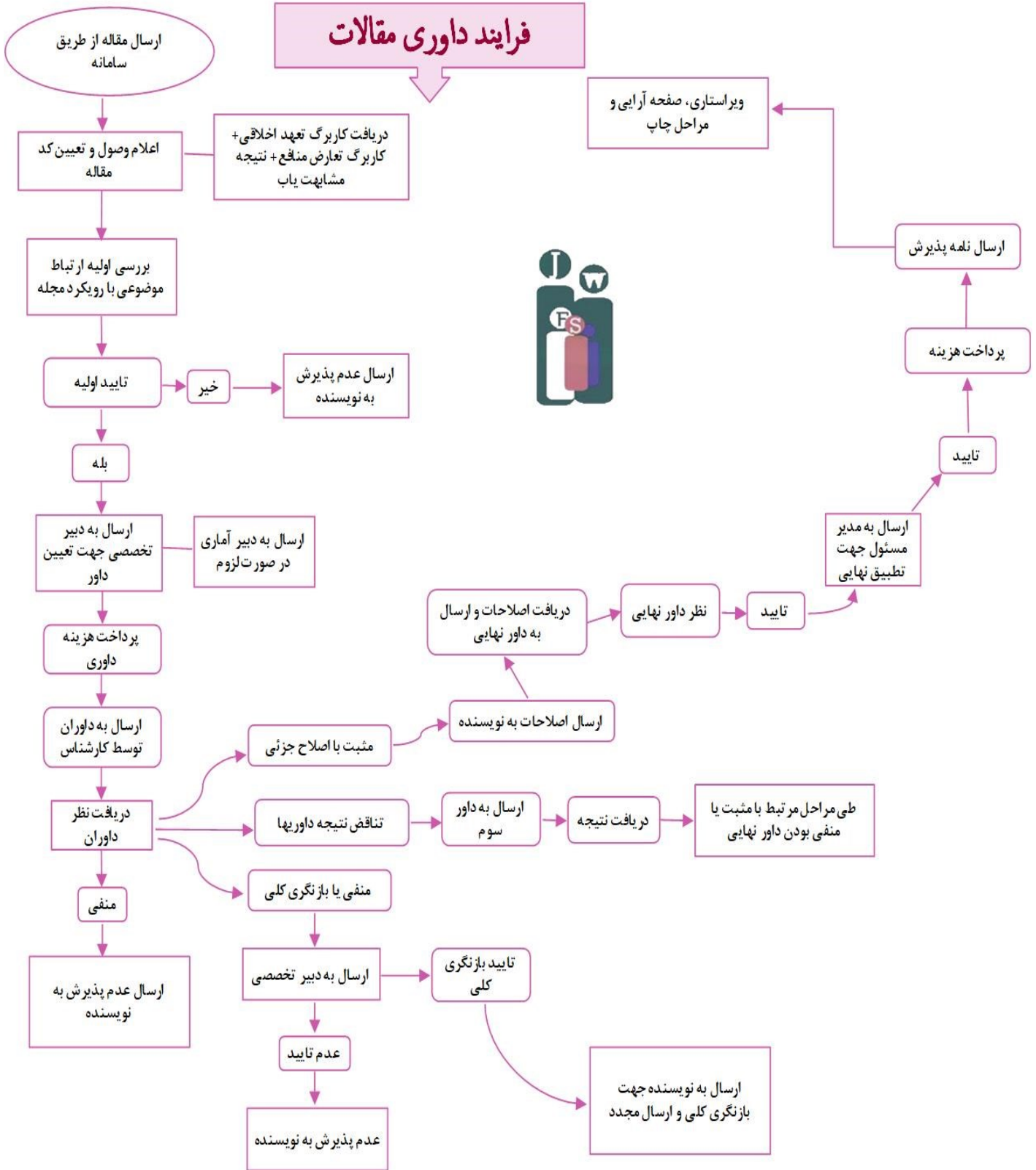
مسأله تولید علم و نظریه‌پردازی‌های جدید خصوصاً در زمینه زن و خانواده که از چالش‌های جدید عصر حاضر به شمار می‌رود، ابعاد گوناگونی را در ساحت‌های حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی و فرهنگی به خود اختصاص می‌دهد و تأثیر و تأثر مستقیم و غیرمستقیم این امور با نهاد خانواده به صورت خاص و جنس زن به صورت عام ضرورت تعمیق امور پژوهشی و بومی‌سازی آن‌را دوچندان می‌کند.

فصل‌نامه «مطالعات زن و خانواده»، نشریه علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (س)

سعی دارد تا مقالات اصیل منتج از یافته‌های مقالات نظریه‌پردازی و دارای ایده نو در حوزه زن و خانواده را در اولویت چاپ قرار دهد.

نشریه حاضر از راه‌آورد‌های تحقیقی نو و مقالات پژوهشی علمی و کاربردی استقبال می‌کند که موضوعات مورد نیاز جامعه ایران را در زمره اهداف راهبردی خویش قرار داده است.

فرایند داوری مقالات



فهرست مطالب

- ۱۰-۳۵ ● مطالعه کیفی پیامدهای تجرد قطعی دختران
اکبر طالب پور؛ معصومه بیرانوند
- ۳۶-۶۰ ● شناسایی نگرش مشاوران خانواده نسبت به علل پیدایی روابط فرازنشویی زوجین شهر تهران
محمدحسین افشاری کرمانی؛ حمیدرضا یزدانی؛ محمدحسین هاشمیان
- ۶۱-۸۳ ● نقد و بررسی دیدگاه مشهور فقهاء امامیه در عدم وجوب استبراء زانیه غیر باردار
عبدالصمد علی آبادی
- ۸۴-۱۰۶ ● روایت پژوهی زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)
فاطمه صدرنبوی؛ مجید فولادیان؛ هانیه دانشور؛ مریم آقاسی زاده
- ۱۰۷-۱۳۱ ● حقوق زنان در کشاکش عرف و شرع: مواجهه زنان با چالش های برخورداری از حق اشتغال و استقلال مالی
مریم رحیمی سجاسی؛ طوبی شاکری گلپایگانی؛ عبدالحسین کلاتتری
- ۱۳۲-۱۵۱ ● تدوین چارچوب آموزشی توسعه قابلیت های وجودی مادران ایرانی: یک پژوهش کیفی
فهیمة کشاورزی؛ بابک شمشیری



Original Research

Qualitative Study of the Consequences of Definite Celibacy in Girls

Akbar Talebpour^{1*}  Masoumeh Beiranvand² 

¹Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author) a.talebpour@alzahra.ac.ir

² MA in, Social Sciences, Ayatollah Ozma Borujerdi University, Borujerd, Iran.

Background & Purpose

Refusal to marry causes population imbalance, low fertility, abnormal behavior, disenfranchisement, increased social harm, loss of opportunities, and physical and psychological consequences. The study of internal and external studies in the field of definitive celibacy has shown different and sometimes different views in this field;

Zarean (2018) showed Singles divide single life into harmful and enjoyable forms, and the enjoyable form of single life is one of the reasons in delaying marriage (Zarean, 2018: 99). Modarresi Yazdi et al. (2017) in examining the causes of social isolation of single girls showed The social isolation of single girls is relatively high (Modarresi et al., 2017: 133-137). Hosseini and Izadi (2016) found; Despite the differences in the causes of celibacy (voluntary and involuntary), most definite persons of celibacy have dual feelings of celibacy; on the one hand, they are satisfied with the independence and freedom resulting from celibacy; On the other hand, they feel lonely and advise others to get married (Hosseini et al; 2016: 55-63).

Chaboki (2016) has identified three central categories: an idealistic view of marriage, a change in view of girls' position in the family, and social conditions that reduce the attraction of marriage are among the reasons for the spread of definite celibacy (Chaboki, 2016: 102-119).



Awosan and Hardy (2017) showed that there are different about development and perpetuation of romantic relationships and definite celibacy that are related to the social, historical and cultural contexts of individuals (Awosan & Hardy, 2017: 463-469).

Adamczyk (2016) considers the promotion of individual lifestyle and new demographic pattern as effective factors in reducing marriage. According to him, while traditional norms forced people in society, especially girls, to marry, but new norms do not impose them to marry (Adamczyk, 2016: 22-24).

Yu (2016) showed; The pattern of delayed marriage is increasing in South Korea among those born after 1970 who turned 45 in 2016 (Yoo, 2016: 1045-1075). Ntoimo and Abanieh (2014) found; Economic independence and empowerment, individual preferences of spouse choice, family factors, cultural beliefs and higher education have been factors in girls' reluctance to marry in Nigeria (Ntoimo & Abanieh, 2014: 390-395).

Given the aforementioned effects of definite celibacy, as well as the different reasons for this phenomenon from the perspective of many researchers, it seems that examining the consequences of this phenomenon from the perspective of experienced people as people who have qualified themselves, can be in charge of reduce regular injuries and prevent overgrowth.

Method

The present study was conducted by using a qualitative method and qualitative content analysis was used to analyze the data. Qualitative content analysis is the same as content analysis or in fact theme analysis (Neondorf, 2016: 78). The respondents were 23 single girls over 45 years who were selected using purposive sampling. In the data analysis process, the method of inductive qualitative content analysis was considered. Coding and analysis of research data was performed in the platform of MAXQDA2020 software. Kappa agreement coefficient was used to calculate the reliability and for the validity of the research, review of studies, parallel data acquisition technique and data analysis were used. In addition, members' validation technique was used to validate the research findings.

Results

The consequences of celibacy were definite in the form of the following:

Giving up the idea of marriage: Increasing the age of marriage is the kind that has left girls with despair and abandonment of marriage.

Vulnerability to loneliness: Lack of security, fear of the coming years, premature physical incapacity, feelings of inadequacy and dissatisfaction were some of the obvious examples of loneliness.

The rhetoric of past regrets: the regret of lost opportunities, the loss of the opportunity to become a mother, the feeling of being overwhelmed, etc. were the regrets of single girls.

The stigma of celibacy: Attributing objections and obscene labels like a furry girl, along with the sarcasm and ridicule of those around you, leads to the stigma of celibacy.

Social helplessness: Single girls experience more discrimination than single boys, which leads to girls' social helplessness.

Conclusion

Although the phenomenon of definite celibacy arises from different contextual, causal and structural conditions and contexts that may have differences among girls, but this phenomenon has the same consequences for individuals in the target community. The results of the study showed; Abandoning the thought of marriage, the vulnerability of loneliness, the rhetoric of past regrets, the stigma of celibacy and social helplessness as definite consequences of celibacy can cause frustration, feelings of weakness and helplessness for singles, and spread general depression and anxiety in society. Considering the field observations of researchers and the results of previous domestic and foreign studies, it seems that the consequences of definite celibacy will become more apparent with increasing age of singles, and these people in various fields such as; Social, medical, etc. in next future years will need more care and the burden of health and social care will increase, so it is necessary for trustees to take measures to reduce the consequences of definite celibacy from one hand and prevent definite celibacy on the other, As part of such arrangements, the following suggestions are propose;

1. Prevent the abandonment of the idea of marriage through the public media with a focus on the value of marriage and provide the necessary incentives to married people.

2. Facilitate the grounds for accepting custody of orphaned children by single girls in order to reduce the rhetoric of maternal regret and also to create grounds for the growth and excellence of orphaned children.



3. Simultaneous culture building in the field of reducing the stigma of celibacy on the one hand and avoiding the transformation of definite celibacy as a kind of lifestyle on the other hand.

4. Reduce the social helplessness of single girls and reduce the feeling of despair and helplessness of life in society in order to have a desirable life as a cultural view.

Ethical Considerations

High sensitivity of this topic required the informed consent of the research participants, so all participants expressed their informed consent to the topic before the interview, and as a moral commitment, the participants had the right to withdraw at any stage of the research, giving sufficient time to Understanding the interview questions, maintaining the anonymity and confidentiality of the respondents' personal information, as well as honest analysis and interpretation based on respecting the rights of stakeholders were other ethical principles that the authors considered.

Funding: The study was conducted at the personal expense of researchers.

Authors' contribution: In conducting this research, the first author; A,T was responsible for data analysis and the second author; M,B was responsible for conducting the interview.

Conflict of interest: This research is not in conflict with personal or organizational interests.

Acknowledgments: The authors would like to thank all the participants in this study.

References

- Adamczyk, K. (2016). *Singlehood from Individual and Social Perspectives*. Ph. D. Thesis, Institute of Applied Social Sciences, University of Warsaw, Poland. [[link](#)]
- Awosan, C. L. & Hardy, K. V. (2017). Coupling Processes and Experiences of Never Married Heterosexual Black Men and Women: A Phenomenological Study. *Journal of Marital and Family Therapy*, 43 (3). [[link](#)]
- Azad Armaki, T. (2007). *Sociology of Iranian family*. Tehran:Sama Pub. (text in Persian).
- Becker, G. (1976). *The Economic Approach to Human Behaviors*. Chicago university Of Chicago press.
- Berg-Cross, L. , Scholz, A. , Long, J, Grzeszyk, E. & Roy, A. (2004). Single Professional Women: AGlobal Phenomenon Challenges and opportunities. *Journal of International Women's Studies*, (5):34-59.
- Chaboki, O. (2016). Causes of girls' Spinster in Tehran. *Journal of Iranian Social Studies*, 10 (2. 3), 102-123. [[link](#)] (text in Persian).

- Douglas H. (2010). *Spinster Defined*. Online Etymology Dictionary. Dictionary. com Unabridged. Retrieved 5 June.
- Ferguson, S. (2000). Challenging Traditional Marriage: Never Married Chinese and Japanese American Women. *Gender and Society*. 14 (1).
- Ghanbaribarzain, A., Salmanvandy, S. & Fatemi, N. (2018). An Analysis of the Impact of Premarital Sexual Relations on Marriage Orientation (Case study: Students of University of Isfahan). *Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan*, 7 (3), 33-54. doi: 10. 22108/ssoss. 2019. 113584. 1325. [link] (text in Persian).
- Creswell, J. W. (2019) *Research Project: Qualitative, Quantitative and Combined Approaches*, Translated by Alireza Kiamanesh Tehran, Jihad Daneshgahi Pub. (text in persian).
- Hosseini, S. & Izadi, Z. (2016). The Phenomenology of lived Experiences Of Women Over 35 Years of Age Who Have Never Married In Tehran. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14 (1), 41-72. doi: 10. 22051/jwsp. 2016. 2332. [link]. (text in persian).
- Karimi, K. (2009). *A study of changes in marriage indicators in Iran during 1375 to 1385*. The fourth conference of the Iranian Demographic Association. Tehran. (text in persian).
- Maitra P. (2004). Effect of Socio-Economic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal. *Journal of Health and Population*, Vol. 22, No. 1: 69-84.
- Neondorf, K. A. (2016). *The Content analysis guidebook*. Second edition, London Sage pub. [link]
- Modarresi Yazdi, F. , Farahmand, M. & Afshani, S. A. (2017). A Study on Single Girls' Social Isolation and Its Effective Socio-Cultural Factors: A Study on Single Girls over 30 Years in Yazd. *Journal of Social Problems of Iran*,. ;8 (1), 121-143. [link]. (text in persian).
- Ntoimo Lorretta F. C. & Abanihe. Uche, I. (2014). Determinants of Singlehood: A Retrospective Account by Older Single Woman in Lagos, Nigeria. *Population Studies*. 27 (2), 386-397. [link]
- Parker, K., Wang, W., & Rohal, M. (2014). *Record shere of Amercians Have never married: As ralues, Economice and Gender patterns change*. washing ton, D. c: pew Research center's asocial: demographic Trends project, September.
- Qaderzadeh, O., Gholami, F., & Gholami, E. (2017). Semantic reconstruction of girls' lived experience of singleness. *Woman in Development & Politics*, 15 (3), 403-426. doi: 10. 22059/jwdp. 2017. 223685. 1007116. [link]. (text in persian).
- Riea, S. , & Issa, A. (2003). *Career planning in Spain: Do temporary contracts delay and motherhood*.
- Sakhavat, Jafar. *Sociology of social deviations*. Tehran: Payame Noor Pub. (text in persian).
- Schroeder, R. (2003). *The meaning of marriage: an exploratory study of why women choose to marry*. Unpublished PhD Dissertation: Trinity western university.
- Segalan, M. (1992). *Historical Sociology of the Family*. Hamid Elyasi Translation, Tehran, Center Publishing.
- Strauss, A., & Carbin, J. (1391). *Fundamentals of qualitative research (techniques and stages of grounded theory)*. Translated by: Ebrahim Afshar. Tehran: Ney Pub. (text in Persian)
- Yoo, S. H. (2016). Post ponement and recup eration cohort marriage: The



- experience of south south korea. *Demographic Research*. 35 (35): 1045-1078. [\[link\]](#)
- Yoshid, A. (2017). Unmarried Woman in Japan: the Drift into Singlehood. Research on Gender in Asia Series. London & Newyork: Routledge. [\[link\]](#)
- Zarean, M. (2018). Investigation of the reasons for delayed marriage from the viewpoint of female students in Tehran. *Journal of Woman and Family Studies*, 6 (2), 86-110. doi: 10. 22051/jwfs. 2017. 14955. 1426. [\[link\]](#). (text in persian).



مطالعه کیفی پیامدهای تجرد قطعی دختران

اکبر طالب پور*^۱ معصومه بیرانوند^۲

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

چکیده

تجرد قطعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که دختران تا ۴۵ سالگی موفق به ازدواج نشده و از تشکیل خانواده بازمی‌مانند، این پدیده پیامدهای اجتماعی و فردی زیادی از جمله: کاهش تعداد مولید، کاهش نرخ رشد جمعیت، عدم جایگزینی نسلی، تنهایی و... دربردارد که نیازمند بررسی و توجه جدی است. از همین رو مطالعه حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی پیامدهای ناشی از تجرد قطعی براساس تجربه زیسته این دختران پرداخته است. مشارکت‌کنندگان ۲۳ نفر از دختران مجرد قطعی بودند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. مصاحبه با این افراد تا رسیدن به اشباع نظری و کشف مضامین اصلی پژوهش ادامه یافت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA ۲۰۲۰ تحلیل شدند. جهت اعتبارپذیری داده‌ها از مرور مطالعات و تکنیک کسب اطلاعات موزی و تثلیث، ارائه تحلیل‌های داده‌ای و برای کسب پایایی، از ضریب توافق کاپا استفاده گردید که با مقدار ۰/۷۸ پایایی تأیید قرار شد. نتایج پژوهش نشان داد تجرد قطعی منجر به پیامدهای ناخواسته‌ای می‌شود که کلیت جامعه را به طور اعم و افراد جامعه هدف را به‌طور اخص با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد. مضامین اصلی پیامدهای تجرد قطعی شامل: رهاکردن تفکر ازدواج، آسیب‌پذیری تنهایی، واگویی حسرت‌های گذشته، داغ‌نگ ناشی از تجرد و در ماندگی اجتماعی بود. هریک از این پیامدها می‌توانند به‌عنوان یک آسیب اجتماعی مطرح شوند؛ بنابراین نیاز به سیاست‌گذاری اجتماعی مناسب در زمینه کاهش تجرد قطعی بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

واژگان کلیدی

تحلیل محتوای کیفی، نرم‌افزار MAXQDA، تجرد قطعی، ضریب توافق کاپا، نمونه‌گیری هدفمند.

ارجاع به مقاله:

طالب پور، اکبر و بیرانوند، معصومه. (۱۴۰۱). مطالعه کیفی پیامدهای تجرد قطعی دختران. مطالعات زن و خانواده، ۱۰ (۱)، ۱۰-۳۵. doi: 10.22051/JWFS.2022.38040.2783

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

a.talebpor@alzahra.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران.



مقدمه

با گذر زمان و تحولات ساختاری جامعه و همچنین تغییرات اساسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد شده عصر مدرن، الگوهای سن ازدواج دگرگون شده، و شاهد پدیده‌هایی همچون؛ جوانانی که فرصت ازدواج نیافته‌اند، جوانانی که به دلیل سن غلط اجتماعی خانه‌نشین شده‌اند و جوانانی که آگاهانه و عامدانه مدت زیادی از عمر خود را مجرد می‌مانند، هستیم (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

داگلاس^۱ (۲۰۱۰) زنانی را مجرد قطعی در نظر گرفته است از سن متناسب ازدواج عبور کرده‌اند، در فرهنگ آکسفورد نیز تجرد قطعی زنان شامل زنان مسنی می‌شود که سن مناسب ازدواج را پشت سر گذاشته‌اند، باین حال سن تجرد قطعی در زنان و مردان در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف تفاوت‌هایی دارد و حتی برخی پا را فراتر از این گذاشته و از بی‌معنا و مفهوم بودن تجرد قطعی بحث نموده‌اند. هرچند در ایران باتوجه‌به تعاریف و برداشت‌های مختلف، شروع سن تجرد قطعی دختران بین ۴۰ تا ۵۰ سال در نظر گرفته می‌شود اما به‌طورکلی تجرد قطعی وضعیتی است که احتمال ازدواج افراد پس از سن خاص وجود نداشته باشد و این شاخص معرف کسانی است که تقریباً هرگز ازدواج نمی‌کنند؛ دامنه سنی تجرد قطعی برای زنان ۴۵ سال و برای مردان حدود ۴۹ سالگی است. افزایش سن ازدواج و بروز تجرد قطعی در جامعه، ناشی از مشکلاتی است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه پدیدآمده است و نه فقط در ایران، بلکه در کشورهای توسعه‌یافته نیز مشاهده شده است. براساس داده‌های آخرین سرشماری مرکز آمار ایران تجرد قطعی زنان در سال‌های ۱۳۴۵، از (۰/۸۴) تا ۱۳۷۵، (۱/۱۹) روند رو به افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۵ به (۳/۷۳) و به بیش از سه برابر رسیده است، همچنین آمارهای رسمی نشان می‌دهند تا اواسط سال ۱۴۰۰ شمسی حدود ۵ درصد از زنان و ۴ درصد از مردان کشور به تجرد قطعی رسیده‌اند (درگاه سازمان آمار ایران، ۱۳۹۵).

تأخیر در آن، اغلب موجب نامتعادل شدن جمعیت، کاهش باروری، نابهنجاری‌های رفتاری، گسترش آسیب‌های اجتماعی، ازدست‌رفتن فرصت‌ها و عارضه‌های جسمی و روانی خاصی در افراد جامعه می‌گردد. در حال حاضر تأخیر در سن ازدواج نه به‌عنوان یک مسئله شخصی بلکه به‌عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح شده است و پدیده تجرد به‌صورت یک مشکل عمومی درآمده است که خانواده‌های ایرانی با آن روبه‌رو هستند (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷: ۱۰).

بررسی علل تجرد قطعی دختران ۴۵ سال به بالا، نقش تغییرات ارزشی در سطوح فردی، تغییر جایگاه دختران در خانواده، و تغییر شرایط اجتماعی در جهت کاهش جاذبه ازدواج را نشان می‌دهد. ارزشمند شدن تحصیلات و اهمیت استقلال و آزادی زنان، ترس از تشکیل خانواده به‌خاطر احتمال خیانت مرد، طلاق و یا محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی، رضایت از زندگی مجردی از مواردی است که حاکی از این امر هست که ارزش‌های تعیین‌کننده ازدواج از ارزش‌های سنتی و اسلامی فاصله گرفته

^۱. Douglass

و به انگاره‌های آرمان‌گرایانه تغییر مسیر داده‌است، به‌زعم رونالد اینگلههارت^۱ جریان تغییر ارزش‌ها به دلیل توجه و تمرکز زنان به مباحث ماورای تأمین اقتصادی و ارزش‌های مادی صرف رخ داده‌است. با عنایت به این امر توجه صرف به پدیده مجرد قطعی بدون توجه به جریان تغییر ارزش‌ها در جامعه راه به جایی نخواهد برد.

لازم است علاوه بر علل مجرد قطعی، به پیامدهای این پدیده نیز توجه جدی شود تا روندهای آتی تغییرات در جامعه مشخص شود. بدیهی است که پیامدهای پدیده مجرد قطعی نیازمند بررسی بیشتری هست. این پدیده به‌عنوان یک آسیب اجتماعی دارای عوارضی مانند غم، افسردگی، بی‌انگیزگی، بی‌هدفی و احساس محرومیت، و تغییر الگوی باروری و کاهش رشد جمعیت و از بین رفتن تعادل هرم جمعیتی و در نتیجه پیری جمعیت برای جامعه هست. با توجه به پیامدهای منفی پدیده مجرد قطعی برای دختران، بررسی پیامدهای این پدیده از دیدگاه افراد دارای تجربه زیسته با استفاده از رویکرد کیفی حائز اهمیت دوچندانی بوده و می‌تواند به متولیان امر در زمینه کاهش آسیب‌های مترتب بر این پدیده از یک سو و پیشگیری از افزایش پدیده موردنظر از سوی دیگر کمک کند.

باتوجه به هرم جمعیتی کشور و پنجره جمعیتی که در حال بسته‌شدن قرار دارد و همچنین توجه به رشد بسیار بالای سالمندی در ایران، رسیدن به یک الگوی بومی کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی در این زمینه می‌تواند بخشی از دغدغه‌های موجود در این زمینه را تحت پوشش قرار دهد. پرواضح است که پیامدهای مجرد قطعی در حال حاضر به‌سان کوه یخ شنوری در بین سایر مسائل و پدیده‌های اجتماعی در ایران است که در حال حاضر ما قادر به مشاهده بخش بسیار کوچکی از این معضل هستیم. در سال‌های آتی بخش‌های بیشتری از مشکلات این پدیده قابلیت مشاهده پیدا خواهند نمود، از منظر جامعه‌شناسی پیامدهای پدیده‌هایی از جنس مجرد قطعی سالیان درازی زمان می‌برد تا خود را به‌طور ملموس در افراد و جامعه نشان دهند و چنین پدیده‌هایی به محض وقوع پیامدهای خود را نشان نمی‌دهند بلکه در بلندمدت افراد و جامعه متوجه مسائل مرتبط با آن می‌شوند. از همین رو، مطالعه حاضر به بررسی پیامدهای مجرد قطعی با روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA2020 پرداخته‌است تا از این طریق پیامدهای فعلی و آتی این پدیده را بشناسد و درحقیقت راهکارهایی از دو منظر ارائه شوند؛ از یک سو این راهکارها معطوف به کاهش مجرد قطعی علی‌الخصوص در میان زنان جامعه شود و از سوی دیگر به کاهش آسیب‌های برآمده از مجرد قطعی در شرایط فعلی و برنامه‌ریزی آتی به‌منظور کاهش چنین آسیب‌هایی در آینده شوند.

^۱.Ingelhardt



مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس نظریه آنومی امیل دورکیم، به وجود آمدن مسئله اجتماعی مثل تأخیر در ازدواج جوانان، ناشی از تضعیف هنجارهای اجتماعی است. وقتی تغییرات ساختاری ناشی از پیشرفت و پسرقت سریع اقتصاد، یک ساخت هنجارمند را بهم بریزد و امیال از قید هنجارها آزاد شوند و منابع اقتصادی اجتماعی برای پاسخ به خواشها محدود باشد و رقابت برای رسیدن به اهداف دست نیافتنی افزایش یابد، فرد نمی داند که نمی تواند به هر خواش دست یابد و لذت در رقابت است و هدف دست نیافتنی می شود در نتیجه کوششها افزایش می یابد و نتیجه کمتری حاصل می شود (سخاوت، ۱۳۷۷: ۶۷).

ویلیام گود^۱ مبنای بسیاری از مباحث تحول خانواده را سن ازدواج تلقی کرده است. به زعم وی مدرنیزاسیون از منظر فردی و اجتماعی زمان ازدواج را به تأخیر می اندازد. البته گود به عواملی همچون؛ گسترش فرصت های تحصیلی دختران و افزایش حضور در جامعه، تحولات نیروی کار و مشاغل، اشتغال زنان و شهرنشینی در این فرایند اشاره نموده است. از منظر او ازدواج بین شهرنشینان، به خاطر شیوه زندگی متفاوت و همچنین کنترل اجتماعی ضعیف تر، در مقایسه با مناطق روستایی، با تأخیر انجام می شود (گود؛ ۱۹۶۳؛ ۱۲۰).

از منظر بکر^۲ لازم است ازدواج به سان یک کالا از منظر عرضه و تقاضا بررسی شود. از دید وی، زن و مرد، شایستگی، توانمندی و ویژگی های خاصی دارند که می توانند این خصوصیات و ویژگی ها را به طرف مقابل عرضه کنند، به نحوی که قابلیت ها، شایستگی ها و مهارت های افراد برای طرف مقابل جاذبه داشته باشد. در چنین وضعیتی، زن و مرد به عرصه معامله مشترک وارد می شوند و با عقد قرارداد در راستای افزایش هم افزایی مشترک به بیشترین سطح رساندن میزان بهره وری خود تلاش می کنند. بر این اساس، افراد، زمانی به فکر ازدواج می افتند که به این باور برسند که در صورت ازدواج، منافع کسب شده برای آنان بیشتر از زمان تجرد خواهد بود (بکر؛ ۱۹۷۶، ۹۳).

دیکسون^۳ در باب الگوی ازدواج، بر اهمیت سه متغیر؛ دسترسی^۴، امکان^۵ و تمایل^۶ تأکید دارد. دسترسی با استفاده از تطابق سنی - جنسی افراد در آستانه ازدواج و روش های انتخاب همسر تعیین می شود، امکان وضعیت اجتماعی و اقتصادی را در بر می گیرد که جهت تشکیل خانواده ضروری است و در نهایت از تمایل به عنوان فشار اجتماعی یاد می شود. این فشار نه تنها پاداش اجتماعی همچون: مهر و عطوفت، پذیرش اجتماعی و کمک اقتصادی را شامل می شود، بلکه مجازات اجتماعی را از قبیل؛ انزوای اجتماعی، داغ ننگ بی فرزندی یا تجرد قطعی دنبال دارد (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۲).

^۱. Goode

^۲. Becker

^۳. Dixon

^۴. Availability

^۵. Feasibility

^۶. Desirability

برگ کراس^۱ و همکاران (۲۰۰۴) توانمندی اقتصادی زنان را از دلایل مهم به تعویق افتادن ازدواج زنان و یا انصراف آنها از ازدواج تلقی نموده‌اند. فرگوسن^۲ (۲۰۰۰) نیز افزایش فرصت‌های اقتصادی و استقلال شغلی زنان را سبب عدم تمایل زنان به ازدواج می‌داند. همچنین نظریه‌پردازان دیگری در این حوزه همچون یوشیده^۳ نابرابری‌های جنسیتی مانند سایر اشکال نابرابری قدرت در ساختار اجتماعی و فرهنگی، را به‌عنوان علت اصلی افزایش تجرد زنان محسوب‌نموده‌اند (یوشیده، ۲۰۱۷؛ ۱۰). البته چنین استدلال‌هایی بیشتر توسط فمینیست‌ها به کار برده شده است. چنین نظریه‌هایی بر گرایش به فردگرایی و سکولاریسم و فاصله‌گرفتن از سنت‌ها تأکید دارند.

آدامزیک^۴ (۲۰۱۶) نیز ترویج سبک زندگی فردی و الگوی جدید جمعیتی، را از جمله عوامل مؤثر بر کاهش ازدواج می‌داند به‌زعم وی درحالی‌که هنجارهای سنتی، افراد جامعه به‌ویژه دختران را وادار به ازدواج می‌کرد، هنجارهای جدید چنین قیودی را به افراد جامعه تحمیل نکرده و بر اصل آزادی افراد در شئون مختلف زندگی خود از جمله ازدواج تأکید دارند (آدامزیک؛ ۲۰۱۶؛ ۲۲-۲۴).

بررسی سابقه موضوع مورد مطالعه نشان می‌دهد مطالعات داخلی و خارجی چندی در ارتباط با موضوع مورد مطالعه انجام شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

زارعان (۱۳۹۷) در پژوهشی کیفی به بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان زندگی مجردی را در دو قالب؛ آسیب‌زا و لذت‌بخش در نظر می‌گیرند. براین اساس، علت تأخیر در ازدواج دختران مجرد در دو مفهوم اصلی «مناسبت درونی» و «مناسبت بیرونی» نهفته است.

مدرسی یزدی و همکاران (۱۳۹۶) در یک پژوهش پیمایشی با علل انزوای اجتماعی دختران مجرد به این نتیجه رسیدند که میزان متوسط انزوای اجتماعی در بین افراد با تجرد قطعی ۶۳/۰۹ درصد است و این مقدار نشان‌دهنده درجه انزوای به‌نسبت زیاد در بین دختران مجرد هست.

قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی کیفی و با رویکرد نظریه زمینه‌ای، تجربه زیسته دختران مجرد شهر ایوان، را مورد مطالعه قرار دادند و دریافته‌اند تثبیت عوامل پذیرفته‌شده ازدواج در قالب نهاد حمایتی، جنسیتی‌شدن فضای عمومی و تقدیرگرایی در تجرد دختران مؤثر هستند. بر این مبنا محدودیت‌های پذیرفته شده به‌سان شرایط تسهیلگر و بازنمایی وابستگی رسانه‌ای به‌عنوان شرایط مداخله‌گر عمل می‌کنند.

حسینی و ایزدی (۱۳۹۵) در یک پژوهش کیفی و به‌منظور پاسخ به سؤال پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران نشان دادند؛ علی‌رغم تفاوت در علل خودخواسته یا ناخواسته تجرد

1. Berg-Cross

2. Ferguson

3. Yoshid

4. Adamczyk

اکثریت دختران احساسات دوگانه‌ای نسبت به تجرد دارند، به‌نحوی که از یک سو از آزادی ناشی از تجرد راضی هستند، اما از دیگر سو احساس تنهایی نموده و دیگران را به ازدواج توصیه می‌کنند.

جابکی (۱۳۹۵) در پژوهشی کیفی و با مسئله روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی، داده‌ها و مفاهیم تجرد قطعی را در نه مقوله جای داد، این مقولات در قالب سه مقوله محوری: نگاه آرمان‌گرایانه به ازدواج، تغییر نگاه درباره جایگاه دختران در خانواده و شرایط اجتماعی کاهنده جاذبه ازدواج طبقه‌بندی شده‌اند که باتوجه به مقولات محوری، مقوله هسته‌ای «آرمان‌گرایی برخاسته از ارزش‌های فرامادی» شکل گرفته است.

اوسان و هاردی^۱ (۲۰۱۷) در یک پژوهش کیفی درباره مسئله کاهش ازدواج‌های سیاه‌پوستان و ظهور سیاه‌پوستانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند با استفاده از چارچوبی یکپارچه از زن‌گرایی آفریقا و تعامل‌گرایی نمادین در قالب پدیدارشناسی هرمنوتیک کیفی، از مصاحبه‌های جامع فردی برای بررسی تجربیات ۲۶ مرد و زن سیاه‌پوست ۲۵ تا ۳۵ سال هرگز ازدواج نکرده استفاده کردند. نتایج پژوهش نشان داد احساسات متفاوتی از تجربیات زندگی شرکت‌کنندگان در توسعه و پایداری روابط عاشقانه وجود دارد و همچنین پیامدهای بالینی لزوم حضور مؤثر در روابط و تجربیات عاشقانه سیاه‌پوستان را در زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی آنها را نشان دادند.

یو^۲ (۲۰۱۶) در بررسی روند تأخیر در ازدواج در میان زنان در کشور کره با انتخاب پنج کوهورت پنج‌ساله از زنان متولدشده بین سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۸۵ تغییرات نسبت تجرد را بررسی کرد. یو نشان داد که نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در سن ۳۵ و ۳۹ سالگی، در کوهورت‌های جدیدتر بسیار افزایش یافته و دو الگوی متمایز تأخیر در ازدواج در میان نسل‌های مورد مطالعه قابل مشاهده است که الگوی اول در بین نسل‌های متولد ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ که مدام در معرض تحولات سیاسی پی‌درپی مانند جنگ جهانی و جنگ کره بوده‌اند، مشاهده می‌شود و الگوی دوم، تأخیر در ازدواج در بین متولدان بعد از سال ۱۹۷۰ هست که نسبت هرگز ازدواج نکرده‌های آنها در ۴۵ سالگی در حال گسترش و افزایش هست.

نتویموه و ابانیه^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با انجام ۲۷ مصاحبه عمیق با زنان ۳۰ سال به بالای هرگز ازدواج نکرده در نیجریه، دریافتند که استقلال و توانمندی اقتصادی و همچنین ترجیحات فرد در انتخاب همسر و نیز تجربیات زناشویی زنان متأهل، عوامل خانوادگی، باورهای فرهنگی، و تحصیلات بالا از عواملی هستند که موجب عدم گرایش دختران به ازدواج شده است.

پارکر^۴ و همکارانش (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای پیمایشی در آمریکا با سؤال بررسی افزایش تأخیر در ازدواج افراد ۲۵ سال و بیشتر دریافتند که طی سال‌های (۲۰۱۲-۱۹۶۰) درصد تجرد در میان مردان ۲۵ ساله و بیشتر از ۱۰ درصد به ۲۳ درصد و در میان زنان از ۸ درصد به ۱۷ درصد افزایش یافته و اختلاف

1. Awosan & Hardy

2. Yoo

3. Ntoimo & Abanihe

4. Parker

سنی زیادی نیز بین مردان و زنان ایجاد شده است. در بین چهار گروه سفیدپوست، سیاه‌پوست، آسیایی و اسپانیایی‌زبان، بیشترین افزایش درصد تجرد به سیاهان مربوط بوده است.

مائیترا^۱ (۲۰۰۴) با مطالعه‌ای در خصوص نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی بر سن ازدواج در نپال نشان داد نوسازی با تغییر عقاید و ارزش‌های افراد، افزایش سطح تحصیلات و ارتقای موقعیت زنان بر ازدواج و تشکیل خانواده مؤثر بوده است.

در جمع‌بندی کلی با توجه به مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، می‌توان گفت ازدواج و یا عدم ازدواج تحت تأثیر عوامل ساختاری و بیرونی از یک سو و عوامل فردی و درونی از سوی دیگر است که به طور معمول برآیند این عوامل، تعیین‌کننده زمان ازدواج و چگونگی وضعیت زناشویی در جامعه خواهد بود. بدیهی است در بررسی این عوامل متذکر شویم که عوامل ساختاری از اختیار و کنترل فرد خارج هستند اما عوامل فردی و درونی بیشتر در اختیار فرد قرار دهند، اما همواره یک هماهنگی بین عوامل ساختاری و فردی وجود دارد که راهنمای افراد در ازدواج و یا عدم ازدواج محسوب می‌شود. همچنین مرور پژوهش‌ها و نظریات پیشین مرتبط با موضوع پژوهشی حاضر نشان می‌دهد پژوهش‌های مذکور عموماً در رابطه با عوامل مؤثر بر تأخیر در سن ازدواج انجام گرفته‌اند و پیامدهای پدیده تجرد قطعی تاکنون آن‌گونه که باید و شاید مورد مطالعه قرار نگرفته است. علاوه بر این، بیشتر پژوهش‌های پیشین به روش پیمایشی انجام گرفته‌اند، اما در پژوهش حاضر هدف آن بوده است که با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی معانی ذهنی مجردان قطعی مورد واکاوی و تحلیل کیفی قرار گرفته و به دنبال کشف پیامدهای این پدیده و چگونگی تأثیر آن نیز باشیم؛ بنابراین پژوهش حاضر از دو منظر؛ کشف معانی ذهنی افراد مورد مطالعه با استفاده از روش کیفی و بررسی پیامدهای پدیده تجرد قطعی به جای تأکید بر عوامل ایجادکننده این پدیده، نسبت به پژوهش‌های پیشین ارجحیت یافته است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر از روش کیفی استفاده شده است و به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی^۲ برای مطالعه پیامدهای تجرد قطعی دختران بالای ۴۵ سال استفاده شده است. معمولاً وقتی از تحلیل محتوا به عنوان یک روش نام‌برده می‌شود، تحلیل محتوای کمی مدنظر قرار می‌گیرد، اما زمانی که در تحلیل داده‌ها به آن اشاره می‌شود، منظور تحلیل محتوای کیفی است که به گونه‌ای همان تحلیل مضمون یا در حقیقت تحلیل تم است (نئوندورف^۳؛ ۲۰۱۶: ۷۸). در پژوهش حاضر نیز همان معنای تحلیل تم از تحلیل محتوای کیفی مدنظر قرار گرفته است.

در واقع تحقیق حاضر تلاشی برای توصیف غیر کمی از موقعیت‌ها، حوادث و تلاشی برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی موردنظر جامعه هدف در موقعیت‌های طبیعی بوده و عبارت بهتر در این تحقیق

1. Maitra

2. Qualitative Content Analyses

3. Neondorf



نگاه امیک^۱ به پدیده تجرد قطعی وجود داشته است تا مقولات فکری گروه مورد پژوهش برای توصیف نگرش و رفتارهایشان مورد تأیید قرار گیرد و پیامدهای ناشی از این رفتارها بررسی شود. افراد مورد مطالعه ۲۳ نفر از دختران مجردی بودند که بالای ۴۵ سال سن داشتند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. مشخصات مشارکت‌کنندگان با اسامی مستعار آورده شده است:

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان با اسامی مستعار

ردیف	نام	سن	میزان تحصیلات	شغل
۱	مینا	۴۵	لیسانس	کارمند
۲	فریده	۵۰	ابتدایی	خانه‌دار
۳	کبری	۴۵	لیسانس	پرستار
۴	مریم	۴۷	فوق لیسانس	کارمند
۵	شهر	۵۷	سیکل	خانه‌دار
۶	سکینه	۶۵	ابتدایی	خانه‌دار
۷	زهرا	۴۷	دیپلم	کارگر
۸	اسماء	۴۵	سیکل	خانه‌دار
۹	شهناز	۴۵	سیکل	فروشنده
۱۰	عصمت	۴۵	سیکل	خانه‌دار
۱۱	لیلا	۴۵	لیسانس	پرستار
۱۲	آرزو	۴۶	فوق لیسانس	روان‌شناس
۱۳	فخری	۴۸	فوق لیسانس	پزشک
۱۴	ستاره	۴۸	لیسانس	کارمند
۱۵	کبری	۴۹	پنجم ابتدایی	خانه‌دار
۱۶	صغری	۴۹	پنجم ابتدایی	خانه‌دار
۱۷	عفت	۵۴	پنجم ابتدایی	خانه‌دار
۱۸	پریچهره	۵۵	سیکل	خانه‌دار
۱۹	روح‌انگیز	۵۷	فوق لیسانس	کارمند
۲۰	زهرا	۶۲	فوق لیسانس	معاون اداره
۲۱	زینب	۴۵	دیپلم	خانه‌دار
۲۲	زیبا	۶۳	بی‌سواد	خانه‌دار
۲۳	شهبلا	۵۲	دیپلم	خانه‌دار

فرایند استخراج داده‌ها جهت گردآوری نهایی و تحلیل تا رسیدن به اشباع نظری^۲ ادامه یافت. در روند تحلیل داده‌ها روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی مدنظر قرار گرفته است. استفاده از رویکرد استقرایی در تحلیل محتوای کیفی به این معناست که پژوهشگر قبل از شروع بررسی، تعریف یا تعمیمی را به‌عنوان پیش‌فرض قرار ندارد. پژوهش با مطالعه متن مصاحبه آغاز شده و محقق ماحصل نتایج استخراج شده را مورد تحلیل قرار داده و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند.

واحد متن در این پژوهش متن مصاحبه با افراد مورد مطالعه بود. کدگذاری و تحلیل داده‌های پژوهش در قالب نرم‌افزار MAXQDA2020 انجام شد. پایایی^۳ بین کدگذاران اغلب به‌مثابه مقیاسی

^۱. Emic

^۲. Theoretical Saturation

^۳. Validity

برای کیفیت پژوهش موردنظر است. در این مطالعه از ضریب توافق کاپا برای محاسبه پایایی استفاده شد. برای محاسبه ضریب کاپا علاوه بر محقق اصلی که اقدام به کدگذاری اولیه می‌کند، همکار دوم محقق همان متن را بدون اطلاع از کدهای او و جداگانه کدگذاری می‌کند. در صورتی که کدهای این دو محقق به هم نزدیک باشد، نشان‌دهنده توافق بالا بین این دو کدگذار است و پایایی را نشان می‌دهد. یعنی، ضریب کاپا بین +۱ و -۱ تغییر می‌کند که مقدار +۱ به معنای توافق کامل بین کدگذاران و -۱ به معنای عدم توافق و مقدار صفر ناشی از شانس و تصادفی بودن توافق است.

$$\kappa = \frac{\Pr(a) - \Pr(e)}{1 - \Pr(e)}$$

$\Pr(a)$ نسبت واحدهایی که در مورد آن‌ها بین ارزیابان توافق هست.

$\Pr(e)$ نسبت واحدهایی است که احتمال می‌رود توافق بین ارزیابان تصادفی باشد.

براین اساس، کدهای مربوطه که قبلاً محقق کدگذاری کرده بود، به صورت تصادفی انتخاب و توسط دو نفر از خبرگان مرتبط با این حوزه ارزیابی شد. ارزیابی در دو طبقه موافق و مخالف انجام گرفت؛ بدین صورت که دو ستون، موافق (با نظر محقق) و مخالف (با نظر محقق) در نظر گرفته شد و درصد توافق ارزیابان در مورد هر آیت (کد) در سطرها محاسبه شده و درصد توافق بین ارزیاب‌ها در مورد طبقات در ستون‌ها محاسبه شد. در نهایت با استفاده از فرمول ضریب توافق کاپا، مقدار کاپای به دست آمده حدود ۰/۷۸ بود که حاکی از اعتبار قابل قبول و توافق بین کدگذاران است و نشان می‌دهد کدگذاری انجام شده از پایایی کافی برخوردار هست. برای اعتبارپذیری پژوهش نیز از تنوری‌ها و مرور مطالعات و از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی و ارائه تحلیل داده‌های و نتایج به اساتید و متخصصان امر و اخذ نظر آنان استفاده شده است. علاوه بر این برای بررسی اعتبار یافته‌های پژوهش با استفاده از تکنیک اعتبار اعضا^۱ نیز انجام شد اساس این تکنیک بر این فرض استوار است که نتایج پژوهش و تفاسیر محقق در اختیار افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد و آن‌ها بر اساس این نتایج نظر خود را اعلام می‌کنند که آیا نتایج پژوهش با دیدگاه‌های آنان همسو بوده است یا خیر؟

یافته‌ها

در این پژوهش با ۲۳ نفر از زنان مجرد، مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت، به منظور رعایت اخلاق پژوهشی، از بردن نام واقعی مصاحبه‌شوندگان اجتناب شد. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که علی‌رغم تصور بسیاری از افراد جامعه، باز ماندن از ازدواج صرفاً از روی رضایت فردی نبوده و تمامی مصاحبه‌ها نشان دادند؛ شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه و مهم‌تر از آن شرایط ناهموار خانواده منجر به اقدام افراد به زندگی مجردی اجباری می‌شود. در اینجا ابتدا یافته‌های توصیفی به طور خلاصه و در ادامه نتایج حاصل از کدگذاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ میانگین سن مصاحبه‌شوندگان ۵۰ سال بود

^۱. Member Validity

که نشان‌دهنده این موضوع است که احتمال ازدواج برای این زنان بسیار پایین است، از طرفی احتمال و امکان بارداری نیز از بسیاری از نمونه‌ها پژوهش سلب شده است، این امر برنامه‌ریزی برای بچه‌دار شدن و ایجاد خانواده موفق در نزد این افراد را با مشکلات جدی مواجه ساخته است.

بیشتر از نیمی از مصاحبه‌شوندگان، یعنی ۵۲ درصد دارای تحصیلات دیپلم به بالا و ۳۹ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی، یعنی لیسانس و فوق‌لیسانس بودند، دخترانی که دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، به‌واسطه اشتغال در مشاغل دولتی دارای حقوق ماهانه ثابت بودند، و به لحاظ مشکلات مالی نسبت به دیگر مصاحبه‌شوندگان مشکلات کمتری داشته و از استقلال مالی مطلوب برخوردار بودند. نتایج پژوهش نشان داد پیامدهای تجرد قطعی شامل پنج مضمون اصلی؛ رهاکردن تفکر ازدواج، آسیب‌پذیری تنهایی، واگویه حسرت گذشته، داغ تنگ تجرد و درماندگی اجتماعی است که شرایط شخصی و اجتماعی زیست این افراد را مورد تهدید قرار داده است و در سال‌های آتی نیز در صورت ادامه شرایط موجود قطعاً تشدید خواهد شد در ادامه مضمون‌های اصلی، مقولات کلی، مقولات اولیه و مفاهیم پیامدهای تجرد قطعی ابتدا در قالب جدول شماره دو آورده است و در ادامه به‌طور تفصیلی مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۲. مضامین اصلی، مقولات کلی، مقولات اولیه و مفاهیم اولیه پیامدهای تجرد قطعی

مضامین اصلی	مقولات کلی	مقولات اولیه	پیامدهای تجرد قطعی	مفاهیم ذهنی اولیه افراد مورد مطالعه
رهاکردن تفکر ازدواج	کاهش یا عدم تمایل به ازدواج	سخت‌گیری با افزایش سن - کاهش فرصت ازدواج - کاهش تمایل عاطفی به ازدواج-	دیده با وضعیتم کنار اومدم. الان دیگه دوست دارم تنها باشم با کسی ارتباط نداشته باشم اون موقع که وقتش بود نداشتن الان دیگه فایده ای نداره	ریاست توی خونه بابام از همه چیز برام مهمتر بود حتی مادرم هم زیر نظر من اداره می شد رفت و آمد خونمون با اجازه من انجام می شد الان هم اجازه ازدواج برادرزاده هام با منه و عرصه مدیریتم بیشتر شده و تقریباً وقت خالی ندارم همشون خیلی دوست دارم و از اینکه خودم رو وقف اونها کردم لذت می برم
	تغییر در اولویت های زندگی	پیدا کردن جایگزین عاطفی- احساس رضایت از تجرد- ناامیدی از ازدواج	بعضی وقتها پیش خودم می گم اگر پدر و مادرم فوت کنند چه بلایی به سرم می آید، حتماً برادر و خواهرام خونه پدری رو می فروشند و من آواره می شم، بدون	حس می کنم افسرده شدم، حوصله کسی و یا جایی رو ندارم، مستقیم از سرکار میام خونه، خونه کسی نمی رم بعضی وقتها کتاب می خونم و بعضی وقتها فیلم می بینم پیامد مجرد برای من فقط تنهایی و روزمرگی بوده است و زندگی پدر و مادرم و تاثیر اون روی زندگیم که واقعاً من قربانی اون شدم نداشت زندگی که دوست دارم برای خودم بسازم
آسیب‌پذیری تنهایی	تنهایی و افسردگی	احساس ترس و اضطراب- ترس از پیری- احساس گناه	حس می کنم افسرده شدم، حوصله کسی و یا جایی رو ندارم، مستقیم از سرکار میام خونه، خونه کسی نمی رم بعضی وقتها کتاب می خونم و بعضی وقتها فیلم می بینم پیامد مجرد برای من فقط تنهایی و روزمرگی بوده است و زندگی پدر و مادرم و تاثیر اون روی زندگیم که واقعاً من قربانی اون شدم نداشت زندگی که دوست دارم برای خودم بسازم	حس می کنم افسرده شدم، حوصله کسی و یا جایی رو ندارم، مستقیم از سرکار میام خونه، خونه کسی نمی رم بعضی وقتها کتاب می خونم و بعضی وقتها فیلم می بینم پیامد مجرد برای من فقط تنهایی و روزمرگی بوده است و زندگی پدر و مادرم و تاثیر اون روی زندگیم که واقعاً من قربانی اون شدم نداشت زندگی که دوست دارم برای خودم بسازم
واگویه حسرت‌های گذشته	مشغولیت ذهنی	سرنش خود- خیال پردازی در مورد گذشته	الان موقعی است که می گم شاید اگر کم توقع تر بودم و آدمها رو به دیده تحقیر نگاه می کردم می تونستم یک خواستگار خوب رو به شوهر ایده آلم تبدیل کنم.	الان موقعی است که می گم شاید اگر کم توقع تر بودم و آدمها رو به دیده تحقیر نگاه می کردم می تونستم یک خواستگار خوب رو به شوهر ایده آلم تبدیل کنم.

حسرت مادر بودن و خانواده داشتن	حسرت مادر شدن - نگاه حسرت آلود به کودکان.	حسرت داشتن بچه و زندگی و شوهر به دلم مونده و خواهد ماند چرا که الان دیگه از سن باروری هم گذشته.
انگ زنی به دختران مجرد	کاهش منزلت اجتماعی دختران مجرد - ایرادات ناروا - برچسب ترشیده - نمایش متاهل بودن - نیش و کنایه افراد	یعنی اینکه تو اگر شوهر نکردی یا مشکلی داری (خودت) یا خانواده به دربخوری نداشتی، انگ ترشیده رو بهت می زنن و با انگشت تو رو نشون می دن یا توی مثالهاشون امثال من رو مثال می زنن
سرزنش خانواده و دیگران	سرکوفت خانواده - سرزنش آشنایان - نیشخند و طعنه های بی مورد - کنکاش در علل مجرد دختران	پس از ازدواج خواهرام تو خونه تنها بودم و مادر و پدرم رو مخم بودن، به خاطر اینکه دختر فلان کس ازدواج کرده و من هنوز مجردم مسخره ام می کردن.
احساس طرد شدگی	تهدید برای زندگی دیگران - طرد و تمسخر از سوی زنان متاهل، سرزنش بیشتر دختر مجرد نسبت به پسر مجرد	خانم های هم سنم من رو تهدیدی جدی برای زندگیشون می بینن و مدام بهم میگن تو رو خدا با مرد زن دار ازدواج نکنی من هم از اونها دوری می کنم و خیلی دوست و آشنایی ندارم
نگاه جنسی مردان	پیشنهاد رابطه جنسی به دختران مجرد - محدود شدن تقریحات زنان	این نگاه برای مردان تبدیل به خوش گذرانی نسبت به زن مجرد میشه - چند ماهی که در مغازه ای کار می کنی صاحب مغازه پیشنهاد رابطه جنسی میده بنابراین تو خونه جام بهتره

پیامدهای مجرد قطعی

باتوجه به پدیده مرکزی پژوهش یعنی پیامدهای مجرد قطعی، باز ماندن از ازدواج و زیست مجردی ناشی از انتخاب استراتژی های مجرد قطعی و نیز شرایط و بسترهای شکل دهنده این تجربه در بین دختران، پیامدهای مرتبط با خود را به همراه داشته است که این پیامدها از منظر اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران هنوز کامل مورد پذیرش عموم نیست و با انگ های اجتماعی زیادی همراه هست. به هر حال پیامدها و آثار ناشی از مجرد قطعی در پژوهش حاضر در قالب موارد زیر بوده است:

رهاکردن تفکر ازدواج: نتایج بررسی های مختلف آماری نشان می دهد؛ افزایش سن ازدواج در جامعه و تعمیم آن در بین دختران جوان به گونه ایست که آنان را با ناامیدی در ازدواج روبه رو می نماید. تقریباً بیشتر دختران تک زیست به این نتیجه رسیده اند که با شرایط فعلی امکان ازدواج برای آنها فراهم نخواهد بود و به همین جهت تصمیم گرفته اند بنا به شرایط موجود تن به تجربه زندگی مستقل دهند. (پاپی نژاد و کرمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). دخترانی که در این پژوهش شرکت کردند، همگی در سنین بالاتر از چهل سال بودند، معمولاً دختران در این سنین شانس کمتری برای تشکیل خانواده پیدامی کنند و براین اساس می پذیرند که مجرد بمانند و دیگر به ازدواج فکر نکنند. به نظر این دختران زندگی مجردی، بیش از تأهل و ازدواج باعث احساس رضایت در آنها می شود، بدین ترتیب دختران مجرد با افزایش سن از فضای ازدواج دور شده و یا تمایل آن. به ازدواج کاهش یافته است و یا به طور کلی ترجیح آنها به زندگی مجردی و عدم تمایل به ازدواج است؛



"من قید ازدواج را نزد من بلکه خانواده‌ام من را به این سمت هدایت کردند. درسم را تا مقطع فوق‌لیسانس ادامه دادم و وارد عرصه کاری شدم با رفتن به سرکار و استقلال مالی از حال و هوای ازدواج دور شدم" (روح‌انگیز).

"سلیقه‌ها عوض می‌شن دنیا در حال تغییره. من هم عوض شدم دیگه با وضعیتم کنار اوادم. الان دیگه دوست دارم تنها باشم با کسی ارتباط نداشته باشم اون موقع که وقتش بود نداشتن الان دیگه فایده ای نداره" (عفت).

"خودم دوست داشتم و دارم مجرد بمونم و حتی پدر، مادر، برادرانم و خواهرام مدام سعی می‌کردن من را راضی به ازدواج با شخص دیگری کنند که من قبول نکردم چون فقط اون رو دوست داشتم. اوایل هم خیلی اذیتش کردم تا جواب بله بهش بدم بعد از شهادت اون احساس می‌کنم مدیونش هستم و ازدواج نکردم" (پریچهر).

آسیب‌پذیری تنهایی: با طولانی شدن تجرد دختران و یا فوت والدین و یا ازدواج سایر اعضای خانواده، احساس تنهایی و پیامدهای آن در بسیاری از مواقع، لحظات سختی را برای این دختران رقم می‌زند. این شرایط برای دختران مجردی که کار مستقل و با درآمد کافی ندارند و یا شغل و امرار معاش آنها در خانه است، سخت‌تر از دیگر دختران مورد مطالعه بود، نبود احساس امنیت برای دختران مجرد، ترس و اضطراب از سال‌های پیش رو، ناتوانی جسمانی زودتر از موعد، احساس کمبود و نارضایتی از جمله مصادیقی بود که دختران در مصاحبه خود به آن اشاره می‌کردند که همگی بر رواج احساس اضطراب و افسردگی در میان این دختران دلالت داشت، ضرورت توجه به آسیب‌های روانی که متوجه این قشر از افراد جامعه است، یکی از مسائلی است که باید در دستور کار متولیان امر و سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرد:

"استقلال مالی، اجتماعی، رفاه نسبی، وقت گذاشتن برای خودم، مسافرت‌های متعدد ولی در کنار اون همیشه از تنهایی در آینده می‌ترسم از بی‌پناهی و نبود همسر و همفکری برای زندگی بهتر احساس کمبود می‌کنم" (لیلا).

"زودتر از سنم پیر و ناتوان شدم، الان تنها، شب‌ها تا چند ساعت و فکر و خیال نمی‌زهره بخوابم. دیگه نمی‌تونم کار کنم و به لحاظ اقتصادی وضعیت خوبی ندارم، اگر خونه پدرم رو بفروشوند جایی ندارم" (عفت).

"بعضی وقت‌ها پیش خودم می‌گم اگر پدر و مادرم فوت کنند چه بلایی به سرم می‌آید، حتماً برادر و خواهرام خونه پدری رو می‌فروشند و من آواره می‌شم، بدون خونه، تا کی می‌تونم کار کنم آینده ام هیچ تضمینی نداره اگر شیر آب خراب بشه کی درستش می‌کنه اگر شب دزدی بیاد من چکار کنم" (زهره).

واگویه حسرت‌های گذشته: واگویه‌های حسرت‌های گذشته در میان دختران مورد مطالعه، تداعی گفتگوی درونی ذهن با خود هست، کارهای ناتمام یا ناقص که به تعبیری فرصت‌ها و کوتاهی‌های

مختلف از جمله خیال‌پردازی‌های نوستالژیک را عیان می‌سازد که هر از چند گاهی به سراغ آن‌ها می‌آید؛ چنین حسرت‌هایی را دختران تحت عنوان «عقل ازدواج» از آن یاد می‌کنند؛ به تعبیری نوعی بصیرت، دوران‌دیشی، سبک‌وسنگین‌هایی که می‌توانست حداقل به ازدواج مطلوب ختم به خیر گردد (غیاثوند، ۱۳۹۸: ۹۱). همان گونه که عنوان شد در میان دختران، حسرت موقعیت‌های ازدست‌رفته درگذشته و با همچنین فرصت‌هایی مانند ازدست‌رفتن فرصت مادر شدن (باتوجه به افزایش سن این دختران که به جسمانی توانایی مادر شدن کاهش یافته است و یا به‌طور کلی از آن‌ها سلب شده است) و احساس سربرابر بودن ناشی از ازدواج نکردن و... از جمله حسرت‌هایی است که دختران مورد مطالعه در ذهن خود به آن فکر می‌کردند:

"وقتی می‌خواهند ترشیدگی را مثال بزنند من را مثال می‌زنند، کاش کمی محتاط می‌شدم، از توقعات کم می‌کردم و تشکیل خانواده می‌دادم. زندگی فعلی ام نتیجه تصمیمی است که خود گرفته‌ام، با تمام سختی‌هایش" (فخری).

"حسرت خانواده و بچه‌دار شدن، نداشتن جایگاه اجتماعی که استحقاق اون را داشتیم، نداشتن تفریحاتی که لازمه آن داشتن خانواده است، محروم شدن از رفتن به جاهایی که باید یک مرد کنار باشه، عدم توانایی تمامی کارهای خانه مثلاً عوض کردن شیر آب و... " (آرزو).

"اگر وقت آزادی داشته باشم باید پدر و مادرم رو ببرم دکتر، غذا بیزم و کارهای خونه رو انجام بدم، اجازه و وقتی ندارم برای خودم کار کنم، حتی اجازه ندارم برای خودم گریه کنم، حسرت داشتن بچه و زندگی و شوهر به دلم مونده و خواهد ماند چرا که الان دیگه از سن باروریم هم گذشته" (شهناز).

داغ ننگ ناشی از تجرد: داغ ننگ شرایطی آزاردهنده پدید می‌آورد، در چنین شرایطی فرد همواره نگران پذیرش از جانب آدم‌هایی می‌کند که عادی خوانده می‌شوند. نکته‌ای که در این پژوهش مورد توجه دختران قرار گرفته و همگی به آن اشاره کردند، نسبت دادن ایرادهای ناروا و برچسب‌های ناپسند بود، آنچه که حتی دختران را بیش از تجرد آن‌ها ناراحت می‌کرد، متأسفانه برچسب‌های ناپسندی چون دختر ترشیده، در کنار نیش و کنایه دیگران و طعنه‌ها و نیشخندهای اطرافیان، مطلوب نبوده و حتی در برخی از موارد دختران را مجبور به دروغ‌گویی و نمایش متأهل بودن کرده بود؛ این مصادیق نمونه‌ای از داغ ننگ گافمن هست و از کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه ناشی می‌شود که نه تنها در میان مردان، بلکه زنان نیز به آن دچار هستند که موجب نکوهش قربانی می‌شود، این افراد علی‌رغم جایگاه بالای شغلی، تحصیلی و حتی مسئولیت‌پذیری بالا در مراقبت از والدین و در برخی موارد حمایت از خواهران و برادران متأهل، باز هم از تیررس سخنان و طعنه‌های بی‌رحمانه اطرافیان در امان نبوده و از منزلت اجتماعی که استحقاق آن را دارند، برخوردار نیستند؛

"وقتی از من سال میشه چند تا بچه داری و من میگم هنوز ازدواج نکردم با تعجب و نیش و کنایه علت رو می‌پرسن و من از این خیلی ناراحت می‌شم فضولی مردم عذابم می‌ده" (عفت).

"ترشیدگی و داشتن عیب و نقصی که ازدواج نکرده‌ای. نه من را پیدا کردم و آزاری در این باره احساس نمی‌کنم. فرهنگ ضعیف مردم پایین بودن سطح سواد باعث رواج این دیدگاه شده است." (کبری).

"دو نگاه وجود دارد نگاه اول کسی با او ازدواج نکرده است (ترشیدگی) و وجود نقص جسمی، مشکلات خانوادگی و عدم رغبت ازدواج شخصی با وی و نگاه دوم (کمال‌طلبی) شخص علاقه‌مند به ازدواج با کسی نبوده است که این در خصوص مردان صادق است چرا که آنها حق خواستگاری کردن از زنان را دارند و به‌صورت کلی همه دختران محکوم به نگاه اول هستند و این برای من آزاردهنده هست و علت رواج اون رو همیشه تقویت این رفتارها توسط خود زنان و مادران ما به‌عنوان بانیان امر ازدواج دانست" (آرزو).

درماندگی اجتماعی: در شرایطی که هر دو گروه زنان و مردان مجرد، شرایط مشابهی دارند، دختران مجرد نسبت به پسران مجرد با شرایط یکسان، تبعیض‌های بیشتری را تجربه می‌کنند و حتی نگاه‌های منفی نسبت به پسران با شرایط مشابه کمتر است، و آن‌ها فرصت‌های کمتری را در زمینه‌های مختلف از دست می‌دهند، حتی شانس ازدواج برای آن‌ها در سنین بالاتر همچنان وجود دارد، درحالی‌که این شانس برای تقریباً به صفر می‌رسد، دختران از داشتن بسیاری از تفریحات و یا رفتن به برخی از مکان‌ها که نیازمند حضور یک مرد در کنار آنان است، محروم می‌شوند، یا به برخی از این دخترانی که در محیط کار هستند، پیشنهادهای جنسی داده می‌شود.

"وقتی می‌فهمن مجردی طرز برخورد هم عوض می‌شه و این نگاه برای مردان تبدیل به خوش‌گذرانی برای زن مجرد و ترس برای سایر زنان متأهل میشه" (لیلا).

"زن مجرد سن بالا در جامعه تنها است و چون تنهاست امکان آسیب‌پذیری بیشتری دارد. همه دنبال پیدا کردن نقصی در فرد مجرد هستند تا آن را به مجرد بودنش نسبت دهند" (روح انگیز).

"الان نسبت به قبل وضعیت فرق کرده زن مجرد آزاد تره ولی باز هم محرومیت‌هایی داره که نمی‌ذاره راحت زندگی کنه نبود، تبعیض بین دختر و پسر مبنای این نگاه است پسر مجرد ۵۰ ساله قابل قبول تره تا من و امثال من" (ستاره).

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه تأخیر در سن ازدواج نه تنها به‌عنوان یک معضل و مسئله شخصی بلکه در قالب یک مسئله اجتماعی درآمده است به‌نحوی که پدیده تجرد به‌صورت یک مشکل عمومی درآمده و در عمل بیشتر خانواده‌های ایرانی با این مسئله روبه‌رو هستند از همین رو در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی در راستای شناسایی پیامدهای تجرد قطعی پرداخته است. هرچند پدیده تجرد قطعی برخاسته از شرایط و زمینه‌های علی و ساختاری متفاوتی هست که ممکن است تفاوت‌هایی در نمونه‌های

مورد بررسی داشته باشد اما به جرئت می‌توان گفت که این پدیده پیامدهای یکسانی برای این طیف از جامعه با خود به همراه می‌آورد.

براساس نتایج پژوهش حاضر پیامدها و آثار ناشی از تجرد قطعی در پنج مضمون اصلی شامل؛ رهاکردن تفکر ازدواج، آسیب‌پذیری تنهایی، واگویه حسرت‌های گذشته، داغ ننگ ناشی از تجرد و درماندگی اجتماعی هم از جانب زنان و هم از جانب مردان بود که دختران در مصاحبه خود به آن اشاره می‌کردند. تجرد قطعی دارای پیامدهای فردی و اجتماعی بسیاری است. گزارش‌های آماری (خبرگزاری ایسنا ۱۹ مهر ۱۴۰۰) که حاکی از آن است که دختران سه برابر بیش از پسران در معرض تجرد قطعی قرار دارند و با عنایت به آموزه‌های ایرانی - اسلامی باید توجه نمود که افزایش سن ازدواج و به تبع آن تجرد قطعی به خصوص در میان دختران در ایران مسئله مهمی است که نیازمند بررسی و توجه جامعه‌شناسان و پژوهشگران این حوزه هست. مسئله دیگر این است که تجرد قطعی متأسفانه اکنون کلان‌شهرهای کشور را درنوردیده و وارد شهرهای کوچک‌تر نیز شده است که نشان از عمومیت این امر در جامعه ایرانی دارد. نتایج مطالعه حاضر نشان‌داد که تبعات و پیامدهای؛ رهاکردن تفکر ازدواج، آسیب‌پذیری تنهایی، واگویه‌های حسرت‌های گذشته، داغ ننگ ناشی از تجرد و درماندگی اجتماعی می‌تواند باعث سرخوردگی و احساس ناتوانی این قشر از جامعه شده و افسردگی و اضطراب عمومی را در جامعه گسترش دهد، بنابراین شایسته است متولیان امر نسبت به اتخاذ تصمیماتی در این زمینه توجه کافی داشته باشند؛ چنین تصمیماتی شایسته است از یک سو نسبت به گسترش تجرد قطعی در جامعه حساس شده و حتی‌الامکان با اتخاذ سیاست‌هایی از افزایش این پدیده جلوگیری نماید و از سوی دیگر، با ارائه تسهیلات و خدمات لازم اجتماعی از مجردان قطعی حمایت‌های لازم انجام شود.

باعنایت به پیشینه پژوهش می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر با پژوهش زارعان (۱۳۹۷) که زندگی مجردی زنان مجرد را به دو گونه «مجردی آسیب‌زا» و «مجردی لذت‌بخش» تقسیم کرده‌بود همسویی دارد به‌نحوی که افراد مورد مطالعه پژوهش حاضر نیز به‌تقریب چنین تقسیم‌بندی از تجرد داشتند، همچنین نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مدرسی یزدی (۱۳۹۶) که انزوای دختران مجرد را بالا نشان داده‌بود همسویی دارد به‌نحوی که افراد مورد مطالعه این پژوهش نیز درجاتی از انزوای فردی و اجتماعی از خود نشان می‌دادند. نتایج با مطالعات حسینی و ایزدی (۱۳۹۵) هم در مورد احساسات دوگانه (استقلال و احساس تنهایی) مجردان کاملاً همسو و هم‌جهت بوده است به‌نحوی که در میان افراد مورد مطالعه این پژوهش نیز درجاتی از احساس آزادی و احساس تنهایی کاملاً مشهود بود، همچنین نتایج پژوهش با بررسی چابکی (۱۳۹۵) در زمینه مقوله‌های؛ نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج، تغییر نگاه نسبت به جایگاه دختران در خانواده و شرایط اجتماعی کاهش‌دهنده جاذبه ازدواج تشابهات و همانندی‌هایی داشت به‌نحوی که افراد مورد مطالعه پژوهش به‌نحوی به هر سه مقوله آرمان‌گرایی، تغییر جایگاه زنان در خانواده و کاهش جاذبه‌های ازدواج اشاره داشتند و لازم است سرپرستان سیاسی، فرهنگی، اجرایی و دینی جامعه مخصوصاً در زمینه کاهش جاذبه‌های ازدواج اقدامات واقعی و درخور



در دستور کار خود داشته‌باشند. همچنین نتایج پژوهش با نتایج قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در زمینه نقش تقدیرگرایی در تجرد زنان و پذیرش محدودیت‌های پذیرفته‌شده به‌مانند زمینه تسهیل‌گر و بازنمایی وابستگی در رسانه به‌منزله شرایط مداخله‌گر با نتایج پژوهش حاضر مشابهت و همسویی داشته است. در مورد تشابه و تفاوت با پیشینه‌های پژوهشی خارجی می‌توان گفت که نتایج پژوهش با نتایج پژوهش‌های یو (۲۰۱۶) در کره جنوبی که از الگوهای متمایز تأخیر در ازدواج در بین نسل‌هایی که بار تحولات سیاسی پی‌درپی مانند جنگ جهانی و جنگ کره بود همسو هست به‌نحوی که در بین جامعه مورد مطالعه که بیشتر از نسل انقلاب و جنگ تحمیلی بودند و به‌نوعی اتفاقاتی از این دست در عدم ازدواج افراد مطالعه مؤثر بوده‌اند به‌نحوی که حتی یکی از موارد نامزد خود را در اثر شهادت از دست داده بود و به‌خاطر پاییندگی زیاد به نامزد شهید خود ازدواج نکرده بود. نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعات پارکر و همکاران (۲۰۱۴) از یک سو و نتایج مطالعات آوسان و هاردی (۲۰۱۷) از سوی دیگر همانندی و تفاوت خاصی نشان نداد. همچنین نتایج پژوهش با نتایج مطالعات نتویموه و ابانیه (۲۰۱۴) در مورد نقش متغیر استقلال و توانمندی اقتصادی در کاهش گرایش به ازدواج زنان از یک سو و ترجیحات فرد در انتخاب همسر از سوی دیگر مشابهت داشت علاوه بر این نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش نتویموه و ابانیه (۲۰۱۴) در زمینه تجربیات زناشویی زنان در باره عدم گرایش دختران به ازدواج مشابهت داشته و همسو بوده است.

باتوجه به نتایج پژوهش، مشاهدات میدانی، آمارهای مختلف در زمینه تجرد قطعی و نتایج مطالعات پیشین داخلی و خارجی در باب موضوع مورد مطالعه می‌توان گفت که تجرد قطعی دختران پدیده نوینی است که در ایران از شرایط و زمینه‌های ساختاری، مداخله‌ای و علی‌گوناگونی نشئت‌گرفته است و در حال حاضر خود را در قالب مجردان قطعی بازنمایی نموده است بدیهی است که پیامدهای این آسیب اجتماعی بسیار متفاوت و حتی ممکن است متضاد باشند که هرکدام در نوع خود نیاز به ریشه‌یابی دقیق خواهد داشت. به نظر می‌رسد پیامدهای تجرد قطعی با افزایش سن مجردان قطعی بیشتر نمایان خواهد شد و این افراد در سال‌های آتی در زمینه‌های مختلف؛ اجتماعی، رفتاری، پزشکی و... نیاز به مراقبت‌های بیشتری از سوی جامعه خواهند داشت و لازم است سرپرستان امر ضمن تمهید اقدامات لازم برای این طیف از جامعه رویکردهایی هم‌جهت کاهش و پیشگیری از تجرد قطعی اتخاذکنند. به‌عنوان بخشی از چنین تمهیداتی در اینجا پیشنهادهایی در راستای نیل به اهداف فوق که برگرفته از نتایج پژوهش بوده‌اند ارائه شده است.

۱. باعنایت به این امر که یکی از مهم‌ترین پیامدهای تجرد قطعی دختران در این پژوهش رهاکردن تفکر ازدواج بود لازم است جامعه نسبت به رواج و شیوع چنین پدیده‌ای نگرانی داشته باشد و از گسترش این تفکر در بین دختران مجرد جلوگیری شود. در این راستا براساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود، ارائه مشاوره برای خانواده‌ها از طریق رسانه‌های عمومی از جمله صداوسیما با محوریت ارزش تلقی کردن تأهل و ارائه مشوق‌های لازم برای افراد متأهل در دستور کار قرارگیرد.

۲. یکی از پیامدهای تجرد، آسیب‌پذیری تنهایی است همان‌گونه که عنوان شد با طولانی شدن تجرد دختران و یا فوت والدین و یا ازدواج سایر اعضای خانواده، احساس تنهایی و پیامدهای آن در بسیاری از مواقع، لحظات سختی را برای این دختران رقم می‌زند. در این راستا پیشنهاد می‌شود از انجمن‌هایی که اقدام به ایجاد کانون‌های دوستی و حتی تورهای گردشگری می‌نمایند حمایت لازم انجام شود تا از رهگذر این امر آسیب‌پذیری تنهایی و احساس تنهایی دختران مجرد کاهش یابد، همچنین در این زمینه می‌توان با تسهیل زمینه‌های قبول حضانت کودکان بی‌سرپرست از سوی دختران مجرد نسبت به کاهش عواقب آسیب‌پذیری تنهایی اقدامات پیشگیرانه لازم را انجام داد.

۳. یکی دیگر از پیامدهای تجرد قطعی که در این پژوهش شناسایی شد، واگویی حسرت‌های گذشته بود، همان‌گونه که عنوان شد دختران دارای حسرت‌های پیدا و پنهان بسیار زیادی مخصوصاً از حیث احساس نیاز به مادری و داشتن احترام زنانه هستند، با عنایت به این موضوع در این راستا پیشنهاد می‌شود تسهیل زمینه‌های قبول حضانت کودکان بی‌سرپرست از سوی دختران مجرد انجام شود تا ضمن کاهش آلام دختران مجرد زمینه‌های لازم برای رشد و تعالی کودکان بی‌سرپرست و محروم از مادر نیز در جامعه فراهم شود.

۴. یکی دیگر از پیامدهای تجرد قطعی داغ ننگ ناشی از تجرد بود که افراد جامعه مورد مطالعه از آن به شدت ناراضی بودند بدیهی است که هرگونه اقدامی در این راستا همچون شمشیر دو لبه‌ای است که بایستی مزایا و معایب آن در کنار یکدیگر دیده شوند در این زمینه پیشنهاد می‌شود فرهنگ‌سازی لازم در زمینه قبول تجرد این افراد از طریق رسانه‌های اجتماعی و... انجام شود، اما این فرهنگ‌سازی لازم است از ظرافت لازم برخوردار باشد تا از تبدیل تجرد قطعی به‌عنوان یک نوعی از سبک زندگی و تلقی این سبک زندگی به‌عنوان ارزش اجتماعی جلوگیری شود.

۵. در ارتباط با پیشنهاد پیشین یکی دیگر از پیامدهای تجرد قطعی در ماندگی اجتماعی بود و دختران مجرد احساس درماندگی از زندگی در جامعه داشتند به‌نحوی که هر آن با مشخص شدن هویت خود ممکن بود مورد سوءاستفاده قرار بگیرند. در این زمینه هم پیشنهاد می‌شود فرهنگ‌سازی لازم از سوی متولیان امر انجام شود تا این افراد از زندگی بهتر و مطلوب‌تر در جامعه برخوردار باشند.

ملاحظات اخلاقی

حساسیت بالای موضوع مستلزم رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان پژوهش بود بنابراین کلیه شرکت‌کنندگان پیش از انجام مصاحبه رضایت آگاهانه خود را از موضوع ابراز نمودند و به‌عنوان یک تعهد اخلاقی شرکت‌کنندگان در هر مرحله‌ای از پژوهش از حق کناره‌گیری برخوردار بودند، دادن زمان کافی برای درک سؤالات مصاحبه، حفظ گمنامی و محرمانه ماندن اطلاعات شخصی پاسخگویان، همچنین تحلیل و تفسیر صادقانه مبتنی بر رعایت حقوق ذی‌نفعان از دیگر اصول اخلاقی بود که مدنظر نویسندگان قرار گرفت.



حمایت مالی: مطالعه از حمایت مالی برخوردار نبود.

مشارکت نویسندگان: نویسنده اول اکبر طالب‌پور مسئول تحلیل داده‌ها و نویسنده دوم خانم بیرانوند مسئول اجرای مصاحبه بوده و بقیه مراحل مطالعه نیز به صورت مشارکتی بوده است.

تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافی تعارض ندارد.

قدردانی: از تمامی شرکت‌کنندگان که وقت گران‌بهای خود را در اختیار نویسندگان قرار دادند نهایت تقدیر و تشکر داریم.

منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت.
- استراوس، آنسلم و کرین، جولیت. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای). ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- کریمی قهی، محمدتقی و پاپی نژاد، شهربانو. (۱۳۹۱). زمینه های اجتماعی- فرهنگی تک زیستی دختران. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۷(۱): ۳۳-۱. [link]
- چابکی، ام البنین. (۱۳۹۵). روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی. مطالعات اجتماعی ایران، ۱(۲ و ۳): ۱۰۲-۱۲۳. [link]
- حسینی، سیدحسین؛ ایزدی، زینب. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد (جمعیت مورد مطالعه زنان بالای ۳۰ سال شهر تهران). مطالعات اجتماعی- روان شناختی زنان، ۱۲(۱): ۷۲-۴۱. [link]
- درگاه ملی آمار. (۱۳۹۷). نتایج سرشماری ۱۳۹۵. آنلاین. www.amar.org.ir.
- زارعان، منصوره. (۱۳۹۷). بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران. مطالعات زن و خانواده، ۶(۲): ۸۶-۱۱۰. [link]
- سختاوت، جعفر. (۱۳۷۷). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۸). طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کریمی، خدیجه. (۱۳۸۸). بررسی تغییرات شاخص های ازدواج در ایران طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵. چهارمین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، تهران.
- قادرزاده، امید؛ غلامی، فاطمه و غلامی، الهه. (۱۳۹۶). بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجرد. زن در توسعه و سیاست، ۱۵(۳): ۴۲۶-۴۰۳. [link]
- قنبری برزبان، علی؛ سلیمانوندی، شاپور و فاطمی، نرگس‌السادات. (۱۳۹۷). تأملی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر گرایش به ازدواج مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. مجله پژوهشهای راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۳): ۳۳-۵۴. [link]
- مدرسی یزدی، فائزه‌السادات؛ فرهمند، مهناز؛ افشانی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۶). بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر یزد). مسائل اجتماعی ایران، ۸(۱): ۱۲۱-۱۴۳. [link]
- مرکز آمار ایران و مطالعات راهبردی. (۱۳۹۵). روند تجرد در ایران. انتشارات مرکز آمار.

References

- Adamczyk, K. (2016). *Singlehood from Individual and Social Perspectives*. Ph. D. Thesis, Institute of Applied Social Sciences, University of Warsaw, Poland. [[link](#)]
- Awosan, C. L. ; Hardy, K. V. (2017). Coupling Processes and Experiences of Never Married Heterosexual Black Men and Women: A Phenomenological Study. *Journal of Marital and Family Therapy*, 43 (3). [[link](#)]
- Azad Armaki, Taqi. (2007). *Sociology of Iranian family*. Tehran: Sama Publication. (Text in Persian)
- Becker, G. (1976). *The Economic Approach to Human Behaviors*. University Of Chicago Press.
- Berg-Cross, L. , Scholz, A. , Long, J, Grzeszyk, E. , & Roy, A. (2004). Single Professional Women: A Global Phenomenon Challenges and opportunities. *Journal of International Women's Studies*, 4 (5):34-59.
- Chaboki, O. (2016). Causes of girls' Spinster in Tehran. *Journal of Iranian Social Studies*, 10 (2. 3): 102-123. (Text in Persian) [[link](#)]
- Creswell, J. W. (2019). *Research Project: Qualitative, Quantitative and Combined Approaches*, Translated by Alireza Kiamanesh Tehran, Jihad Daneshgahi Pub. (Text in Persian)
- Douglas H. (2010). *Spinster Defined*. Online Etymology Dictionary. Dictionary.com Unabridged. Retrieved 5 June.
- Ferguson, S. (2000). Challenging Traditional Marriage: Never Married Chinese and Japanese American Women. *Gender and Society*, 14 (1):136-159.
- Ghanbaribarzain, A. , Salmanvandy, S. , Fatemi, N. (2018). An Analysis of the Impact of Premarital Sexual Relations on Marriage Orientation (Case study: Students of University of Isfahan). *Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan*, 7 (3):33-54. doi: 10. 22108/ssoss. 2019. 113584. 1325. (Text in Persian) [[link](#)]
- Hosseini, S. , & Izadi, Z. (2016). The Phenomenology of lived Experiences Of Women Over 35 Years of Age Who Have Never Married In Tehran. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14 (1): 41-72. doi: 10. 22051/jwsp. 2016. 2332. (Text in Persian) [[link](#)]
- Karimi, K. (2009). *A study of changes in marriage indicators in Iran during 1375 to 1385*. The fourth conference of the Iranian Demographic Association. Tehran (Text in Persian)
- Maitra, P. (2004). Effect of Socio-Economic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal. *Journal of Health and Population*, 22 (1):69-84.
- Modarresi Yazdi, F. , Farahmand, M. , Afshani, S. A. (2017). A Study on Single Girls' Social Isolation and Its Effective Socio-Cultural Factors: A Study on Single Girls over 30 Years in Yazd. *Journal of Social Problems of Iran*, 8 (1):121-143. (Text in Persian) [[link](#)]
- Neondorf, K. A. (2016). *The Content analysis guidebook*, Second edition, London Sage Publication. [[link](#)]
- Ntoimo Lorretta F. C. & Abanihe. Uche, I. (2014). Determinants of Singlehood: A Retrospective Account by Older Single Woman in Lagos, Nigeria. *Population Studies*, 27 (2):386-397. [[link](#)]
- Parker, K. ; Wang, W. ; Rohal, M. (2014). *Record shere of Americians Have never married: As ralues, Economice and Gender patterns change*. Washington, D. c: Pew Research Center's a Social: Demographic Trends Pproject.



- Papynzhad, Sh. & karami Qahi M.T. (2013). Socio-cultural contexts of single girls. *The Women and Families Cultural-Educational*. 7(21):1-33. (Text in Persian). [[link](#)]
- Qaderzadeh, O. , Gholami, F. , Gholami, E. (2017). Semantic reconstruction of girls' lived experience of singleness. *Woman in Development & Politics*, 15 (3):403-426. doi: 10. 22059/jwdp. 2017. 223685. 1007116. (Text in Persian) [[link](#)]
- Sakhavat, J. (1998). *Sociology of social deviations*. Tehran: Payame Noor Pub. (Text in Persian)
- Schroeder, R. (2003). *The meaning of marriage: an exploratory study of why women choose to marry*. Unpublished PhD Dissertation: Trinity Western University.
- Segalan, M. (1992). *Historical Sociology of the Family*. Hamid Elyasi Translation, Tehran, Center Publishing.
- Strauss, A.; Carbin, J. (2012). *Fundamentals of Qualitative Research (techniques and stages of grounded theory)*. Translated by: Ebrahim Afshar. Tehran: Ney Pub. (Text in Persian)
- Yoo, S. H. (2016). Post Ponement and Recup Eration Cohort Marriage: The experience of south South Korea. *Demogaphic Research*, 35 (35): 1045-1078. [[link](#)]
- Yoshid, A. (2017). *Unmarried Woman in Japan: the Drift into Singlehood*. Research on Gender in Asia Series. London & Newyork: Routledge. [[link](#)]
- Zarean, M. (2018). Investigation of the reasons for delayed marriage from the viewpoint of female students in Tehran. *Journal of Woman and Family Studies*, 6 (2):86-110. doi:10. 22051/jwfs. 2017. 14955. 1426. (Text in Persian) [[link](#)]





Original Research

Identifying Family Counselors' Attitudes towards the Causes of Extramarital Relationships among Couples in Tehran

Mohammad Hossein Afshari¹  Hamid Reza Yazdani² 
Mohammad Hossein Hashemian³ 

¹Corresponding author: Master in Strategic Management of Culture, Baqir al-Olum University and Master in Positive Psychology (University of Quran and Hadith), Qom, Iran.

mohajerha@yahoo.com

²Assistant Professor of Human Resource Management, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Iran

³Associate Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran

Background & Purpose

This study aimed to identify family counselors' attitudes towards the causes of extramarital relationships among couples in Tehran.

According to the studies conducted by the researcher, no research was found that is exactly similar to the subject of the study, but there were studies in this field that were done more than a quantitative method and in field cases other than Tehran. This study is different from other studies in that it identifies the attitudes of family counselors towards the causes of extramarital affairs of couples in Tehran.

Method

Method Q has both data collection method (Q sorting) and data analysis method (Q factor analysis). Having these properties has brought this method closer to qualitative research methods, but the Q method also has a quantitative dimension because it uses statistical methods such as factor analysis and principal component analysis to grouping individuals. This method has both data collection method (Q sorting) and data analysis method (Q factor analysis).

What can be stated about the difference between this method and other conventional methods in the social sciences is that Q methodology, instead of analyzing variables, analyzes individuals; Hence, it resulted in a kind of typology (KhoshgoyanFard, 2007).

Result

Using Q methodology and exploring the participants' perspective and mentality (15 experts in women and family and family counselors), five



different subjective and thinking patterns about extramarital relationships among couples in Tehran were identified. These five mental patterns are:

1. Environmentalists; factors including the difficulty of divorce, marriage schema, giving women a sense of relief, poverty and wealth, and deviant friends.
2. Family-oriented individuals; factors including the family of origins, gender, heterogeneity in spouse selection, social media and networks, and empty nest.
3. Belief-oriented individuals; factors including the age of the betraying partner, permissiveness attitude of society, taking advantage of the possibility of polygamy, failure to meet the spouse's emotional needs, and knowing extramarital affairs as a harmless relationship.
4. Communication-oriented individuals; factors including mixed job environment, type of job, age of the betraying partner, the transition from tradition to modernity, and contaminated society.
5. Psych-oriented individuals; factors including mental disorders, knowing extramarital affairs as a harmless relationship, proving masculinity and a sense of youthfulness, the family of origins, and poverty and wealth.

Discussion and Conclusion

Since the family has a vital role in the emergence of these relationships, it is necessary to formulate appropriate policies for the family. Thus, we will highlight some of these effective policies in reducing extramarital relationships.

1. Implementing the project "Every family, a family psychologist."
2. Implementing pre-marital psychological courses for boys and girls who intend to get married.
3. Increasing media literacy and managing cyberspace and social media by the government and directing it towards family stability.
4. Developing software for teaching marital issues and sexual health for couples based on Islamic-Iranian culture.
5. Producing series and movies related to the harms and consequences of extramarital relationships.
6. "Empty Nest" psychological management: Due to declining population rates, "population aging" will become one of the social issues in the next few decades. According to the research findings, one of the influential factors in the occurrence of extramarital affairs is the house empty of children, which can occur for two reasons: 1) lack of children 2) adult children's leaving home.

However, what is meant by the term "empty nest" is the second case, adult children's leaving home, in which after a period of time from their lives until the children were at home, the poor communication between the couple not very obvious and after the children leave home to get married or study in university, this old wound reappears. Therefore, appropriate policies should be considered for this type of family and their leisure time should be managed; Apart from the fact that the culture of joining the ties of kinship and visiting parents should be revived in Iranian culture. One of

the appropriate policies that can be considered for these families is the possibility of continuing their education.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics

The authors are committed to not sending the article to other journals at the same time, assigning the right to publish the article to the journal of "Women and Family Studies", confirming the originality and authenticity of the data and references, following the principles of research ethics (citing used scientific works, etc.).

Funding: The present study was not sponsored by any organization and did not receive any financial support.

Authors' contribution: The responsible author, Hamidreza Yazdani, was in charge of data methodology and analysis, and the third author, Seyed Mohammad Hossein Hashemian, was in charge of formulating and proposing policies.

Conflict of interest: This research does not directly or indirectly conflict with interests.

Acknowledgments: The authors would like to thank all the participants in this study.

References

- Atkins, D.C., Baucom, D.H., Jacobson, N.S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *American Psychological Association*. 15 (4):49-735. DOI: 10.1037//0893-3200.15.4.735 [\[Link\]](#)
- Brand, R. J. C. M., Markey, M.A., Hodges, S.D. (2007). Sex Difference in Self-reported Infidelity and its Correlates. *Journal of Sex Roles*. 57 (1): 101-109. DOI: 10.1007/s11199-007-9221-5 [\[Link\]](#)
- Enayat, H., Hajian, B., (2015), Factors related to trust in non-infidelity of the studied spouse, married men and women in Isfahan. *Quarterly Journal of Applied Sociology*. 26 (60): 69-86. (Text in Persian) [\[Link\]](#)
- Ghafoorian Nourozi, P., Asghari Ibrahim Abad, M., Abdkhodayie, M., Kimiaee, S. (2018). Factors Influencing Extramarital Relationship among Married Females: A Qualitative Study. *Journal of Applied Psychological Research*, 9(3), 55-75. doi: 10.22059/japr.2018.69568 [\[Link\]](#)
- Khoshgiovian Fard, A. (2007). *Q methodology*. Tehran: Publication of the Radio and Television Research Center. (Text in Persian)



شناسایی نگرش مشاوران خانواده نسبت به علل پیدایی روابط فرا زناشویی زوجین شهر تهران

محمدحسین افشاری*^۱ حمیدرضا یزدانی^۲ محمدحسین هاشمیان^۳

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

الگوهای ذهنی، روش کیو، فرا زناشویی، خیانت زناشویی، خانواده.

چکیده

خانواده، به عنوان یک نهاد ارزشمند به جهت کارکردهای بسیار مهمی که دارد در تمامی فرهنگ‌ها مورد توجه قرار گرفته است. پس لازم است هرآنچه را که به ساختار خانواده آسیب می‌زند به درستی شناخت و در مقام اصلاح آن برآمد. پدیده روابط فرا زناشویی، به عنوان یکی از آسیب‌های خانواده، در چند دهه اخیر پیامدهای ناگواری را برای فرد، خانواده و جامعه به همراه داشته است. افسردگی، از بین رفتن اعتماد همسر، طلاق عاطفی و جدایی از جمله پیامدهای این مسئله است. این پژوهش بر آن است که با بهره‌گیری از روش کیو، به تبیین الگوهای ذهنی مشاوران خانواده نسبت به عوامل پیدایی مسئله روابط فرا زناشویی زوجین شهر تهران بپردازد. از آن روی که این روش، یکی از روش‌های کاربردی در کشف الگوهای ذهنی است از این روش بهره گرفته شده است. در این مطالعه، ۱۵ مشاور خانواده مشارکت داشتند که در نهایت، ۵ الگوی ذهنی (محیط‌گرایان، خانواده‌گرایان، باور گرایان، ارتباط‌گرایان و روان‌گرایان) به عنوان الگوی ذهنی در پیدایی این روابط کشف و تبیین گشته است. برای توصیف این ۵ ذهنیت، از ۳۴ عامل استخراج شده از پژوهش‌های علمی بهره گرفته شده است.

ارجاع به مقاله:

افشاری، محمد حسین؛ یزدانی، حمیدرضا و هاشمیان، محمدحسین. (۱۴۰۱). شناسایی نگرش مشاوران خانواده نسبت به علل پیدایی روابط فرا زناشویی زوجین شهر تهران. مطالعات زن و خانواده، ۱۰(۱)، ۳۶-۶۰. Doi: 10.22051/jwfs.2021.35576.2668

^۱. کارشناس ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) و کارشناس ارشد روانشناسی مثبت گرا (دانشگاه قرآن و حدیث)، قم، ایران (نویسنده مسئول) mohajerha@yahoo.com

^۲. استادیار مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران.

^۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، قم، ایران.

مقدمه

خانواده به عنوان یک نهاد مهم اجتماعی از نگاه دین اسلام و نیز علوم اجتماعی دارای اهمیت بسیاری است. در دین اسلام، خانواده محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد بشری در نزد خدای متعال شمرده می‌شود (سالاری فر، ۱۳۹۲: ۵). این اهمیت و ارزش از آن روی است که کارکردهایی که برای خانواده وجود دارد را نمی‌توان بدیلی برای آن یافت. از جمله این کارکردها می‌توان به کارکردهای زیستی - اجتماعی، کارکردهای حمایتی و کارکردهای تربیتی و کنترل اشاره کرد. (بستان، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۴۲؛ بستان، ۱۳۹۰؛ ابراهیمی پور، بی تا.)

این دست از کارکردها منجر به آن شده است که با وجود تحولات اساسی دیگر نهادها، خانواده در اهداف و کارکردهای خود ثابت بماند و هنوز در جوامع دارای اهمیت بسیاری باشد (سالاری فر، ۱۳۹۲: ۱). از همین روی، هرآنچه که به ساختار خانواده آسیب وارد کند از سوی عقل و دین مورد توبیخ قرار گرفته است. یکی از مسائلی که در چند دهه اخیر شاهد افزایش نرخ آن در ایران و جامعه جهانی هستیم، مسئله ارتباطات خارج از چارچوب عهد ازدواج است که در متون علوم اجتماعی از آن به «روابط فرا زناشویی»^۱ و «خیانت زناشویی»^۲ تعبیر می‌شود.

ارتباط فرا زناشویی در اصطلاح روان‌شناسی، «شامل برقرار کردن ارتباط جنسی یک فرد متأهل عقد دائم با جنس مخالف، خارج از محدوده خانواده است». (کاوه، ۱۳۸۳: ۱۲) در تعریف دیگری آمده است که: «یک راز جنسی، عاشقانه یا درگیری عاطفی که منجر به نقض تعهد رابطه زناشویی است.» (لودودا، هاویگ و جنیس^۳، ۲۰۱۳: ۱۰۶)

خیانت زناشویی را می‌توان یکی از عوامل آسیب‌زا در ساختار و ثبات خانواده دانست (سهرابی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳۳) و به گونه‌ای آن را مهم‌ترین تهدید برای ثبات روابط زناشویی و از عمده‌ترین دلایل طلاق در فرهنگ‌های مختلف به شمار آورد (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲). علت آن است که بیشتر افراد، تک همسری در روابط جنسی و پرهیز از روابط نامشروع را از همسران خود انتظار دارند (حبیبی عسگرآباد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۷) به طوری که در پژوهشی ۹۷ درصد از پاسخگویان بیان داشته‌اند که افراد متأهل نباید در روابط نامشروع شرکت نمایند (سودانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱-۲۰).

به علت آنکه در فرهنگ و جامعه ایرانی، مسئله روابط فرا زناشویی یک امر ناپسند به شمار می‌آید، هنوز هیچ آماری درباره میزان شیوع آن در کشور منتشر نشده است اما می‌توان بر اساس برخی از تحقیقات صورت گرفته، گمانه‌زنی‌هایی در شدت این پدیده یافت. به عنوان مثال، بیشترین آمار قتل‌های خانگی که ۳۰ درصد است، به زانی مرتب است که به دلیل روابط نامشروع و یا سوءظن، توسط همسر خود به قتل رسیده‌اند. از سوی دیگر ۲۲ درصد از قتل‌های خانگی، مربوط به قتل مردانی است

1. Extramarital Relationship

2. Marital Infidelity

3. Loudova, I., Haviger, J., Janis, K.



که توسط همسر خود به قتل رسیده‌اند که در ۴۰ درصد این موارد، همسر به همدستی معشوق خود، این کار را انجام داده است (کاوه، ۱۳۸۷). بر اساس آمار منتشر شده از سوی سازمان بهزیستی در سال ۱۳۸۷، ۳۳ درصد از مردانی که خیانت ایشان در ازدواج به اثبات رسیده است با خشونت، حمله ناگهانی و یا تهدید به قتل از سوی همسران خود مواجه شده‌اند.

با درک درست آسیب‌هایی که این مسئله به همراه دارد، اندیشمندان علوم انسانی بر آن شدند که به بررسی علل این مسئله پرداخته و راهبردهای مقابله‌ای با این مسئله را تدوین کنند. بررسی علل روانی، خانوادگی و اجتماعی این موضوع، مقدمه درمان و تعیین راهبردهایی در این مسئله فرا زناشویی است. از همین روی پرسش اصلی این پژوهش این هست که «مهم‌ترین علل پیدایی روابط فرا زناشویی زوجین شهر تهران در نگاه مشاوران خانواده چیست؟» و پرسش‌های فرعی آن که ناظر به حوزه خانواده باشد آن است که «مهم‌ترین علل پیدایی روابط فرا زناشویی در زوجین شهر تهران چیست؟» و «خط مشی‌های مطلوب در جهت اصلاح این روابط ناظر به بهره‌گیری از ظرفیت‌های خانواده چه هست؟» یکی از روش‌های مناسب جهت کشف عقاید افراد در مورد علل پیدایی یک مسئله و یا نگرش ایشان نسبت به آن، روش تحلیل کیو است. روش شناسی کیو این توان را به پژوهشگر می‌دهد که در گام نخست بتواند عقاید و ادراکات ایشان را شناسایی و طبقه‌بندی کند و در گام دوم، به دسته‌بندی ایشان بر اساس ادراکات ایشان پردازد. از این روی، خواست این پژوهش است که با استفاده از روش تحلیل کیو، نسبت به مسئله پدیده فرا زناشویی، الگوهای مختلف تفکر افراد را آشکار کند.

پیشینه پژوهش

لازمه هر پژوهشی آن است که پژوهش‌های پیشین به‌درستی بررسی شود و با اتکا بر یافته‌های آن تحقیقات و تجربیات پیشین، پژوهشی نو صورت بگیرد. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته توسط محقق، پژوهشی که عیناً مشابه موضوع پژوهش مذکور باشد یافت نشد اما پژوهش‌هایی در این زمینه صورت‌گرفته بود که بیشتر از روش کمی و در موارد میدانی‌ای به‌غیر از شهر تهران انجام شده بود. این پژوهش از این جهت که به شناسایی نگرش مشاوران خانواده نسبت به علل پیدایی روابط فرا زناشویی زوجین شهر تهران می‌پردازد، متمایز از دیگر پژوهش‌ها هست.

فتحی و همکاران (۱۳۹۲): در این مقاله عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی مردان شناسایی و تحلیل شده است. سپس بر آن مبنای راهکارها و پیشنهادهای کاربردی در خصوص پیشگیری و کاهش بی‌وفایی زناشویی و استحکام نهاد خانواده و نیز کمک به مسئولان فرهنگی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی‌های مناسب ارائه است.

عنایت و بهجت حاجیان (۱۳۹۴): در نوشتار عنوان شده پژوهشگران به دنبال شناسایی عوامل مرتبط با میزان اعتماد به عدم خیانت همسر در میان خانواده‌های شهر اصفهان بوده‌اند. پژوهش نشان داد که

متغیرهای زیبایی همسر و رضایت زناشویی دارای رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته (اعتماد به عدم خیانت) است.

شرف‌الدین و صالحی زاده (۱۳۹۵): این پژوهش باهدف بصیرت‌زایی و شناخت عمیق مسئله خیانت در قالب مطالعه‌ای کیفی به جستجوی زمینه‌های اجتماعی خیانت در جامعه ایران معاصر پرداخته‌است.

حبیبی عسگرآباد و همکاران (۱۳۹۴): در این پژوهش به بررسی علل خیانت از دیدگاه زنان و مردان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده پرداخته‌است. نتایج پژوهش نشان داد که سه عامل مسائل بین‌فردی، روابط همسران و جامعه، اصلی‌ترین علل خیانت از دیدگاه زنان و مردان هستند درحالی‌که هیچ یافته‌ای مبنی بر تصمیم به جدایی به علت خیانت عاطفی صرف مشاهده نشد.

رضوانی‌زاده و اسلانی (۱۳۹۵): یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی ناایمن، عزت‌نفس آسیب‌دیده و پائین و همچنین خودشیفتگی از عواملی هستند که می‌توانند گرایش افراد به روابط فرا زناشویی را پیش‌بینی نمایند.

همان‌طور که بیان شد نوآوری این پژوهش که در کارهای پژوهشی دیگر یافت نمی‌شود، بهره‌گیری از روش کیو در جهت تبیین الگوهای ذهنی مشاوران خانواده نسبت به عوامل پیدایی مسئله روابط فرا زناشویی زوجین شهر تهران است. با بهره‌گیری از این روش به‌گونه‌ای می‌توان به علل پنهانی‌ای دست‌یافت که از دید بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان پنهان مانده است. نویسنده در نهایت امر بر اساس الگوهای ذهنی کشف شده به ارائه خط‌مشی‌های مطلوب در جهت اصلاح این پدیده مبادرت ورزیده است. از همین روی، می‌توان این پژوهش را یک پژوهش نوین و کارآمد به حساب آورد.

ادبیات پژوهش

خیانت به گونه‌های مختلفی قابل‌تصور است، خیانت فکری و ذهنی، خیانت با چشم، حس لامسه، گوش، زبان و در نهایت خیانت جنسی از موارد خیانت شمرده می‌شوند که هرکدام می‌توانند آسیب‌های مختلفی را بر روابط همسران و زندگی ایشان وارد کنند. کمپل^۱، سه نوع خیانت زناشویی را این‌گونه بیان می‌کند: نوع اول درگیری عاطفی بدون مقاربت جنسی، نوع دوم داشتن رابطه جنسی بدون درگیری عاطفی و نوع سوم ترکیبی از دو نوع قبلی که شامل رابطه جنسی و عاطفی است که آسیب‌زننده‌ترین نوع به ازدواج است. خیانت زناشویی امری است که در بسیاری از فرهنگ‌ها، زشت و ناپسند شمرده می‌شود و به‌گونه‌ای غیرمنطبق با سرشت آفریده شده در مرد و زن دانسته می‌شود (داودی نژاد، ۱۳۹۱: ۴۱۶).

در بررسی‌های میدانی صورت‌گرفته در مراکز مشاوره و نیز دادگاه‌های خانواده، علت‌های زیر را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عوامل در خیانت زناشویی زوجین دانست که در سه دسته عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی بیان خواهد شد. این عوامل عبارت‌اند از:

^۱. Campbell



الف) عوامل فردی شامل:

- ۱) فساد اخلاقی همچون نیمفومانیک،^۱ اعتیاد جنسی،^۲ (لاسترمن، ۱۳۹۳: ۴۷) اثبات جذابیت (فیشر^۳، ۲۰۰۷: ۸۹-۱۰۰) و عدم تعهد و وفاداری (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۷)
 - ۲) اختلالات روانی همچون اختلال شخصیت خودشیفته^۴، اختلال شخصیت ضداجتماعی، اختلالات شخصیت مرزی^۵، سبک دل بستگی، عزت نفس پائین و اختلالات دوقطبی^۶ عدم پایبندی مذهبی آتکینز^۷، ۲۰۰۱: ۷۴۹-۷۳۵)
 - ۳) جنسیت (شیردل، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۴۸)
 - ۴) سن فرد (فتحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۱)
 - ۵) مدت زمان ازدواج (فتحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۱)
 - ۶) انتقام از همسر بی وفا (کاوه، ۱۳۸۷: ۳۵)
 - ۷) بی ضرر دانستن روابط خارج از ازدواج برای روابط زناشویی (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۹)
 - ۸) اثبات مردانگی و احساس جوانی (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۹)
 - ۹) میل به تنوع و هیجان خواهی (شیردل، ۱۳۸۵: ۱۳۳)
- ب) عوامل خانوادگی شامل:
- ۱) عدم تأمین نیازهای عاطفی از سوی همسر (غفوریان نوری و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۷؛ مؤمنی جاوید و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵؛ شیردل، ۱۳۳-۱۴۸)
 - ۲) عدم رضایت جنسی (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳۳-۲۳۸؛ شیردل، ۱۳۸۵: ۱۳۶)
 - ۳) شخصیت ناسالم همسر همچون بدبینی و سخت گیری همسر (افشاری، ۱۳۹۸: ۳۰؛ عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳)، خشونت همسر (عسگرآباد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۴)، عدم آراستگی و نظافت همسر (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۱۰)، اعتیاد همسر (عسگرآباد و همکاران: ۱۷۵)
 - ۴) خانواده پدری همچون داشتن اعضای خانواده درگیر در روابط فرا زناشویی (فتحی: ۱۴۹)، سبک تربیتی نایمن (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۴۹) نگرش سهل گیرانه در مورد روابط فرا زناشویی در خانواده پدری، ازدواج بدون علاقه، ازدواج زود هنگام، اختلاف سنی زیاد، اختلاف طبقاتی، اختلافات فرهنگی (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳)
 - ۵) آشیانه خالی^۸ (زهراکار و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱)

1. Nymphomaniac

2. Sexual addiction

اعتیاد جنسی عبارت است از نیاز وسواس گونه به درگیر شدن در تجارب جنسی. (دان-دیوید لاسترمن، آسیب شناسی وفاداری در زندگی زناشویی،

مترجم: بنفشه فرزین زاد، سعیده زنونزبان و سارا واجب منفرد، سوم، تهران: نشر دانژه، ۱۳۹۳: ۴۷)

3. Fisher

4. Narcissistic personality disorder

5. Borderline Personality Disorder

6. Bipolar disorder

7. Atkins, D.C., Baucom, D.H., Jacobson, N.S.

۸. یکی از مراحل چرخه زندگی است که با رفتن همه فرزندان خانه (ازدواج) اتفاق می افتد.

ج) عوامل اجتماعی روابط فرا زناشویی

از آن روی که انسان موجودی است اجتماعی، می تواند نسبت به محیط خود به گونه ای فعال عمل می کند. این سخن به معنای آن است که می تواند روابط دوسویه ای میان خود و محیط داشته باشد. یعنی هم بر محیط تأثیر گذارد و هم از محیط تأثیر پذیرد. از جمله عوامل اجتماعی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) دوستی های قبل از ازدواج (عسگرآباد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۵)
- ۲) فقر و ثروت (عسگرآباد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۴؛ مؤمنی جاوید و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶)
- ۳) جامعه آلوده (عسگرآباد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۴)
- ۴) دوستان منحرف (منصور فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲)
- ۵) رسانه ها و شبکه های اجتماعی مجازی (امیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۴۲؛ عجم، ۱۳۹۵: ۱۳۲؛ مکی زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۴۰؛ افشانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲)
- ۶) سوء استفاده از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت برای مردان (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۹)
- ۷) نگرش سهل گیرانه و مجاز جامعه درباره بی وفایی مردان (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۹)
- ۸) دشواری طلاق (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۰)
- ۹) فضای شغلی (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۵۲؛ عسگرآباد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۴)

لیستی از عوامل پیدایی مسئله فرا زناشویی از طریق پژوهش های پیشین و نیز تحلیل مضمون حاصل از مصاحبه با دیگر مشاوران خانواده به دست آمد که این لیست (جدول شماره ۱) در اختیار ۱۵ نفر از مشاوران و کارشناسان خانواده جهت استخراج الگوهای ذهنی قرار داده شد.

جدول ۱. عوامل پیدایی مسئله فرا زناشویی

۱	فساد اخلاقی
۲	اختلالات روانی
۳	عدم پابندی مذهبی
۴	جنسیت
۵	سن فرد خیانت کرده
۶	مدت زمان ازدواج
۷	انتقام از همسر بی وفا
۸	بی ضرر دانستن روابط
۹	اثبات مردانگی و احساس جوانی
۱۰	میل به تنوع و هیجان خواهی
۱۱	عدم تأمین نیازهای عاطفی از سوی همسر
۱۲	عدم رضایت جنسی
۱۳	شخصیت ناسالم همسر (بدبین، خائن، عدم آراستگی، اعتیاد همسر، عدم تأمین نفقه)
۱۴	خانواده پدری
۱۵	آشپانه خالی
۱۶	دوستی های قبل از ازدواج



فقر و ثروت	۱۷
جامعه آلوده	۱۸
دوستان منحرف	۱۹
رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی	۲۰
سوءاستفاده از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت برای مردان	۲۱
نگرش سهل‌گیرانه و مجاز جامعه درباره بی‌وفایی مردان	۲۲
دشواری طلاق	۲۳
فضای شغلی مختلط	۲۴
نوع شغل (مرتبط با جنس مخالف)	۲۵
طلاق عاطفی	۲۶
دادن حس رهایی به زن	۲۷
عدم همسان همسری	۲۸
عدم تناسب در مسائل جنسی	۲۹
طرح‌واره ازدواج (ازدواج مانع روابط نیست)	۳۰
عدم سواد زناشویی	۳۱
عدم درک صحیح از خانواده	۳۲
مرد منفعل (بی‌تفاوت)	۳۳
گذر از سنت به مدرنیته	۳۴

روش‌شناسی پژوهش

روش Q هم دارای شیوه گردآوری داده (مرتب‌سازی کیو) و هم دارای شیوه تحلیل داده‌ها (تحلیل عاملی کیو) است. (شکل شماره ۱) آنچه در تفاوت این روش با دیگر روش‌های مرسوم در علوم اجتماعی می‌توان بیان داشت آن است که روش‌شناسی کیو، به جای آنکه به تحلیل متغیرها بپردازد، افراد را مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ از همین روی به‌نوعی سنخ‌شناسی دست می‌یابد. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۰).

خاستگاه روش‌شناسی کیو را باید در منظری سازه‌گرا^۱ جستجو کرد این روش‌شناسی با این فرض بنیان گذاشته شد که نه تنها ادراکات ما از دنیا، بلکه دنیای واقعی نیز برای هر یک از ما منحصر به فرد است. حتی این فرض پا را از این نیز فراتر می‌گذارد و ذهنیت^۲ را زیربنای واقعیت^۳ می‌داند (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۰۴). دو ویژگی خاص باعث شده است که از این روش بهره گرفته شود:

- ۱) کشف ذهنیت‌هایی که تا به حال ممکن است آشکار نشده باشد.
 - ۲) مشارکت‌کننده به طور مستقیم به مرتب‌سازی نمونه کیو اقدام می‌کند و نقش فعال در سنجش دارد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۰۶).
- در این پژوهش نیز از جدول ۳۴ عاملی آن بهره گرفته شده است.

1. Constructive
2. Ssubjectivity
3. Reality



شکل ۱- جدول ۳۴ عاملی کیو

یافته‌ها

جهت انجام تحلیل عاملی از ماتریس همبستگی که روشی مرسوم و معمول است، استفاده شد. عامل‌ها به روش واریماکس^۱ که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافتند. اعداد استخراج شده از تحلیل عاملی کیو به روش مؤلفه‌های اصلی هستند.^۲

۱. شاخص KMO و آزمون بارتلت در تحلیل عاملی اکتشافی

پیش از اقدام به استفاده از روش تحلیل عاملی باید از کافی بودن حجم نمونه جهت تحلیل عاملی اکتشافی اطمینان حاصل شود. حجم نمونه عامل تعیین‌کننده‌ای در صحت خوشه‌بندی عناصر با تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی است. یکی از روش‌های بررسی کفایت نمونه جهت تحلیل عاملی محاسبه شاخص کفایت نمونه است. شاخص کفایت نمونه توسط کایزر، مایر و اولکین نوآوری شده است و برای همین آن را با نماد KMO^3 نمایش می‌دهند. این شاخص باید بالای ۰/۷ باشد البته بین ۰/۵ تا ۰/۷ نیز با احتیاط قابل قبول است.

شاخص KMO، در این آزمون عدد ۰/۷۲۷ هست که نشان از آن دارد حداقل همبستگی میان این نظرات وجود دارد که بتواند چند گروه عاملی را بسازد.

۲. جدول اشتراکات

در جدول اشتراکات (جدول شماره ۴) اعدادی که پایین‌تر از ۰/۵ باشند به دلیل اشتراک کم با سایر افراد حذف خواهند شد. ولی چون در این تحلیل، تعداد خبرگان پژوهش کم هست از حذف خیره ۴ امتناع می‌کنیم.

جدول ۲. جدول اشتراکات

مقدار اولیه	خروجی	
۱	۰/۸۳۴	مشارکت‌کننده شماره ۱
۱	۰/۵۹۹	مشارکت‌کننده شماره ۲
۱	۰/۵۹۵	مشارکت‌کننده شماره ۳
۱	۰/۴۴۶	مشارکت‌کننده شماره ۴

1. Varimax

۲. به همین دلیل نرم افزار SPSS بجای عامل از عبارت Component استفاده کرده است.

3. Kaiser-Mayer-Olkin



۰/۶۰۴	۱	مشارکت‌کننده شماره ۵
۰/۸۰۸	۱	مشارکت‌کننده شماره ۶
۰/۷۶۵	۱	مشارکت‌کننده شماره ۷
۰/۷۰۲	۱	مشارکت‌کننده شماره ۸
۰/۸۲۱	۱	مشارکت‌کننده شماره ۹
۰/۷۶۰	۱	مشارکت‌کننده شماره ۱۰
۰/۶۸۷	۱	مشارکت‌کننده شماره ۱۱
۰/۷۰۲	۱	مشارکت‌کننده شماره ۱۲
۰/۷۱۲	۱	مشارکت‌کننده شماره ۱۳
۰/۸۱۲	۱	مشارکت‌کننده شماره ۱۴
۰/۷۹۵	۱	مشارکت‌کننده شماره ۱۵

۳. جدول کل واریانس تبیین شده

جدول ۳. جدول کل واریانس تبیین شده

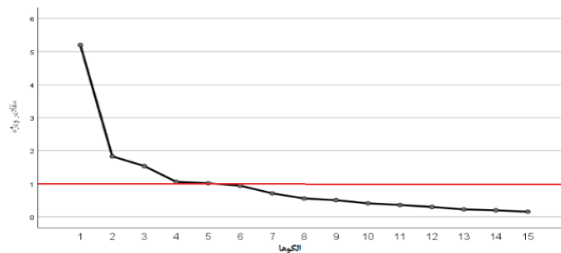
باتوجه به اعداد استخراج شده از تحلیل عاملی کیو به روش مؤلفه‌های اصلی، یکی از افراد از جدول

جمع کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۵/۲	۳۴/۶۶۵	۳۴/۶۶۵
۱/۸۳۱	۱۲/۲۰۴	۴۶/۸۶۹
۱/۵۳۸	۱۰/۵۲۱	۵۷/۱۲۰
۱/۰۵۹	۷/۰۶۲	۶۴/۱۸۲
۱/۰۱۵	۶/۷۶۷	۷۰/۹۴۹
۰/۹۴۲	۶/۲۷۹	۷۷/۲۲۸
۰/۷۱۲	۴/۷۴۴	۸۱/۹۷۱
۰/۵۵۶	۳/۷۰۶	۸۵/۶۷۸
۰/۵۰۵	۳/۳۶۳	۸۹/۰۴۱
۰/۴۰۹	۲/۷۲۴	۹۱/۷۶۵
۰/۳۵۹	۲/۳۹۵	۹۴/۱۶۰
۰/۲۹۹	۱/۹۹۲	۹۶/۱۵۲
۰/۲۲۶	۱/۵۰۴	۹۷/۶۵۶
۰/۱۹۸	۱/۳۱۷	۹۸/۹۷۳
۰/۱۵۴	۱/۰۲۷	۱۰۰/۰۰۰

اشتراکات حذف می‌گردد. در این حالت مقدار کل واریانس تبیین شده در جدول کل واریانس تبیین شده نشان داده شده است. جدول کل واریانس تبیین شده نشان می‌دهد که نرم‌افزار باتوجه به دیدگاه افراد نمونه جمعاً ۵ عامل را (که مقادیر ویژه آن‌ها بالای ۱ هستند) شناسایی و این ۵ عامل در حدود ۷۰/۹۴۹ درصد واریانس را تبیین و پوشش می‌نمایند. در جدول بالا بیشترین واریانس تبیین شده مربوط به عامل اول (۱۹/۸۸۷) و

دوم (۱۶/۷۱۷) بوده و بعد از آن‌ها به ترتیب هر یک از عامل‌های سوم، چهارم و پنجم با مقادیر (۱۲/۵۴۵)، (۱۱/۵۲۸) و (۱۰/۲۷۲) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به‌طورکلی در این پژوهش، واریانس ۷۰٪ نشان‌دهنده آن است که این ۵ عامل، ۷۰ درصد از الگوی ذهنی خیرگان را نشان می‌دهد.

۴. نمودار سنگ‌ریزه



شکل ۲- نمودار سنگ‌ریزه

در نمودار سنگ‌ریزه (شکل شماره ۲)، عامل شناسایی شده به‌وسیله افراد نمونه به‌روشنی نشان‌داده شده است. در این نمودار عامل‌های با مقدار ویژه بالای یک (بالای خط قرمز) به‌عنوان عوامل یا الگوهای ذهنی اصلی به‌روشنی شناسایی شده‌اند.

۵. ماتریس چرخش یافته عامل‌ها

به‌طورکلی برای تحقیق حاضر ماتریس چرخش یافته با استفاده از روش واریماکس بکار گرفته شده است که برای تفسیر و شناسایی عامل‌ها به کار می‌رود.

جدول ۴. ماتریس چرخش یافته

	۵	۴	۳	۲	۱	
مشارکت‌کننده شماره ۱	-/۱۵۹	/۱۸۰	/۸۲۶	-/۰۱۲	/۳۰۵	
مشارکت‌کننده شماره ۲	/۲۳۵	/۰۵۵	-/۰۰۸	/۱۷۴	/۷۱۴	
مشارکت‌کننده شماره ۳	/۱۲۰	/۰۵۷	/۱۵۴	/۱۰۷	/۷۳۶	
مشارکت‌کننده شماره ۴	-/۲۳۶	/۱۲۶	/۱۶۳	/۲۵۴	/۵۳۳	
مشارکت‌کننده شماره ۵	-/۰۱۴	/۰۶۵	/۳۱۲	/۶۲۲	/۲۵۴	
مشارکت‌کننده شماره ۶	/۵۳۳	-/۱۲۷	/۳۹۸	/۰۷۳	/۵۸۶	
مشارکت‌کننده شماره ۷	/۰۸۱	/۱۰۵	-/۱۱۳	/۸۵۴	/۰۷۷	
مشارکت‌کننده شماره ۸	-/۳۴۸	-/۱۱۷	/۰۳۴	/۶۸۹	/۳۰۳	
مشارکت‌کننده شماره ۹	/۰۹۹	/۸۵۶	/۱۶۷	-/۱۰۹	/۱۹۶	
مشارکت‌کننده شماره ۱۰	-/۰۱۰	/۶۲۱	/۳۷۸	/۴۸۱	/۰۰۱	
مشارکت‌کننده شماره ۱۱	/۳۳۱	/۱۴۹	/۱۲۸	/۵۵۱	/۴۵۸	
مشارکت‌کننده شماره ۱۲	/۱۹۷	/۵۴۶	/۱۲۱	/۳۹۵	/۴۴۱	
مشارکت‌کننده شماره ۱۳	/۰۰۲	/۳۵۹	-/۰۴۰	/۱۷۲	/۷۴۳	
مشارکت‌کننده شماره ۱۴	/۲۷۲	/۱۹۸	/۸۲۱	/۱۴۴	-/۰۵۹	
مشارکت‌کننده شماره ۱۵	/۸۶۳	/۱۵۰	/۰۲۶	-/۰۴۲	/۱۵۷	



حال باید دید که آیا بارهای عاملی که در جدول فوق به صورت رنگی شده نشان داده شده‌اند معنادار است؟ اگر قدر مطلق بار عاملی از $\frac{1/96}{\sqrt{n}}$ بزرگتر باشد، آنگاه آن بار عاملی با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است؛ گفتنی است که مقدار n برابر با تعداد مطالعه کیو می باشد در این پژوهش تعداد کارت‌های کیو عبارت از ۳۴ کارت بود. در این مطالعه حاصل کسر $\frac{1/96}{\sqrt{34}}$ برابر با ۰/۳۴ است. از آنجایی که بارهای عاملی شناسایی شده برای هر مشارکت‌کننده از مقدار فوق بیشتر است، می توان گفت که بارهای عاملی رنگی شده با اطمینان ۰.۹۵ معنی دار هستند.

حال باید دید که کدامیک از مشارکت‌کنندگان باعث ایجاد هر یک از عامل‌ها یا الگوهای ذهنی، شده‌اند. به عبارت دیگر نمایندگان الگوهای ذهنی ۱ تا ۴ کدامیک از مشارکت‌کنندگان هستند؟

برای پاسخ به سؤال فوق از جدول ماتریس چرخش نیافتن استفاده می‌شود. همان‌طور که در این جدول مشخص است مشارکت‌کنندگان دوم، سوم، چهارم، ششم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم مشترکاً الگوی ذهنی اول (عامل اول) را شناسایی کرده‌اند. شایان‌ذکر است همان‌طور که بر اساس جدول کل واریانس تبیین شده مشاهده نمودیم این الگوی ذهنی با اختصاص دادن امتیاز (۲۱/۸)، به خود بیشترین مقدار واریانس را توضیح می‌دهد. به همین ترتیب مشارکت‌کنندگان پنجم، هفتم، هشتم، دهم، یازدهم و دوازدهم مشترکاً الگوی ذهنی دوم، مشارکت‌کنندگان اول، ششم، دهم و چهاردهم، مشترکاً الگوی ذهنی سوم، مشارکت‌کنندگان نهم، دهم، دوازدهم و سیزدهم مشترکاً الگوی ذهنی چهارم و مشارکت‌کنندگان ششم و پانزدهم مشترکاً الگوی ذهنی پنجم را شناسایی کرده‌اند.

۶. امتیازهای عاملی

در اینجا به بررسی امتیازهای عاملی می‌پردازیم، برای این منظور اطلاعات داده‌های اولیه وارد شده از جدول کیو و همچنین از جدول بارهای عاملی استفاده می‌کنیم. برای محاسبه امتیازهای عاملی ابتدا وزن عامل‌های معنی‌دار را مورد بررسی قرار داده‌ایم. برای محاسبه وزن عامل‌ها از فرمول $w = \frac{f}{1-f^2}$ استفاده شده است. در این فرمول f همان بار عاملی و w وزن متناظر با آن است. در مرحله بعد هر یک از وزن‌ها ضرب در رتبه‌های اولیه حاصل از نمودار کیو (باتوجه به طیف مورد بررسی) برای هر یک از افراد شده و امتیاز عامل‌ها بدست می‌آید. در این پژوهش تمامی مراحل گفته شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS طی شده است تا امتیازهای عاملی بدست آیند.

البته لازم به ذکر است که به منظور راحتی کار، ابتدا رتبه هرکدام از عبارات نمونه کارت‌ها برای هر عامل محاسبه گردید. سپس بر اساس این رتبه‌ها، تعیین گردید که هرکدام از عبارات در کدام ناحیه از طیف نمودار کیو قرار می‌گیرد. باتوجه به امتیازهای عاملی و مرتب‌سازی آن‌ها و اختصاص اعدادی بین ۴- و ۴+ باتوجه به رتبه امتیازهای عاملی محاسبه شده است. در مرحله بعد برای شناسایی عبارات هر یک از عامل‌ها، آرایه‌های عاملی به دست آمده از در طیف نمودار کیو قرار می‌گیرد تا به روشنی مشخص گردد هر عامل دارای چه آرایه‌ای است. در نمودارهایی که در ذیل خواهد آمد، عبارات هر عامل همراه با

طیف یا میزان اهمیت آن‌ها نشان داده می‌شود. در واقع نمودارهای ذیل نقطه اتصال ماتریس چرخش یافته و امتیازهای عاملی است تا بدین طریق میزان اهمیت هر عبارت در هر عامل با توجه به افراد آن عامل شناسایی گردد.

۷. نمایش آرایه‌های عاملی در قالب نمودار کیو

در این قسمت تمام آرایه‌های عاملی استخراج شده در قالب نمودار کیو و به صورت جداول ذیل نشان- داده می‌شوند.

جدول ۵. آرایه عاملی اول در قالب نمودار کیو								
بیشترین موافقت				بیشترین مخالفت				
+۴	+۳	+۲	+۱	۰	-۱	-۲	-۳	-۴
۲۳	۲۷	۳۱	۲۲	۱۵	۱۲	۷	۲۱	۱۴
۳۰	۱۷	۳۳	۱۸	۵	۱	۱۶	۲۶	۲۵
	۱۹	۳	۳۴	۲۸	۸	۱۳	۲۰	
	۶		۳۲	۲۹	۲۴	۱۱		
			۴	۹	۱۰			
				۲				

باتوجه به ماتریس چرخش یافته مشارکت‌کنندگان P001، P002، P004، P006، P011، و P012 که در شناسایی عامل یا الگوی ذهنی اول مشترک هستند عوامل ۲۳، ۳۰، ۲۷، ۱۷ و ۱۹ را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل شناسایی کرده‌اند. این به این معنا است که این عبارت بیشترین امتیاز را از نظر مشارکت‌کنندگان الگوی ذهنی اول به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از نظر آن‌ها عوامل ۱۴، ۲۵، ۲۱، ۲۶ و ۲۰ از کم‌ترین اهمیت برخوردار هستند. به عبارت بهتر این عوامل کم‌ترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۶. آرایه عاملی دوم در قالب نمودار کیو								
بیشترین موافقت				بیشترین مخالفت				
+۴	+۳	+۲	+۱	۰	-۱	-۲	-۳	-۴
۱۴	۲۸	۱۰	۶	۲۵	۲۷	۱۸	۳۰	۳۱
۴	۲۰	۲۳	۲۱	۲۲	۱۳	۱۲	۵	۷
	۱۵	۹	۳۲	۳۴	۱۹	۲	۱۱	
	۱۷		۸	۲۹	۱	۳۳		
			۲۶	۱۶	۳			
				۲۴				

باتوجه به ماتریس چرخش یافته مشارکت‌کنندگان P005، P007، P008، P010، P011 و P012 که در شناسایی عامل یا الگوی ذهنی دوم مشترک هستند، عوامل ۱۴، ۴، ۲۸، ۲۰ و ۱۵ را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل شناسایی کرده‌اند؛ همچنین از نظر آن‌ها عوامل ۳۱، ۷، ۳۰، ۵ و ۱۱ از کم‌ترین اهمیت برخوردار هستند.



بیشترین مخالفت		جدول ۷. آرایه عاملی سوم در قالب نمودار کیو					بیشترین موافقت		
-۴	-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳	+۴	
۲۳	۱۴	۱۶	۱۲	۲۵	۴	۷	۲۱	۵	
۱۷	۲۴	۳۱	۲۶	۱	۱۳	۶	۱۱	۲۲	
	۲۹	۲۸	۱۸	۳	۲۷	۹	۸		
		۱۹	۲	۱۰	۱۵	۳۰			
			۲۰	۳۳	۳۲				
				۳۴					

باتوجه به ماتریس چرخش یافته مشارکت کنندگان P006، P001، P010 و P014 که در شناسایی عامل یا الگوی ذهنی سوم مشترک هستند، عوامل ۵، ۲۲، ۲۱، ۱۱ و ۸ را به عنوان مهم ترین عوامل شناسایی کرده اند؛ همچنین از نظر آن ها عوامل ۲۳، ۱۷، ۱۴، ۲۴ و ۲۹ از کم ترین اهمیت برخوردار هستند.

بیشترین مخالفت		جدول ۸. آرایه عاملی چهارم در قالب نمودار کیو					بیشترین موافقت		
-۴	-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳	+۴	
۸	۱۳	۲۱	۲۶	۲۷	۱۴	۱۶	۵	۲۴	
۲۸	۱۷	۲	۱۱	۹	۳۳	۱۹	۳۴	۲۵	
	۳	۲۲	۱۰	۷	۴	۶	۱۸		
		۲۳	۱۲	۳۱	۱۵	۱			
			۳۰	۲۰	۳۲				
				۲۹					

باتوجه به ماتریس چرخش یافته مشارکت کنندگان P010، P009، P012 و P013 که در شناسایی عامل یا الگوی ذهنی چهارم مشترک هستند، عوامل ۵، ۲۵، ۲۴، ۳۴ و ۱۸ را به عنوان مهم ترین عوامل شناسایی کرده اند؛ همچنین از نظر آن ها عوامل ۸، ۲۸، ۱۳، ۱۷ و ۳ از کم ترین اهمیت برخوردار هستند.

بیشترین مخالفت		جدول ۱۰. آرایه عاملی پنجم در قالب نمودار کیو					بیشترین موافقت		
-۴	-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳	+۴	
۱۱	۱۳	۱۵	۲۸	۶	۲۴	۱۲	۹	۲	
۱۶	۲۳	۳۰	۳۱	۳	۵	۴	۱۴	۸	
	۱۰	۲۶	۷	۱	۳۳	۱۸	۱۷		
		۲۰	۲۵	۲۲	۱۹	۲۱			
			۲۹	۳۴	۲۷				
				۳۲					

باتوجه به ماتریس چرخش یافته مشارکت کنندگان P015 و P006 که در شناسایی عامل یا الگوی ذهنی پنجم مشترک هستند، عوامل ۲، ۸، ۹، ۱۴ و ۱۷ را به عنوان مهم ترین عوامل شناسایی کرده اند؛ همچنین از نظر آن ها عوامل ۱۱، ۱۶، ۱۳، ۲۳ و ۱۰ از کم ترین اهمیت برخوردار هستند.

جمع‌بندی یافته‌های پژوهش (تحلیل الگوهای ذهنی)

به کمک روش‌شناسی کیو و با بررسی دیدگاه‌ها و ذهنیت مشارکت‌کنندگان تحقیق (۱۵ نفر از خبرگان در عرصه زن و خانواده و نیز مشاوران خانواده)، ۵ الگوی ذهنی و تفکر متفاوت درباره پدیده روابط زناشویی در زوجین شهر تهران، شناسایی گردید.

الگوی ذهنی ۱: محیط‌گرایان

بر اساس ذهنیت و دیدگاه مشارکت‌کنندگان این الگوی ذهنی، عوامل دارای اهمیت بیشتر و کمتر در پیدایی مسئله روابط فرا زناشویی در زوجین شهر تهران این‌گونه بیان شده است: دشواری طلاق، طرح‌واره ازدواج، دادن حس‌رهایی به زن، فقر و ثروت و در نهایت دوستان منحرف. براساس این الگو، می‌توان نقش محیط را در این الگوی ذهنی دارای اهمیت بیشتر دانست. از آن‌سوی که در جامعه‌ای طلاق، یک امر قبیح و ناپسند پنداشته می‌شود، شخص نمی‌تواند به‌راحتی برای جداشدن از همسر خود اقدامی برای طلاق بکند از همین روی تن به این نوع از روابط می‌دهد. طرح‌واره‌های انسان نیز امری است که توسط جامعه شکل می‌گیرد و در ذهن شخص ماندگار می‌شود. دادن حس‌رهایی به زن، فقر و ثروت و نیز دوستان منحرف به‌گونه‌ای دارای رنگ اجتماعی شدید هستند که جزو دسته‌های عوامل اجتماعی برشمرده می‌شود.

الگوی ذهنی ۲: خانواده‌گرایان

بر اساس ذهنیت و دیدگاه مشارکت‌کنندگان این الگوی ذهنی، عوامل دارای اهمیت بیشتر و کمتر در پیدایی مسئله روابط فرا زناشویی در زوجین شهر تهران این‌گونه بیان شده است: خانواده‌پدیری، جنسیت، عدم همسان‌همسری، رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی و آشیانه خالی. بر اساس این الگو، می‌توان نقش خانواده را در این الگوی ذهنی دارای اهمیت بیشتر دانست. خانواده‌پدیری، مکانی است که انسان نخستین تجربیات از زندگی را در آن کسب می‌کند، از همین روی این دست از تجربیات می‌تواند در شکل‌دهی به رفتارهای آینده فرد، نقش مؤثری داشته باشد. در مورد عامل جنسیت، یکی از عوامل شکل‌دهی به هویت جنسی و جنسیتی انسان، خانواده است. از همین روی آن چه در هویت مردانه و زنانه از سوی خانواده به فرد القا می‌شود می‌تواند در رفتارهای بهنجار و نابهنجار شخص مؤثر واقع شود. عدم همسان‌همسری و آشیانه خالی نیز از جمله عواملی است که در دسته عوامل خانوادگی قرار می‌گیرند.

الگوی ذهنی ۳: باورگرایان

بر اساس ذهنیت و دیدگاه مشارکت‌کنندگان این الگوی ذهنی، عوامل دارای اهمیت بیشتر و کمتر در پیدایی مسئله روابط فرا زناشویی در زوجین شهر تهران این‌گونه بیان شده است: سن فرد خیانت‌کننده، نگرش سهل‌گیرانه و معجز جامعه، سوءاستفاده از امکان تعدد زوجات، عدم تأمین نیازهای عاطفی از



سوی همسر و بی‌ضرر دانستن روابط. براساس این الگو، می‌توان نقش نگرش و باور را در پیدایی این مسئله دارای اهمیت بسیار دانست. فرد در سنینی ممکن است این باور را داشته‌است که هنوز از نشاط جوانی خود بهره نگرفته است و یا باگذشت از عمر خود هنوز برخی از لذت‌ها، لازمه زندگی بانشاط خود است. از همین روی به این روابط تن می‌دهد.

نگرش سهل‌گیرانه فرد و نیز جامعه، سوءاستفاده از امکان تعدد زوجات، باور به اینکه نیازهای عاطفی‌اش از سوی همسر تأمین نشده است و در نهایت بی‌ضرر دانستن این نوع از روابط در زندگی فردی و خانوادگی فرد می‌تواند از جمله عواملی دانست که در آن نگرش و باورهای فرد دارای اهمیت بیشتر است.

الگوی ذهنی ۴: ارتباط‌گرایان

بر اساس ذهنیت و دیدگاه مشارکت‌کنندگان این الگوی ذهنی، عوامل دارای اهمیت بیشتر و کمتر در پیدایی مسئله روابط فرا زناشویی در زوجین شهر تهران این‌گونه بیان شده است: فضای شغلی مختلط، نوع شغل، سن فرد خیانت‌کننده، گذر از سنت به مدرنیته و جامعه آلوده. بر اساس این الگو، می‌توان نقش ارتباط را در پیدایی این مسئله دارای اهمیت بسیار دانست. فضای شغلی، نوع شغل و جامعه آلوده ارتباط مستقیمی با روابط یک شخص در بستر جامعه دارد. در برخی از سنین، ارتباطات انسان گسترده‌تر می‌شود و انسان خواهان ارتباط بیشتری با افراد هست و همین مورد می‌تواند به‌گونه‌ای در ذیل عوامل ارتباطی دانسته شود. در گذر از سنت به مدرنیته نیز آنچه بیشتر خود را نمایان ساخته است، افزایش کمیت و کیفیت ارتباط میان انسان‌هاست.

الگوی ذهنی ۵: روان‌گرایان

بر اساس، ذهنیت و دیدگاه مشارکت‌کنندگان این الگوی ذهنی، عوامل دارای اهمیت بیشتر و کمتر در پیدایی مسئله روابط فرا زناشویی در زوجین شهر تهران این‌گونه بیان شده است: اختلالات روانی، بی‌ضرر دانستن روابط، اثبات مردانگی و احساس جوانی، خانواده پدری و فقر و ثروت. بر اساس این الگو، می‌توان نقش روان و شخصیت نابهنجار فرد را در پیدایی این مسئله دارای اهمیت بسیار دانست. اختلالات روانی، بی‌ضرر دانستن روابط (در افراد مبتلا به شخصیت ضداجتماعی)، اثبات مردانگی و احساس جوانی (افراد مبتلا به اختلالات شخصیتی همچون ضداجتماعی، خودشیفتگی و نمایشی)، خانواده پدری به‌عنوان یکی از عوامل شکل‌دهنده به روان افراد و نیز خانواده به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر پیدایی اختلالات روانی می‌تواند عواملی باشد که بر اساس اندیشه خبرگان این الگوی ذهنی، شکل‌دهنده این پدیده در زوجین شهر تهران هستند. فقر نیز می‌تواند زمینه‌ساز پیدایی عقده حقارت شود و فرد را وارد این نوع از روابط کند.

بحث و نتیجه‌گیری

به کمک روش‌شناسی کیو و با بررسی دیدگاه‌ها و ذهنیت مشارکت‌کنندگان تحقیق (۱۵ نفر از خبرگان در عرصه زن و خانواده و نیز مشاوران خانواده)، ۵ الگوی ذهنی و تفکر متفاوت درباره پدیده روابط زناشویی در زوجین شهر تهران، شناسایی شد. این ۵ الگوی ذهنی عبارت‌اند از:

۱. محیط‌گرایان؛ شامل عوامل: دشواری طلاق، طرح‌واره ازدواج، دادن حس‌رهایی به زن، فقر و ثروت و دوستان منحرف.

۲. خانواده‌گرایان؛ شامل عوامل: خانواده‌پدیری، جنسیت، عدم همسان‌همسری، رسانه‌های و شبکه‌های مجازی و آشیانه خالی.

۳. باور‌گرایان؛ شامل عوامل: سن فرد خیانت‌کننده، نگرش سهل‌گیرانه و مجاز جامعه، سوءاستفاده از امکان تعدد زوجات، عدم تأمین نیازهای عاطفی همسر و بی‌ضرر دانستن روابط.

۴. ارتباط‌گرایان؛ شامل عوامل: فضای شغلی مختلط، نوع شغل، سن فرد خیانت‌کننده، گذر از سنت به مدرنیته و جامعه آلوده.

۵. روان‌گرایان؛ شامل عوامل: اختلالات روانی، بی‌ضرر دانستن روابط، اثبات مردانگی و احساس جوانی، خانواده‌پدیری و فقر و ثروت.

از آن روی که خانواده نقش مهمی در پیدایی این روابط دارد، لازم است خط‌مشی‌های مطلوبی را ناظر به خانواده تدوین کرد. به همین دلیل به برخی از این خط‌مشی‌های مؤثر در کاهش پیدایی روابط زناشویی اشاره خواهیم کرد:

۱. اجرای طرح «هر خانواده، یک روان‌شناس خانواده»

به همان اندازه که جسم افراد یک خانواده مهم است، روان ایشان نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. این سیاست در دیگر عوامل خانوادگی و روان افراد نیز می‌تواند تکرار شود. روان‌شناس خانواده به‌عنوان فردی آگاه نسبت به یک خانواده، با آگاهی کامل از روابط افراد خانواده می‌تواند تعارضات ایشان را به‌درستی بشناسد و با آگاهی‌های چندساله‌ای که نسبت به یک خانواده به‌دست می‌آورد، می‌تواند تعارضات و ارتباطات ایشان را تصحیح نماید و اگر این ارتباطات قابل تصحیح نباشد، در امر طلاق و جدایی این زوج تسهیل نماید و از آسیب‌های ظاهری و پنهانی این جدایی بکاهد.

۲. اجرای دوره‌های روان‌شناختی پیش از ازدواج

یکی از سیاست‌های مهم در امر ازدواج می‌تواند الزامی کردن امر «مشاوره پیش از ازدواج» باشد که با اجرای این طرح و با به‌کارگیری تست‌های روان‌شناختی و نیز مصاحبه‌های بالینی‌ای که صورت می‌گیرد، می‌توان طرح‌واره‌های فرد در مورد ازدواج را تشخیص داده و در جلسات مشاوره فردی و نیز کارگاه‌های روان‌شناختی، اقدام به درمان این موارد کرد.

۳. افزایش سواد رسانه



یکی از آسیب‌های دنیای جدید، ورود فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به بستر خانواده و تأثیرگذاری آن بر کمیّت و کیفیت اعضای خانواده است. از همین روی لازم است در این حوزه خط‌مشی‌های مناسبی در نظر گرفته شود. از جمله این خط‌مشی‌ها می‌تواند افزایش آگاهی زوجین نسبت به فضای مجازی و نیز مدیریت حضور در شبکه‌های اجتماعی باشد. این امر می‌تواند با برگزاری دوره‌های آموزش «سواد رسانه» صورت گیرد.

یکی از معضلات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، فقدان نرم‌افزارهای ایرانی در این فضا است و با بودن برخی از این موارد به خاطر ضعف‌های اساسی که در آنها وجود دارد، کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. در گام نخست لازم است که این نوع از نرم‌افزارها ساخته شده و در بستر آن‌ها کانال‌های تراز خانواده ایرانی - اسلامی در جهت اطلاع‌رسانی درست و پوشش اوقات فراغت جامعه فعال و معرفی گردد. در کنار آن نیز لازم است سایت‌های مناسب برای آموزش مسائل زناشویی با رعایت چارچوب‌های شرعی و منطبق با فرهنگ ایرانی - اسلامی راه‌اندازی شود.

۴. تولید سریال و فیلم‌های مرتبط با پدیده روابط فزانشویی

یکی دیگر از مسائلی که باید بدان توجه داشت، سریال‌ها و فیلم‌هایی است که به‌گونه‌ای به ترویج این نوع از روابط اقدام می‌کنند. یکی از راه‌های مقابله با این موضوع، تولید فیلم‌ها و سریال‌هایی است که به‌گونه‌ای به نقد این نوع از روابط و تبیین پیامدهای آن می‌پردازد. شاید یکی از بسترهای مناسب آن سریال‌ها و فیلم‌های شبکه‌های خانگی است.

به طور خاص، این روزها نقش سریال‌های شبکه نمایش خانگی در سبب مصرف کالاهای فرهنگی خانواده پررنگ‌تر از قبل شده است. دسترسی آسان به برنامه‌های ویدئویی و پلتفرم‌های جدید و حذف لوح‌های فشرده نیز از جمله دلایل دیگر استقبال از این سریال‌ها شده است. به‌ویژه که ستاره‌های سینما هم‌پایشان به شبکه نمایش خانگی باز شد و بسیاری از کارگردان‌هایی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، با استفاده از این چهره‌ها راه فروش آثار خود را هموار کردند.

۵. مدیریت روانی «آشیانه خالی»

به علت کاهش نرخ جمعیت، در چند دهه آینده جامعه ایرانی، مسئله «پیری جمعیت» یکی از مسائل اجتماعی خواهد شد. براساس یافته‌های پژوهش، یکی از عوامل مؤثر در پیدایی روابط فزانشویی، خانه خالی از فرزندان است که این امر می‌تواند به دو علت (۱) عدم فرزندآوری (۲) ازدواج فرزندان پدید آید، اما آنچه که مبین اصطلاح «آشیانه خالی» است، مورد دوم یعنی ازدواج فرزندان است که زن و مرد پس از گذشت زمانی از زندگی‌شان تا مادامی که فرزندان در خانه حضور داشتند، عدم ارتباط صحیح میان زن و شوهر به چشم نیاید و پس از آنکه فرزندان به علت ازدواج یا تحصیل خانه را ترک می‌کنند، این زخم کهنه سرباز می‌کند. از همین روی، باید خط‌مشی‌های مناسبی برای این نوع از خانواده‌ها در نظر گرفت و به‌گونه‌ای اوقات فراغت ایشان را مدیریت کرد؛ جدای از آنکه باید فرهنگ صلح‌رحم و نیز دیدار

از والدین را در فرهنگ ایرانی زنده کرد. یکی از خط‌مشی‌های مناسبی که می‌توان برای این خانواده‌ها در نظر گرفت، امکان ادامه تحصیل این افراد است.

پیشنهاد نویسنده آن است که پژوهش‌های دیگری به همین روش در موضوع علل پیدایی روابط فرا زناشویی در شهرهای دیگر صورت بگیرد. تا بر اساس آن‌ها بتوان خط‌مشی‌های مطلوب آن را ارائه کرد. پژوهش‌های دیگر نیز می‌تواند به بررسی امکان‌سنجی و اثربخشی این خط‌مشی‌ها اقدام کند.

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت راهبردی فرهنگ دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام) (سال دفاع ۱۳۹۹) است.

حمایت مالی: مطالعه حاضر تحت هیچ‌گونه حمایت مالی هیچ سازمان و نهادی نبوده است.

سهم نویسندگان: نویسنده مسئول، حمیدرضا یزدانی در بخش روش‌شناسی و تحلیل داده‌ها و نویسنده سوم، سید محمدحسین هاشمیان، بخش تدوین و پیشنهادهای حوزه سیاست‌گذاری را بر عهده داشتند.

تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع تعارض ندارد.

تشکر و قدردانی: از تمام مشارکت‌کنندگان در پژوهش قدردانی می‌شود.

منابع فارسی

ابراهیمی پور، قاسم. (۱۳۹۶). شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

افشاری، محمدحسین. (۱۳۹۸). با افراد مبتلا به اختلال شخصیت ازدواج نکنید. قم: نشر ماندگار.

افشانی، سیدعلیرضا و همکاران. (۱۳۹۶). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در روابط فرا زناشویی (با تاکید بر شبکه‌های مجازی تلفن همراه). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی. ۸ (۵۰): ۱۳۵-۱۵۸. [لینک]

امیری، عبدالرضا؛ نوری مرادآبادی، یونس؛ بساطیان، سیدمحمد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و گرایش بهره‌برداران به آسیب‌های اجتماعی در بین جوانان شهر کرج. فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی. ۴ (۴): ۱۱۷-

۱۴۲. [لینک]

بستان، حسین. (۱۳۹۰). خانواده در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بستان، حسین. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حبیبی عسگرآباد، مجتبی؛ حاجی حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده (یک مطالعه کیفی). فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۱۱ (۴۱): ۱۶۵-۱۸۶. [لینک]

خوشگویان فرد، علیرضا. (۱۳۸۶). روش‌شناسی کیو. تهران: نشر مرکز تحقیقات صداوسیما.

داودی نژاد، مسلم. (۱۳۹۱). رازهای تسخیر قلب همسر. قم: مهر دلدار.

رضوانی زاده، اکرم؛ اسلانی کتولی، انیسه. (۱۳۹۵). پیش‌بینی روابط فرا زناشویی از روی سبک‌های دلبستگی، عزت نفس و

میزان خودشیفتگی در بین دانشجویان متأهل. نشریه پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری. ۱ (۲): ۳۶-۴۵. [لینک]

زهراکار، کیانوش؛ جعفری، فروغ. (۱۳۹۴). مشاوره خانواده. تهران: نشر ارسباران.

سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۹۲). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



- سودانی، منصور؛ شفیق آبادی، عبدالله. (۱۳۸۷). مقایسه اثربخشی زوج درمانی آلپس به صورت انفرادی و توام در کاهش تعارضات زناشویی. دانش پژوهی در روان شناسی. ۱۰ (۳۷): ۱-۲۰. [لینک]
- سهرابی، فرامرز؛ رسولی، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازنشویی در بین زنان بازداشت شده در مرکز مبارزه با مفساد اجتماعی شهر تهران. خانواده پژوهی. ۴ (۱۴): ۱۳۳-۱۴۳. [لینک]
- شاه سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ محبی، سیامک. (۱۳۸۷). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. اصول بهداشت روانی. ۱۱ (۳۳): ۲۳۳-۲۳۸. [لینک]
- شرف‌الدین، سیدحسین؛ صالح‌حی‌زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۵). زمینه‌های روابط فرازنشویی در ایران؛ مطالعه موردی شهر تهران. معرفت فرهنگی-اجتماعی. ۷ (۳): ۱۱۷-۱۳۸. [لینک]
- شیردل، ملیحه. (۱۳۸۵). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به روابط نامشروع جنسی. نشریه رفاه اجتماعی. ۶ (۲۲): ۱۳۳-۱۴۸. [لینک]
- عبدالملکی، مریم و منصوره اعظم آزاده. (۱۳۹۳). بررسی کیفی روابط فرازنشویی. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۳ (۲۴): ۱-۲۰. [لینک]
- عجم، علی اکبر. (۱۳۹۵). تاثیر آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم بر تعارض زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی. مطالعات اسلام و روان شناسی. ۱۵ (۱۸): ۱۲۵-۱۴۶. [لینک]
- عسگرآباد، مجتبی و حاجی حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه کننده به دادگاه خانواده (یک مطالعه کیفی). فصلنامه خانواده پژوهی. ۱۱ (۴۲): ۱۶۵-۱۸۱. [لینک]
- عنایت، حلیمه و حاجیان، بهجت. (۱۳۹۴). عوامل مرتبط با اعتماد به عدم خیانت همسر مورد مطالعه، مردان و زنان متأهل شهر اصفهان. فصلنامه جامعه شناسی کاربردی. ۲۶ (۶۰): ۶۹-۸۶. [لینک]
- غفوریان نوری، پریسا؛ ابراهیم آبادی، اصغر؛ عبدخدایی، محمدجواد؛ کیمیایی، سیدعلی. (۱۳۹۷). عوامل تأثیرگذار بر روابط فرازنشویی زنان متأهل؛ یک مطالعه کیفی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان شناختی. ۱۶ (۵۷): ۷-۴۲. [لینک]
- فتحی، منصور؛ فکرآزاد، حسین؛ غفاری، غلامرضا؛ بوالهیری، جعفر. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل زمینه ساز بی وفایی زناشویی مردان. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۵ (۴): ۴۰۱-۴۱۸. [لینک]
- کاوه، سعید. (۱۳۸۳). روان‌شناسی بی‌وفایی و خیانت. تهران: هنرسرای اندیشه.
- کاوه، سعید. (۱۳۸۷). همسران و بی‌وفایی و خیانت: بررسی عوامل موثر و شناخت ویژگی‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده و پیامدهای ناشی از عارضه بی‌وفایی و خیانت میان همسران. تهران: سخن.
- لاسترمن، دان-دیوید. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی وفاداری در زندگی زناشویی. مترجم: بنفشه فرزین زاده، سعیده زنونزبان و سارا واجب منفرد. تهران: نشر دانژه.
- محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد؛ عارفی، مختار. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی کرمانشاه). فصلنامه شورای فرهنگ اجتماعی زنان و خانواده. ۱۴ (۵۳): ۷-۴۲. [لینک]
- مکی زاده، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر قصد استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. ۲۲ (۸۲): ۱۲۳-۱۴۰. [لینک]
- یوسفی، ناصر؛ کریمی پور، بنت الهدی؛ امانی، احمد. (۱۳۹۶). بررسی مدل باورای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی. فصلنامه مشاوره کاربردی دانشگاه چمران اهواز. ۷ (۱۴): ۷-۴۷. [لینک]

References

- Abdolmaleki, M., & Azadeh, M. (2014). A Qualitative Study about the Reasons of the Extra-marital Relations(Case Study: Qurveh). *Strategic Studies on Youth ans Sports*, 13(24), 113-126.(Text in Persian)[[Link](#)]
- Alireza Afshani, S., Maddahi, J., Karimi Monjermoei, Y., & Mazidi Sharafabadi, M. (2017). Role of Virtual Social Networks in Trans-marriage Relations: Focusing on Mobile Phone Virtual Networks. *Societal Security Studies*, 8(50): 135-158.. (Text in Persian) [[Link](#)]
- Afshari, M. (2019). *Do not marry with personality disorder*. Qom: Mandegar. (Text in Persian).
- Ajam, A. (2016). The Influence of Satellite Direct and Indirect Educations on Marital Conflict and Attitude to Marital Infidelity. *Islamic Studies and Psychology*. 15 (18): 125-146. (Text in Persian) [[Link](#)]
- Amiri, A., Noori Moradabadi, y., & Basatian, S.M. (1390). Investigating the relationship between the use of satellite networks and the tendency of exploiters to social harms among the youth of Karaj. *Journal of Social Order and Security*. 4 (4): 117-142. (Text in Persian) [[Link](#)]
- Atkins, D. C., Yi, J., Baucom, D.H., & Christensen, A. (2005). Infidelity in Couples seeking marital therapy. *Journal of Family Psychology*. 19 (3): 470-3. DOI: 10.1037/0893-3200.19.3.470 [[Link](#)]
- Atkins, D.C., Baucom, D.H., & Jacobson, N.S. (2001). Understanding infidelity:Correlates in a national random sample. *American Psychological Association*. 15 (4):49-735. DOI: 10.1037//0893-3200.15.4.735 [[Link](#)]
- Bostan, H.(2012). *Family in Islam*. Qom: Research Institute and University.
- Bostan, H.(2015). *Sociology of the family with a look at Islamic sources*. Qom: Research Institute and University.
- Brand, R. J. C. M., Markey, M.A., & Hodges, S.D. (2007). Sex Difference in Selfreported Infidelity and its Correlates. *Journal of Sex Roles*.57 (1): 101-109. DOI: 10.1007/s11199-007-9221-5 [[Link](#)]
- Buunk, B. E., & Bakker, A.B. (1995). Extradynamic sex: The role of descriptive and injunctive norms. *The Journal of Sex Research*. 32(4): 313-318. DOI: 10.1080/00224499509551804 [[Link](#)]
- Campbell, A., & Marie M.A.(2009). *How Selected Personality Factors Affect The Relationships Between Marital Satisfaction, Sexual Satisfaction, And Infidelity*, A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy, Tech University.
- Davoodi Nejad, M. (2013). *Secrets of conquering a spouse's heart*. Qom: Mehr Deldar . (Text in Persian)
- Ebrahimipour, Q. (2018). *Indicators of desirable family from the perspective of Islam*. Tehran: Center for Presidential Strategic Studies. (Text in Persian)
- Enayat, H., Hajian, B. (2015), Factors related to trust in non-infidelity of the studied spouse, married men and women in Isfahan. *Quarterly Journal of Applied Sociology*. 26 (60): 69-86. (Text in Persian) [[Link](#)]
- Fathi M, Fekazad H, Ghaffary G, & Bolhari J.(2014) Recognizing the Fundamental Factors of Married Men Engaged in Marital Infidelity. *refahj*. 13 (51) :109-131[[Link](#)]
- Fisher, T. D. (2007). Sex of experiment and social norm effects on reports of sexual behavior in young men and women. *Archives of sexual Behavior*. DOI: 10.1007/s10508-006-9094-7 [[Link](#)]



- Ghafoorian Nourozi, P., Asghari Ibrahim Abad, M., Abdkhodayie, M., & Kimiaee, S. (2018). Factors Influencing Extramarital Relationship among Married Females: A Qualitative Study. *Journal of Applied Psychological Research*, 9(3), 55-75. doi: 10.22059/japr.2018.69568 [Link]
- Habibi Asgarabad, M., & Haji Heidari, Z. (2015). Causes of marital infidelity from the perspective of couples referring to family court (a qualitative study). *Family Research Quarterly*. 11 (41): 165-186. (Text in Persian) [Link]
- Kaveh, S. (2004). Psychology of infidelity and betrayal. Tehran: Honar Sara Andisheh. (Text in Persian)
- Kaveh, S. (2008). Spouses and infidelity: Investigating the effective factors and recognizing the characteristics and constituents and consequences of infidelity and infidelity between spouses. Tehran: Sokhan. (Text in Persian)
- Khoshgovian Fard, A. (2007). *Q methodology*. Tehran: Publication of the Radio and Television Research Center. (Text in Persian)
- Loudova, I., Haviger, J., & Janis, K. (2013). Infidelity: as a Threatening Factor to the Existence of the Family. *Procedia-social and Behaavioral Sciences*. 36(1): 89-100. DOI: 10.1016/j.sbspro.2013.12.164 [Link]
- Lusterman, D. (2015). The pathology of fidelity in married life. Translators: Banafsheh Farzinzad, Saeedeh Zanozian and Sara Vajb Monfared. Tehran: Danjeh. (Text in Persian)
- Makkizadeh, F. (2015). Examining Factors Affecting the Purpose of Social Networks Use Case study: Yazd University Students. *Communication Research*, 22(82), 123-140. doi: 10.22082/cr.2015.15109. [Link]
- Mohsenzadeh, F., Nazariy, A., & Arefi, M. (2011). Qualitative study of factors contributing to marital dissatisfaction and applying for divorce (the case of Kermanshah). *Women's Strategic Studies*, 14(53): 7-42. (Text in Persian) [Link].
- Rezvanizadeh, A., & Aslani Katoli, A., (2016). Predicting extramarital relationships based on attachment styles, self-esteem and narcissism among married students. *Journal of New Advances in Behavioral Sciences*. 1 (2): 36-45. (Text in Persian) [Link.]
- Salari Far, M. (2013). *Family in the view of Islam and psychology*. Qom: Research Institute and University (Text in Persian).
- Shahsiah M. , Bahrami F., & Mohebi S.(2009). On The Relationship Between Sexual Satisfaction and Marital Commitment Among Couples In Shahreza City, Central Part Of Iran. *Journal of fundamentals of mental health* .11(3):233 -238 (Text in Persian). DOI: 10.22038/JFMH.2009.1556 [Link]
- Sharafuddin, H., Salehizadeh, A. (2016). Areas of extramarital affairs in Iran; Case study of Tehran. *Socio-cultural knowledge*. 7 (3): 117-138. (Text in Persian) [Link]
- Shirdel M.(2006). The Tendency Factors of Married Men and Women to Sexual Unlawful Relationship. *refahj*. 6 (22) :133-148. (Text in Persian) [Link]
- Sohrabi, F., Rasouli, F. (2008). The Relationship Between The Attachment Style And The Extramarital Sex Relationship Among Married Women In Residential Center For Deviant Women. *Family research*. 4 (14): 133-143 . (Text in Persian) [Link]
- Sudani, M., & Shafiabadi, A. (2008). Comparison of Rational Emotive Behavior Couple Individual and Conjoint Therapy for Reducing Family Conflict in Couples Referred to Ahvaz Counsel Centers for Problem Disclosure.

Knowledge & Research in Applied Psychology, 10(37): 1-20.(Text in Persian) [[Link](#)].

Yoosefi, N., karimipour, B., & Amani, A. (2017). Evaluating the model of religious beliefs, conflict resolution styles, and marital commitment with attitudes toward marital infidelity. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 7(1), 47-64. doi: 10.22055/jac.2017.20212.1380.(Text in Persian) [[Link](#)].

Zahrakar, K., Jafari, F. (2015). *Family Counselling*. Tehran: Arasbaran Publishing.(Text in Persian).





Original Research

Critique of Famous Imamah Jurisprudents' Viewpoint about Obligatory or Non-Obligatory of Non-Pregnant Adulteress' Istibrā

AbdulSamad Aliabadi¹

¹ Assistant Professor of Jurisprudence and Law, University of Islamic Religions, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) a.aliabadi@mazaheb.ac.ir

Background & Purpose

Istibrā is a term used in jurisprudence that refers to the pursuit of innocence and purgation and has different meanings. The context on which the research has concentrated is the purgation of a woman's womb from a man's semen. Jurisprudents frequently use the term 'Iddah' to refer to the purgation of a woman's womb after she divorces her husband or after her husband dies, while they frequently use the term Istibrā to refer to the innocence and purgation of a woman's womb after she commits adultery.

This discussion is necessary because the ruling on an adulteress' Istibrā is one of the most challenging issues in jurisprudence. This has caused the Imamah jurisprudents to differ in their rulings, and since there has been no independent discussion about this, it is extremely necessary. Now the question arises whether a non-pregnant divorced or widow adulteress needs to be purged (i.e., Istibrā) if she intends to get married? The purpose of this study is to explain the ruling on a non-pregnant divorced or widow adulteress' Istibrā.

Method

The current study is a descriptive-analytical and library study that clarifies the ruling on the purgation (Istibrā) of a non-pregnant unmarried adulteress by referring to the primary sources of Imamah jurisprudence and examining the jurisprudential propositions.

Results

Imamah jurisprudents differ in the obligatory or non-obligatory of non-pregnant and unmarried adulteress' *Istibrā*. From the famous Imamah jurist's viewpoint, adulteress' *Istibrā* is not obligatory, and an adulteress can marry the adulterer or a non-adulterer immediately after adultery. Although the famous viewpoint does not consider *Istibrā* to be obligatory, there is no complete consensus. Some argue that *Istibrā* is not absolutely obligatory, while others believe it is *mustahabb*, and the third group has taken precautions in this regard while emphasizing the non-obligatory of the adulteress' *Istibrā*. In contrast to the famous viewpoint, some jurists have considered the obligatory of *Istibrā*. Although they agree on the obligatory of *Istibrā*, they differ on whether *Istibrā* is a condition for the validity of a marriage or a condition for intercourse.

Famous jurists have referred to the generality of texts (verses and hadiths) on the obligatory of *Istibrā*. According to them, these texts, in general, indicate the non-obligatory of non-pregnant and unmarried adulteress' *Istibrā* (An-Nisa: 24 and 3). On the other hand, those who believe in the obligatory of *Istibrā* refer to hadiths, in some of which the obligation of adulteress' *Istibrā* before marriage is specified. They have also referred to the rule of "It is not permissible for the two unique semens to meet in the same womb" to emphasize the obligatory of *Istibrā*, which means that the Shari'a has forbidden the union of two unique semens in the same womb. Another reason given for the obligatory of adulteress' *Istibrā* is to prevent the intermixing of semens and genealogies (*Miāh* and *Ansāb*), explaining that the purpose of the religion of Islam is to preserve the five basic goals, namely religion, intellect, soul, wealth and genealogy. Legislation has also been done to maintain these goals. Therefore, Islam has enacted rulings to prevent the intermixing of semen and genealogies. The jurists have also mentioned the wisdom of some of the rulings on not mixing the semen, such as the forbiddance of marrying two men with a woman at the same time, the legislation of *iddah*, and so on. Now, if it is permissible to marry an adulteress without *Istibrā*, this goal of the Shari'a will not be achieved, and it will lead to intermixing the semen and genealogy. So the famous arguments are imperfect because the famous jurists cite the generality and absoluteness of the arguments, which is specified (*Takhṣīṣ*) by the arguments that indicate the obligatory of *Istibrā*.



Although the hadiths on obligatory of Istibrā are complete, some have raised the objection that since the famous jurists have abandoned the hadiths on obligatory of Istibrā, they should be abandoned because it indicates their weakness.

In response to this problem, it should be said that although the famous jurists' abandonment (E'rad) of a correct hadith indicates its weakness, two conditions have been mentioned for it, and if these two conditions are met, the famous jurists' abandonment suggests the weakness of the hadith: a) What is meant by the famous, is the early scholars (Qodama); That is, if the famous Qodama had abandoned a hadith, this abandonment indicates the weakness of the hadith. B) Their abandonment is due to a reason that they have achieved and we have not achieved. In other words, it is not probable that their abandonment is based on ijihad or because of the rules of conflict or because of taqiyyah, which these two conditions do not exist in the discussion of the adulteress' Istibrā. Because, first of all, given that Koleini has mentioned the obligatory of Istibrā in al-Kafi (Koleini, 1407 AH, vol. 5, p. 356), without referring to the opposing hadith, which is the realization (Kashif) of his fatwa (Shobeiri Zanjani, 1419 AH, vol. 7, p. 2119). Also, Sheikh Mofid in Al-Muqna'ah (Sheikh Mofid, 1413, p. 504) and Sheikh Tusi in Tahzib Al-Ahkam (Sheikh Tusi, 1407, vol. 7, p. 327) have accepted the obligatory of Istibrā, so the famous early scholars' (Qodama) abandonment of these hadiths are not very clear. Secondly, this abandonment is not because they had a reason that did not reach us, but their abandonment is based on ijihad. According to what has been discussed, the author believes that the famous arguments are imperfect, and their abandonment does not indicate the weakness of the hadiths whose contents imply the obligatory of Istibrā.

It is also imperative for the Shari'ah to preserve the semen (Miah) and genealogy (Ansab), to the extent that the Prophet Mohammad (PBUH) cursed one who falsely attributes him or herself to another person: "May God curse the one who attributes himself to someone other than his father". Therefore, given the strength of the arguments of those who believe in the obligatory of Istibrā, their opinions are preferable, and adulteress' Istibrā is necessary and obligatory.

Compliance with the research ethics: This study complied with all ethical research guidelines.

Funding: The present study results from the author's personal efforts and has not received any financial support.

Authors' contribution: Abdul Samad Aliabadi (corresponding author) was primarily in charge of conducting this research.

Conflict of interest: There is no conflict of interest with any person or organization.

Acknowledgments: The authors express their gratitude for the efforts of all those involved in the respected Quarterly Journal of Women and Family Studies for the excellent and rapid process of reviewing, proper corresponding, and acceptance of the article.

References

- Hakim, M. (1996). *Mostamsek al'orwah alwostâ*. Qom: Mo'assese dar-altafsir. (text in Arabic)
- Kho'ei, A. (1998). *Mousoo'ah al'emâm alkho'ei*. Qom: Mo'assasah ehyâ' âthâr al'emâm alkho'ei. (text in Arabic)
- Kolaini, M. (1987). *Alkâfi*. Tehrân: Dâr-alkotob aleslâmiyyah. (text in Arabic)
- Seykh Tousi, M. (1987 a). *Alkhelâf*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)
- Seykh Tousi, M. (1987 b). *Tahzib*. Tehrân: Dâr-alkotob. (text in Arabic)
- Sheykh Mofid, M. (1993 a). *Almot'ah*. Qom: Kongre jahâni hezâre sheykh mofid. (text in Arabic)
- Sheykh Mofid, M. (1993 b). *Almoqne'ah*. Qom: Kongre jahâni hezâre sheykh mofid. (text in Arabic)
- Shobeiri Zanjani, M. (1999). *Ketâb nekâh*. Qom: Rây-pardâz. (text in Arabic)
- Yazdî, M. (2007). *Al'orwah alwothqâ ma' alta'liqât*. Qom: Madrasah Emâm Ali Pub. (text in Arabic)



نقد و بررسی دیدگاه مشهور فقها امامیه در عدم وجوب استبراء زانیه غیر باردار

عبدالصمد علی آبادی^۱

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

چکیده

تجرد استبراء به معنای برائت رحم و پاکي آن است. در اسلام استبراء جهت پاکي رحم از حمل تشریح شده است که استبراء غیر حامل با دیدن حیض است. از آن جهت که زنا از مسائلی است که همواره مورد ابتلا بوده، خصوصاً در جوامع امروزی، ضروری است که در خصوص استبراء زانیه بحث شود. حال این بحث مطرح می‌شود که زانیه بدون شوهر و غیر باردار در صورتی که قصد ازدواج داشته باشد، آیا نیاز به استبراء دارد؟ هدف از این تحقیق نقد و بررسی دیدگاه مشهور فقها درباره حکم استبراء زانیه بدون شوهر و غیر باردار است. سؤال اصلی ما آن است که چگونه می‌توان دیدگاه مشهور مبنی بر عدم وجوب استبراء زن زناکار (زانیه) را نقد و بررسی کرد؟ فقهای امامیه در وجوب یا عدم وجوب استبراء زانیه غیر باردار اختلاف دارند؛ دیدگاه عدم وجوب استبراء به مشهور فقها نسبت داده شده است. البته برخی از مشهور به استحباب استبراء و برخی دیگر به احتیاط در این مسئله گرایش پیدا کرده‌اند. این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی است، نشان می‌دهد ادله مشهور ناتمام است؛ به دلیل اینکه استناد مشهور به عموم و اطلاق ادله است که با ادله‌ای که بر وجوب استبراء دلالت می‌کند، قید زده می‌شود و اعراض مشهور موجب ضعف روایات وجوب استبراء نمی‌شود، زیرا اولاً اعراض مشهور قداماً چندان روشن نیست و ثانیاً این اعراض به خاطر این نیست که آن‌ها دلیلی داشته‌اند که به ما نرسیده است، بلکه اعراض آن‌ها اجتهادی است. نتیجه آنکه با وجود روایات وجوب استبراء، قاعده «لا يجوز اجتماع المائین فی رحم واحد» و حفظ میاه و انسباب از اختلاط، قول به وجوب استبراء ترجیح دارد.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

استبراء زانیه، عده زانیه، زانیه غیر باردار، برائت رحم، پاکي رحم

ارجاع به مقاله:

علی آبادی، عبدالصمد. (۱۴۰۱). نقد و بررسی دیدگاه مشهور فقها امامیه در عدم وجوب استبراء زانیه غیر باردار. مطالعات زن و خانواده، ۱۰(۱)، ۸۳-۶۱. doi: 10.22051/jwfs.2022.36437.2707

۱- مقدمه

استبراء به معنای طلب برائت و پاکی جستن، واژه‌ای است که در فقه کاربرد دارد و دارای اقسامی است که عبارت است از استبراء از منی و ادرار که اختصاص به مرد دارد. استبراء از حیض مربوط به زنان است. استبراء حیوان نجاست خوار مربوط به حیوانات حلال‌گوشتی است که نجاست می‌خورند، و مورد آخر، استبراء از بارداری است و این برای پاکی رحم کنیزی است که مالک قصد فروش او را دارد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶: ۳۸۰/۱). همچنین فقها استبراء را بر پاکی رحم زن از منی مرد نیز اطلاق کرده‌اند. البته با این توضیح که فقها برای پاکی رحم زنی که از همسر شرعی خود جدا شده یا فوت کرده، غالباً از واژه عده نام می‌برند و برای برائت و پاکی رحم زنی که مرتکب زنا شده، غالباً از واژه استبراء استفاده می‌کنند.

استبراء و عده از برنامه‌های حکیمانه الهی است و به‌طور قطع یکی از اهداف شارع از تشریح عده و استبراء استحکام خانواده و حفظ میاه و انساب است به‌عبارت‌دیگر جایز نیست که منی دو مرد در یک رحم قرار گیرد لذا شارع عده و استبراء را تشریح کرده تا رحم زن از نطفه زوج سابق پاک‌گردد و بعد نطفه شوهر جدید در رحم زن قرار گیرد.

ضرورت این بحث از آن جهت است که زنا باتوجه به این که هم‌بستری نامشروع است، بنا بر فتوای مشهور فقیهان امامیه عده ندارد و در حال حاضر همین نداشتن عده سبب شده برخی بدون هیچ قید و بندی این عمل که مبعوض شارع است، را انجام دهند و در اولین فرصت نیز ازدواج می‌کنند که تبعات زیادی به دنبال دارد و باتوجه به اینکه حکم استبراء زانیه بدون شوهر و غیرباردار چندان روشن نیست و بحث مستقلی در این باره صورت نگرفته، لذا این بحث از ضرورت دوچندان برخوردار است. در خصوص پیشینه بحث، باتوجه به تتبع صورت‌گرفته تحقیق موسع و یکپارچه‌ای یافت نشد و فقط فقها لابه‌لای برخی مباحث به استبراء زانیه اشاره نموده‌اند. حال پرسش تحقیق آن است که آیا زانیه بدون شوهر و غیرحامل در صورتی که قصد ازدواج داشته باشد، نیاز به استبراء دارد؟ از این رو، هدف این نوشتار آن است که حکم استبراء زانیه بدون شوهر و غیرحامله را روشن نماید.

۲- استبراء

استبراء در لغت از برّی به معنای خلاصی جستن، پاک بودن، پاک شدن، منزه شدن، بیزاری جستن، بیزاری خواستن است (طریحی، ۱۴۱۶: ۵۰/۱) استبراء در فقه کاربردهای مختلفی دارد (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ۱۴۰۴: ۱۶۶/۳) که در اینجا استبراء رحم مراد است یعنی پاک‌شدن رحم زانیه از نطفه زانی (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ۱۴۰۴: ۱۶۶/۳، ۳۰۴) اگر زانیه حیض می‌شود، استبراء وی یک حیض است و زنی که به بواسطه بیماری یا مثل آن حیض نمی‌شود باید سه ماه صبر کند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۵۰۴). استبراء زانیه باردار به وضع حمل است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۴۵). همچنین عده مثل استبراء برای پاکی رحم زن است اما مخصوص زنانی است که بعد از ازدواج و نکاح شرعی از همسر خود جدا شده باشند و با اتمام عده می‌توانند دوباره ازدواج کنند (حمیری، ۱۴۲۰: ۴۲۸/۷).



صدر، ۱۴۲۰: ۵۰۹/۸) این عده شامل زانیه نمی‌شود و زانیه عده ندارد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۳۸/۵؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶: ۳۲۱/۲)، چون هم‌بستری زانیه با زانی غیرشرعی است. همچنین استبراء با عده تفاوت‌هایی دارد از جمله اینکه عده در هر صورت واجب است حتی اگر به عدم بارداری زن یقین داشته باشیم برخلاف استبراء؛ همچنین در استبراء یک حیض کفایت می‌کند بخلاف عده (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ۱۴۰۴: ۱۷۰/۳). باتوجه به توضیحات اگر گفته شود که بر زانیه عده واجب است مراد همان استبراء است نه عده، زیرا همان‌طور که بیان شد عده مخصوص زنی است که بعد از ازدواج شرعی از همسر خود طلاق گیرد یا همسر وی فوت کند و هیچ‌یک از فقها چنین عده‌ای را برای زانیه واجب ندانسته و محل بحث و اختلاف بین آن‌ها نسبت به استبراء است.

۳- دیدگاه‌های موجود درباره استبراء زانیه غیر باردار

فقهای امامیه نسبت به وجوب یا عدم وجوب استبراء زانیه بدون شوهر و غیر باردار اختلاف دارند برخی قائل به وجوب استبراء هستند و برخی دیگر استبراء را واجب نمی‌دانند که در ادامه به دیدگاه و ادله آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱- عدم وجوب استبراء

مشهور فقها استبراء زانیه را واجب نمی‌دانند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۰۹/۳۴؛ سبحانی، ۱۴۰۴: ۳۳۹؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳: ۴۹۱/۱۰). هر چند از نظر مشهور استبراء واجب نیست ولی قول واحدی ندارند که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود:

قول اول: مطلقاً واجب نیست: هرچند قائلین به این قول به صورت صریح اشاره به عدم وجوب استبراء نکرده‌اند و فقط می‌گویند که بر زانیه عده واجب نیست، اما از اینکه ازدواج با زانیه را - بدون پاک‌ی رحم حتی با استبراء - جایز دانسته‌اند این نشان می‌دهد که از نظر آن‌ها استبراء زانیه مطلقاً واجب نیست. ابن ادریس می‌نویسد: «بر زانیه عده واجب نیست و جایز است که ازدواج کند» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۵۴۴/۲). برخی نیز در پاسخ به سؤالی درباره حکم ازدواج با زانیه حتی در زمان بارداری چنین نوشته‌اند: «اشکالی ندارد با زنی که زنا کرده ازدواج کند هر چند که حامله باشد»^۲ (تبریزی، ۱۴۲۷: ۱۹۳/۸). گلپایگانی علاوه بر زانی، ازدواج با غیر زانی را صحیح می‌داند و تصریح می‌کند که زانیه عده ندارد (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۱۰۴). مفهوم این قول آن است که علاوه بر عده، استبراء هم واجب نیست. عده‌ای دیگر از فقها به صورت مطلق فتوا به عدم وجوب عده زانیه صادر نموده‌اند (ابن‌براج، ۱۴۰۶: ۳۲۱/۲؛ حلی، ۱۴۰۵: ۴۷۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۵۴/۷؛ امام خمینی، بی‌تا: ۳۴۴/۲؛ امام خمینی، ۱۴۰۴: ۲۱۵؛ اراکی، ۱۴۱۴: ۱۱۳/۲).

بنابراین از جمع‌بندی اقوال فوق عدم وجوب استبراء زانیه به صورت مطلق به دست می‌آید.

^۱ . لا عده علی الزانیه، و يجوز لها أن تتزوج.

^۲ . فلا بأس أن يتزوجها من زني بها وإن كانت حاملاً.

قول دوم: استحباب استبراء: برخی از فقها قائل به استحباب استبراء شده‌اند، شیخ طوسی در یک قول قائل به استحباب استبراء شده است. وی در الخلاف بعد از اشاره به اینکه زانیه غیر باردار عده ندارد به استحباب استبراء اشاره می‌کند^۱ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ الف: ۳۰۱/۴) و طبرسی نیز قولی شبیه قول شیخ در خلاف دارد (طبرسی، ۱۴۱۰: ۱۳۰/۲). برخی استبراء را در صورتی مستحب می‌دانند که زانیه قصد ازدواج با زانی را داشته باشد (روحانی، بی تا: ۵۶۳/۲).

استحباب استبراء از آن جهت است که اطلاقات زیادی وجود دارد که بر اباحه ازدواج با زانیه بدون استبراء دلالت دارند، و از طرف دیگر ظاهراً از نظر این فقها با یک یا دو روایت که دلالت بر لزوم استبراء می‌کنند، نمی‌توان اطلاقات را قید زد، لذا حمل بر استحباب کرده‌اند (شیری، ۱۴۱۹: ۲۱۱۹/۷).

قول سوم: استبراء از باب احتیاط: گروهی از فقها ضمن اشاره به عدم وجوب استبراء زانیه، احتیاط در این مسئله را وجیه دانسته‌اند. البته این دیدگاه خود به دو قسم تقسیم می‌شود:

الف) احتیاط نسبت به زانی و غیرزانی: برخی معتقدند در صورتی که زانیه بخواهد با زانی یا غیرزانی ازدواج کند از باب احتیاط تا زمان حیض دیدن (استبراء)، صبر کند و سپس ازدواج نماید (یزدی، ۱۴۲۸: ۷۹۱/۲؛ فیاض، بی تا: ۱۰۲/۳). صاحب عروه می‌نویسد: «احوط اقوی آن است که ازدواج بعد از استبراء رحم زن از ماء زانی یا غیر زانی باشد»^۲ (یزدی، ۱۴۲۸: ۷۹۰/۲). مکارم شیرازی می‌گوید: «احتیاط نباید ترک شود و این احتیاط به خاطر برخی از ادله‌ای است که ظهور در وجوب استبراء دارند»^۳ همچنین امام خمینی تأکید می‌کند که حتی الامکان نباید ترک شود^۴ (یزدی، ۱۴۲۸: ۷۹۰/۲). ایشان در جای دیگری چنین می‌نویسد: «اگر با زن بی شوهری که در عده نیست زنا کند، بعداً می‌تواند آن زن را برای خود عقد نماید ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید بلکه احتیاط مزبور حتی الامکان نباید ترک شود و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند» (امام خمینی، ۱۴۲۴: ۴۷۰/۲). مراد از دیدن حیض همان استبراء است زیرا همان‌طور که بیان شد استبراء به یکبار حیض دیدن محقق می‌شود. گلپایگانی، اراکی، صافی، سیستانی و نوری هم مثل امام خمینی استبراء را برای زن از باب احتیاط مستحب، لازم می‌دانند و فاضل احتیاط واجب دانسته است (امام خمینی، ۱۴۲۴: ۴۷۰/۲) اما خوئی و تبریزی در فتوای خود بین ازدواج زانیه با زانی و غیر زانی تفصیل داده‌اند از نظر آنان که اگر زانیه بخواهد با زانی ازدواج کند بنا بر احتیاط مستحب^۵ زانیه باید

^۱ . یستبرئها بحیضه استحباباً

^۲ . الأحوط الأولى أن يكون بعد استبراء رحمها بحیضه من مائه أو ماء غيره.

^۳ . لا یترك الاحتیاط؛ و ذلك لظهور بعض ما دلّ علیه في الوجوب.

^۴ . لا یترك حتى الإمكان.

^۵ . «احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست؛ یعنی مجتهد در آن مسأله، علاوه بر اظهار نظر، راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلد می‌تواند در مسأله،

به فتوا و یا به احتیاط عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگری رجوع کند. (مکارم، بی تا.)



استبراء شود اما اگر با غیر زانی ازدواج کند بنا بر احتیاط واجب^۱ باید زانیه استبراء شود (امام خمینی، ۱۴۲۴: ۴۷۰/۲).

ب) احتیاط نسبت به زانی: برخی از فقها استبراء را نسبت به زانی از باب احتیاط لازم می‌دانند، خوئی بنا بر یک قول، سبزواری و خراسانی در این خصوص می‌نویسند: «ازدواج با زانیه برای زانی و غیر زانی جایز است، لکن احتیاط واجب این است که زانی با زانیه ازدواج نمی‌کند مگر بعد از استبراء زانیه با یک بار حیض دیدن»^۲ (خوئی، ۱۴۱۶: ۳۰۲/۱؛ سبزواری، بی‌تا: ۵۹۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۰۹/۲۴؛ خراسانی، ۱۴۲۸: ۳۴۳/۳). خوئی در جای دیگری نیز شبیه به همین قول را دارد^۳ (خوئی، بی‌تا: ۱۰۲). باتوجه به اینکه فقها در ابتدا فتوای به جواز ازدواج با زانیه نسبت به زانی و غیر زانی صادر نموده‌اند و سپس نسبت به ازدواج با زانی فقط احتیاط را لازم دانسته‌اند روشن می‌شود که احتیاط در استبراء فقط نسبت به ازدواج با زانی است و در غیر این صورت باید نسبت به غیر زانی نیز بیان می‌کردند.

مرعشی نیز نسبت به ازدواج زانیه با زانی احتیاط واجب را در انجام استبراء دانسته است: «لکن احتیاط واجب در این است که زانی ازدواج نکند با زانیه مگر بعد از استبراء زانیه به یک حیض دیدن»^۴ (مرعشی، ۱۴۰۶: ۲۴۱/۲).

احتیاط در استبراء به این دلیل است که از یک طرف مشهور فقها از روایات وجوب استبراء اعراض کرده‌اند و از طرف دیگر نتوانسته‌اند از ادله وجوب استبراء چشم‌پوشی کنند لذا قائل به احتیاط در این مسئله شده‌اند (یزدی، ۱۴۲۸: ۷۹۰/۲).

۳-۲. وجوب استبراء

فقهایی که استبراء را واجب می‌دانند به دودسته تقسیم می‌شوند:

الف) استبراء شرط وطنی زانیه: شیخ مفید استبراء را شرط جواز وطنی و هم‌بستری می‌داند، وی می‌نویسد: «اگر (زانی) بعد از زنا، زانیه را به عقد خود درآورد اگر از زانی است که حیض می‌شود به مقدار یک حیض با وی هم‌بستر نشود و اگر به دلیل بیماری حیض نمی‌شود با سه ماه دوری آن زن را پاک کند (یعنی بعد از گذشت سه ماه می‌تواند با وی نزدیکی کند)»^۵ (شیخ مفید (ب)، ۱۴۱۳، ص ۵۰۴) شیخ مفید استبراء را شرط وطنی می‌داند نه شرط ازدواج، در نتیجه ازدواج با زانیه صحیح است اما نزدیکی و هم‌بستری با وی تا اتمام استبراء جایز نیست.

ب) استبراء شرط ازدواج زانیه: در مقابل گروهی دیگر از فقها استبراء زانیه را شرط جواز نکاح می‌دانند و بدون آن نکاح صحیح نیست. ظاهراً کلینی قائل به وجوب استبراء زانیه است؛ زیرا کلینی در

^۱. «احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلد باید به همان احتیاط عمل کند و می‌تواند به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند. (همان)

^۲. یجوز التزویج بها للزانی و غیره، لکن الأحوط لزوماً أن لا یتزوج بها الزانی إلا بعد استبراءها بحیضة.

^۳. إن لم تكن مزروجة جاز التزویج بها، و لا عدة علیها من زناها، نعم إذا أراد الزانی أن یتزوج بها فالأحوط لزوماً كونه بعد الاستبراء بحیضة.

^۴. لکن الأحوط لزوماً ان لا یتزوج بها الزانی إلا بعد استبراءها بحیضة.

^۵. إذا عقد علیها بعد الفجور بها فلا یقریها حتی یستبرئها بحیضة.

کافی که کتاب فتاوی وی است، روایت استبراء را نقل کرده (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۶/۵)، بدون اشاره به روایات مخالف آن که این امر کاشف از فتاوی اوست (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۱۱۹/۷).

شیخ طوسی نیز بنا بر یک قول در تهذیب می‌گوید: «و لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِهَا بَعْدَ الْفُجُورِ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَسْتَبْرَأَ رَجْمَهَا» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۷). «لا ینبغی» در کلام شیخ غالباً یعنی «حرام است» (شبییری، ۱۴۱۹: ۲۱۴۹/۷). علامه حلی می‌نویسد: «اگر زانیه (بدون شوهر) باردار نبود اقرب این است که عده بر او واجب است»^۱ (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۱۶۰/۴). مراد از عده همان استبراء است. همچنین ظاهر قول شهید ثانی دلالت بر وجوب استبراء می‌کند زیرا وی بعد از بیان دیدگاه علامه در تحریر نسبت به وجوب عده زانیه غیر باردار چنین نوشته‌است: «لا بأس به حذراً من اختلاط المياه و تشویش الأنساب»، (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۶۳/۹)؛ مفهوم این جمله آن است که اخذ به قول علامه (وجوب استبراء) به دلیل ترس از اختلاط میاه و انساب اشکالی ندارد. فیض کاشانی نیز بعد از ذکر اختلاف در استبراء زانیه می‌نویسد: «أحوط ثبوت آن است»^۲ (فیض کاشانی، بی‌تا: ۳۴۴/۲). کاشف‌الغطاء هم بعد از ذکر اختلاف در خصوص زانیه غیر باردار چنین نتیجه گرفته است: «و لو لم تحمل لزوماً الاعتداد» (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۴۵).

مغنیه بعد از ترجیح قول علامه حلی نسبت به لزوم استبراء می‌گوید: «اگر قبل از ازدواج با کسی که قبلاً با او زنا کرده استبراء از نطفه وی واجب باشد، تا بین ولد شرعی از غیر شرعی تشخیص داده شود، پس استبراء زانیه از نطفه غیر زانی بطریق اولی واجب است»^۳ (مغنیه، ۱۴۲۱: ۳۹/۶).

به نظر می‌رسد صاحب وسائل نیز استبراء را واجب می‌داند. زیرا وی تحت بابی می‌نویسد: «بَابُ وَجُوبِ الْعِدَّةِ عَلَى الزَّانِيَةِ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تَتَزَوَّجَ الزَّانِي أَوْ غَيْرَهُ» یعنی باب وجوب عده بر زانیه هنگامی که بخواهد با زانی یا غیر زانی ازدواج کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶۵/۲۲) و در توضیحاتی که در ادامه بیان کرده به وجوب آن با توجه به عمومات جنابت، عده غیر مدخول بها ... تصریح و تأیید می‌کند^۴ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶۵/۲۲). البته مراد از عده همان استبراء است زیرا در برخی از روایات به استبراء اشاره می‌کند و افزون بر آن احدی از فقها نگفته است که زانیه عده دارد. (عده اختصاص به زنی که از شوهرش جدا شده دارد). خوبی بنا بر یک قول استبراء را واجب دانسته و چنین نگاشته است: «جایز نیست بر زانی که با زانیه غیر باردار ازدواج کند مگر بعد از استبراء و پاک‌ی رحم با یک حیض دیدن»^۵ (خوئی، ۱۴۱۶: ۳۰۲/۱).

^۱ و لو لم تحمل، فالأقرب أن عليها العدة.

^۲ و لا عدة للزاني مع الحمل بلا خلاف، إذ لا حرمة له، و بدون (بدون باردار بودن زانیه در خصوص استبراء وی) قولان: أشهرهما العدم. و أئبتها في التحرير. أقول: و الأحوط ثبوتها، عملاً بالعمومات، و حذراً من اختلاط المياه و تشویش الأنساب.

^۳ إذا وجب أن تستبرئ من ماء من زني بها قبل أن يتزوجها، لتمييز الولد الشرعي من غيره، فاستبرأوها من ماء غيره أولى.

^۴ أقول: و تقدم ما يدل على ذلك بعمومه و إطلاقه في أحاديث الجنابة و عدة غير المدخول بها و في المهور و غير ذلك.

^۵ المرأة المزني بها الحامل، هل يجوز لغير الزاني التزوج بها أثناء حملها؟ الخوئي: نعم يجوز لغير الزاني بها، و هكذا الزاني بها، نعم لا يجوز للزاني في غير الحامل إلا بعد الاستبراء بحیضة، و الله العالم.



مکارم شیرازی در یک قول، بعد از بیان این نکته که نسبت بین روایات عدم وجوب با روایات وجوب استبراء، عموم و خصوص مطلق است و عام به واسطه خاص تخصیص می‌خورد می‌نویسد: «فالقول بالوجوب قوی»^۱ (مکارم، بی‌تا)، بنابراین زانیه نمی‌تواند ازدواج کند و باید تا اتمام استبراء صبر کند. شبیری زنجانی نیز ضمن رد دیدگاه کسانی که قائل به عدم استبراء هستند، می‌نویسد: «در زانیه استبراء مطلقاً لازم است که استبراء غیرحامل با دیدن حیض و استبراء حامل با وضع حمل است» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۱۵۱/۷).

۴. ادله مخالفان (عدم وجوب) و موافقان (وجوب) استبراء

همان‌طور که بیان شد از نظر مشهور فقها استبراء واجب نیست، در مقابل برخی از فقها استبراء زانیه را واجب می‌دانند که در ادامه ادله هر یک تبیین می‌شود:

۱ - ۴. ادله مشهور فقها (قائلین به عدم وجوب استبراء)

ادله‌ای که مشهور بدان استناد می‌کنند عبارت است از:

۱. قرآن: استناد به آیات «وَ أَجَلٌ لَّكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ»^۲ (نساء: ۲۴) «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ»^۳ (نساء: ۳). خداوند در مجموع این دو آیه می‌فرماید هر زنی بر شما حلال است و می‌توانید با وی ازدواج کنید مگر زانی که نهی کردم، و خداوند نسبت به ازدواج با زانیه نهی نکرده است، لذا می‌توان با وی ازدواج نمود و نیازی هم به عده و استبراء ندارند (طبرسی، ۱۴۱۰: ۱۳۰/۲).

این استدلال محدودش است زیرا با وجود روایاتی که دلالت بر وجوب استبراء زانیه غیر باردار می‌کنند که ذیل بحث خود بدان‌ها اشاره می‌شود، استناد به این آیات صحیح نیست.

۲. سنت: روایات مورد استناد به دودسته تقسیم می‌شوند:

الف) روایاتی که در خصوص جواز ازدواج با زانیه بدون اشاره به استبراء در متن آنها وارد شده است: ابی بصیر و حلبی در دو روایت چنین نقل می‌کنند که از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی مردی سؤال نموده‌اند که اگر با زنی مرتکب زنا شود، پس از آن می‌تواند با همان زن از راه حلال ازدواج کند. آن حضرت در پاسخ فرمود: آغاز آن زنا (سفاح) و پایان آن عقد شرعی (نکاح) است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۶/۵).

از لحاظ سند، علامه مجلسی روایت ابی بصیر را ضعیف و روایت حلبی را حسن می‌داند (علامه مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۶۳/۲۰)، اما بسیاری از فقها روایت حلبی را صحیح شمرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳۹/۲۹؛ حائری، ۱۴۱۸: ۱۹۰/۱۱). حتی برخی از فقها هر دو روایت را صحیح دانسته‌اند (حکیم، ۱۴۱۶: ۱۵۳/۱۴).

^۱ والایضا: أن النسبة بينهما هي العموم والخصوص المطلق، والحكم فيه التخصيص، فالقول بالوجوب قوی. (ذیل: المسألة الأولى: حول وجوب استبرائهما بحیضة)

^۲ هر زنی غیر آنچه ذکر شد شما را حلال است.

^۳ پس با آنچه میلان باشد از زنان ازدواج نمایید.

از لحاظ دلالی؛ این دو روایت بر جواز ازدواج زانیه بدون استبراء دلالت دارد، کما اینکه اشتهاوردی می نویسد: «فانّ التعلیل بأنّ اوله سفاح و آخره نکاح ظاهر فی إرادة الجواز قبل الاستبراء» (اشتهاوردی، ۱۴۱۷: ۲۵۷/۲۹). در این دو روایت آن حضرت اشاره ای به استبراء بعد از زنا و قبل از ازدواج نفرمود، و اگر واجب بود آن حضرت بیان می کرد، به این دلیل که آن حضرت در مقام بیان حکم است.

به این استدلال این اشکال وارد است که امام (علیه السلام) در مقام بیان تمام احکام ازدواج با زانیه نبوده که لازم باشد به آن اشاره کند بلکه از پرسش راوی فهمیده می شود که پرسش او در مورد اصل جواز ازدواج با زانیه است که آیا صحیح است یا خیر؟ امام (علیه السلام) هم متناسب با سؤال پاسخ فرمودند. یا ممکن است چون حکم استبراء در شرع آمده بود و به خاطر وضوح و روشن بودن حکم استبراء بین همه مردم، در این روایات نیامده است.

ب) همچنین از عموم روایاتی که می گویند «حرام، حلال را حرام نمی کند» بر عدم وجوب استبراء استفاده می کنند مجموع آنها ۱۹ روایت است؛ البته با تعابیر مختلف که عبارت است از: «إِنَّ الْحَرَامَ لَا يُحَرِّمُ الْحَلَالَ»؛ «لَا يُحَرِّمُ الْحَرَامُ الْحَلَالَ»؛ «فَإِنَّ الْحَلَالَ لَا يُفْسِدُهُ الْحَرَامُ». (شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۱۶۵/۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ب: ۳۲۸/۷)، «مَا حَرَّمَ حَرَامٌ حَلَالًا» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۲۶/۲۰).

نحوه استدلال به این صورت است که زنا حرام است و نمی تواند موجب حرمت ازدواج که حلال است، شود ولو به صورت موقت و در حد استبراء، بلکه بعد از زنا، زانیه می تواند بلافاصله ازدواج کند.

از لحاظ سندی بسیاری از این روایات معتبر هستند (خونی، ۱۴۱۸: ۳۱۲/۳۲، ۳۱۳؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳: ۱۲۳/۲). به عنوان مثال روایت «إِنَّ الْحَرَامَ لَا يُحَرِّمُ الْحَلَالَ» که ابن سدیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده و شیخ آن در تهذیب و استبصار آورده است برخی آن را صحیح (خونی، ۱۴۱۸: ۳۱۳/۳۲؛ شبیری، ۱۴۱۹: ۲۸۳۱/۸) و برخی دیگر موثق (حکیم، ۱۴۱۶: ۲۱۴/۱۴) می دانند، دلیل این اختلاف ابن سدیر است که فطحی است البته شبیری می گوید چون این روایت را صفوان بن یحیی قبل از وقف از وی نقل کرده، لذا صحیح است (شبیری، ۱۴۱۹: ۲۸۳۱/۸) اما از لحاظ دلالی، در تفسیر کلمه حلال بین فقها اختلاف است، برخی آن را حلال بالفعل و برخی اعم از حلال بالفعل و حلال شأنی می دانند. اگر مراد از «حلال»، حلال فعلی باشد یعنی همسر انسان؛ در این صورت این روایات بر مدعا دلالت نمی کند زیرا مفهوم این فقرات آن است که همسر انسان که در حال حاضر تمتع از آن حلال است با زنا بر شوهرش حرام نمی شود، لذا شامل زانیه نمی شود چون بالفعل حلال نیست، اما اگر مراد از «حلال» اعم از فعلی و شأنی باشد یعنی کسی که تمتع بردن از او ولو با عقد نکاح جایز است، در این صورت شامل زانیه می شود، بنابراین اگر شخصی با زنی زنا کند، این زن بر زانی حرام نمی شود زیرا زنا خودش حرام است و نمی تواند نکاح که حلال است را حرام کند. شبیری مراد از «حلال» حلال بالفعل گرفته است (شبیری، ۱۴۱۹: ۲۸۳۱/۸) لذا شامل زانیه نمی شود و از بحث خارج است.



نتیجه آنکه اگر کسی بگوید مراد از حلال، حلال فعلی است شامل بحث زانیه نمی‌شود اما اگر بگوید مراد از حلال، به معنای اعم است می‌تواند بر عدم وجوب استبراء به آن‌ها استناد کند.

۳. اصل برائت ذمه: درباره وجوب استبراء زانیه شک وجود دارد اصل برائت ذمه جاری می‌شود، بنابراین تکلیفی ندارد. زیرا وجوب استبراء نیاز به دلیل دارد که چنین دلیلی وارد نشده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ الف: ۳۰۱/۴).

این استدلال قابل قبول نیست زیرا با وجود ادله لفظی نوبت به اصل عملی نمی‌رسد.

۲-۴. ادله غیر مشهور (قائلان به وجوب استبراء)

فقهایی که قائل به وجوب استبراء شده‌اند به ادله ذیل استناد می‌کنند که عبارت است از:

۱. سنت: استناد به سنت به دو طریق است: الف) اطلاق روایات وجوب عده، ب) روایاتی که در خصوص استبراء زانیه وارد شده است:

الف) اطلاق روایات وجوب عده: یعنی روایاتی که بر وجوب عده دلالت می‌کنند اطلاق دارند به عبارت دیگر این روایات می‌گویند با دخول عده واجب می‌شود و این حکم شامل همه زنان مدخوله حتی زانیه می‌شود مثل این روایت: «إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ وَجَبَ الْمَهْرُ وَالْعِدَّةُ وَالْغُسْلُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۹/۶).

در خصوص سند روایت برخی آن را صحیح و برخی حسن می‌دانند، (علامه مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۱۱۹/۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۱۹/۲۴).

از لحاظ دلالی، این روایت به طور مطلق با «التقی الختانان» عده را واجب می‌داند، اطلاق این روایت شامل زانیه نیز می‌شود و باید رحم وی از نطفه حرام پاک شود. البته همان طور که اشاره شد عده زانیه به اندازه یک حیض است، که در اصطلاح بدان استبراء گفته می‌شود.

برخی اطلاق این روایت را پذیرفته و دلالت روایت بر استبراء زانیه را قبول دارند اما معتقدند چون نطفه زانی حرمت ندارد لذا استبراء واجب نیست و به مفاد قاعده فراش «الولد للفراش وللعاهر الحجر» یعنی فرزند برای شوهر است و سنگ برای زنا کار» استناد می‌کنند (خوئی، ۱۴۱۸: ۲۲۴/۳۲). با این بیان که اگر زن شوهردار زنا کند از نظر فقها (با این که دخول صورت گرفته) نیازی به استبراء ندارد و زوج می‌تواند با وی بلافاصله هم‌بستر شود چون نطفه زانی حرمت ندارد (بحرانی، ۱۴۰۵: ۵۰۴/۲۳؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۲۲۴/۳۲) اما به نظر نگارنده این قول که چون نطفه زانی حرمت نداشته پس نیازی به استبراء ندارد، قابل قبول نیست زیرا اگر زانیه بخواهد با دیگری (غیر از زانی) ازدواج کند در اینجا نطفه زوج حرمت دارد و برای حرمت نطفه وی و جلوگیری از اختلاط میاه استبراء لازم است. از سوی دیگر اگر نطفه در عمل زنا منعقد شده باشد سبب الحاق فرزندی که متعلق به وی نیست می‌شود که از نظر شرع جایز نیست.

همچنین فقره «الولد للفراش وللعاهر الحجر» در خصوص زنی است که شوهر دارد و می‌گوید که اگر زانیه دارای شوهر، باردار شد و در صورت شک نسبت به این که فرزند برای چه کسی است، به اتفاق

فقها متعلق به زوج است نه زانی، و حال آنکه محل بحث در اینجا زانیه‌ای است که شوهر ندارد. (شیبیری، ۱۴۱۹: ۲۱۳۹/۷).

حکیم ضمن اذعان به دلالت این روایت بر وجوب استبراء، در رد آن می‌نویسد: «عده طلاق یا وفات و مانند آن به لحاظ احترام اشخاص دیگر قرار داده شده، اما شخصی که خودش قبلاً با این زن زنا کرده، حالا به احترام خودش عده نگه دارد، این معنا ندارد»^۱ (شیبیری، ۱۴۱۹: ۲۱۲۰/۷). به فرض که این پاسخ تمام باشد، نسبت به خود زانی صحیح است یعنی در صورتی که زانی بخواهد با زانیه ازدواج کند اما اگر زانیه بخواهد با شخص دیگری به غیر از زانی ازدواج کند پاسخ ایشان ناتمام است (شیبیری، ۱۴۱۹: ۲۱۲۰/۷).

ب) روایات دال بر وجوب استبراء: روایاتی هستند که در خصوص استبراء زانیه وارد شده و استبراء را برای ازدواج شرط می‌دانند:

روایت اول: ابن جریر می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم اگر کسی با خانمی زنا کند و بعداً بخواهد با او ازدواج کند. آیا روا خواهد بود؟ ابو‌عبدالله فرمود: «نَعَمْ إِذَا هُوَ اجْتَنَبَهَا حَتَّى تَنْقُضِي عِدَّتَهَا بِاسْتِبْرَاءٍ رَجِمَهَا مِنْ مَاءِ الْفُجُورِ»؛ بلی. بعد از آنکه از خانم دوری کند تا عده او سرآید و پاکی رحم او روشن شود، حق دارد با او ازدواج کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۶/۵).

روایت طبق سندی که کلینی نقل کرده، مرسل و ضعیف است (علامه مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۶۳/۲۰)، اما اشکالی بر آن نیست، زیرا شیخ طوسی همین روایت را به طریق صحیح آورده است (خوئی، ۱۴۱۸: ۲۲۰/۳۲؛ شیبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۱۱۷/۷). شیخ این روایت را در تهذیب نقل می‌کند ولی بدون ذیل آن یعنی «وَأِنَّمَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا بَعْدَ أَنْ يَقِفَ عَلَى تَوْبَتِهَا» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۷).

از لحاظ دلالتی، روایت بر وجوب استبراء زانیه دلالت می‌کند، شیخ طوسی در تهذیب با استدلال به روایت اسحاق ابن جریر ازدواج بدون استبراء را جایز نمی‌داند: «وَلَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِهَا بَعْدَ الْفُجُورِ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَسْتَبْرَأَ رَجِمَهَا» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۷). هر چند شیخ «لاینبغی» آورده است اما لاینبغی در کلمات شیخ و بسیاری از قدماء غالباً دلالت بر حرمت می‌کند، خصوصاً در اینجا که شیخ به روایت اسحاق بن جریر استدلال می‌کند قطعاً دلالت بر حرمت می‌کند (شیبیری، ۱۴۱۹: ۲۱۴۹/۷). علامه مجلسی می‌نویسد: «يدل على اعتبار العدة من ماء الزنا و هو أحوط و إن لم يذكره الأكثر» (علامه مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۶۳/۲۰). علامه بر خلاف دیدگاه اکثر فقها، دلالت این حدیث بر اینکه «ماء الزنا» عده دارد، می‌پذیرد. بنابراین طبق این روایت، زانیه قبل از ازدواج باید رحم خود را از ماء الفجور پاک کند.

روایت دوم: شیخ مفید روایتی از حسن بن جریر در کتاب المتعه خود نقل می‌کند که بسیار شبیه روایت قبل است. در این روایت امام علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که آیا ازدواج با زن زناکار جایز

^۱ این قول آیت الله حکیم است که آیت الله شیبیری در کتاب خود آورده است.



و حلال است، می‌فرماید: «نعم إذا هو اجتنبها حتى تنقضي عدتها باستبراء رحمها من ماء الفجور فله أن يتزوجها بعد أن يقف علی توبتها» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۱۳)، اما برخی این روایت را همان روایت اسحاق بن جریر می‌دانند زیرا شخصی به نام حسن بن جریر در کتب حدیثی و رجالی وجود ندارد (شبی، ۱۴۱۹: ۲۱۲۶/۷). البته این دو روایت باهم تفاوت‌هایی دارند به‌عنوان مثال روایت اول در مورد مردی است که با زنی زنا کرده و سپس قصد ازدواج با وی (زانیه) را دارد و روایت دوم «فی المرأة الفاجره» در مورد ازدواج زن زناکار است.

روایت سوم: در تحف العقول از امام جواد علیه‌السلام در مورد مردی که با زنی به‌صورت زنا نکاح می‌کند، سؤال شد که آیا حلال است که او را به ازدواج درآورد؟ فرمود: «فَقَالَ يَدْخُلُهَا حَتَّى يَسْتَبْرَأَ مِنْ نُطْفَتِهِ وَ نُطْفَةِ غَيْرِهِ» او را رها کند تا از نطفه او و نطفه دیگری استبراء و پاک‌سازی و قطع شبهه کند (عده او از زنا سپری شود)، زیرا بعید نیست که با دیگری آمیزش (زنا) کرده باشد همان‌طور که با او زنا کرده است، و سپس اگر خواست او را به ازدواج درآورد (این‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵۴). این روایت مرسل است (بحرانی، بی‌تا: ۱۲۱/۱۰). برخی مقالات تحف العقول را با ارزش می‌دانند. مکارم می‌نویسد: «مرسلات تحف العقول با ارزش است و با ضمیمه به روایت قبل عمده دلیل قائلین به وجوب استبراء» (مکارم، ۱۴۲۴: ۹۰/۵). از لحاظ دلالتی این روایات بر وجوب استبراء دلالت می‌کنند و روایاتی که بر عدم وجوب استبراء دلالت می‌کنند را تخصیص می‌زند. (مکارم، بی‌تا)؛ بنابراین مجموع روایات از لحاظ دلالتی بر وجوب استبراء زانیه دلالت دارند اما از لحاظ سندی روایت شیخ معتبر است.

۲. قاعده لایجوز اجتماع المائین فی رحم واحد: مفهوم این قاعده آن است که شارع اجتماع دو منی در یک رحم را منع کرده است (علامه حلی، ۱۴۰۱: ۱۲۸؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۳۶۱/۳) و استبراء نیز به همین هدف تشریح شده است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۳۶۱/۳). در واقع ضابطه ازدواج و هم‌بستری عدم اجتماع میاه دو مرد یا بیشتر در رحم واحد است. هرچند علامه حلی رعایت این ضابطه را در صورتی لازم می‌داند که منی هر دو مرد دارای احترام باشد: «لایجوز اجتماع المائین فی رحم واحد إذا كان لهما حرمة؛ یعنی جایز نیست اجتماع دو منی در یک رحم، اگر هر دو محترم باشند» (علامه حلی، ۱۴۰۱: ۱۲۸). اما صاحب حدائق قید «إذا كان لهما حرمة» را شرط نمی‌داند زیرا وی در جایی که زنی زنا کند، درحالی‌که شوهرش در آن طهر با او نزدیکی نکرده باشد، می‌گوید بر شوهر زن لازم است برای عدم اختلاط مائین با زن هم‌بستر نشود^۱ (بحرانی، ۱۴۱۰: ۱۵۸/۱). همچنین صاحب کشف‌اللثام^۲ نیز این قید را قبول ندارد و قولی شبیه صاحب حدائق دارد (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۳۶/۸). همچنین محقق کرکی و شهید ثانی وطی زانیه بعد از ازدواج را به‌خاطر اختلاط مائین مکروه می‌داند (عاملی، ۱۴۱۴: ۱۹۷/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۳۷/۶). بنابراین قاعده «لایجوز اجتماع المائین فی رحم واحد» حتی در جایی که نطفه یک از دو مرد دارای احترام باشد جاری است، مثل جایی که زانیه قصد ازدواج داشته

^۱. و ذلك بأن بری امرأته قد زنت فی طهر لم یطأها فی فائه یلزمه حذراً من اختلاط المائین و اعتزالها حتی تنقضي العدة.

^۲. و ذلك بأن بری امرأته قد زنت فی طهر لم یطأها فی فائه یلزمه مروءة حذراً من اختلاط المائین اعتزالها حتی تنقضي العدة.

باشد، در اینجا هر چند نطفه زانی احترام ندارد اما نطفه کسی که با زانیه ازدواج می‌کند و زوج وی محسوب می‌شود احترام دارد و باید از اختلاط منی وی با نطفه زنا و حرام جلوگیری کرد. حتی اگر زوج همان زانی باشد چون نطفه قبل ازدواج زنا و حرام بوده اما نطفه بعد از ازدواج شرعی و دارای احترام است.

۳. جلوگیری از اختلاط میاه و انساب: هدف دین مبین اسلام حفظ پنج مقصد اساسی، یعنی دین، عقل، نفس، مال و نسب است (شهید اول، بی تا: ۳۸/۱). تشریح احکام نیز جهت حفظ این اهداف صورت گرفته است؛ بنابراین اسلام برای حفظ میاه و انساب انسان‌ها از اختلاط، احکامی را وضع کرده است. فقها نیز حکمت برخی از احکام را عدم اختلاط میاه ذکر کرده‌اند مثل: عدم جواز ازدواج با زانیه مشهوره (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۲۷۱/۹). حرمت ازدواج دو مرد با یک زن به طور هم‌زمان (علامه حلی، ۱۳۸۸: ۶۳۹) و تشریح عده (خوانساری، ۱۴۰۵: ۵۴۴/۴).

در روایات به اهمیت حفظ میاه و انساب اشاره شده است به‌عنوان مثال امام رضا علیه‌السلام در خصوص حرمت زنا فرمود: «خداوند زنا را حرام کرده بجهت فسادى که در آن پیدا می‌شود از کشتار يك ديگر و در آمیختن و بهم خوردن نسل و تبار و ترك تربیت فرزندان، و بر هم خوردن میراث و آنچه از این قبیل از اقسام فساد و تباهی است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۶۵/۳). همچنین آن حضرت در خصوص علت حرمت قذف فرمودند: «خداوند تهمت ناروا و نسبت دادن کار زشت به پاکدامنان را، حرام فرموده برای اینکه نسب‌ها تباه می‌شود و فرزند از پدر واقعی خود جدا می‌گردد و مسأله ارث و میراث بهم می‌خورد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۶۵/۳).

حال اگر ازدواج با زن زانیه بدون استبراء جایز دانسته شود این هدف شارع تأمین نمی‌شود و موجب اختلاط و از بین رفتن میاه و انساب خواهد شد.

نتیجه اینکه با وجود ادله‌ای که بر وجوب استبراء دلالت دارند، دیگر نوبت به اخذ به عمومات و اطلاعاتی که دلالت بر عدم وجوب استبراء داشتند نمی‌رسد زیرا عمومات تخصیص می‌خورند.

۱-۲-۴. اشکال (اعراض مشهور)

با اینکه روایات وجوب استبراء تمام است اما برخی این اشکال را مطرح کرده‌اند که چون مشهور از روایات وجوب استبراء اعراض کرده‌اند پس باید آنها را کنار گذاشت (حکیم، ۱۴۱۶: ۱۵۵/۱۴) زیرا دلالت بر ضعف آنها می‌کند.

۲-۲-۴. پاسخ به اشکال

مشهور فقها معتقدند که اعراض مشهور فقها از یک روایت صحیح دلالت بر ضعف آن می‌کند (صنقور، ۱۴۲۸: ۳۱۰/۱؛ خوئی، ۱۴۱۹: ۴۲۶/۴) اما دو قید برای آن ذکر شده است و در صورت وجود این دو قید اعراض مشهور دلالت بر ضعف روایت می‌کند:



الف) مراد از مشهور، مشهور قداماست؛ بدین معنا که اگر مشهور قداما از یک روایت اعراض کرده باشند این اعراض دلالت بر ضعف روایت می‌کند (رفاعی، ۱۴۲۴: ۱/۳۹۴؛ شاهرودی، ۱۴۳۱: ۲۱۳/۱).

ب) اینکه اعراض آنها به خاطر دلیلی بوده است که دست آنها رسیده و به دست ما نرسیده است (صنقر، ۱۴۲۸: ۱/۳۱۰)، به عبارت دیگر احتمال داده نشود که اعراض آنها بر اساس اجتهاد یا به خاطر قواعد تعارض یا به خاطر تقیه باشد (صدر، ۱۴۱۷: ۱۰/۳۳۶). بنابراین در خصوص اعراض مشهور نسبت به روایات وجوب استبراء باید به دو سؤال پاسخ داده شود اول اینکه آیا مشهور قداما از این روایت اعراض کرده‌اند؟ دوم آنکه آیا اعراض مشهور به خاطر دلیلی بوده که به دست ما نرسیده و یا اینکه بر اساس اجتهاد بوده است؟

در پاسخ به سؤال اول همان‌طور که گذشت کلینی روایت وجوب استبراء را در کافی ذکر کرده است، شیخ مفید در مقنعه و شیخ طوسی در تهذیب وجوب استبراء را پذیرفته‌اند، لذا اعراض مشهور قداما نسبت به این روایات چندان روشن نیست، افزون بر آن فقهای دیگری مثل علامه حلی، شهید ثانی، فیض کاشانی، حر عاملی، بحرانی، صاحب حدائق، کاشف الغطاء نیز استبراء را پذیرفته‌اند.

اما در خصوص سؤال دوم، به نظر می‌رسد که اعراض مشهور به خاطر وجود دلیل نبوده است بلکه اجتهادی است زیرا همان‌طور که خوئی می‌گوید استبراء برای حفظ انساب است؛ به این بیان که زن باید تا مدتی صبر کند تا معلوم شود که آیا باردار است یا خیر؟ دلیل آن هم الحاق بچه به صاحب نطفه است. اما چون نطفه زانی حرمت ندارد دیگر نیازی به استبراء زانیه نیست؛ زیرا اگر زانیه ازدواج کند و باردار شود طبق «الولد للفراش» ولد به زوج ملحق می‌شود، لذا اشتباهی در نسب رخ نمی‌دهد (خوئی، ۱۴۱۸: ۲۲۴/۳۲) و شبیری نیز به اجتهادی بودن آن تصریح می‌کند (شبیری زنجان، ۱۴۱۹: ۷/۲۱۳۵)، (۲۱۴۹).

۳-۲-۴. نظریه مختار

باتوجه به آنچه گفته شد ادله مشهور ناتمام است و اعراض آنها نشانه ضعف روایاتی که مفاد آنها بر وجوب استبراء دلالت دارند، نیست. همچنین حفظ میاه و انساب برای شارع از اهمیت زیادی برخوردار است، تا جایی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نفرین کرده کسی که به دروغ خود را به دیگری منتسب کند: «لَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۲۷) بنابراین باتوجه به قوت ادله قائلین به وجوب استبراء، قول آنها ترجیح دارد، در نتیجه استبراء برای زانیه لازم و واجب است.

۵- نتیجه‌گیری

استبراء زانیه، یکی از مسائل اختلافی بین فقهای امامیه است. مشهور فقها استبراء زانیه بدون شوهر و غیر باردار را واجب نمی‌دانند و برخی دیگر قائل به وجوب استبراء هستند. لسان مشهور در نفی وجوب یکی نیست، برخی استبراء را مطلقاً قبول ندارند و اصلاً نامی از آن نبرده‌اند و ازدواج بعد از زنا را صحیح

می‌دانند، برخی استبراء را مستحب و برخی دیگر ضمن اذعان به عدم وجوب استبراء به احتیاط در این مسئله تمایل پیدا کرده‌اند.

ادله‌ای که مشهور بر عدم وجوب استبراء به آنها استناد می‌کنند، ناتمام است زیرا آنها به عمومات ادله استدلال کرده‌اند که با روایاتی که دلالت بر وجوب استبراء می‌کنند - خصوصاً روایت شیخ طوسی که از نظر سندی معتبر است - تخصیص زده می‌شود. علاوه بر روایات وجوب استبراء به دو دلیل دیگر بر وجوب استبراء استناد می‌شود، دلیل اول حفظ میاه و انساب و دلیل دوم قاعده «لایجوز اجتماع المائین فی رحم واحد».

برخی گفته‌اند که چون مشهور از روایات وجوب استبراء اعراض کرده‌اند این اعراض نشانه ضعیف بودن روایات است، لذا کنار گذاشته می‌شوند اما با بررسی صورت گرفته اولاً با توجه به اختلاف قدما در این مسئله، اعراض مشهور قدما روشن نیست، افزون بر آن اگر اعراض مشهور پذیرفته شود این اعراض به خاطر دلیل خاصی نبوده بلکه به خاطر اجتهاد فقها است، لذا اعتبار ندارد. بنابراین، باتوجه به روایات وجوب استبراء، قاعده «لایجوز اجتماع المائین فی رحم واحد» و حفظ میاه و انساب از اختلاط قول به وجوب استبراء ترجیح دارد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: این مطالعه با رعایت کدهای اخلاقی انجام پژوهش‌های انسانی انجام شده است.

حمایت مالی: مطالعه حاضر حاصل تلاش نویسنده بوده و تحت حمایت مالی نیست.

سهم نویسندگان: نویسنده مسئول، عبدالصمد علی‌آبادی آن را بر عهده داشته است و حاصل تلاش فردی وی می‌باشد.

تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع شخص یا سازمانی تعارض ندارد.

منابع فارسی

قرآن کریم

ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌براج طرابلسی، قاضی‌العزیز. (۱۴۰۶). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین. (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. اراکی، محمدعلی. (۱۴۱۴). المسائل الواضحه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

اشتهاردی، علی‌پناه. (۱۴۱۷). مدارک العروة. تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.

امام خمینی، سید روح‌الله موسوی. (۱۴۲۴). توضیح المسائل (محشی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



- امام خمینی، سید روح الله موسوی. (۱۴۰۴). زبدة الأحكام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- امام خمینی، سید روح الله موسوی. (بی تا). تحریر الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۷). صراط النجاة. قم: دارالصدیقة.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۳). موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی. (۱۴۱۸). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت.
- حکیم، سید محسن طباطبایی. (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- حلی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵). الجامع للشرائع. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمية.
- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰). شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم. بیروت: دار الفکر المعاصر.
- خراسانی، حسین وحید. (۱۴۲۸). منهاج الصالحین. قم: مدرسه امام باقر.
- خوانساری، سید احمد بن یوسف. (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۰). منهاج الصالحین. قم: نشر مدینه العلم.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۶). صراط النجاة (المحشی). قم: مکتب نشر المنتخب.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۸). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۹). دراسات في علم الأصول (تقریرات سید علی هاشمی شاهرودی). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (بی تا). منية السائل. بی جا: بی نا.
- رفاعی، عبد الجبار. (۱۴۲۱). محاضرات في أصول الفقه: شرح الحلقة الثانية. قم: مؤسسه دارالکتب الاسلامیة.
- روحانی، سید صادق حسینی. (بی تا). منهاج الصالحین. بی جا: بی نا.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۴). نظام الطلاق في الشريعة الإسلامية الغراء. قم: مؤسسه امام صادق.
- سزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳). مهذب الأحكام. قم: مؤسسه المنار-دفتر حضرت آیت الله.
- سزواری، سید عبدالاعلی. (بی تا). جامع الأحكام الشرعية. قم: مؤسسه المنار.
- شیرازی، سید موسی. (۱۴۱۹). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شهید اول، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد والفوائد. قم: کتابفروشی مفید.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشی-کلاتر). قم: کتابفروشی داورى.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (١٤١٣). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (١٣٨٧). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (١٣٩٠). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (١٤٠٧ الف). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (١٤٠٧ ب). تهذیب الأحكام. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (١٤١٤). الأمالی. قم: دار الثقافة.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. (١٤١٣ الف). المتعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. (١٤١٣ ب). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (١٤١٦). هداية العباد. قم: دار القرآن الکریم.
- صدر، سید محمد. (١٤٢٠). ما وراء الفقه. بیروت: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع.
- صدر، سید محمدباقر. (١٤١٧). بحوث فی علم الأصول (تقریرات عبدالساتر حسن). بیروت: الدار الإسلامیة.
- صنقور، محمد. (١٤٢٦). المعجم الأصولی. قم: منشورات نقش.
- طبرسی، فضل بن حسن. (١٤١٠). المؤلف من المختلف بین أئمة السلف. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- طریحی، فخرالدین. (١٤١٦). مجمع البحرين. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (١٣٨٨). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (١٤٠١). أجوبة المسائل المَهْتَأیة. قم: چاپخانه خیام.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (١٤٢٠). تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق.
- علامه مجلسی اول، محمدتقی. (١٤٠٦). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور.
- علامه مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی. (١٤٠٤). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (١٤١٦). کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فخرالمحققین حلّی، محمد بن حسن بن یوسف. (١٣٨٧). إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فیاض کابلی، محمداسحاق. (بی تا). منهاج الصالحین. بی جا: بی تا.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی. (بی تا). مفاتیح الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- کاشف الغطاء نجفی، حسن بن جعفر بن خضر. (١٤٢٢). أنوار الفقاهة: کتاب الطلاق. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.



- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- کلیپایگانی، سید محمدرضا موسوی. (۱۴۱۳). إرشاد السائل. بیروت: دارالصفوة.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. (۱۴۲۳). کفایة الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. (۱۴۰۶). منهاج المؤمنین. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱). فقه الامام الصادق. قم: مؤسسه انصاریان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (بی‌تا). انوار الفقاهه — کتاب النکاح ۲. به نشانی: <https://makarem.ir/main.aspx?Reader=1&lid=2&pid=62021&catid=6465> (Link)
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية-الكویت. (۱۴۰۴). الموسوعة الفقهية الكويتية. کویت: دار السلاسل.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۳۱). اضواء وآراء: تعليقات على كتابنا بحوث في علم الأصول. قم: بی‌نا.
- یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی. (۱۴۲۸). العروة الوثقی مع التعليقات. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.

References

- Allâme Helli, H. (1969). *Tathkirah alfoqahâ*. Qom: Mo'assasah âl-albayt. (text in Arabic)
- Allâme Helli, H. (1981). *Ajvebah almasâ'el almohannâ'eyyah*. Qom: Khayyâm Pub. (text in Arabic)
- Allâme Helli, H. (2000). *Tahrir alahkâm alshar'iyyah alâ mazhab al'emâmiyyah*. Qom: Mo'assese emâm sâdeq. (text in Arabic)
- Allâme Majlesi Awwal, M. (1986). *Rowdhah almottaqin fî sharh man lâ yahdhoroh alfaqih*. Qom: Mo'assese farhangi eslâmi koushânpour. (text in Arabic)
- Allâme Majlesi Dovvom, M. (1984). *Mer'âh aloqoul fî sharh akhbâr âl-alrasoul*. Tehrân: Dâr-alkotob al'islâmiyyah. (text in Arabic)
- Arâki, M. (1994). *Almasâel alwadheha*. Qom: Bustân ketâb. (text in Arabic)
- Bahrâni, Y. (1985). *Alhadâ'eq alnâdherah fî ahkâm al'etrah altaherah*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)
- Ebne-barrâj Terâblosi, Q. A. (1986). *Almohathab*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)
- Ebne-edris Helli, M. (1990). *Alsarâer alhâvi letahrir alfatâwi*. Qom: Eslâmi pub. (text in Arabic)
- Ebne-sho'be Harrâni, H. (1984). *Tohaf aloghoul an âl alrasul*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)
- Emâm Komeini, R. M. (1984). *Zobdah alahkâm*. Tehran: Sâzmân tablighât eslâmi. (text in Arabic)
- Emâm Komeini, R. M. (2004). *Tawdhih almasâel*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)
- Emâm Komeini, R. M. (n.d.). *Tahreir alwasilah*. Qom: Dâr-al'elm. (text in Arabic)

- Eshtehârdi, A. (1997). *Madârek al'orwah*. Tehran: Dâr-aloswah. (text in Arabic)
- Fakhroddin Helli, M. (1968). *Izâh alfawa'ed fi sharh moshkelât alqawa'ed*. Qom: esmâ'ilyan. (text in Arabic)
- Fayyâz Kâboli, M. (n.d.). *Menhâj alsâlehin*. (n.p.). (text in Arabic)
- Fâzel Hendi, M. (1996). *Kashf allethâm wa al'ebhâm an qawâ'ed al'ahkâm*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)
- Feiz Kâshâni, M. (n.d.). *Mafâtih alsharâ'e'*. Qom: Mar'ashi Najafi library. (text in Arabic)
- Golpâygâni, M. (1993). *Irshâd alsâ'el*. Beirut: Dâr-alsafwah. (text in Arabic)
- Group Author. (2003). *Mousoo'a alfeqh al'islâmi tebqan lemathhab ahl-albayt*. Qom: Mo'assasah dâ'erah alma'âref alfeqh al'islâmi. (text in Arabic)
- Group Author. (2005). *Farhang feqh motâbeq mazhab ahl-beyt*. Qom: Moassese dâeratolma'âref feqh eslâmi. (text in Arabic)
- Hâeri, a. (1998). *Ryâdh almasâ'el*. Qom: Moassese âl-albayt. (text in Arabic)
- Hakim, M. (1996). *Mostamsek al'orwah alwostâ*. Qom: Mo'assese dar-altafsir. (text in Arabic)
- Hâshemi Shâhroudi, M. (2010). *Azwâ' wa ârâ'*. Qom: (n.p.). (text in Arabic)
- Helli, Y. (1985). *Aljâme' le-alsharâ'e'*. Qom: Mo'assasah sayed-alshodâ'. (text in Arabic)
- Hemyari, N. (2000). *Shams al'oloum wa dawa' kalâm alarab men alkaloum*. Beirut: Dâr-alfekr almo'âser. (text in Arabic)
- Horre-âmeli, M. (1989). *Wasâ'el alshi'a*. Qom: mo'assese âl-albayt. (text in Arabic)
- Kâshef alghetâ', H. (2002). *Anwâr alfeqâhah*: Ketâb altalâq. Najaf: Moassasah kâshef alghetâ'. (text in Arabic)
- Khansâri, A. (1985). *Jâme' almadârek fi sharh mokhtasar alnâfe'*. Qom: Esmâ'ilian. (text in Arabic)
- Kho'ei, A. (1990). *Menhâj alsâlehin*. Qom: Madina al'elm. (text in Arabic)
- Kho'ei, A. (1996). *Serâh alnajâh*. Qom: Maktab nashr almontakhab. (text in Arabic)
- Kho'ei, A. (1998). *Mousoo'ah al'emâm alkho'ei*. Qom: Mo'assasah ehyâ' âthâr al'emâm alkho'ei. (text in Arabic)
- Khorâsâni, H. V. (2007). *Menhâj alsâlehin*. Qom: Madrese emâm bâqer. (text in Arabic)
- Ko'ei, A. (1999). *Derâsât fi elm al'osoul*. Qom: Moassese dâeratolma'âref feqh eslâmi. (text in Arabic)
- Ko'ei, A. (n.d.). *Monyah alsâ'el*. (n.p.). (text in Arabic)
- Kolaini, M. (1987). *Alkâfi*. Tehrân: Dâr-alkotob aleslâmiyyah. (text in Arabic)
- Maghniyah, M. (2001). *Feqh al'emâm alsâdeq*. Qom: Ansâriyan. (text in Arabic)
- Makârem Shirâzi, N. (2004). *Ketâb alnekâh*. Qom: Madrasah Emâm Ali Pub. (text in Arabic)
- Makârem Shirâzi, N. (n.d.). *Anwâr alfeqâha*: ketâb alnekâh 2. ([Link](#)). (text in Arabic)
- Mar'ashi Najafî, Sh. (1986). *Menhâj almo'menin*. Qom: Marashi Najafi library. (text in Arabic)
- Mohaqqeq Karaki, A. (1994). *Jâme' almaqâsed*. Qom: Mo'assasah âl-albayt. (text in Arabic)
- Mohaqqeq Sabzawâri, M. (2003). *Kifâyah alahkâm*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)






- Najafi, M. (1984). *Jawâher alkalâm fi sharh sharâ'e' al'islâm*. Beirut: Dâr ihyâ' altorâth al'arabi. (text in Arabic)
- Rafâ'i, A. (2001). *Mohâdherât fi osul alfeqh: Sharh alhalqah althanyah*. Qom: Dâr-alkotob al'islâmyyah. (text in Arabic)
- Rouhani, S. (n.d). *Menhâj alsalehin*. (n.p.). (text in Arabic)
- Sabzavâri, A. (1993). *Mohathab alahkâm*. Qom: Mo'assese almanâr. (text in Arabic)
- Sabzavâri, A. (n.d.). *Jâme' alahkâm alshar'iyah*. Qom: Mo'assese almanâr. (text in Arabic)
- Sadr, M. (1997). *Bohouth fi elm al'osoul*. Beirut: Aldâr al'islâmyyah. (text in Arabic)
- Sadr, M. (2000). *Mâ warâ' alfeqh*. Beirut: Dâr-al'azwa'. (text in Arabic)
- Sâfi Golpâygâni, L. (1996). *Hedâyah al'ebâd*. Qom: Dâr-alqurân alkarim. (text in Arabic)
- Sanqour, M. (2005). *Almo'jam al'osouli*. Qom: Naqsh. (text in Arabic)
- Seykh Tousi, M. (1968). *Almabsout fi feqh alemamiyyah*. Tehrân: Almaktabah almortazawiyah. (text in Arabic)
- Seykh Tousi, M. (1390). *Alestebâr*. Tehrân: Dâr-alkotob al'islâmyyah. (text in Arabic)
- Seykh Tousi, M. (1987 a). *Alkhelâf*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)
- Seykh Tousi, M. (1987 b). *Tahzib*. Tehrân: Dâr-alkotob. (text in Arabic)
- Seykh Tousi, M. (1994). *Al'amâli*. Qom: Dâr-althaqâfah. (text in Arabic)
- Shahid Awwal, M. (n.d.). *Alqawa'ed wa alfawa'ed*. Qom: Mofid bookstore. (text in Arabic)
- Shahid thâni, Z. (1990). *Alrowdhah albahiyah fi sharh allom'ah aldemeshqiyyah*. Qom: Dâvari bookstore. (text in Arabic)
- Shahid thâni, Z. (1993). *Masâlek al'afhâm elâ tanqih sharâ'e' al'islâm*. Qom: mo'assasah alma'âref al'islâmyyah. (text in Arabic)
- Sheykh Mofid, M. (1993 a). *Almot'ah*. Qom: Kongre jahâni hezâre sheykh mofid. (text in Arabic)
- Sheykh Mofid, M. (1993 b). *Almoqne'ah*. Qom: Kongre jahâni hezâre sheykh mofid. (text in Arabic)
- Sheykh sadouq, M. (1993). *Man lâ yahdhoroh alfaqih*. Qom: Eslâmi Pub. (text in Arabic)
- Shobeiri Zanjani, M. (1999). *Ketâb nekâh*. Qom: Rây-pardâz. (text in Arabic)
- Sobhâni, J. (1994). *Nezâm altalâq fi alshari'ah al'islâmyyah algharra'*. Qom: Mo'assese emam sadeq. (text in Arabic)
- Tabresi, F. (1990). *Almo'talef men almokhtalef bain a'emmah alsalaf*. Mashhad: Majma' albohouth al'islamiyyah. (text in Arabic)
- Tabrizi, J. (2006). *Serât alnajâ h*. Qom: Dâr-alseddiqah. (text in Arabic)
- Torayhi, F. (1996). *Majma' albahrain*. Tehrân: Mortazavi bookstore. (text in Arabic)
- Wezârah alowqâf wa alsho'oun al'eslâmyyah: Alkuwait. (1984). *Almowsou'ah alfeqhiyyah alkuwaitiyyah*. Kuwait: Dâr-alsalâsel. (text in Arabic)
- Yazdi, M. (2007). *Al'orwah alwothqâ ma' alta'liqât*. Qom: Madrasah Emâm Ali Pub. (text in Arabic)





Original Research

A Narrative Study of the Women Heads of Households' Lives under the Sponsorship of the Imam Khomeini Relief Committee

Fatemeh Sadrnabavi^{1*}  Majid Fouladiyan²  Hanieh Daneshvar³ 
Maryam Aqasizadeh⁴ 

¹Department of Social Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)
Sadrnabavi@mshdiau.ac.ir

² Associate Professor, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

³ MA in Cultural Studies, Allameh Tabataba'i University of Tehran, Tehran, Iran.

⁴MA in Sociology, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Background and purpose

The growth of the family structure and the diversity of its forms is one of the most visible emblems of the twenty-first century (Kim et al. 2010; Mortelmans & Defever, 2018). Globally, the breadth of statistics indicates a sizable presence of women-headed households (Hübgen, 2018). According to official statistics, the increase in women-headed households has happened in Iran. The latest census indicated that female-headed households are disproportionately concentrated in the lower income deciles, accounting for more than 71% of all households; this demonstrates the severity of the poverty in these households. Because of their gender, being in a subordinate position in the male/female duality, being in the position of head of the household, whose social and cultural structure is considered masculine, and their economic, social, and class backgrounds, women-headed households supported by the Imam Khomeini Relief Foundation in Mashhad are marginalized. Over the last few decades, the concept of women's lived experience has become one of the most essential themes in feminist theories (Humm, 2003).

The most crucial technique in these theories is direct reference to women and listening to their narratives about their lived experiences. The



goal of this research is to focus on the lived experiences of women-headed households supported by the Imam Khomeini Relief Foundation in Mashhad, to examine their life stories in detail, to organize their total narratives under a common narrative, and to provide a narrative model for their lived experiences.

Methods

The research was conducted using a qualitative narrative research method. The sampling technique is deliberate, and key informants were used to gain access to the research samples. Through their employment at the Mashhad Relief Foundation and their extensive familiarity with the research participants, research informants introduced potential volunteers. In-depth interviews were conducted with 15 women-headed household supported by the Imam Khomeini Relief Foundation. These women are typically between the ages of 30 and 55, are low-literate or illiterate, are frequently divorced as a result of their husband's serious addiction, and are in charge of the household. Several of these women have assumed the role of head of household following their husbands' deaths, disabilities, unemployment, or imprisonment. The narrative analysis method was utilized to examine the collected interviews (Flick, 2008: 193). Narrative analysis serves as a bridge between "a deep and confined narrative of an experience" and "a more comprehensive examination of structural similarities" (Zakaei, 2008). By coding the interviews and comparing case analyses, a narrative model of the experiences of women-headed households participating in the research is constructed in the form of multiple macro-narratives.

Results

Nine macro-narratives were created to represent the lived experiences of the women who participated in this study. Child marriage and early motherhood are explained by the sub processes of "poverty" and "cultural poverty and social traditions." Low economic and social capital can be described in four sub-processes: "Low economic and social capital in the paternal home," "Low economic and social capital in the spouse's household," "Money problems and poverty in women-headed households," and the "vicious cycle of poverty and its transmission to children." The lack of cultural capital can be explained through the sub processes of "Inadequate cultural capital transfer from parents to children" and "Inadequate education and low literacy level." The macro-narrative of "Unsuccessful marriage and divorce" can be broken down into three sub-processes: "Spouse's addiction," "Spouse's unemployment and irresponsibility," and "Forced marriage." Temporary, unpromising, and unsafe work can be described in the form of sub-processes of "Unemployment and a reliance only on the Imam Khomeini Relief

Foundations", and "standing on one's own two feet and performing physical labor at the lowest level". Insecurities, adversities, social pressures can be narrated in the sub-processes of "Violence, gender-based social harassment" and "domestic violence." Burnout can be described in the form of two sub-processes: "mental and emotional burnout", and "physical burnout and physical disability". Loneliness pain is expressed in the sub-processes of "Loss of a spouse", "lack of family support", and "Refusal to remarry". Continuous worry and anxiety can be expressed in the form of two sub-processes: "An uncertain future, a combination of fear and hope", and "child custody, endless anxiety".

Table 1. Narrative model of experiences of women-headed households supported by Imam Khomeini Relief Foundation in Mashhad

Child marriage and early motherhood	Economic poverty
	Cultural poverty and social traditions
Low level of economic and social capital	Low economic and social capital in the paternal home Spouse's low economic and social capital Financial problems and poverty of the women-headed households The vicious cycle of poverty and its transmission to children
Low level of cultural capital	Inadequate cultural capital transfer from parents to children inadequate education and low literacy level
Unsuccessful marriage and divorce	Spouse's addiction Unemployment and irresponsibility of the spouse Forced marriage
Temporary, inauspicious, and unsafe work	Unemployment and a reliance only on the Imam Khomeini Relief Foundation Standing on one's own two feet and performing physical labor at the lowest level
Insecurities, adversities, social pressures	Violence, gender-based social harassment Domestic violence
Burnout	Physical burnout Physical disability
Loneliness pain	Loss of a spouse Lack of family support Refusal to remarry
Continuous worry and anxiety	An uncertain future, a combination of fear and hope Child custody, endless anxiety

Discussion and conclusion

This study attempted to make the narration of a subset of the community's lowest members to be heard, and by reinforcing the voice and revealing their unheard stories; it contributed to the presentation of a female narrative of the concept of head of household.

Early marriage and subsequent early motherhood, a lack of economic and social capital in the paternal home, a lack of cultural capital after marriage and while serving as head of the household, insecure and unsafe work, unsuccessful marriage and divorce, the experience of insecurity and social hardships, physical and mental burnout as a result of poverty and the heavy burden of living, loneliness and pain, and finally, constant worry and



anxiety are the shared experiences of women-headed households participated in this study.

"Sustained employment" is the most significant necessity in the lives of women-headed households, according to the findings of this study. Skills-building courses, stable, secure, and insured employment, and active policies to adapt the employment conditions of women-headed households with their family responsibilities, such as childcare services and flexible working hours, would all be steps toward resolving the problems that these women face (Van Lancker, 2018). Because these women and their children are trapped in a vicious cycle of poverty and societal pressures, social policymakers and social welfare researchers must focus not only on women-headed households, but also on their children.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics: This research was carried out in accordance with the ethical guidelines for human research.

Funding: The authors did not receive any funding to write this article.

Authors' contribution: Data analysis and conclusions were the responsibility of Fatemeh Sadr nabavi and Majid Fouladiyan, and Hanieh Daneshvar and Maryam Aqasizadeh were in charge of conducting field studies and interviews. The final version of the article was written with the participation and approval of all authors.

Conflict of interest: This research does not conflict with the interests of any particular person or group, either directly or indirectly.

Acknowledgments: The present researchers would like to express their sincere appreciation to the women who participated in this study, who helped to advance the research by sharing their life stories, as well as to Ms. Eghdami, the research informants who facilitated this research.

Reference

- Flick, U. (2006). *An introduction to qualitative research*. SAGE Publications Ltd; 3rd edition.
- Hübgen, S. (2018). 'Only a husband away from poverty'? Lone mothers' poverty risks in a European comparison. In Lone parenthood in the life course (pp. 167-189). Springer, Cham.
- Humm, M. (2003). *The dictionary of feminist theory*. Ohio State University Press.
- Kim, D. S., Jeon, G. S., & Jang, S. N. (2010). Socioeconomic status, social support and self-rated health among lone mothers in South Korea. *International journal of public health*, 55(6), 551-559. doi:10.1007/s00038-010-0169-9 [\[link\]](#)
- Mortelmans, D., & Defever, C. (2018). *Income trajectories of lone parents after divorce: A view with Belgian register data*. In Lone parenthood in the life course (pp. 191-211). Springer, Cham.
- Van Lancker, W. (2018). *Does the use of reconciliation policies enable*

single mothers to work? A comparative examination of European countries. The triple bind of single-parent families, 239. doi:10.2307/j.ctt2204rvq.17
[\[link\]](#)

Zakaei, M.S (2008). Narrative and narratology and autobiographic analysis. *Journal of the faculty of humanities and social sciences.*1 (1), 69 - 98. (text in Persian)
[\[link\]](#)



روایت پژوهی زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)

فاطمه صدرنبوی^{۱*} مجید فولادیان^۲ هانیه دانشور^۳ مریم آقاسی زاده^۴

چکیده

در جامعه امروز آمار "زنان سرپرست خانوار" به دلایل گوناگونی رو به افزایش است. این گروه از زنان، از گروه‌های حاشیه‌ای جامعه‌اند که با ناملایمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراوانی روبه‌رو هستند. در این پژوهش تلاش کرده‌ایم تا با به مرکز توجه آوردن تجربیات زیسته آنان، نگاهی عمیق به هستی و داستان زندگی آنان داشته باشیم و روایتی زنانه از مفهوم سرپرستی خانوار ارائه دهیم. این پژوهش در قالب روش‌شناسی کیفی و به کمک روش روایت‌پژوهی انجام شده است. شیوه نمونه‌گیری هدفمند بوده، و از یک اطلاع‌رسان آگاه برای دسترسی به نمونه‌های پژوهش کمک گرفته‌ایم. با پانزده نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) مشهد مصاحبه‌های روایی انجام داده‌ایم. تجارب این زنان در ذیل کلان‌روایت‌های: کودک‌همسری و مادر شدن زود هنگام، سطح پایین سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی، سطح پایین سرمایه فرهنگی، کار موقت و بی‌آپیه و ناامن، ازدواج ناموفق و جدایی از همسر، ناامنی‌ها و ناملایمات و فشارهای اجتماعی، فرسودگی، رنج تنهایی، و نگرانی و تشویش بی‌پایان، روایت شده است. بنابر نتایج به دست آمده از این پژوهش، اشتغال پایدار مهم‌ترین بحث در زندگی زنان سرپرست خانوار است. دوره‌های مهارت‌آموزی جهت برطرف نمودن فقر قابلیت، تأمین اشتغال ثابت همراه با بیمه، جایگزین کردن سیاست‌های اجتماعی منفعل با سیاست‌های فعال در جهت سازگار کردن شرایط اشتغال زنان سرپرست خانوار با مسئولیت‌های خانوادگی، گام‌هایی عملی در رفع مشکلات زندگی آنان خواهد بود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

زنان سرپرست خانوار،
 روایت‌پژوهی، تجربه زیسته.

ارجاع به مقاله:

صدرنبوی، فاطمه؛ فولادیان، مجید؛ دانشور، هانیه و آقاسی‌زاده، مریم (۱۴۰۱). روایت‌پژوهی زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره). *مطالعات زن و خانواده*. ۱۰(۱)، ۸۴-۱۰۶.
 doi10.22051/jwfs.2022.33699.2564

مقدمه و بیان مسئله

از برجسته‌ترین نمادهای قرن ۲۱، تحولات ساختار خانواده و تنوع فرم‌های آن است (کیم و همکاران^۱، ۲۰۱۰؛ مورتلمنز و دی‌فیور^۲، ۲۰۱۸). گستردگی آمارهای جهانی از حضور پررنگ خانوارهای زن‌سرپرست^۳ خبر می‌دهد (هوبگن^۴، ۲۰۱۸). در کشورهای صنعتی افزایش این خانوارها از دهه ۱۹۷۰ به دلیل تغییرات جمعیتی، و اقتصادی-اجتماعی چون: محو ساختار خانواده گسترده، گسترش حقوق زنان از جمله حق طلاق و حضانت کودکان، افزایش مشارکت اقتصادی زنان، و افزایش سن ازدواج بوده است (میلازو و ون‌دوواله^۵، ۲۰۱۵). در کشور ما نیز رشد روزافزون خانوارهای زن-سرپرست پدیده‌ای است که به استناد آمارهای رسمی کشور به وقوع پیوسته است؛ در آخرین آمارگیری جمعیتی، جمعیت زنان سرپرست خانوار بیش از سه میلیون نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

با وجود تغییرات فرم خانواده و آمار گسترده زنان سرپرست خانوار، هنوز هم اکثر سیاست‌های اجتماعی براساس "فرم خانوادگی ایده‌آل" یعنی "خانواده هسته‌ای" طراحی می‌شود. در غالب جوامع به‌ویژه جوامع در حال توسعه، مراد از "سرپرست خانوار" مرد بزرگسالی است که زمام معیشت خانواده را بر عهده دارد. بر اساس این سیاست‌ها، زن سرپرست خانوار به زنی اطلاق می‌شود که در "غیاب مرد واجد شرایط"، سرپرستی خانوار را بر عهده می‌گیرد (حبیب^۶، ۲۰۱۰: ۱۷۳). چنین تعاریف و سیاست‌های اجتماعی که براساس الگوی "مرد نان‌آور خانواده/ زن خانه‌دار" طراحی می‌شوند، میلیون‌ها زنی که هر دو نقش را ترکیب می‌کنند از قلم می‌اندازند (زنان ملل متحد^۷، ۲۰۱۹: ۴۲).

پژوهش‌های فراوانی رابطه میان سرپرستی زنان و فقر را تایید کرده‌اند (فووا^۸، ۲۰۰۰؛ میلر و ریچ^۹، ۲۰۰۹؛ هارکنس^{۱۰}، ۲۰۱۸؛ هوبگن، ۲۰۲۰). رواج فقر در میان زنان سرپرست خانوار سبب طرح مفاهیمی چون "فقیرترین فقرا^{۱۱}" و "زنانه شدن فقر^{۱۲}" برای توصیف این گروه اجتماعی شده است (کیمینی و امباکو^{۱۳}، ۱۹۹۵؛ میلازو و ون‌دوواله، ۲۰۱۵). گسترش فقر در خانوارهای زن‌سرپرست دلایل گوناگونی دارد که شاخص‌ترین آن‌ها عبارتند از: نابرابری‌های جنسیتی از نظر حقوق، درآمد، دسترسی به مالکیت زمین، اعتبار، و سایر منابع مولد، محدودیت‌های قابلیت‌ناشی از بی‌سوادی و سطوح پایین آموزشی (اسماجیچ و ارماکورا^{۱۴}، ۲۰۰۷)، موقعیت نامطلوب زنان در بازار کار (شکاف جنسیتی در دستمزد،

¹.Kim & Jeon & Jang

².Mortelmans & Defever

³.female headed household (FHHs)

⁴.Hübgen

⁵.Milazzo & Van de Walle

⁶.Habib

⁷.UN Women

⁸.Fuwa

⁹.Millar & Ridge

¹⁰.Harkness

¹¹.poorest of the poor

¹².feminization of poverty

¹³.Kimenyi & Mbaku

¹⁴.Smajic & Ermacora



اشتغال کمتر، و اشتغال در مشاغل با حقوق کمتر) (مالدونادو و نیوانهویس^۱، ۲۰۱۵). بار مسئولیت‌های خانگی و نگهداری از فرزندان که امکان اشتغال تمام وقت را از آنان می‌گیرد و به سوی مشاغل پاره‌وقت سوق می‌دهد (روسپینی^۲، ۱۹۹۸). مجموع این عوامل سبب شده است که این خانوارها بیش از دیگر ساختارهای خانوادگی به حمایت‌های دولتی نیازمند باشند (استروفولینو و مورتلمنز^۳، ۲۰۱۸). در ایران خانوارهای دارای سرپرست زن عمدتاً در دهک‌های پایین درآمدی تمرکز یافته‌اند، به گونه‌ای که بیش از ۷۱ درصد این زنان در پنج دهک پایین درآمدی قرار دارند؛ ۲۸/۶۳ درصد یعنی حدود یک چهارم از خانواده‌های دارای سرپرست زن در آخرین دهک درآمدی (پایین‌ترین سطح درآمد) قرار دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این امر به وضوح وسعت فقر در این خانوارها را نشان می‌دهد.

خانوارهای زن سرپرست، گروهی ناهمگن از خانوارها را تشکیل می‌دهند (فوا، ۲۰۰۰). تفاوت در این خانوارها از: انتخابی یا غیرانتخابی بودن وضعیت (عدم ازدواج، جدایی، طلاق، بیوه شدن، مهاجرت)، محل سکونت روستایی یا شهری، قرار گرفتن در مراحل مختلف زندگی (سن، و وابستگی-های نسبی یا فامیلی فرزندان)، دسترسی به منابع (از پدران غایب، شبکه‌های خویشاوندی، کمک‌های دولتی) ناشی می‌شود (چانت^۴، ۲۰۱۵: ۲۵). تجارب زنان سرپرست خانوار علی‌رغم اشتراک در بسیاری از موارد، به دلیل عواملی چون: پیشینه اقتصادی و اجتماعی، طبقه اجتماعی، و ویژگی‌های فرهنگی واجد تفاوت است (رولینسون و مک‌کی^۵، ۲۰۰۵)، و باید با توجه به زمینه تاریخی و جغرافیایی خانوار مطالعه شود (شاتز و همکاران^۶، ۲۰۱۱).

زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی^(۷) شهر مشهد، به دلیل جنسیت خویش-قرار گرفتن در موقعیت فرودستی در دوگانه مردانه/زنانه-، و قرار گرفتن در موقعیت سرپرستی خانوار که ساختار اجتماعی و فرهنگی آن را امری مردانه تلقی می‌کند، و پیشینه اقتصادی و اجتماعی و جایگاه طبقاتی خویش، در موقعیتی حاشیه‌ای قرار گرفته‌اند. در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا با به مرکز توجه آوردن تجربیات زیسته آنان، نگاهی عمیق به هستی و داستان زندگی آنان داشته باشیم. مفهوم "تجربه زیسته زنانه" در طول چند دهه گذشته به یکی از محوری‌ترین مفاهیم نظریه‌های فمینیستی بدل شده است. در این دیدگاه، تجربه زیسته زنانه به معنای "مشاهده پذیر کردن نادیده‌انگاشته‌شدگان" و "توانایی سخن بخشیدن به خاموشان" است (هام، ۱۳۸۲: ۳۷۶-۱۴۸). مهم‌ترین ابزار این نظریه‌ها برای دست یافتن به تجربه زنان، مراجعه مستقیم به خود زنان و گوش سپردن به روایت‌های آنان از تجارب زیسته‌شان است. این محققان معتقدند "زنان هزاران سال است که گرفتار سکوتند، و فعل "روایت کردن"^۷ به خودی خود نوعی اعتراض علیه هنجارهای اجتماع که زن را به سکوت فرا می‌خواند است"

¹.Maldonado & Nieuwenhuis

².Ruspini

³-.Struffolino & Mortelmans

⁴.Chant

⁵.Rowlingson & McKay

⁶.Schatz & Madhavan & Williams

⁷.narrating

(رینهارز و چیس، ۱۳۸۴: ۴۳۵). فهم عمیق زندگی این دسته از زنان، پیش شرطی مهم جهت سیاست-گذاری های اجتماعی، و حل مشکلات خانوارهای زن سرپرست خواهد بود.

مروری بر مطالعات تجربی انجام شده در کشورمان گویای آن است که پژوهش هایی که با روش کیفی به مطالعه تجربیات زیسته زنان سرپرست خانوار پردازند، انگشت شمارند. احمدنیا و کامل قالیباف (۱۳۹۶) با مطالعه کیفی زندگی این زنان دریافتند که "اشتغال منقطع"، الگوی رایج در میان زنان متعلق به طبقه پایین است. رویکرد زنان سرپرست خانوار به ازدواج مجدد، صرف نظر از موقعیت طبقاتی منفی بوده است. از هراس های این زنان از دست دادن آزادی و درگیری مجدد در روابط خانوادگی ناسالمی است که خارج شدن از آن دشوار است. همتی و کریمی (۱۳۹۷) با مطالعه ای کیفی دریافتند که این زنان با چالش های متعددی در زیست خانوادگی و اجتماعی خود مواجه هستند که نیازمند توجه سیاست گذاران است. آن ها تجربه زیسته این زنان را تحت سه مضمون "سرپرستی به مثابه بازتعریف مناسبات با جامعه"، "سرپرستی به مثابه تجربه احساسی ناخوشایند" و "سرپرستی به مثابه شکل دیگری از زیست اجتماعی" دسته بندی کرده اند. رضایی و محمودی (۱۳۹۸) در مطالعه کیفی خویش، تجارب این زنان را ذیل چهار مقوله "فروودگی تدریجی"، "طرد و حاشیه نشینی"، "بازتعریف جایگاه زنانگی"، و "حمایت برای بقا" دسته بندی کرده اند. آن ها نتیجه گرفته اند که حمایت های رسمی و غیررسمی از این زنان در بسیاری از موارد تنها به حفظ وضعیت موجودشان کمک کرده و به ندرت سبب توانمندی آن ها شده است.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش در قالب روش شناسی کیفی^۱ و به روش روایت پژوهی^۲ انجام شده است. شیوه نمونه-گیری هدفمند^۳ انتخاب شده و از یک اطلاع رسان آگاه برای دسترسی به نمونه های پژوهش کمک گرفته شده است. اطلاع رسان پژوهش، به واسطه اشتغال در کمیته امداد شهر مشهد و آشنایی چندین ساله با موضوع پژوهش، به معرفی نمونه های پژوهش پرداخت. به این ترتیب با ۱۵ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد شهر مشهد، مصاحبه های روایی انجام دادیم.

مصاحبه روایی روشی برای جمع آوری اطلاعات مربوط به جوهره ذهنی زندگی شخص است. این روش، روشی برای نگاه به کل زندگی و راهی برای انجام تحقیق عمیق درباره زندگی افراد محسوب می شود (انکینسون، ۱۳۸۴: ۲۴۱). در مصاحبه روایی از مصاحبه شونده خواسته می شود سرگذشت خود را فی البداهه و در قالب داستان به هم پیوسته ای از رویدادها از ابتدا تا به انتهای آن بازگو کند (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۹۳). سپس مصاحبه ها که با کمک ابزارهای فنی ضبط شده بودند پیاده شدند.

به منظور تحلیل مصاحبه های جمع آوری شده از روش تحلیل روایت استفاده شد. روش تحلیل روایت پلی بین "توصیف عمیق و محدود از یک تجربه" و "تحلیل وسیع تر با توجه به تشابه های ساختاری" فراهم

^۱. qualitative research methods

^۲. narrative inquiry

^۳. purposive sampling



می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۷: ۸۶). بدین جهت تلاش کردیم تا به کمک کدگذاری مصاحبه‌های جمع‌آوری شده و از بستر مقایسه تحلیل‌های موردی با یکدیگر، به سنخ‌شناسی از تجارب زنان سرپرست خانوار دست پیدا کنیم. به قول اووه فلیک تلاش ما در جهت "انتقال تدریجی یافته‌ها از مطالعه موردی و بستر آن به سطح روابط انتزاعی و عام‌تر، مانند یک تیپولوژی" است (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۳۹). در این فرایند تلاش کردیم تا از مجموع مفاهیم به دست آمده از مصاحبه‌ها، به روایتی عام از زندگی این زنان دست یابیم، و تجارب زیسته یکایک این زنان را در قالب چند کلان‌روایت برسازیم. این کلان‌روایت‌ها جوهره داستان زندگی و بیانگر خطی کلی از زندگی زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش می‌باشد. هریک از این کلان-روایت‌ها شامل خرده‌فرایندهایی است که به تشریح ابعاد این کلان‌روایت‌ها می‌پردازد. در ذیل هریک از خرده‌فرایندها، به برشماری شاهد مثال‌هایی از دل مصاحبه‌ها پرداخته‌ایم؛ این مصادیق عینی به فهم همدلانه روایت این زنان یاری می‌رساند.

جدول ۱. معرفی نمونه‌های پژوهش

ردیف	نام	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	علت سرپرستی خانوار
۱	گل جمال	۳۵	کم‌سواد	بیوه	فوت همسر
۲	پری	۴۹	کم‌سواد	مطلقه- بیوه	طلاق همسر اول- فوت همسر دوم
۳	طاهره	۴۰	دیپلم	مطلقه	اعتیاد همسر
۴	راحله	۳۰	دیپلم	متأهل	ازکار افتادگی همسر
۵	کلتوم	۳۵	کم‌سواد	مطلقه	اعتیاد همسر
۶	کبری	۴۹	سیکل	مطلقه	اعتیاد همسر- خیانت
۷	ملیحه	۳۰	کم‌سواد	بیوه	اعتیاد همسر- فوت
۸	خدیجه	۴۶	سیکل	مطلقه	اعتیاد همسر
۹	زینت	۵۰	بی‌سواد	مطلقه	اختلاف مذهبی- خیانت
۱۰	زهرا	۳۰	کم‌سواد	مطلقه	اعتیاد همسر
۱۱	فاطمه	۵۰	بی‌سواد	بیوه	فوت همسر
۱۲	معصومه	۴۰	بی‌سواد	متأهل	ازکار افتادگی همسر
۱۳	آمنه	۳۵	دیپلم	متأهل	زندانی شدن همسر
۱۴	مرضیه	۵۵	کم‌سواد	متأهل	بیکاری همسر
۱۵	هانیه	۳۳	دیپلم	مطلقه- متأهل	اعتیاد همسر اول- اعتیاد همسر دوم

یافته‌ها

کودک‌همسری و مادر شدن زودهنگام

ازدواج در کودکی نقطه آغاز داستان زندگی بسیاری از این زنان است. شروع زندگی زناشویی در سن پایین، به تجربه مادری زودهنگام در این زنان منجر شده است. این کلان‌روایت با دو خرده‌فرایند "فقر اقتصادی" و "فقر فرهنگی و سنت‌های اجتماعی" قابل توضیح است. زاده شدن در خانواده‌هایی با پایین‌ترین سطح اقتصادی، از مهم‌ترین دلایل کودک‌همسری این زنان است:

«تو چهارده سالگی ازدواج کردم، تو پونزده سالگی مادر شدم، پدرم فوت شده بود، یک مادر پیر داشتم که با برادرم گرگان زندگی می کرد». (گل جمال)

زاده شدن در خانواده‌هایی با پایین‌ترین سطح سواد و درگیر سنت‌های اجتماع، از دیگر دلایل کودک-همسری این زنان است:

«مادرم هرکار می خواستیم بکنیم میگفت زشته، دختر چه معنی داره این کارارو بکنه؟ میگفتم دختر برای چی خوبه؟ میگفت برای اینکه فقط تو خانه بشینه ظرف بشوره جارو کنه. فکر می کردم یک لباس تنت می کنن می برنت خانه شوهر، زمانی که مادر سه تا بچه بودم فهمیدم چیکار کردم». (زینت)

سطح پایین سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی

سطح پایین سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی در زندگی این زنان، از خانه پدری آغاز می‌شود و در زندگی زناشویی ادامه می‌یابد. این کلان‌روایت در قالب چهار خرده‌فرایند "سطح پایین سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی در خانه پدری"، "سطح پایین سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی همسر"، "مشکلات مالی و فقر زنان سرپرست خانوار"، و "چرخه معیوب فقر و انتقال آن به فرزندان" قابل روایت است. این زنان مهر فقر و فشار اجتماعی که خانواده بر پیشانی آنان زده است را با قد کشیدن و رشد خود حمل می‌کنند:

«من از بچگی پدر نداشتم، دوساله بودم که پدرم فوت کرد، سه تا خواهر بودیم یک داداش، مادرم به بدبختی خودش کار میکرد مارو بزرگ کرد و عروس کرد، الان مادرم خودش تحت پوشش کمیته‌اس». (معصومه)

این زنان در دوران تأهل، از تنگی معیشت و فشارهای اجتماعی ناشی از زندگی با همسری بی‌کار یا بی‌مسئولیت، از کار افتاده و بیمار، معتاد یا قمارباز، بزه‌کار و ... رنج برده‌اند:

«اون اوایل زندگی که هیچی نداشتم سرکار نمیرفتم شوهرم کار نمیکرد، آبی هم گاه‌گداری بهم پول میدادن یا یک موقع غذایی چیزی برام میاوردن ولی خیلی گشنگی کشیدم». (زهرا)

شاید بتوان با قطعیت گفت که محوری‌ترین عامل نقش‌آفرین در زندگی این زنان، فقر است:

«گشنگه می‌خواهیدیم، شبا بچم بلند میشد میگفت مامان نون خالی نداری بدی بخورم؟ نون خالی ام نداشتم که به بچم بدم». (کلثوم)

از تاسف‌بارترین تجارب این زنان، انتقال چرخه‌وار فقر به فرزندان است. این زنان به دلیل کم‌سوادی، نداشتن مهارت‌های شغلی و اجتماعی، و نبود حمایت‌های اجتماعی کافی، مجبور به انجام کارهایی با دستمزد پایین هستند، و فقر به صورت یک چرخه شوم، گریبان‌گیر حال و آینده آنان و فرزندان‌شان است:

«دخترم ازدواج کرده ولی چه ازدواجی، اونم همینجوری لنگ در هوا، داره طلاق میگیره، آدم وقتی کم-شانس و کم‌اقباله دیگه بچه‌هاشم کم‌شانسن». (خدیدجه)



سطح پایین سرمایه فرهنگی

ازدواج زودهنگام، مادر شدن در سن کم، سنت‌ها و قوانین سخت‌گیرانه، و فقر، عواملی هستند که ادامه تحصیل این زنان را متوقف کرده است. سطح پایین سرمایه فرهنگی، در قالب دو خرده‌فرایند "انتقال ناقص سرمایه‌های فرهنگی از والدین به فرزندان" و "عدم برخورداری از آموزش مناسب و سطح پایین سواد" قابل روایت است.

زاده شدن در خانواده‌ای که واجد سطح پایین سرمایه‌های فرهنگی هستند منجر به عدم انتقال دانش، معلومات و دانستی‌های حداقلی میشود که هر شخص برای زندگی اجتماعی به آن نیاز دارد: «از طریق خانواده حمایت نشدم، سواد نداشتن، فرهنگ نداشتن، من به این روز افتادم. امیدوارم بچه‌هام رشد کنن، خوب بشن، من که به درد جامعه نخوردم لاقلاً بچه‌هام مفید باشن». (کبری)

چشم‌گشودن در خانواده‌های فقیر، این زنان را از انباشتگی سرمایه فرهنگی و تحصیلات مناسب محروم کرده است. محرومیت فرهنگی این زنان به فرزندان نیز تسری پیدا کرده و به سطح پایین سرمایه‌های فرهنگی در نسل‌های آینده آنان منجر می‌شود:

«تا اول راهنمایی درس خوندم، خیلی دوست داشتم درس بخونم، شاگرد ممتازی بودم ولی خب روستا بودیم دیگه اونجا مدرسه نبود نتونستم ادامه بدم». (ملیحه)

ازدواج ناموفق و جدایی از همسر

از تلخ‌ترین تجربه‌های این زنان، ازدواج ناموفق و جدایی از همسر است. کلان‌روایت ازدواج ناموفق و جدایی از همسر، در قالب سه خرده‌فرایند "اعتیاد همسر"، "بیکاری و بی‌مسئولیتی همسر"، و "ازدواج تحمیلی" قابل روایت است.

از مهمترین دلایل طلاق این زنان، اعتیاد همسران است. اعتیاد به مواد مخدر، الکل، قرص‌های روان‌گردان، و قمار، به فروپاشی زندگی خانوادگی این زنان منجر شده است:

«موقعی که کار دادگاه داشتم فهمیدم شوهرم عرق میخورد، وکیل که گرفتم به من گفت که شوهرت مواد مصرف میکنه، شراب‌خوارم هست، من نمیدونستم که این کارارو میکرده، قمارم که میزده». (کبری)

ازدواج با مردی که توانایی برعهده گرفتن امور خانواده را ندارد، و به دلایل گوناگونی از جمله بزهکاری، اعتیاد، مشکلات و ناهنجاری‌های رفتاری، خیانت و بی‌وفایی از برعهده گرفتن وظایف خویش سرباز می‌زند، به فروپاشی زندگی برخی از این زنان منجر شده است:

«آدمی که تزریقی بود هرکاری ازش بعید نبود، یا در خونه آبروریزی میکرد، دزدی میکرد از تو خونه. به حدی شده بود که چادر سرمو برمیداشت میبرد میفروخت، اصلاً دیگه تو زندگی امنیت نداشتیم». (خدیدجه)

برخی از این زنان به دلیل ماهیت ازدواجشان که از نوع تحمیلی بوده است در زندگی زناشویی خویش با شکست مواجه شدند:

«بابام به اخلاقی داشت خواستگار اول جواب میداد، به بابام گفتم بابا من اصلاً راضی نیستم، گفت مگه حرف تویه که بخوای راضی باشی یا نباشی؟ دختر باید خواستگار اول جواب بده بره». (زهره)

کار موقت، بی‌آتیه و ناامن

از مهم‌ترین تجارب زنان سرپرست خانوار، اشتغال در پایین‌ترین سطح مشاغل اجتماعی است. این زنان به مشاغلی چون: کارگری، دست‌فروشی، سبزی‌پاک‌کنی، زعفران‌پاک‌کنی، خیاطی، بسته‌پاک‌کنی و ... مشغول هستند. بخشی از آنان به دلایلی چون سطح پایین سرمایه فرهنگی، عدم برخورداری از مهارت‌های لازم، یا درونی کردن کلیشه‌های جنسیتی، هیچ‌گاه، حتی در مواقع نیاز خانواده، مشغول به کار نشدند. این بخش از زنان با وابستگی صرف به کمک‌های کمیته امداد، و یا کمک اعضای خانواده به امرار معاش می‌پردازند:

«من کار نمی‌کنم، یعنی از اول که شوهرم بود نمی‌زاشت کار کنم، بعد فوت شوهرم کاری نمی‌کردم. همسایه‌ها خیلی وقتاً کمکم می‌کنن، برادرم برام پول میفرسته از شهرستان، با همین کمکی که کمیته به ما میکنه دیگه زندگی خودم و دخترامو می‌چرخونم». (فاطمه)

در برابر دسته اول، زنانی قرار می‌گیرند که با وجود برخورداری از پایین‌ترین سطح مهارت‌ها و الزامات مورد نیاز بازار کار، تلاش کردند تا برای ادامه زندگی خویش و فرزندانشان در برابر مشکلات زندگی مقاومت نمایند. محرومیت از سطح حداقلی از سواد، مهارت و آموزش، این زنان را به اشتغال در پایین‌ترین سطح مشاغل یدی رانده است. کارهای موقتی، فاقد بیمه، فصلی و بی‌آتیه، زندگی این زنان را به ورطه فقر و آینده نامعلوم اقتصادی کشانده است:

«این چندسال سختی زیاد دیدم، زیاد افتادم زمین، ولی خودم خودمو بلند کردم، به هیچکی تکیه نکردم، اول به خدا تکیه کردم بعدم به خودم تکیه کردم، رفتم خونه‌های مردم کار کردم، بچه‌های مردمو نگه داشتم، هر شغلی که میشد خودمو انداختم وسط». (گل جمال)

نامنی‌ها، ناملایمات و فشارهای اجتماعی

از دیگر تجارب این زنان، ناملایمات اجتماعی است که به دلیل جنسیت زنانه‌شان به وجود می‌آید. زنان سرپرست خانوار که در اکثر مواقع باید به تنهایی معاش خانواده را به دوش بکشند، با خطرات، نامنی‌ها و پیش‌داوری‌های جامعه مواجه می‌شوند. نگاه‌ها، تهمت و افتراهای جنسی، و تجربه انواع خشونت از خشونت خانگی گرفته تا خشونت اجتماعی، گوشه‌ای از تجارب این زنان است. این کلان‌روایت، در قالب دو خرده‌فرایند "خشونت، مزاحمت و آزار اجتماعی مبتنی بر جنسیت"، و "خشونت خانگی" قابل روایت است.

تجربه نامنی در محیط محله و کار، پیشنهادهای نامناسب، افتراهای جنسی، نگاه‌های سنگین و طعنه‌های بی‌رحمانه، گوشه‌ای از مشکلات این زنان است:

«شوهرم که ازم جدا شد من از خوراکی و پوشاک و همه چیز می‌زدم پس‌انداز میکردم، چون پنج صبح صاحب‌خانه می‌آمد میگفت یا خانهر و خالی کن یا کرایه بده یا خودتو در اختیار من بزار». (کلثوم)



آزار جسمی، روحی، عدم وجود امنیت روانی، و تحقیر و توهین، تجربه روزمره بسیاری از این زنان و فرزندان‌شان است. این مشکلات پس از جدایی از همسر چند برابر شده و مصائبی همچون تهدید و ارباب، آبروریزی، ربودن فرزندان، دزدی و ... به مشکلات این زنان اضافه می‌شود:

«اعصابش خراب شده بود میومد میزد تو گوشم، تو سرم، موهامو می کشید و میزد به دیوار. بعد از طلاق تو کوچه بازار که منو می دید میگفت یا اسید میریزم تو صورتت یا چاقو چاقوت میکنم». (طاهره)

فرسودگی

تولد در خانواده‌ای فقیر و درگیر مشکلات عدیده اجتماعی و فرهنگی، گذران دوران کودکی و نوجوانی در این فضای ملتهب، و ازدواج زودهنگام یا تحمیلی، آغاز فرسودگی بدنی و روحی این زنان است. مشکلات آن‌ها با سرپرست خانوار شدن، حضانت فرزندان، تأمین معیشت خانواده، و ناملايمات و فشارهای اجتماعی، به فرسایش روح و جسم‌شان می‌انجامد. این کلان‌روایت، در قالب دو خرده‌فرایند "فرسودگی روحی و عاطفی"، و "فرسودگی جسمی و ناتوانی بدنی" قابل روایت است.

از تجارب پربسامد این زنان، مشکلات روحی گسترده میان آنان است. مشکلات عدیده‌ای که سال‌ها روان آنان را خراشیده است، منجر به شکل‌گیری بیماری‌های روحی مختلفی میان آنان شده است:

«هر جا هر زنی رو می‌دیدم با شوهرش راه می‌رفت آتیش می‌گرفتم. بعضی وقتا که از خونه می‌زدم بیرون یه زن و شوهر رو می‌دیدم آن قدر اینارو نگاه می‌کردم. یک سال اول برام خیلی سخت گذشت، حتی مهمون زن و شوهر میومد اشکام می‌ریخت، از نظر روحی خیلی حالم خراب بود». (گل جمال)

سال‌ها کار پرمشقت، جسم این زنان را بیمار کرده است. از سوی دیگر فقر و تبعات آن، مزید بر علت شده و بیش از پیش به ناتوانی این زنان دامن زده است. فشارهای عصبی نیز بر مشکلات جسمی این زنان افزوده است. مهمترین علت مشکلات جسمی این زنان، عدم بهره‌مندی از بیمه‌های درمانی مناسب است؛ این مسئله به عدم درمان و مزمن‌گشتن مشکلات جسمی آنان منجر می‌شود:

«این دستم عمل می‌خواد، با همین دستم دارم الان لباس می‌شورم، نگاه چقدر باد کرده. دکتر گفته باید عمل کنی، شش ماه اصلا دستتو نباید تکون بدی. خب من تا شش ماه چی بخورم؟ نه درآمدی نه کمکی نه حمایتی چیکار کنم؟» (پری)

رنج تنهایی

تنهایی در مراحل مختلف زندگی این زنان، از بزرگ کردن فرزندان گرفته تا اشتغال، آنان را در معرض فشارهای جسمی و روحی قرار می‌دهد. این کلان‌روایت، در قالب سه خرده‌فرایند "از دست دادن همسر"، "عدم حمایت خانواده"، و "امتناع از ازدواج مجدد" قابل روایت است.

طلاق و جدایی، فوت، و زندانی شدن، عمده‌ترین دلایل از دست دادن همسر در میان این زنان است:

«شوهرم هر چهار ماه ده روز از زندان میاد مرخصی، وقتی میخواد بره خیلی برام سخته، همش از استرس شبا خوابم نمیره، همش دعا میکنم زود صبح بشه، درم قفل میکنم با بچه‌ها میخوابم ولی میترسم». (آمنه)

این زنان که عموماً از خانواده‌هایی در سطوح پایین اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخاسته‌اند پس از رویارویی با مشکلاتی چون جدایی، فوت، اعتیاد، زندانی شدن یا بزهکاری همسر و... با تجربه نا-امیدکننده خانواده بی تفاوت و غیرحامی مواجه می‌شوند. آغاز مسئولیت این زنان به عنوان سرپرست خانوار، آغاز خودآگاهی به این مسئله است که باید روی پای خویش ایستاده و از خانواده خویش و یا خانواده همسر از دست رفته (که بستگان درجه یک فرزندان هستند) توقع حمایت نداشته باشند: «فقط یک خواهرم با من رفت و آمد میکنه، اونای دیگه خوششون نمیداد از منطقه پایین شهر، اصلاً نمیان نه زنگ میزنن نه میان دیدنم، داداشام اصلاً نمیان، میگن پایین شهر میشینی. الان دخترم اصلاً خاله‌هاشو نمیشناسه». (آمنه)

از دیگر تجربیات اکثر این زنان امتناع از ازدواج مجدد است. این زنان که همگی دارای فرزند هستند، با ایستادگی در برابر مشکلات، و در دست گرفتن امورات زندگی، ترجیح دادند که به دلیل مشکلات احتمالی ازدواج مجدد برای فرزندان، از این مسئله صرف نظر نمایند:

«به ازدواج مجدد اصلاً فکر نکردم، حیف دخترام نیست که زیر دست ناپدری بیوفتن؟ یکبار ازدواج کردم برای هفت پشتم بسه، من هوس و عشق خودمو میزارم زیر پام بچه‌هامو بزرگ میکنم». (زهرا)

نگرانی و تشویش بی پایان

ماهیت زندگی روزمره این زنان، نوعی آشوب و نگرانی دائمی را به روحیه آنان تحمیل می‌کند. این کلان-روایت، در قالب دو خرده‌فرایند "آینده مبهم؛ ملغمه‌ای از بیم و امید"، و "حضانة فرزندان؛ اضطرابی تمام‌نشدنی" قابل روایت است.

آینده برای این زنان ملغمه‌ای از اضطراب و نگرانی، و از سویی دیگر امید است. موقعیت ناپایدار اقتصادی و اجتماعی، مهم‌ترین عامل مولد نگرانی آنان نسبت به آینده است. با این حال، امید به آینده از محوری‌ترین ویژگی‌های فطری انسان است؛ درست به همین دلیل است که آینده برای این زنان سیاهی مطلق نبوده و همواره امیدوار هستند که روزی رنگ خوشبختی خویش و فرزندان را ببینند:

«من فقط امیدم به اینه که شوهرم آزاد میشه، همش فردامو می‌بینم، آینده رو می‌بینم، میگم بزار اینجوری فکر کنم که دیگه مریض نشم، ازین بدتر نشم، ان‌شالله که آزاد میشه، امیدم فقط به خداست. جوونیم آگه بیاد بیرون باز از نو شروع می‌کنیم، فقط بمونم نمیرم سالم باشم». (آمنه)

تجربه زن سرپرست خانوار بودن، تجربه ورود به دنیایی سراسر متفاوت با تجارب پیشین است. زنی که پیش از این در سایه حمایت همسرش زندگی می‌کرده و به بزرگ کردن فرزندان خویش مشغول بوده است، ناگهان به دنیایی پرتاب می‌شود که برای او ناشناخته و ناامن است. این زنان که به سختی مسئولیت



خانواده خویش را به دوش می‌کشند، همواره با اضطرابی فراگیر نسبت به فرزندانشان، تأمین اقتصادی آنان، و آینده و سرنوشتشان مواجه‌اند:

«دوست دارم بچه‌هامو در آسایش بزرگ کنم نه به دغدغه، دوس دارم به جایی برسند، همیشه باهاشون حرف می‌زنم دستشون تو جیب خودشون باشه، کسی بشن واسه خودشون، مثل من نباشن». (فاطمه)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش روایت تجربیات زیسته زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی^(۵) شهر مشهد بود. با به نظم کشیدن مجموع روایت‌های این زنان در ذیل روایتی عام‌تر، به الگوی روایی از تجربیات زیسته این زنان دست یافتیم. این پژوهش کوششی بود تا امکان شنیده شدن روایت بخشی از فرودست‌ترین اعضای اجتماع را فراهم نماید، و با "تقویت کردن صدای" آنانی که در طول تاریخ بی‌صدا بوده‌اند، و "آشکار کردن داستان‌های شنیده نشده" آنان (همیلتون و شاپس^۱، ۲۰۰۹: ix) به ارائه روایتی زنانه از مفهوم سرپرستی خانوار یاری رساند.

ازدواج در سنین پایین و متعاقب آن مادر شدن زود هنگام تجربه مشترک اکثر این زنان بود؛ عاملی که نقطه آغاز بسیاری از بحران‌ها در زندگی آنان است. افتخارزاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که ازدواج زود هنگام عاملی مثبت در بروز خشونت خانگی و ترک تحصیل دختران است. سطح پایین سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی در خانه پدری، پس از ازدواج، و در مقطع سرپرستی خانوار، تجربه مشترک این زنان بود. سفیری و همکاران (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیده‌اند که این زنان در چرخه زندگی خود معمولاً سه دوره فقر را پشت سر می‌گذارند: از بدو تولد در خانه پدری، با ازدواج که فقر شدیدی را در خانه همسر تجربه می‌کنند، و با از دست دادن همسر. ماهوزی^۲ (۲۰۱۵) در تحقیق خود نتیجه گرفته است که احتمال فقر برای خانوارهای زن سرپرست به طور متوسط دو برابر خانوارهای مرد سرپرست با شرایط مشابه است. ان‌شونوانا و رایت^۳ (۲۰۱۰) دریافته‌اند که فقر این خانوارها چند-بعدی است، و شامل ناامنی غذایی، محرومیت از محیط زندگی مناسب، و آموزش به خطر افتاده برای کودکان است. سطح پایین سرمایه فرهنگی، دیگر تجربه مشترک در روایت این زنان بود. علی‌مندگاری و همکاران (۱۳۹۷) فقر آموزشی ناشی از فقر و مشکلات خانوادگی را از ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش خویش معرفی کرده‌اند. ریماز و همکاران (۱۳۹۳) نتیجه گرفته‌اند که اکثر این زنان فاقد قابلیت‌های لازم نظیر سواد و مهارت هستند و این امر دایره انتخاب‌های شغلی آنان را محدود می‌کند. محوری‌ترین تجربه زنان این پژوهش کار موقت، بی‌آپیه و ناامن بود؛ احمدنیا و کامل‌قالیباف (۱۳۹۶) الگوی اشتغال این زنان را منقطع می‌دانند و دریافته‌اند که این زنان بارها شغل عوض کرده‌اند و عمدتاً در مشاغل کم‌درآمد و موقت مشغول به کار بوده‌اند. استروفولینو و برناردی^۴ (۲۰۱۷) معتقدند که اشتغال

¹-Hamilton & Shopes

²-Mahoozi

³-Ntshongwana & Wright

⁴-Struffolino & Bernardi

نقشی دوسویه در زندگی این زنان دارد؛ اشتغال از یک سو ابزاری مهم برای افزایش تاب‌آوری این خانوارها است، و از سوی دیگر در نبود تسهیلات نگهداری از کودکان، سبب ایجاد فشار مضاعف و تضاد نقشی برای آنان می‌گردد. ازدواج ناموفق و جدایی از همسر، یکی دیگر از تجربه‌های بسیاری از این زنان بود. ساروخانی و همکاران (۱۳۹۳) هم در پژوهش خویش دریافتند که مهم‌ترین عامل سرپرست خانوار شدن زنان مورد مطالعه‌شان، طلاق است. یکی از چالش‌های روزمره این زنان در روایت‌هایشان، تجربه ناامنی‌ها، ناملايمات و فشارهای اجتماعی بود. افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۵) نشان داده‌اند که زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی روزمره خود با کلیشه‌های منفی روبه‌رو هستند که تجربه حریم ناامن را به همراه دارد. یوسفی‌لبنی و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که تنهایی زنان سرپرست خانوار، به مردان این امکان را می‌دهد که از آنها سوءاستفاده جنسی و حتی غیرجنسی (مالی، آسیب روانی) کرده و آن‌ها را آسیب‌پذیر کنند. فرسودگی جسمی و روحی در نتیجه فقر و بار سنگین معیشت، از دیگر مفاهیم مشترک در روایت‌های این زنان بود. اعظم‌آزاده و تافته (۱۳۹۴) نشان داده‌اند که شرایط نامناسب گذشته و حال این زنان، و پیش‌بینی از آینده‌ای مبهم، بستری برای کاهش احساس شادمانی فراهم آورده، و راهکارهای‌های مقابله‌ای را در قالب احساس نابرابری، افسردگی و فشار روحی در آنان شکل داده و منجر به احساس بی‌انصافی در مورد خود، و طرد اجتماعی می‌شود. خزائیان و همکاران (۲۰۱۸) تاکید کرده‌اند که وضعیت بد اقتصادی این زنان، زمان و هزینه کافی برای رسیدگی به وضعیت سلامتی را فراهم نمی‌کند، در نتیجه قدرت مدیریت سلامت آنان کاهش می‌یابد. رنج تنهایی دیگر تجربه مشترک در زنان این پژوهش بود. افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۵) تأیید می‌کنند که از نظر این زنان با وجود فرزندان نمیشود فردی جدید را وارد زندگی کرد و معمولاً یا فرزندان با این امر مخالف‌اند یا مردان حاضر به پذیرش فرزندان نیستند. دلیل‌گو و همکاران (۱۳۹۵) ذهنیت منفی به ازدواج مجدد به دلیل ازدواج ناموفق گذشته، ترس از شکست دوباره، عدم اعتماد به مردان، پرداخت هزینه‌های عاطفی زیاد و موقعیت سخت زندگی را دلیل عدم تمایل این زنان به ازدواج مجدد می‌دانند. نگرانی و تشویش بی‌پایان برای آینده و به‌ویژه فرزندان، دیگر تجربه مشترک زنان این پژوهش بود. همتی و کریمی (۱۳۹۷) اشاره می‌کنند که وضعیت فرزندان، از مضامین مهم در تجربیات زنان سرپرست خانوار می‌باشد؛ مشکلات روحی و جسمی، تربیت، تامین مایحتاج، ازدواج و مشکلات اخلاقی فرزندان از مضمون‌های رایج مشکلات این زنان است.

بنابر نتایج به دست آمده از این پژوهش، "اشتغال پایدار" مهم‌ترین بحث در زندگی زنان سرپرست خانوار است. دوره‌های مهارت‌آموزی جهت برطرف نمودن فقر قابلیت این زنان، تأمین اشتغال ثابت، امن و همراه با بیمه، گامی عملی در رفع مشکلات این زنان است. به رسمیت شناختن تحولات نهاد خانواده و تصحیح فرآیندهای سیاست‌گذاری حمایت از خانواده (حسینی و عزیزی، ۱۳۹۵)، جایگزین کردن سیاست‌ها و خدمات اجتماعی منفعل مانند: حمایت‌های مالی صرف، با سیاست‌های فعال در جهت سازگار کردن شرایط اشتغال زنان سرپرست خانوار با مسئولیت‌های خانوادگی آنان مانند: خدمات مراقبت از کودکان، و ساعات کاری انعطاف‌پذیر، گام‌هایی عملی در رفع مشکلات زندگی این زنان



خواهد بود (ون لانکر^۱، ۲۰۱۸). پژوهشی که به شکل متمرکز به موضوع مشاغل زنان سرپرست خانوار بپردازد، و یا راه‌حلی عملی جهت رفع محدودیت‌های شغلی آنان ارائه کند، به فهم بهتر تجارب این زنان کمک خواهد کرد. فرزندان زنان سرپرست خانوار نیز در چرخه معیوبی از فقر و فشارهای اجتماعی گرفتار هستند؛ پژوهشی کیفی با تمرکز ویژه بر فرزندان این زنان، به نظریه‌پردازی در این حوزه منجر خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: این مطالعه با رعایت کدهای اخلاقی پژوهش‌های انسانی انجام شده است. **حمایت مالی:** نویسندگان برای نگارش این مقاله حمایت مالی نشده‌اند. **سهم نویسندگان:** تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری بر عهده فاطمه صدر نبوی و مجید فولادیان بوده است، و هانیه دانشور و مریم آقاسی‌زاده انجام مطالعات میدانی و مصاحبه‌ها را بر عهده داشته‌اند. نسخه نهایی مقاله با مشارکت و تایید همه نویسندگان نگاشته شده است. **تضاد منافع:** این پژوهش به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع شخص یا سازمان خاصی تعارض ندارد. **تشکر و قدردانی:** از زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش که با در میان گذاشتن داستان زندگی‌شان به پیشبرد پژوهش کمک کرده‌اند، و همچنین از سرکار خانم اقدامی اطلاع‌رسان پژوهش که زمینه انجام این تحقیق را فراهم کردند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

^۱.Van Lancker

منابع

- اتکینسون، رابرت. (۱۳۸۴). راهنمای تحقیق مصاحبه‌ای، زمینه و روش. ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر، تهران، دانشکده امام باقر.
- احمدنیا، شیرین. کامل قالیباف، آتنا. (۱۳۹۶). زنان سرپرست خانوار در تهران: مطالعه کیفی تجربیات، چالش‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها. رفاه اجتماعی. ۱۷(۶۵): ۱۰۳-۱۳۶. [لینک]
- اعظم‌آزاده، منصوره. تافته، مریم. (۱۳۹۴). روایت زنان سرپرست خانوار از موانع شادمانی (مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار تهران). مطالعات زن و خانواده، ۳(۲): ۳۳-۶۰. doi:10.22051/jwfs.2016.2207. [لینک]
- افتخارزاده، سیده‌زهرا. (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام. پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، ۲(۳): ۱۰۸-۱۵۶. doi:10.22054/rjsw.2015.4746. [لینک]
- افراسیابی، حسین. جهانگیری، ساناز. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار: مطالعه کیفی شهرستان شاهین‌شهر. زن در توسعه و سیاست، ۴(۴): ۴۳۱-۴۵۰. doi:10.22059/jwdp.2016.60963 [لینک]
- حسینی، سیدحسین. عزیزی، مینا. (۱۳۹۵). بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات زن و خانواده، ۴(۱): ۳۴-۷. doi:10.22051/jwfs.2016.2338. [لینک]
- دلیل‌گو، سعید. وحید، فریدون. مهاجرانی، علی‌اصغر. اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۵). کاهش رغبت به ازدواج مجدد (مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر اصفهان). دوفصلنامه‌ی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۲): ۳۱-۵۲. doi: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.31 [لینک]
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۷). روایت، روایت‌گری و تحلیل‌های شرح‌حال‌نگارانه. پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی، ۸(۱): ۶۹-۹۸. [لینک]
- رضایی، مهدی. محمودی، فاطمه. (۱۳۹۸). بازسازی معنایی کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار در کردستان: یک مطالعه کیفی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰(۱): ۱۴۳-۱۶۶. doi:10.22108/jas.2018.111204.1404. [لینک]
- ریماز، شهناز. دستورپور، مریم. وصالی، آذر. شریانی، سمیرا. ساعی‌پور، نرگس. بیگی، زهرا. نجات، سحرناز. (۱۳۹۳). بررسی کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در زنان سرپرست خانوار تحت پوشش شهرداری منطقه ۹ شهر تهران. مجله اپیدمیولوژی ایران، ۱۰(۲): ۴۸-۵۵. [لینک]
- رینهارز، شومالیت. چیس، سوزان. (۱۳۸۴). راهنمای تحقیق مصاحبه‌ای، زمینه و روش. ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر، تهران، دانشکده امام باقر.
- ساروخانی، باقر. خادمیان، طلیمه. نادری، فاطمه زهرا. (۱۳۹۳). زنان سرپرست خانوار و تنگناهای جامعه‌پذیری فرزندان (مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار تحت پوشش شهرداری تهران). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۳(۴): ۵۳۹-۵۵۸. doi:10.22059/jisr.2015.54347 [لینک]



- سفیری، خدیجه. احیایی، پویان. مرکزی، آیدا. (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی احساس طردشدگی زنان در بین خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش اداره بهزیستی شهر مشهد. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. doi:10.22051/jwsps.2020.25224.1959. ۱۰۴-۶۵. (۱)۸۸ [لینک]
- علی‌مندگاری، ملیحه. رزاقی نصرآبادی، حجیه بی‌بی. اشرف گنجویی، سمانه. (۱۳۹۷). وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی: مطالعه‌ای کیفی در شهر شیراز. نامه انجمن جمعیت-شناسی ایران، ۳۳(۲۵)، ۱۶۵-۱۹۲. [لینک]
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه جلیلی، ه.، تهران، نشر نی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. [لینک]
- هام، مگی. (۱۳۸۲). فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، مترجمان احمدی خراسانی، ن.، مهاجر، ف.، قره‌داغی، ف.، تهران، نشر توسعه.
- همتی، رضا. کریمی، معصومه. (۱۳۹۷). زنان مطلقه و تجربه سرپرستی خانوار: یک پژوهش کیفی. پژوهشنامه زنان، ۲۹(۲) (پیاپی ۲۴). ۲۱۱-۱۸۱. [لینک]

References

- Afrasiabi, H. & Jahangiri, S. (2017). Pathology of social interactions of household head women; Qualitative study among Shahin-Shahr, *Women in Development & Politics*, 14(4), 431. doi:10.22059/jwdp.2016.60963(text in Persian) [link]
- Alimandegari, M., Razeghi, H., Ashraf Ganji, S. (2018). The economic status of female heads of households covered by supportive institutions: Qualitative study in City of Shiraz, *Journal of Population Association of Iran*, 13(25), 165-192. (text in Persian) [link]
- Amadnia S, Ghlibaf kamel A. (2017). Women-headed households in Tehran: A qualitative study of their experiences, challenges and capacities. *refahj*. 17 (65):103-136. (text in Persian) [link]
- Atkinson, R. (2002). *The life story interview. Handbook of interview research: Context and method*, Gubrium, J. F., & Holstein, J. A. SAGE Publications.
- Azadeh, M., Tafteh, M. (2016). The obstacles of happiness from the view of female-headed households of Tehran. *Woman and Family Studies*, 3(2), 33-60. doi:10.22051/jwfs.2016.2207(text in Persian) [link]
- Chant, S. (2015). *Female household headship as an asset? Interrogating the intersections of urbanisation, gender, and domestic transformations*. In *Gender, asset accumulation and just cities* (pp. 33-51). Routledge.
- Dalilgoo, S., Vahida, F., Mohajerani, A., Esmaili, R.(2017). Reduction of tendency to remarriage: (Case study of female household heads in Isfahan). *jspi*. 7(2):31-52. doi:10.18869/acadpub.jspi.7.2.31(text in Persian) [link]
- Eftekhazadeh, Z. (2015). Lived experiences of female victims of child marriage, *Social Work Research*, 1(3), 109-156. doi:10.22054/rjsw.2015.4746(text in Persian) [link]
- Flick, U. (2006). *An introduction to qualitative research*. SAGE Publications Ltd; 3rd edition.

- Fuwa, N. (2000). The poverty and heterogeneity among female-headed households revisited: the case of Panama. *World development*, 28(8), 1515-1542. doi:10.1016/S0305-750X(00)00036-X. [\[link\]](#)
- Habib, T. Z. (2010). Socio-psychological status of female heads of households in Rajshahi City, Bangladesh. *Antrocom Online Journal of Anthropology*, 6(2), 173-186. doi:10.31826/9781463233983-016 [\[link\]](#)
- Hamilton, P., & Shopes, L. (Eds.). (2009). *Oral history and public memories*. Temple University Press.
- Harkness, S. (2018). *The economic consequences of becoming a lone mother*. In *Lone Parenthood in the Life Course* (pp. 213-234). Springer, Cham.
- Hemmati, R & karimi, Z. (2018). Divorced women and family supervision experience: A qualitative study (Case study: divorced family-headed women of Farsan, *women's study*, 9(2), 181-211. (text in Persian) [\[link\]](#)
- Hosseini, S., Azizi, M. (2016). Analysis of "family institution" advocatory policies in Islamic Republic of Iran. *Journal of Woman and Family Studies*, 4(1), 7-34. doi:10.22051/jwfs.2016.2338(text in Persian) [\[link\]](#)
- Hübgen, S. (2018). 'Only a husband away from poverty'? *Lone mothers' poverty risks in a European comparison*. In *Lone parenthood in the life course* (pp. 167-189). Springer, Cham.
- Hübgen, S. (2020). Understanding lone mothers' high poverty in Germany: Disentangling composition effects and effects of lone motherhood. *Advances in life course research*, 44, 100327. doi:10.1016/j.alcr.2020.100327 [\[link\]](#)
- Humm, M. (2003). *The dictionary of feminist theory*. Ohio State University Press.
- Kim, D. S., Jeon, G. S., & Jang, S. N. (2010). Socioeconomic status, social support and self-rated health among lone mothers in South Korea. *International journal of public health*, 55(6), 551-559. doi:10.1007/s00038-010-0169-9 [\[link\]](#)
- Kimenyi, M. S., & Mbaku, J. M. (1995). Female headship, feminization of poverty and welfare. *Southern Economic Journal*, 44-52. doi:10.2307/1061374 [\[link\]](#)
- Khazaecian, S, Kariman, N, Ebadi, A, Nasiri, M. (2018). Factors associated with mental health and its relation with health-promoting lifestyle in female heads of households: A cross-sectional study. *Iranian Red Crescent Medical Journal*. 20(11). 1-8. doi:10.5812/ircmj.64479 [\[link\]](#)
- Lebni, J. Y., Gharehghani, M. A. M., Soofizad, G., & Irandoost, S. F. (2020). Challenges and opportunities confronting female-headed households in Iran: a qualitative study. *BMC women's health*, 20(1), 1-11. doi:10.1186/s12905-020-01046-x [\[link\]](#)
- Mahoozi, H. (2015). *Gender and Spatial Disparity of Multidimensional Poverty in Iran*. OPHI Working Paper 95, Oxford University.
- Maldonado, L. C., & Nieuwenhuis, R. (2015). Single-parent family poverty in 24 OECD countries: A focus on market and redistribution strategies. *LIS Center Research Brief*, 2. [\[link\]](#)
- Milazzo, A., & Van de Walle, D. (2015). *Women left behind? Poverty and headship in Africa*. The World Bank. doi:10.1596/1813-9450-7331 [\[link\]](#)



- Millar, J., & Ridge, T. (2009). Relationships of care: Working lone mothers, their children and employment sustainability. *Journal of Social Policy*, 38(1), 103-121. doi:10.1017/S0047279408002572 [\[link\]](#)
- Mortelmans, D., & Defever, C. (2018). *Income trajectories of lone parents after divorce: A view with Belgian register data*. In Lone parenthood in the life course (pp. 191-211). Springer, Cham.
- Ntshongwana, P., & Wright, G. (2010). Childcare challenges faced by lone mothers in South Africa. *Pretoria: Department of Social Development*. [\[link\]](#)
- Reinharz, S., & Chase, S. E. (2002). *Interviewing women. Handbook of interview research: Context and method*, Gubrium, J. F., & Holstein, J. A. SAGE Publications.
- Rezaei, M & Mahmoodi, F. (2019). Meaning reconstruction of women headed of household's quality of life: A qualitative study, *Journal of Applied Sociology the University of Isfahan*, 30(1),143-165. doi:10.22108/jas.2018.111204.1404(text in Persian) [\[link\]](#)
- Rimaz S., Dastoorpoor M., Vesali S., Saiepour N., Nedjat S., Sadeghi M. et al .(2015), Investigation of relationship between social capital and quality of life in female headed families. *Med J Islam Repub Iran*. 29 (1): 981-991. (text in Persian)[\[link\]](#)
- Rowlingson, K., & McKay, S. (2005). Lone motherhood and socio-economic disadvantage: insights from quantitative and qualitative evidence. *The Sociological Review*, 53(1), 30-49. doi:10.1111/j.1467-954X.2005.00502.x [\[link\]](#)
- Ruspini, E. (1998). Living on the poverty line: lone mothers in Belgium, Germany, Great Britain, Italy and Sweden. *Mannheimer Zentrum für Europäische Sozialforschung*. [\[link\]](#)
- Safari, Kh., Ehyaei, P., Markazi, A. (2020). Sociological study of the sense of exclusion in female-headed households of Mashhad covered by welfare office, *women's studies (Sociological & Psychological)*, 18(1), 65-104. doi:10.22051/jwsps.2020.25224.1959(text in Persian) [\[link\]](#)
- Sarookhani, B. Khademian, T. Naderi, F.Z. (2015). Women's headed households and bottlenecks of children socialization (A case study: The householder women supported by Tehran Municipality Organization), *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 3(4), 539-558. doi:10.22059/jisr.2015.54347 (text in Persian)[\[link\]](#)
- Schatz, E., Madhavan, S., & Williams, J. (2011). Female-headed households contending with AIDS-related hardship in rural South Africa. *Health & place*, 17(2), 598-605. doi:10.1016/j.healthplace.2010.12.017 [\[link\]](#)
- Smajic, S., & Ermacora, S. (2007). Poverty amongst female-headed households in Bosnia and Herzegovina: an empirical analysis. *South East European Journal of Economics & Business* (1840118X), (3). doi:10.2478/v10033-007-0017-x [\[link\]](#)
- Statistical Center of Iran. National census of population and housing of Iran. (2016). [\[link\]](#)

- Struffolino, E., & Bernardi, L. (2017). *Vulnerability of lone mothers over the live course in Switzerland*. Working Paper LIVES, 2017(60), 1-28. doi:10.12682/lives.2296-1658.2017.60. [\[link\]](#)
- Struffolino, E., & Mortelmans, D. (2018). *Lone mothers in Belgium: Labor force attachment and risk factors*. In *Lone Parenthood in the Life Course* (257-282). Springer, Cham.
- Van Lancker, W. (2018). *Does the use of reconciliation policies enable single mothers to work? A comparative examination of European countries*. The triple bind of single-parent families, 239. doi:10.2307/j.ctt2204rvq.17 [\[link\]](#)
- Women, U. N. (2019). *Families in a Changing World: Progress of the World's Women 2019-2020*. UN Women. [\[link\]](#)
- Zakaei, M.S (2008). Narrative and narratology and autobiographic analysis. *Journal of the faculty of humanities and social sciences*. 1(1); 69 - 98. (text in Persian) [\[link\]](#)





Original Research

Women's Rights in the Middle of Islamic Law and Custom: Women's Confrontation with Challenges of Having the Right to Employment and Financial Independence

Maryam Rahimi Sajasi ^{1*} Tوبا Shakeri Golpayegani ²
Abdolhossein Kalantari ³

¹ PhD in Women Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding author)
mrahimi.sajasi@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Women Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

³ Associate Professor, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran.

Background and Purpose

Jurists' opinions and the Iran official laws indicate the Legislative rights to employment and financial independence for women. However, married women's experiences show the barriers and problems that make it challenging to have these two rights. This study seeks to identify the strategies adopted by women to deal with these barriers, using the jurisprudential-legal approach and the cognitive dissonance theory (Festinger, 1957) while introducing the obstacles to women's right to employment and financial independence. This is because the kind of strategies adopted by women has important economic and social consequences. For example, population growth, which leads to increased political power, depends on the role of women in childbearing. Also, the impact of human capital on production and economic efficiency (Aghaei et al., 2013) is affected by the contribution of educated women in society. Therefore, adopting no childbearing or only one child strategy by women due to enjoying the right to employment (Sadeghi and Shahabi, 1396) is as economically and politically problematic as adopting an approach of returning home and leaving the social activity. Therefore, the present study

seeks to answer the question: What do women adopt in the face of barriers to enjoy the right to employment and financial independence?

Method

In this study, we used a qualitative method using Wolcott's thematic analysis. Participants include employed women resident in Tehran province that were married at the time of research or have had marital experience. The sample was recruited through purposeful sampling. Then, theoretical sampling was done based on the developing concepts with maximum variety and density of categories' dimensions. Finally, interviews (n=22) ended based on criteria of theoretical-conceptual saturation.

Results

Women's Barriers and strategies in the face of violation of rights to employment and financial independence were extracted in five central themes, "structural barriers", "cultural barriers", "role expansion", "role management", and "role escapism". "Cultural barriers" refer to the incompatibility of cultural norms governing society and women's right to employment and financial independence. "Structural barriers" indicate the inconsistency of social structures and the country's employment system with the culture of society and women's responsibilities at home. "Role expansion" means expanding the responsibilities and tasks defined for women. "Role management" indicates self-management through secrecy and autonomy. "Role escapism" refers to the abandonment of some duties to benefit from other duties.

Discussion and Conclusion

Based on women's experiences, cultural conditions and social structures do not fit their right to employment and financial independence. On the one hand, women are culturally and physiologically age-restricted in marriage and fertility. On the other hand, they are faced with an age requirement in employment law, regardless of their role in the perpetuation of generation. By choosing the role of a mother despite having maternity leave during their education, they lose the opportunity of employment. Because they cannot compete with their male peers in terms of age. In contrast, women who prioritize social roles lose the chance to marry or fertility. Consequently, women facing these situations are forced to adopt



strategies that, in addition to family relationships, also affect the social and economic system of the country.

According to cognitive dissonance theory (Festinger, 1957), women facing these barriers resort to the mechanism of behavioral and cognitive changes. They are trying to enjoy the right to employment, for example, by expanding their role, changing their attitude towards the role of men and women, and provision of family income. This partnership consolidates the family if it is based on their consent. However, suppose it is at the husband's insistence and without the consent of the wife. In that case, it can cause irreparable harm to raising children and the growth of family and society due to the uncertainty and forbidden nature of property- an issue that has been neglected in women's employment studies

Similarly, role management through secrecy and independence is in contrast with the principle of honesty and good companionship in the family, and prevents the family warmth and is considered economically unfavorable due to the lack of proper capital management and its accumulation in the form of gold and coins. Finally, and consistent with Sadeghi and Shahabi (2017), the role escapism strategy experienced by some women in the form of deprivation of maternal blessings or less childbearing has many political and social consequences that, if adopted by more women, will cause many problems. Also, according to Aghaei et al. (2013), the returning home strategy and leaving social activities lead to a waste of educational investment.

Ethical consideration

Compliance with codes of ethics in research

This article is a part of the Ph.D. dissertation entitled "Explaining the process of women facing the gap between customary norms and religious norms concerning their rights in the role of a spouse," which was defended in the women's studies Tarbiat Modares University in 2019.

Funding: This research received no specific grant from any funding agency in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

Authors' contributions: The first author is a Ph.D. student and the corresponding author of this article. The second author is the first supervisor of the dissertation and was in charge of the jurisprudential part of this study. The third author is the second supervisor of the dissertation and in charge of the sociological part.

Conflicts of interest: The Authors declares that there is no conflict of interest, directly or indirectly, with any person or organization




Acknowledgment: We also would like to acknowledge all the participants for their significant contribution to the study.

Reference

- Aghaei, M., Rezagholizadeh, M., & Bagheri, F. (2013). The effect of human capital on economic growth: The case of Iran's provinces. *Journal of Research and Planning in Higher Education, 19*(1), 21-44. [\[Link\]](#)
- Sadeghi, R., Shahabi, Z. (2017). A Qualitative Study of the Barriers and Challenges of Motherhood among Employed Women in Tehran City. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran, 6*(4), 715-734. [\[Link\]](#)
- Festinger, L. (1957). *A theory of cognitive dissonance*. Stanford, CA: Stanford University Press.



حقوق زنان در کشاکش عرف و شرع: مواجهه زنان با چالش های بر خورداری از حق اشتغال و استقلال مالی

مریم رحیمی سجاسی^۱ ، طوبی شاکری گلپایگانی^۲ ، عبدالحسین کلانتری^۳ 

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

چکیده

آرا فقها و قوانین رسمی کشور، بیانگر مشروعیت حق اشتغال و استقلال مالی برای زنان است. با این وجود تجربیات زنان متأهل، مبین موانع و چالش هایی است که انتفاع آن ها از این دو حق را با مشکل مواجه کرده است. مقاله حاضر با استفاده از رویکرد فقهی-حقوقی و نظریه ناهماهنگی شناختی فستینگر، ضمن معرفی موانع برخورداری زنان از حق اشتغال و استقلال مالی، درصدد شناسایی راهبردهای اتخاذ شده توسط زنان پیرامون این موانع است. به این منظور، از روش کیفی و شیوه تحلیل تماتیک ولکات استفاده شده است. مشارکت کنندگان این مطالعه، زنان شاغل و ساکن در استان تهران هستند که در زمان انجام مصاحبه، متأهل بوده و یا تجربه زندگی زناشویی داشته اند. این زنان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، انتخاب شدند. سپس براساس مفاهیم در حال تکوین، نمونه گیری نظری بر مبنای کشف حداکثر گوناگونی ها و غنای ابعاد و مقولات انجام شد. در نهایت براساس معیار اشباع نظری - مفهومی، با ۲۲ مصاحبه پایان پذیرفت. موانع و راهبردهای زنان در مواجهه با نقض حق اشتغال و استقلال مالی در پنج تم محوری «موانع ساختاری»، «موانع فرهنگی»، «توسیع نقش»، «مدیریت نقش» و «فرار از نقش» تلخیص گردید که پیامدهای این راهبردها از حیث خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی قابل تأمل است.

واژگان کلیدی

حقوق زن، توسیع نقش، فرار از نقش، فاصله گیری از زنانگی، بازگشت به خانه.

ارجاع به مقاله:

رحیمی سجاسی، مریم، شاکری گلپایگانی، طوبی و عبدالحسین کلانتری. (۱۴۰۱). حضور زنان در کشاکش عرف و شرع: مواجهه زنان با چالش های برخورداری از حق اشتغال و استقلال مالی. مطالعات زن و خانواده، ۱۰ (۱)، ۱۰۷-۱۳۱. DOI: 10.22051/jwfs.2022.32866.2523

mrahimi.sajasi@gmail.com

^۱ دکتری گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۳ دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

تبعات فقهی - حقوقی در ارتباط با حقوق زن در نقش همسری، مبین مشروعیت برخورداری زنان از حق اشتغال و استقلال مالی است، اما تجربیات عینی محقق، بیانگر موانع و چالش‌هایی است که در عمل مانع بهره‌مندی زنان از این حقوق شده است. زنان بعد از ازدواج با مسئولیت‌های متعددی مواجه می‌شوند که برخورداری آن‌ها از حق اشتغال را با مشکل مواجه می‌کند. از یک سو شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه، مردان را به مشاغل چندگانه و حضور کمتر در خانه سوق می‌دهد، به طوری که در انجام امور خانه و فرزندان، نمی‌توانند یاریگر زنان خود باشند (روشنی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۸). از سوی دیگر گسترش بیکاری و مشکلات اشتغال، مانع امکان انتخاب مشاغل پاره‌وقت، دورکاری و ماندن آن توسط زنان می‌شود. در این شرایط، قوانین استخدامی حاکم بر نظام شغلی نیز بدون تبعیض مثبت نسبت به زنان و عدم توجه به نقش چندگانه آن‌ها در خانواده، در استخدام زنان و مردان به طور یکسان عمل می‌کند. البته در ارتباط با مرخصی زایمان و ساعات شیردهی اقدامات مثبتی صورت گرفته، اما این اقدامات در مقابل کثرت و حدت عوامل بازدارنده، کارایی چندانی ندارند زیرا این قوانین عمومیت نداشته و در مرحله اجرا از ضمانت‌های کافی برخوردار نیستند، در نتیجه برخی از مراکز می‌توانند آن‌ها را نقض کنند. به علاوه در این تمایز، تنها دو سال ابتدایی زندگی کودک و وابستگی تغذیه‌ای وی به مادر لحاظ شده، در حالی که زنان به دلیل عدم حضور شوهر و یا تعاریف فرهنگی افراطی از نقش‌های زنانه و مردانه، عملاً مسئولیت فرزندان را تا سنین بالاتر برعهده دارند، ضمن اینکه نیاز کودک به امنیت روحی، به این دو سال اختصاص ندارد.

علاوه بر شرایط اقتصادی، هنجارهای فرهنگی حاکم بر جامعه نیز تناسبی با حق زنان در اشتغال و استقلال مالی ندارد. مادر شاغلی که در یک زمان مسئولیت فرزندپروری را برعهده دارد، به دلیل زنانه بودن کار خانه (جهانی دولت آباد، ۱۳۹۷: ۵۰) و یا قبح اجتماعی کار شوهر در خانه، نه تنها از طرف همسر حمایتی دریافت نمی‌کند، بلکه در صورت بروز مشکل، توسط وی و دیگران مورد بازخواست نیز قرار می‌گیرد. در نتیجه برخی از زنان به منظور بهره‌مندی از حق اشتغال، متحمل فشارهای جسمی و روحی فراوانی می‌شوند. تا جایی که در این فرایند، فرسودگی خود و یا خانواده را تجربه می‌کنند. (بابایی فرد، ۱۳۹۲) این در حالی است که زنان از نظر شرعی وظیفه‌ای در امور خانه و یا شیردهی ندارند (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۲۴) حتی بابت انجام این امور می‌توانند اجرت طلب نمایند. (حکمت نیا، ۱۳۹۶) به همین نحو علی‌رغم تأکید قرآن^۳ بر استقلال مالی زن و ملزم نبودن وی به تأمین معاش خانواده از حیث شرعی و قانونی^۴ برخی از زنان ناگزیر از صرف درآمد خویش در خانواده هستند. اقتصاد نابسمان

۱. ماده ۳۳۶ قانون مدنی و بند الف تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۲۸ آبان سال ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. آیه ۶ سوره طلاق و ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی.

۳. آیه ۳۲ سوره نساء.

۴. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی.



جامعه، تورم و مشکلات مالی، زنان را با انتظاراتی مبنی بر مشارکت در تأمین نفقه مواجه می‌کند و آن‌ها از طریق اشتغال، عواید اقتصادی خویش را صرف خانواده می‌کند. عده‌ای نیز به منظور کسب رضایت شوهر در امر اشتغال و یا برای جبران خلأهای ناشی از عدم حضور خود در خانه، درآمد خویش را در اختیار شوهر قرار می‌دهند تا بهانه‌گیری‌های وی را به حداقل برسانند. در این شرایط مردان هم با فرض ذی حق بودن در درآمد زن به دلیل آموزه‌های اذن خروج و دلایل دیگر درآمد وی را تصاحب و حق او را در استقلال مالی نقض می‌کنند.

این مصادیق بخشی از موانع زنان در برخورداری از حق اشتغال و استقلال مالی است که واکنش زنان نسبت به آن با توجه به آثار و پیامدهایی که برای جامعه دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو مقاله حاضر درصدد است با بررسی منابع فقهی - حقوقی و تشریح حق زن در اشتغال و استقلال مالی، ضمن معرفی موانع بهره‌برداری زنان از این حقوق، راهبردهای آن‌ها را پیرامون این موانع و چالش‌ها بررسی کند. زیرا نوع راهبردهای در پیش گرفته‌شده توسط زنان از حیث اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیامدهایی مهم و اساسی به همراه دارد. به عنوان نمونه افزایش جمعیت که افزایش اقتدار سیاسی را به همراه دارد، وابسته به نقش فرزندآوری زنان است. ضمن اینکه تأثیر سرمایه انسانی بر تولید و بهره‌وری اقتصادی نیز متأثر از این نقش است (آقایی و همکاران، ۱۳۹۲) بنابراین اتخاذ راهبرد عدم فرزندآوری و یا تک‌فرزندی توسط زنان به دلیل بهره‌مندی از حق اشتغال (صادقی و شهابی، ۱۳۹۶) می‌تواند از حیث اقتصادی و سیاسی مسئله‌ساز باشد. علاوه بر این، اتخاذ راهبرد بازگشت به خانه و ترک فعالیت اجتماعی نیز ممکن است به هدررفت سرمایه‌گذاری آموزشی در ابعاد کلان منجر شود. زیرا افزایش تعداد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی از یک سو و عدم بهره‌برداری از آن‌ها در امر اشتغال از سوی دیگر، به عدم بازدهی سرمایه‌گذاری آموزشی می‌انجامد. بر این اساس شناسایی موانع اشتغال و استقلال مالی زنان و نوع راهبردهای اتخاذ شده توسط آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور اهمیت بسزایی دارد. از این رو مقاله حاضر علاوه بر شناسایی موانع در پی پاسخ به این پرسش است که زنان در مواجهه با عدم امکان بهره‌مندی از حق اشتغال و استقلال مالی چه راهبردهایی را اتخاذ می‌کنند؟

ادبیات پژوهش

به دلیل غلبه هنجارهای عرفی و عدم اطلاع دقیق از احکام شرعی، اغلب پژوهش‌های موجود در این حوزه یا به بررسی فقهی و حقوقی اشتغال و استقلال مالی زن پرداخته‌اند، مانند پژوهش (سالارزایی و مسرور، ۱۳۹۰) و (بلوردی، ۱۳۹۹) و یا موانع و آثار اجتماعی اشتغال زن را بررسی کرده‌اند، مانند پژوهش (صادقی و شهابی، ۱۳۹۶) و (بابایی فرد، ۱۳۹۲) اما پژوهش حاضر ضمن استفاده از دستاوردهای تجربی و نظری پژوهش‌های دیگر، چگونگی مواجهه زنان با موانع برخورداری از این

حقوق را که تا کنون مورد توجه قرار نگرفته، بررسی کرده، از این رو و با توجه به ماهیت بین رشته ای مسئله، از دو رویکرد روان شناسی اجتماعی و رویکرد فقهی - حقوقی استفاده شده است. در رویکرد روان شناسی اجتماعی، نظریه ناهماهنگی شناختی^۱ فستینگر^۲ برخلاف نظرات پیشین، مسئله عدم توافق فرد با خود را بررسی کرده است. مفروضه زیربنایی نظریه ناهماهنگی شناختی این است که انسان، همیشه برای حفظ انسجام درونی میان عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌هایش تلاش می‌کند. یعنی نوعی کشش به سوی هماهنگی بین شناخت‌ها وجود دارد (فستینگر، ۱۹۵۷: ۲۶۰). به طوری که تعارض میان دو عنصر شناختی در درون فرد، اساس تغییر نگرش را در وی تشکیل می‌دهد. از نظر فستینگر دو عنصر شناختی زمانی ناهماهنگی پیدا می‌کنند که فرد باورهای متضاد یا حتی نگرش و رفتار مخالف هم داشته باشد، تاجایی که تأیید یکی موجب نفی دیگری شود. در این حالت وی تش ناخوشایندی را احساس می‌کند (بدر و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۰۹) که برای کاهش آن، با تغییر دادن رفتار یا شناخت سعی در برطرف کردن آن دارد. (سورین و تانکار، ۱۳۸۱: ۲۲۶)

در رویکرد فقهی - حقوقی و با تأسی به اصل عدم ولایت، اگرچه زن و شوهر نهاد مشترکی را با عنوان خانواده تشکیل می‌دهند، اما استقلال خود را حفظ می‌کنند و از آزادی برخوردارند، زیرا پیوند زناشویی منجر به سیطره یکی بر دیگری نمی‌شود. البته در چارچوب خانواده تکالیفی دارند که این تکالیف خواه ناخواه منجر به محدودیت هایی در آزادی آن‌ها می‌شود، اما نفس آزادی و استقلال آن‌ها به دلیل تسلط بر یکدیگر نفی نمی‌شود. بر این اساس، استقلال مالی زن از جمله سرمایه‌گذاری در امور تجاری، تولیدی یا ارائه خدمات، با وجود حق ریاست شوهر محفوظ است. زیرا بنابر قاعده تسلیط هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرف در آن منع کند (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۲۲۷). بنابراین شوهر نمی‌تواند با تأسی به حق ریاست، بر اموال همسر خود تصرف کند. البته در مورد اموال مرد، استثنائاتی وجود دارد. به عنوان مثال برخی از فقیهان با رعایت تشریفات به زن اجازه می‌دهند بدون اجازه و به میزان نفقه از اموال شوهر بردارند (خمینی، ۱۴۲۱: ۷۶۱) یا در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه، با مراجعه به دادگاه، همسر خویش را به دادن نفقه ملزم کند.^۴ اما مرد نمی‌تواند تحت هیچ عنوانی استقلال مالی زن را محدود کند. به همین ترتیب علاوه بر استقلال مالی، می‌توان در ذیل این اصل به دیگر حقوق انسانی زن مانند حق اشتغال اشاره کرد زیرا قاعده تسلیط که بیانگر تسلط زن بر اموال خویش است، به طریق اولی و بنابر قاعده اولویت (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۲۳۴) تسلط زن بر نفس خود را نیز به همراه دارد بنابراین اگر آزادی وی در رفت‌وآمد منافاتی با حق تمکین شوهر نداشته باشد، می‌تواند آزادانه برای کسب معارف و فضایل اقدام کند.

^۱. cognitive dissonance theory

^۲. Festinger

^۳. آیه ۳۲ سوره نساء و آیه ۷۱ سوره یس.

^۴. ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی.



در مورد اشتغال زن، ادله شرعی دیگری نیز بر مباح بودن این عمل دلالت دارد. زیرا آیات قرآن که دلالت بر تأیید مالکیت در اثر کسب دارد، متضمن جواز کسب است. در سنت نیز تقریر معصوم بیانگر جواز فعالیت اقتصادی زن بوده، (علاسوند، ۱۳۹۶: ۴۰۲) باین وجود ممکن است مجاز نبودن خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر در زمینه اشتغال وی محدودیت‌هایی ایجاد کند البته در باب دامنه استیلائی شوهر برای ممانعت از خروج زن، مباحثی مطرح است که آن را به حق استمتاع شوهر محدود می‌کند (الخویی، ۱۴۱۰: ۲۸۹) زیرا گسترده بودن دامنه آن با اصل معاشرت به معروف سازگار نیست. در هر حال حتی با وجود پذیرش این قید، زنان در هنگام عقد نکاح می‌توانند شرط اشتغال را جزء شروط ضمن عقد قرار دهند و یا در صورت اشتغال قبل از ازدواج و آگاهی شوهر نسبت به آن، عقد را مبتنی بر آن قرار دهند تا بتوانند به طور قانونی از این حق خود بهره‌مند شوند. ضمن اینکه در صورت تجویز سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی، تولیدی، تجاری و خدماتی، خروج از منزل در جهت اداره این امور، خروج مشروع و مبتنی بر ضرورت با وجوب شرعی است، البته در هر حال با حق تمکین نباید در تعارض باشد.

بنابراین در دین اسلام زن همانند مرد دارای اهلیت بوده و در مسائل اقتصادی، از استقلال و آزادی عمل برخوردار است و می‌تواند در اموال خویش هر گونه دخل و تصرفی بنماید، بدون آن که به کسب موافقت شوهر نیاز داشته باشد، اعم از این که اموال و دارایی او قبل از ازدواج به دست آمده باشد یا بعد از آن (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۳۱۷) زیرا قاعده کلی، این است که هر کس از طریق مشروع مالی را به دست آورد، مالک آن می‌شود و هیچ کس حق ندارد بدون رضایت صاحب مال تصرفی در آن بکند، چرا که مردم بر اموال خود مسلط هستند (احسائی، ۱۴۰۳: ۱۳۸) و احترام مال مسلمان بسان احترام خون اوست (حرّعاملی، ۱۴۱۴: ۵۹۹) و هیچ یک از فقهای اسلام بر این عقیده نیستند که ادله مزبور فقط در خصوص حق تصرف مرد وارد شده است. (الکعکی، ۱۴۲۱: ۱۵۳) باین وجود، برخی از روایات، به ظاهر بر عدم استقلال زن شوهردار، برای تصرف در دارایی و اموالش دلالت دارد (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۱۱۱، ج ۱۳: ۳۲۳) که با توجه به آیات منع تعدی به اموال زن (میرخانی، ۱۳۸۰: ۱۸۷-۱۸۵) و اجماع فقهای شیعه مبنی بر استقلال اقتصادی زن و مشروط نبودن تصرفات مالی او به اجازه شوهر، می‌توان گفت این روایات تنها استحباب کسب اجازه از شوهر را اثبات می‌کنند. (بستان، ۱۳۸۸: ۲۶۲) در حقوق و قانون مدنی نیز اموال زن و مرد دارایی مشترکی را تشکیل نمی‌دهد، بلکه اموال هر یک از زوجین مستقل از اموال دیگری است. بدین سان زن می‌تواند در اموال خود چه به صورت تجهیزیه باشد چه غیر از آن تصرف کند و هرگونه عمل مادی یا حقوقی نسبت به آن انجام دهد و شوهر حق هیچ‌گونه مداخله در اموال و دارایی زن را ندارد و ریاست او بر خانواده اختیاراتی برای وی در این زمینه ایجاد

۱. آیه ۳۲ سوره نساء.

۲. آیه ۷ و ۳۲ سوره نساء.

۳. آیه ۲۲۹ سوره بقره و آیه ۲۰ سوره نساء.

نمی‌کند^۱ (صفائی و امامی، ۱۳۸۹: ۱۳۳) از طرف دیگر لازمه استقلال مالی زن، تصرف در اموال در جهت سرمایه‌گذاری‌های تجاری، تولیدی و خدماتی است، زیرا بنا بر قاعده کلی اذن در شی، اذن در لوازم آن نیز مطرح است، یعنی نمی‌توان به زن استقلال مالی داد ولی او را از تصرف در اموال در جهت فوق منع کرد. ضمن اینکه لازمه منع زن از سرمایه‌گذاری‌های مربوطه، راکدشدن سرمایه‌های مالی یا صرف آن در امر تزئین، تبرج و هرزگی است که مخالف با مبانی انسان‌شناسی، معرفتی، اقتصادی و مصالح کلان نظام است. به این ترتیب بنا بر اصل عدم ولایت، مساوات و برابری، معاشرت به معروف، قاعده تسلیط و همچنین قوانین خانواده، زنان بعد از ازدواج از حق اشتغال و استقلال مالی برخوردار هستند.

روش‌شناسی پژوهش

در مقاله حاضر با توجه به ماهیت اکتشافی مسئله پژوهش از روش کیفی و شیوه تحلیل تماتیک استفاده شده است. تحقیقات کیفی در کشف عرصه‌هایی از زندگی که درباره آن آگاهی‌های لازم وجود ندارد و همچنین در درک ماهیت حقیقی پدیده از دریچه نگاه افراد کارایی دارند. (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۳۳) به این دلیل و به منظور تحلیل راهبردهای زنان در مواجهه با موانع حق اشتغال و استقلال مالی که مستلزم ورود به صحنه زندگی واقعی و تأمل بر تجربیات زنان است، از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است.

مشارکت‌کنندگان این مطالعه، زنان شاغل و ساکن در استان تهران هستند که در زمان انجام مصاحبه، متأهل بوده و یا تجربه زندگی زناشویی داشته‌اند. این زنان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. برای بهره‌مندی از تجارب متنوع، نمونه‌هایی با رعایت حداکثر تنوع مدنظر قرار گرفتند. سپس براساس مفاهیم در حال تکوین، نمونه‌گیری نظری بر مبنای کشف حداکثر گوناگونی‌ها و غنای ابعاد مقوله‌ها صورت گرفت و در نهایت براساس معیار اشباع نظری - مفهومی یعنی هنگامی که انجام مصاحبه جدید به تولید داده جدید منجر نشد، مصاحبه‌ها پایان پذیرفت. در نهایت تعداد ۲۲ زن در بازه زمانی تیر ۱۳۹۶ الی شهریور ۱۳۹۷ مورد مصاحبه قرار گرفتند که مشخصات آن‌ها در جدول شماره ۱ آمده است.

در گردآوری داده‌ها از ترکیب تکنیک‌های مشاهده^۲، مصاحبه عمیق^۳ و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته^۴ استفاده شد. هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل آن‌ها نیز انجام شد. مراحل تحلیل داده‌ها بر اساس شیوه تحلیل تماتیک ولکات^۵ صورت گرفت. در ابتدا متن هر مصاحبه چندبار

۱. ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی.

۲ Observation

۳ Unstructured Interview

۴ Semi-structured Interview

۵ Wolcott



خوانده شد و سپس کدهای اولیه استخراج گردید. بدین صورت که واژه‌ها، عبارات کلیدی و نکات برجسته شرکت کنندگان در قالب کدهای توصیفی (مصادیق) مشخص و برچسب گذاری شد. در مرحله بعد که تحلیل در سطح بالاتر و با انتزاع بیشتر صورت گرفت، کدهای اولیه به شکل کدهای تحلیلی مورد بازنگری قرار گرفت و پس از اصلاح بارویکرد مقایسه‌ای به صورت کدهای تفسیری (مضامین) مشخص و تعریف شد. در نهایت موانع و راهبردهای زنان در مواجهه با نقض حق اشتغال و استقلال مالی در پنج تم محوری استخراج گردید.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	سن شوهر	سن زن	تحصیلات شوهر	تحصیلات زن	تعداد فرزند	شغل شوهر	شغل زن	وضعیت اشتغال زن در زندگی مشترک	وضعیت اشتغال مالی زن در زندگی مشترک
۱	۴۶	۳۳	دکتری	دکتری	۲	دندانپزشک	استاد دانشگاه	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۲	۴۳	۴۱	دکتری	دکتری	۲	مهندس	پزشک عمومی	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۳	۳۲	۳۲	ارشد	لیسانس	۱	کارمند	کارمند	بارگشت به خانه	عدم استقلال مالی
۴	۳۵	۳۲	دیپلم	لیسانس	۱	صندوقدار	کارمند	بارگشت به خانه	برخوردار از استقلال مالی
۵	۴۰	۳۸	دیپلم	لیسانس	۱	تکنسین ایران خودرو	شیرینی‌پز	تداوم اشتغال	عدم استقلال مالی
۶	۴۰	۳۳	ارشد	دکتری	۱	مهندس	استاد دانشگاه	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۷	۷۳	۶۰	فوق دیپلم	دکتری	۴	کارمند	استاد دانشگاه	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۸	۵۲	۴۶	لیسانس	ارشد	۲	کارمند	مشاور	تداوم اشتغال	برخوردار از استقلال مالی
۹	۳۷	۳۷	لیسانس	ارشد	۴	مبلغ دینی	وکیل	بارگشت به خانه	مشارکت در مخارج خانواده
۱۰	۳۴	۳۲	ارشد	ارشد	۰	مشاور شهردار	مشاور	تداوم اشتغال	برخوردار از استقلال مالی
۱۱	۴۸	۴۶	ارشد	دکتری	۰	آزاد	مدیر صداسیما	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۱۲	۴۶	۳۷	لیسانس	لیسانس	۱	کارمند	کارمند	تداوم اشتغال	عدم استقلال مالی
۱۳	۴۷	۳۹	ارشد	ارشد	۰	کارمند	کارمند	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۱۴	۵۳	۴۳	طلبه	طلبه	۲	طلبه	تکنسین زیبایی	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۱۵	۳۸	۳۳	دکتری	دکتری	۳	کارشناس دادگستری	مدیر بخش خصوصی	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده

۱۶	۶۰	۶۰	دکتری	ارشد	۵	استاد دانشگاه	مشاور	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۱۷	۵۵	۴۷	مهندسی- حوزوی	طلبه	۲	مبلغ	مبلغ	تداوم اشتغال	برخوردار از استقلال مالی
۱۸	۶۱	۵۶	لیسانس	لیسانس	۳	مهندس (جویای کار)	مدیر مهد و مدرس زبان	تداوم اشتغال	مشارکت در مخارج خانواده
۱۹	۷۵	۶۸	دیپلم	دیپلم	۳	فروشنده لوازم پدکی)	فروشنده مقطعی	بارگشت به خانه	برخوردار از استقلال مالی
۲۰	۳۴	۳۵	دیپلم	لیسانس	۱	مدیر شرکت	صندوقدار رستوران	بارگشت به خانه	برخوردار از استقلال مالی
۲۱	۳۲	۲۹	مهندس	ارشد	۱	مهندس	مهندس	بارگشت به خانه	برخوردار از استقلال مالی
۲۲	۶۵	۶۳	دیپلم	دیپلم	۴	آزاد	کارمند	بارگشت به خانه	مشارکت در مخارج خانواده

فرایند استخراج داده‌ها جهت گردآوری نهایی و تحلیل تا رسیدن به اشباع نظری^۱ ادامه یافت. در روند تحلیل داده‌ها روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی مدنظر قرار گرفته است. استفاده از رویکرد استقرایی در تحلیل محتوای کیفی به این معناست که پژوهشگر قبل از شروع بررسی، تعریف یا تعمیمی را به‌عنوان پیش فرض قرار نداد. پژوهش با مطالعه متن مصاحبه آغاز شده و محقق ماحصل نتایج استخراج شده را مورد تحلیل قرار داده و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند.

واحد متن در این پژوهش متن مصاحبه با افراد مورد مطالعه بود. کدگذاری و تحلیل داده‌های پژوهش در قالب نرم‌افزار MAXQDA2020 انجام شد. پایایی^۲ بین کدگذاران اغلب به‌مثابه مقیاسی برای کیفیت پژوهش مورد نظر است. در این مطالعه از ضریب توافق کاپا برای محاسبه پایایی استفاده شد. برای محاسبه ضریب کاپا علاوه بر محقق اصلی که اقدام به کدگذاری اولیه می‌کند، همکار دوم محقق همان متن را بدون اطلاع از کدهای او و جداگانه کدگذاری می‌کند. در صورتی که کدهای این دو محقق به هم نزدیک باشد، نشان‌دهنده توافق بالا بین این دو کدگذار است و پایایی را نشان می‌دهد. یعنی، ضریب کاپا بین +۱ و -۱ تغییر می‌کند که مقدار +۱ به معنای توافق کامل بین کدگذاران و -۱ به معنای عدم توافق و مقدار صفر ناشی از شانس و تصادفی بودن توافق است.

$$\kappa = \frac{\Pr(a) - \Pr(e)}{1 - \Pr(e)}$$

$\Pr(a)$ نسبت واحدهایی که در مورد آن‌ها بین ارزیابان توافق هست.

$\Pr(e)$ نسبت واحدهایی است که احتمال می‌رود توافق بین ارزیابان تصادفی باشد.

^۱ Theoretical Saturation

^۲ Validity



براین اساس، کدهای مربوطه که قبلاً محقق کدگذاری کرده بود، به صورت تصادفی انتخاب و توسط دو نفر از خیرگان مرتبط با این حوزه ارزیابی شد. ارزیابی در دو طبقه موافق و مخالف انجام گرفت؛ بدین صورت که دو ستون، موافق (با نظر محقق) و مخالف (با نظر محقق) در نظر گرفته شد و درصد توافق ارزیابان در مورد هر آیتم (کد) در سطرها محاسبه شده و درصد توافق بین ارزیابان در مورد طبقات در ستونها محاسبه شد. در نهایت با استفاده از فرمول ضریب توافق کاپا، مقدار کاپای به دست آمده حدود ۰/۷۸ بود که حاکی از اعتبار قابل قبول و توافق بین کدگذاران است و نشان می‌دهد کدگذاری انجام شده از پایایی کافی برخوردار هست. برای اعتبارپذیری پژوهش نیز از نظریات و مرور مطالعات و از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی و ارائه تحلیل داده‌های و نتایج به اساتید و متخصصان امر و اخذ نظر آنان استفاده شده است. علاوه بر این برای بررسی اعتبار یافته‌های پژوهش با استفاده از تکنیک اعتبار اعضا^۱ نیز انجام شد اساس این تکنیک بر این فرض استوار است که نتایج پژوهش و تفاسیر محقق در اختیار افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد و آن‌ها بر اساس این نتایج نظر خود را اعلام می‌کنند که آیا نتایج پژوهش با دیدگاه‌های آنان همسو بوده است یا خیر؟

یافته‌ها

تحلیل یافته‌ها، معرف «موانع ساختاری» و «موانع فرهنگی» به عنوان موانع برخورداری زنان از حق اشتغال و استقلال مالی است و مقوله‌های «توسیع نقش»، «مدیریت نقش» و «فرار از نقش» راهبردهای زنان در مواجهه با این موانع را نشان می‌دهد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. موانع فرهنگی

موانع فرهنگی به عدم تناسب هنجارهای فرهنگی حاکم بر جامعه و حق اشتغال و استقلال مالی زن اشاره دارد. این موانع از طریق عدم پذیرش استقلال مالی زن و وجود تفکرات قالبی منفی درباره زن، مانع بهره‌مندی زنان از حق اشتغال و استقلال مالی می‌شود:

عدم پذیرش استقلال مالی زن: از آنجاکه انجام کارهای خانه بر اساس تقسیم کار حاکم بر فرهنگ جامعه جزء وظایف زن است و زن در صورت اشتغال نمی‌تواند به نیکویی از عهده این وظیفه برآید، چنین استنباط شده که درآمد وی متعلق به شوهر است. به طوری که مشارکت زن در تأمین اقتصاد خانواده امری عادی بوده و در غیر این صورت با تقبیح اجتماعی مواجه می‌شود. زیرا مردان، درآمد زن را نتیجه کم گذاشتن وی از نقش همسری می‌دانند و از آنجاکه احساس می‌کنند اشتغال زن منوط به رضایت آن‌ها است، خود را در درآمد زن شریک می‌دانند و بدون نگرانی از پیامدهای شرعی آن، زن را مجبور به مشارکت در تأمین اقتصادی خانواده می‌کنند.

^۱. Member Validity

مصاحبه‌شونده ۳ (۳۲ ساله و کارمند): «.. می‌گفت: تو داری از حق در خانه بودن و از حق همسر بودن می‌گذری و میری سر کار. یعنی چون من اگر راضی نباشم تو نمی‌تونی بری سرکار، پس... خب پولت را هم استفاده می‌کنیم در خرج خانه دیگه.»

مصاحبه‌شونده ۱۷ (۳۷ ساله و کارمند): «کارت عابر بانکی که حقوقم و توش می‌ریختن، برداشت و دیگه نداد... می‌گه... برای چی باید حقوق تو برای من حروم باشه»

توقع مردان در مورد تصاحب درآمد زن و یا عدم آگاهی آن‌ها از حق استقلال مالی، تا آنجا گسترش یافته که حتی برخی از مردان در هنگام انتخاب همسر بر شغل بودن و رسمی بودن زن و یا میزان درآمد وی تأکید دارند تا بتوانند از آن استفاده کنند و یا بعد از ازدواج، بر اشتغال همسر اصرار می‌ورزند تا با کمک درآمد زن بتوانند نیازهای مالی خانواده را مدیریت کنند.

وجود تفکرات قالبی منفی درباره زن: تفکر سرکش شدن و ترک زندگی توسط زن در صورت داشتن استقلال مالی و... نمونه‌ای از تفکرات قالبی منفی در مورد زنان است.

مصاحبه‌شونده ۲۰ (۳۵ ساله و صندوقدار رستوران): «می‌گفت تو اگر پول را بگیری رفته‌ای و تو اگر پول داشته باشی دیگه با من نمی‌مانی»

تا جایی که به دلیل وجود این تفکرات، به نام زن کردن اموال و یا پرداخت حقوق مالی زن غیرعقلانی قلمداد می‌شود.

مصاحبه‌شونده ۱۷ (۳۷ ساله و کارمند): «یه سیم کارت چیه؟ به اسم خودم یک سیم کارت ده هزار تومانی را بزنم قبول نمی‌کنه... باید به نام خودش باشه.»

از سوی دیگر تفکرات قالبی منفی درباره زنان، مردان را نگران حفظ اقتدار خویش در زندگی زناشویی کرده، به این صورت که آن‌ها مانع استقلال مالی و یا اشتغال زن می‌شوند تا از احساس قدرت وی جلوگیری کنند، یا از طریق وابسته نگه داشتن زن بر وی اعمال قدرت کرده و خواسته‌های خود را تحمیل می‌کنند. به عنوان مثال اصرار بر انحصار مدیریت مالی خانواده، حساسیت به حساب‌های بانکی زن، نگرانی از استقلال و اقدامات مالی زن و... نمونه‌ای از تلاش مردان برای جلوگیری از قدرت‌طلبی زنان در خانواده است.

مصاحبه‌شونده ۱۷ (۳۷ ساله و کارمند): «شوهرم نگرانه که اقتدار مالی از دست خودش در بره و من پول داشته باشم... کارت من که دستشه براش قدرت داره... می‌خواه مرد سالار باشه... من هستم که همه هستند اگه من نباشم هیچ کس نباشه. یک همچین عقیده بی‌داره... از اینکه من یک قدم مالی بر دارم می‌ترسد.»

ب. موانع ساختاری



موانع ساختاری به عدم تناسب ساختارهای اجتماعی و نظام اشتغال کشور با فرهنگ جامعه و مسئولیت‌های زن اشاره دارد. بی‌توجهی به شرایط زن در قوانین استخدامی و یا رسمی شدن وی در مراکز مختلف، یکی از موانع بهره‌مندی زنان از حق اشتغال است. به‌ویژه زنانی که نقش نان‌آوری را در خانواده ایفا می‌کنند، در این زمینه مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند.

مصاحبه‌شونده ۱۷ (۴۷ ساله و مبلغ): «من می‌فهمم که فشار اقتصادی یعنی چه... می‌فهمم که سرافکندگی جلوی بچه یعنی چه... مرد میره و دوتا سطل آشغال بلند می‌کنه، نان می‌پاره. من نمی‌تونم که هر کاری را بکنم... (اما) هیچ وقت هم رسمی نشدم. چون اعتقاد داشتم که من رسمی خانه هستم. آن روزی که بچه من تب بکنه هیچ کس حق نداره بگه که چرا نیامده بی سرکار؟»

به‌همین نحو عدم توجه به ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی در محیط کار، مانع احقاق حق اشتغال زنان می‌شود. زیرا برخی از مردان، مناسب نبودن محیط کار برای زن را بهانه‌های برای ممانعت از اشتغال وی قرار می‌دهند.

مصاحبه‌شونده ۲۰ (۳۵ ساله و صندوقدار رستوران): «هر کاری را نمی‌گذاشت. مثلاً می‌گفت که برو به آرایشگری چون که محیطش زنانه است... بعد (گفت): اصلاً تو چه نیازی داری که به سرکار بری... آگه برای پول من برات پول می‌دم.»

الکترونیکی شدن بانک‌ها و امکان دسترسی شوهر به وضعیت مالی زن در سیستم بام، از ضعف‌های ساختاری دیگری است که مانع احقاق حق استقلال مالی زن می‌شود. به‌عنوان مثال تلاش زن برای احقاق این حق از طریق پنهان کردن پس‌انداز یا میزان حقوق، در این شرایط که سیستم بام و... در بانک‌ها به وجود آمده، با مشکل مواجه می‌شود.

مصاحبه‌شونده ۱۷ (۳۷ ساله و کارمند): «نمی‌داند که دیگر از بانک تجارت حقوق نمی‌گیرم و... از بلنک ملی حقوق می‌گیرم... اما وقتی داخل سامانه بام می‌شوی و به اسم خودت می‌زنی تمام حساب‌هایت می‌آید... این برای من خیلی بده... به بانک هم که رفتم گفت: خانم هیچ راهی نداره، اگر می‌خواهید حسابتان را ببندم؟ اگر حسابم را ببندم آن وقت حقوقم را به کجا بریزند؟»

باتوجه به وجود موانع ذکرشده، زنان برای برخورداری از حق اشتغال و استقلال مالی، بسته به شرایط، اهداف، توانایی‌ها و اولویت‌های خویش در زندگی، راهبردهایی را اتخاذ می‌کنند که در سه دسته توسعه نقش، مدیریت نقش و فرار از نقش قرار می‌گیرد.

۱. توسعه نقش

برخی از زنان در مواجهه با ناهمسازی‌های شرایط شغلی و مسئولیت‌های متعدد زندگی زناشویی به‌منظور حفظ حق اشتغال و استقلال مالی راهبردهایی را اتخاذ می‌کنند که با عنوان توسعه نقش معرفی می‌شود. توسعه نقش به معنی وسعت بخشی به وظایفی است که براساس قوانین و یا هنجارهای جامعه برای زن تعریف شده، به‌عنوان مثال از منظر شرع و قانون، زن وظیفه‌ای در اداره امور مالی خانواده ندارد،

اما در تأمین هزینه‌های زندگی مشارکت می‌کند تا بتواند به اشتغال خود ادامه دهد. البته این مشارکت لزوماً با رضایت خاطر همراه نیست، زیرا بسیاری از زنان، با بیان تجربیات خود، شرایطی را توصیف کرده‌اند که بیانگر فشار و یا نارضایتی آن‌ها از وضعیت موجود بوده است.

فشار مضاعف ناشی از مسئولیت‌های مختلف: یکی از مصادیق توسیع نقش، فشار مضاعف ناشی از مسئولیت‌های مختلف در طول زندگی است. زنان شاغلی که در انجام امور خانه و فرزندان با عدم همکاری شوهر مواجه می‌شوند و از طرفی شرایط و ساعات کاری، تناسبی با وظایف خانگی آن‌ها ندارد، این فشار را به‌انحاء مختلف تجربه می‌کنند. آن‌ها در انجام هم‌زمان مسئولیت‌های متعددی که پذیرفته‌اند، متحمل مشقت‌هایی می‌شوند که نه تنها مطلوب آن‌ها نیست، بلکه شرایط زندگی را برای آن‌ها دشوارتر می‌سازد.

مصاحبه‌شونده ۱۸ (۵۶ ساله و مدیر مهد): «خیلی سخته، باید کار بکنم و با این کار زندگی‌مون می‌چرخه... در اینجا (مهد کودک) حواسم به بچه‌ها است، خانه دار هم هستم... یه ذره خصوصی درس می‌دم که مثلاً اگه یه جایی پول کم می‌یاد... به زندگی ما کمک بکنه.. اما واقعا یه موقعی کم می‌یارم.»
مصاحبه‌شونده ۲ (۴۱ ساله و پزشک): «از نظر جسمی خب خیلی موقع‌ها آدم کم می‌آورد... ببینید من در... طرح هم که بود... شیشه‌ی شیر با خودم می‌بردم، می‌رفتم در آنجا به دستشویی شیر می‌دوشیدم، چون من بد شیر بودم، شیرم زود خشک می‌شد... می‌گذاشتم داخل یخ و می‌آوردم تا تهران...»

زنان در این شرایط، مسئولیت‌هایی را بر دوش خود احساس می‌کنند که مانع آرامش، نشاط درونی و امنیت روحی آن‌ها می‌شود. در نتیجه کارایی آن‌ها در برخی زمینه‌ها کاهش یافته و گاهی ناامیدی و افسردگی را تجربه می‌کنند.

مصاحبه‌شونده ۹ (۳۷ ساله و وکیل): «این عدم همراهی خیلی دارد اذیت می‌کند... احساس می‌کنم که هر روز دارم شکسته‌تر می‌شوم.. هر شب به این امید می‌خوابم که شاید صبح دیگه بلند نشم و راحت بشم.... از فرط خستگی و فشار... بعضی وقت‌ها می‌گویم که حالا شاید تو خود خواهی؟! کسی که چهار تا بچه دارد که نمی‌گوید خودم، ولی می‌بینم خدا این را نگفته. اگر آن وظایفی را که وظیفه‌ی من نیست انجام ندهم، به خیلی از کارهایم می‌رسم، خیلی زن شادتری هستم....»

مشارکت در تأمین نفقه: یکی دیگر از مصادیق توسیع نقش، مشارکت در تأمین نفقه است. زنانی که از طرق مختلف کسب درآمد می‌کنند، عملاً نمی‌توانند بر اساس حق استقلال مالی، درآمد خویش را صرف امور موردعلاقه خود نمایند. آن‌ها با انتظاراتی مواجه می‌شوند که چاره‌ای جز مشارکت در تأمین



نفقه نمی یابند. در نتیجه اگرچه وظیفه‌ای در قبال تأمین معاش خود و خانواده ندارند، اما دوشادوش شوهر درآمد خویش را صرف خانواده می کنند.

مصاحبه‌شونده ۶ (۳۳ ساله و استاد دانشگاه): «اگر با شوهرم به خرید بروم، اصلاً نمی توانم به شوهرم بگویم که من کارت نمی کشم خودت کارت بکش... مردها.. توقع دارند که تو پول خرج بکنی این را جزء اخلاق می دانند. در حالی که نوبت به خودشان که می رسد می گویند: پول مرد... به هیچ زنی ربطی ندارد که شوهرش در کجا پولش را خرج می کند. اگر الآن... بگویم که.. پولم مال خودم و در زندگی خرج نمی کنم... می دانم که این خلاف آن دیدگاه و نگاه نسبت به زن مثبت، فداکار، ایثارگر در زندگی...»

به‌علاوه زنان شاغلی که درآمد خویش را صرف خانواده کرده و همسر خویش را در تأمین نفقه یاری می کنند، از جانب شوهر در امور خانه‌داری و فرزندپروری کمکی دریافت نمی کنند. این در حالی است که زنان از نظر شرعی در امور خانه و فرزندپروری وظیفه‌ای ندارند و در قبال انجام این امور می توانند از همسر خویش اجرت مطالبه نمایند، با این وجود به دلیل عدم همکاری شوهر، مجبور می شوند بخشی از درآمد خویش را صرف کارگر و یا پرستار نمایند تا از حق اشتغال محروم نشوند.

مصاحبه‌شونده ۶ (۳۳ ساله و استاد دانشگاه): «(خانه داری) وظیفه ات نیست ولی وظیفه ی عرفیت... چون داری میری سر کار و دیگر آن خدمات قبلی را نمیدی... باید یک باجی بدهی... بخشی از پولت را عملاً مجبوری که بدهی مثلاً پول پرستار، پول مهد کودک...»

در مقابل مردان که شرعاً و قانوناً وظیفه تأمین نفقه خانواده را برعهده دارند، در مواجهه با اشتغال زن، به دلایل و بهانه‌های مختلف از تأمین نفقه خودداری می کنند تا زن مجبور شود در تأمین نیازهای خویش از درآمد خود استفاده کند.

مصاحبه‌شونده ۴ (۳۲ ساله و کارمند): «مخصوصاً که سر کار می رم، خیلی دنبال این نیست که مثلاً خرج خانه را بدهد»

۲. مدیریت نقش

زنان برای بهره‌مندی از حق اشتغال و استقلال مالی، به مدیریت خود روی می آورند تا با نوآوری و یا جستجوی راه‌های احقاق حقوق و اتخاذ تصمیمات مناسب، نقض حقوق کمتری را تجربه کنند.

پنهان‌کاری: یکی از مصادیق مدیریت نقش، پنهان‌کاری است. برخی از زنان در مواجهه با چالش‌های بهره‌مندی از حق اشتغال و استقلال مالی، رویه پنهان‌کاری را در پیش می گیرند. آن‌ها علی‌رغم اذعان به اخلاق محوری و اهمیت صداقت در روابط زناشویی، خود را ناگزیر از پنهان‌کاری می یابند. زیرا مخالفت‌های شوهر درباره ساعات کار و یا استقلال مالی آن‌ها، توجیه شرعی ندارد. براین‌اساس آن‌ها سعی می کنند با پنهان‌کاری، مانع تضییع حقوق خویش شوند.

مصاحبه‌شونده ۱۵ (۳۳ ساله و مدیر بخش خصوصی): «خب من هم می‌پنجانم دیگه، به وقت هایی که او نفهمه به وقت دیدی تا ساعت ۸ تا ۹ سر کار هستم.»

به همین نحو زنانی که در احقاق حق استقلال مالی با مشکل مواجه‌اند، از طریق حساب بانکی پنهانی، پس‌انداز پنهانی و یا پنهان کردن میزان حقوق و دستمزد، سعی در حفظ حق استقلال مالی خویش دارند. اگرچه عذاب وجدان و نگرانی ناشی از افشای حقیقت و اثر منفی پنهان‌کاری بر اعتمادسازی، همیشه آن‌ها را در فشار قرار می‌دهد.

مصاحبه‌شونده ۱۷ (۳۷ ساله و کارمند): «من اینجا یواشکی حقوق می‌گیرم یعنی یک حساب دیگری برای خودم باز کرده ام که مایل نیستم به او بگویم...»

استقلال طلبی: برخی از زنان برای بهره‌مندی از حق استقلال مالی، علی‌رغم آموزه‌های جامعه در باب حفظ اقتدار شوهر و یا نداشتن حساب کتاب با شوهر، استقلال طلبی را انتخاب می‌کنند و با ضمانت گرفتن از شوهر در ازاء پرداخت پول یا عدم توضیح در مورد میزان درآمد و چگونگی مصرف آن، خود را در معرض ازدست‌دادن محبوبیت نزد شوهر قرار می‌دهند تا به حقوق خویش دست‌یابند.

مصاحبه‌شونده ۲۰ (۳۵ ساله و صندوقدار رستوران): «من هم همیشه مقابله‌ی به مثل می‌کردم. وقتی که او پولش را با من شریک نمی‌کرد من هم با او شریک نمی‌کردم و می‌گفتم که این برای منه. خودم به دستش آورده‌ام و خودم هم می‌خواهم خرجش بکنم... شاید خوشش نمی‌آمد ولی قبول می‌کرد»

مصاحبه‌شونده ۴ (۳۲ ساله و کارمند): «آخر سر تا سقف پانزده میلیون از من گرفت، من هم از او چک گرفتم.»

۳. فرار از نقش

گاهی زنان به دلیل نداشتن تحمل پذیرش مسئولیت‌های متعدد، بخشی از آن را باهدف بهره‌مندی از بخشی دیگر رها می‌کنند. به‌عنوان مثال موهبت مادری را رها کرده و عطای نقش مادری را به لقایش می‌بخشند تا در فعالیت و پیشرفت اجتماعی دچار مشکل نشوند. فاصله‌گرفتن از زنانگی و بازگشت به خانه، ابعاد مختلف راهبرد فرار از نقش را نشان می‌دهند.

فاصله‌گرفتن از زنانگی: فاصله‌گرفتن از زنانگی به درجه کناره‌گیری افراد از ویژگی‌ها و نقش‌های زنانه اطلاق می‌شود. بر اساس این مفهوم، فرد از نقش خود فاصله می‌گیرد و این فاصله‌گیری را به شیوه‌های مختلف به نمایش می‌گذارد. به‌عنوان مثال عدم تناسب نظام شغلی و مسئولیت‌های زندگی زنانه، زنان را به سمت فاصله‌گیری از نقش‌های زنانه مانند مادری و یا همسری سوق می‌دهد تا با فشار کمتری مواجه شوند. تا جایی که برخی از زنان خود را از نعمت مادری محروم می‌کنند تا جایگاه خود را در اجتماع از دست ندهند و به لحاظ کاری پیشرفت کنند.



مصاحبه‌شونده ۱۰ (۳۲ ساله و کارمند): «یکی از دلایلی که من دارم خودم را از نعمت مادری محروم می‌کنم همینه... چون من حاضر نیستم موقعیت اجتماعی را از دست بدهم... حاضر نیستم که در خانه بنشینم... بچه را که ماشین نمی‌تونه نگه داره... من برای دو دقیقه ظرف شستن و پنج دقیقه درست کردن شام از الان ناراحت هستم. چه برسد به این که شب تا صبح با آن وضعیت شیر بدهم بعد هم صبح بروم به سرکار... (دوستانمان) هم هیچ کدام بچه نمی‌خواهند»

گاهی نیز از پذیرش حضانت فرزند خویش خودداری می‌کند تا محدودیت‌های ناشی از نقش مادری مانع اشتغال وی نشود.

مصاحبه‌شونده ۲۰ (۳۵ ساله و صندوقدار رستوران): «پسرم دست خودشه.. به خودش دادم. خب من برای چه باید زحمت بکشم... نه بتونم به سر کار بروم، نه بتوانم درس بخوانم. به هیچ چیزی هم نمی‌رسم از صبح تا شب بچه داری بکنم»

برخی دیگر از زنان به دلیل خستگی ناشی از کار بیرون، امور خانه‌داری را رها می‌کنند تا فشار کمتری را تجربه کنند.

مصاحبه‌شونده ۲ (۴۱ ساله و پزشک): «من خودم وظیفه همسر بودن را اصلاً خوب انجام نمی‌دم... این را باید بی‌رو در بایستی بگویم. شامها که همیشه از ناهار مانده»

بازگشت به خانه: برخی از زنان علی‌رغم طی مدارج تحصیلی، صرف عمر در مهارت‌آموزی و تحمیل هزینه‌های سنگین بر جامعه، در مواجهه با تعارض و تعدد نقش، راه بازگشت به خانه را برمی‌گزینند و بارها کردن اشتغال، به امور خانه و فرزندان می‌پردازند. به‌عنوان مثال برخی از زنان علی‌رغم استفاده از شروط ضمن عقد، ناگزیر از رهاکردن کار می‌شوند زیرا نمی‌توانند فشارهای ناشی از وظایف متعدد را تحمل کنند.

مصاحبه‌شونده ۹ (۳۷ ساله و وکیل): «از اول هم خیلی موافق نبود. ولی من تمام شرط و شروط را گذاشتم. گفتم که من می‌خوام وکالت بکنم، ادامه تحصیل بدم، در دانشگاه تدریس بکنم، حتی گفتم من تا نماینده‌ی مجلسی می‌خوام برم... ولی عملاً طوری رفتار کرد که مجبور شدم خیلی خودم را محدود کنم... چون که قائل بود که اینها در خیلی از جاها منافات دارد با اولویت‌های زندگی... زن باید در خانه باشد تا مرد احساس آرامش بکند.»

اولویت‌دهی به نقش مادری در قیاس با نقش اجتماعی، راه دیگر انطباق زنان با شرایط موجود است. آن‌ها علی‌رغم تحصیلات و تجربه اشتغال، گاهی به‌خاطر فرزندان و مسئولیت مادری، خود را از قیدوبند فعالیت اجتماعی رها می‌کنند تا به نقش مادری خویش بپردازند.

مصاحبه‌شونده ۲۱ (۲۹ ساله و مهندس عمران): «مامانم یک موقعیت خوب اجتماعی داشت و به خاطر ما کنار گذاشت... به خاطر همین هم من این جوریم... شوهرم گفت که بچه دار نشیم و تا دکترا بخون... گفتم نه. می‌ترسم بچه دار نشیم... خودم هم خواستم برم (سرکار)... و حتی تا مهد

کودک هم رفتم و امتحان کردم ولی... پشیمان شدم و برگشتم... دلم نیامد... نهایت آرزوی یه مادر بچه هاش هستند دیگه...»

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با اذعان به حق شرعی و قانونی زنان در اشتغال و استقلال مالی، وضعیت برخورداری آن‌ها از این حقوق را در واقعیت بررسی کرده‌است. بر اساس تجربیات زنان شاغل و متأهل، شرایط فرهنگی و ساختارهای اجتماعی تناسبی با حق اشتغال و استقلال مالی آن‌ها ندارد. زنان از یک سو از نظر فرهنگی و فیزیولوژیکی در امر ازدواج و باروری با محدودیت سنی مواجه هستند و از سوی دیگر در قوانین استخدامی بدون توجه به نقش آن‌ها در فرزندآوری و تداوم نسل، با شرط سنی مواجه می‌شوند. به طوری که با انتخاب نقش همسری و مادری علی‌رغم برخورداری از فرصت مرخصی زایمان در ایام تحصیل، امکان اشتغال را از دست می‌دهند زیرا از نظر سنی توان رقابت با مردان هم تراز خویش را ندارند.

در مقابل زنانی که به نقش اجتماعی اولویت می‌دهند، فرصت ازدواج و یا بارداری را از دست می‌دهند. به علاوه عدم تناسب نظام اشتغال کشور با تقسیم جنسیتی کار خانگی، یکی دیگر از معضلات زنان در بهره‌مندی از حق اشتغال است. به این صورت که از یک طرف کار تمام‌وقت با مسئولیت‌های خانوادگی آن‌ها تداخل پیدا می‌کند و از سوی دیگر عدم همکاری شوهر در امور خانه و فرزندان، بهره‌وری آن‌ها در امور اجتماعی را کاهش می‌دهد. مناسب نبودن برخی از محیط‌های کار برای زنان از حیث شرعی و اجتماعی عامل دیگری است که به نظر زنان، مانع اشتغال آن‌ها شده‌است. به همین نحو موانع فرهنگی از طریق عدم پذیرش استقلال مالی زن و وجود تفکرات قالبی منفی درباره زن، مانع احقاق حق استقلال مالی آن‌ها می‌شود. به گونه‌ای که زنان در مواجهه با این شرایط ناگزیر از اتخاذ راهبردهایی می‌شوند که علاوه بر روابط خانوادگی، نظام اجتماعی و اقتصادی کشور را نیز متأثر می‌سازد.

زنان مورد مطالعه در مواجهه با تنش میان الزامات عرفی در ارتباط با نقش همسری-مادری و حق خود در اشتغال و استقلال مالی، مطابق نظریه ناهماهنگی شناختی، به مکانیسم تغییر رفتار و تغییر شناخت متوسل شده‌اند. به عنوان مثال در راهبرد توسعه نقش، با تغییر نگرش خود نسبت به نقش زن و مرد، با مشارکت در تأمین نفقه، تلاش می‌کنند تا بتوانند از حق اشتغال بهره‌مند شوند. این مشارکت اگر براساس میل قلبی آن‌ها باشد، به افزایش صمیمیت و تحکیم خانواده می‌انجامد، اما اگر به اصرار شوهر و برخلاف رضایت قلبی زن باشد- چنانچه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد- از جهت شبهه ناک و حرام بودن مال می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری در ارتباط با تربیت فرزندان و تعالی خانواده و جامعه به همراه داشته‌باشد. مسئله‌ای که در پژوهش‌های مربوط به اشتغال زنان، مغفول مانده‌است. به همین نحو فشار مضاعف ناشی از مسئولیت‌های مختلف، همان‌طور که یافته‌های پژوهش (بابایی فرد،



۱۳۹۲) و (حیدری و دهقانی: ۱۳۹۵) نشان می‌دهد، می‌تواند آسیب‌های جسمی- روحی و یا نارضایتی از شرایط موجود را به دنبال داشته باشد.

به همین نحو در راهبرد مدیریت نقش، زنان از طریق مکانیسم تغییر رفتار یعنی اتخاذ راهبرد پنهان‌کاری و استقلال‌طلبی در پی احقاق حق اشتغال و استقلال مالی خود هستند. این درحالی است که پنهان‌کاری و استقلال‌طلبی برخلاف اصل صداقت و حسن معاشرت در خانواده بوده و نه تنها مانع گرمی کانون خانواده است، بلکه از حیث اقتصادی نیز به دلیل عدم مدیریت صحیح سرمایه و انباشت آن در قالب طلا و سکه نامطلوب ارزیابی می‌شود. زنانی که نقض حق استقلال مالی را تجربه کرده‌اند، از طریق پنهان کردن درآمد واقعی خود، با خرید طلا و سکه، سرمایه اندک خود را برای روز مبادا پس‌انداز می‌کنند، در نتیجه، اندک‌اندک این سرمایه‌ها از چرخه اقتصاد کشور خارج شده و رکود و عدم توسعه اقتصادی را به وجود می‌آورد. چنانچه پژوهش (جبرمن: ۲۰۰۸) نیز یکی از موانع رشد اقتصادی کشورهای افریقایی را عدم استقلال مالی زنان عنوان کرده است.

مکانیسم تغییر رفتار از طریق اتخاذ راهبرد فرار از نقش توسط برخی دیگر از زنان دنبال شده است. تجربه زنان از داشتن مسئولیت‌های متعدد، بیانگر این است که ایفای مطلوب یک نقش به قیمت ایفای ضعیف نقش دیگر تمام می‌شود. در نتیجه برخی از زنان راهبرد فروگذاری و فرار از نقش را انتخاب می‌کنند تا یک نقش را به بهترین وجه به منصفه ظهور برسانند. دوروش فاصله گرفتن از زنانگی و بازگشت به خانه، مصادیق راهبرد فرار از نقش است، که گاهی با فرار از نقش مادری و یا اکتفا به تک فرزندی تحقق می‌یابد و گاهی با روی آوردن به خانه و رها کردن فعالیت اجتماعی. به طوری که آن دسته از زنان مصاحبه‌شونده که در دهه سوم و یا چهارم زندگی خویش قرار دارند، عمدتاً به یک یا دو فرزند اکتفا کرده‌اند، درحالی که زنان واقع در دهه پنجم و یا ششم، علی‌رغم اشتغال، تعداد فرزندان بیشتری را پرورش داده‌اند. یعنی در شرایط فعلی و با توجه به مشکلات اقتصادی و عدم امنیت شغلی، زنان با فاصله گرفتن از نقش مادری، خواهان تعداد فرزندان کمتری هستند تا از حقوق اجتماعی و شغلی بهره‌مند شوند، که این نتیجه با یافته‌ای پژوهش (صادقی و شهابی: ۱۳۹۶) مطابقت دارد. البته در ارتباط با عدم تمایل زنان به فرزندآوری عوامل متعددی دخیل است (ترابی و شیدانی، ۱۳۹۸: ۵۳-۵۶) اما آنچه حایز اهمیت است، راهبرد تجربه‌شده برخی از زنان در این پژوهش است که به‌طورکلی خود را از نعمت مادری محروم کرده و حتی تمایلی به داشتن یک فرزند هم ندارند. اگر این راهبرد توسط زنان بیشتری اتخاذ شود، کشور از حیث جمعیتی دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهد شد. ضمن اینکه گرایش زنان به داشتن تعداد فرزندان کمتر، از جهت نیروی کار و رشد اقتصادی نیز مشکل‌زا خواهد بود. زیرا سرمایه انسانی و نیروی کار یکی از عوامل اصلی توسعه اقتصادی است. بازگشت به خانه، یکی دیگر از استراتژی‌های زنان است که اگرچه از نظر پرداختن به وظایف مادری با سیاست‌های افزایش جمعیت هم‌خوانی داشته و در شرایط فعلی مثبت ارزیابی می‌شود، اما از آنجاکه منجر به هدر رفت سرمایه‌گذاری آموزشی و عدم استفاده بهینه از سرمایه انسانی می‌گردد، می‌تواند مسئله برانگیز

باشد. زنان آموزش دیده و متخصص می‌توانند با خدمت به جامعه، رونق اقتصادی را به همراه بیاورند، اما به دلیل عدم تناسب ساختاری و فرهنگی، خود را به خلنه تبعید می‌کنند و از لندوخته‌های خود بهره‌ای نمی‌برند و بهره‌ای نمی‌رسانند. به این ترتیب می‌توان گفت زنان مطابق بانظریه ناهماهنگی شناختی، هماهنگ با الزامات نقش خود و یا زمینه اجتماعی عمل می‌کنند، حتی اگر با نگرش آن‌ها مغایرت داشته باشد.

به این ترتیب به نظر می‌رسد بهره‌مندی زنان از حقوق خویش نیازمند حمایت‌های ساختاری و فرهنگی است. از این رو در ارتباط با موانع فرهنگی، باید آگاهی عمومی جامعه در ارتباط با حقوق و وظایف زن، افزایش یابد تا مردان به دلیل برخورداری از حق ریاست، اذن خروج و... مانع بهره‌مندی زنان از حق استقلال مالی نشوند. زیرا به رغم ادعای برخی از پژوهش‌ها (یساری، ۲۰۰۲-۲۰۰۳) در ارتباط با افزایش قدرت چانه‌زنی زنان در نتیجه ورود به بازار کار، تجربه زیسته این زنان نشان می‌دهد که در صورت تمایل به تداوم زندگی مشترک، زنان شاغل در عمل از قدرت چندانی برخوردار نشده‌اند، بلکه تضییع حقوق به شکلی دیگر را تجربه می‌کنند که آن‌ها را به سمت وسوی اتخاذ تاکتیک‌هایی خاص و بدیع (پنهان‌کاری و استقلال‌طلبی) می‌کشاند. اصلاح زیرساخت‌ها و تسهیل شرایط استخدامی به صورت پاره‌وقت، دورکاری و... و همچنین اصلاح قوانین استخدامی مانند افزایش حداکثر سن استخدام برای زنان دارای فرزند و تبعیض مثبت نسبت به ارتقای علمی و اداری زنان، پیشنهادها دیگر این پژوهش است که می‌تواند از پیامدهای آسیب‌زای نقض حقوق زن و راهبردهای اتخاذ شده توسط آن‌ها جلوگیری کند.

در نهایت در ارتباط با پیامدهای جبران‌ناپذیر راهبردهای اتخاذ شده توسط زنان پیشنهاد می‌شود، بر اساس یافته‌های این مقاله که پژوهشی کیفی و اکتشافی است، پژوهش‌هایی کمی بر مبنای سه تم فرار از نقش، توسعه نقش و مدیریت نقش انجام‌گیرد تا مشخص شود هر یک از این راهبردها از چه درصدی برخوردارند. زیرا مشخص شدن تعداد زنانی که هر یک از این استراتژی‌ها را درپیش گرفته‌اند، از حیث آماری، می‌تواند قدرت پیش‌بینی و رصد مسائل احتمالی را بالا برده و امر سیاست‌گذاری در سطح کلان اجتماعی را بهبودبخشد. زیرا همان‌طور که ملاحظه شد اگر راهبرد فرار از نقش توسط زنان بیشتری تجربه شود، ما در آینده‌ای نه‌چندان دور، با پیری جمعیت و یا هدررفت سرمایه‌گذاری آموزشی مواجه خواهیم بود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این مقاله، سومین مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تبیین فرایند مواجهه زنان با شکاف هنجارهای عرفی و موازین شرعی در ارتباط با حقوق خود در نقش همسری» است که در رشته مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس، در سال ۱۳۹۸ دفاع شده است.



حمایت مالی: مطالعه حاضر تحت حمایت مالی نبوده است.

سهام نویسندگان: نویسنده مسئول، نویسنده اول و دانشجوی رساله فوق هستند. نویسنده دوم، استاد راهنمای اول رساله و مسئول بخش فقهی بودند. نویسنده سوم، استاد راهنمای دوم رساله و مسئول بخش جامعه شناختی بودند.

تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع شخصی یا سازمان خاصی تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی: از شرکت کنندگان در مصاحبه که صبوراانه با محقق همکاری کردند، قدردانی می شود.

منابع

- آقایی، مجید، رضا قلی زاده، مهدیه، و باقری، فریده. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان های ایران. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۱۹(۱): ۲۱-۴۴. [لینک]
- احسانی، ابن ابی جمهور. (۱۴۰۳ ه. ق.). عوالي اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة. سید الشهداء علیه السلام. اشتراوس، آنسلم، و کوربین، جولیت. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ترجمه ابراهیم افشار. نی.
- الکحکی، یحیی احمد. (۱۴۲۱ ه. ق.). مکانة المرأة فی الاسلام. دار النهضة العربیة.
- بابایی فرد، اسداله. (۱۳۹۲). سنجش تاثیرات اشتغال زنان بر خانواده و روابط اجتماعی (مطالعه موردی شهر آران و بیدگل). زن در توسعه و سیاست. ۱۱(۳): ۴۵۱-۴۲۷. Doi: 10.22059/jwdp.2013.36537 [لینک]
- بستان (نجفی)، حسین. (۱۳۸۸). اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی. دفتر امور بانوان وزارت کشور و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بدار، ل. دزیل، و ژ. لامارش، ل. (۱۳۸۱). روان شناسی اجتماعی. ترجمه حمزه گنجی. ساوالان.
- بلوردی، طیبه. (۱۳۹۹). بررسی فقهی و حقوقی تبعیض شغلی زنان با تأکید بر امنیت شغلی. زن و جامعه. ۱۱(۳): ۲۵ تا ۴۶. Doi: 20.1001.1.20088566.1399.11.43.2.0 [لینک]
- ترابی، فاطمه، و شیدانی، رضا. (۱۳۹۸). بررسی عوامل موثر بر گرایش زنان ۱۵-۴۹ ساله ساکن شهر تهران به فرزندآوری کمتر. مطالعات زن و خانواده، ۷(۲): ۳۱-۶۳. Doi: 10.22059/jwfs.2017.15078.1437 [لینک]
- حراعلمی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ه. ق.). وسائل الشیعه. مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حکمت نیا، محمود. (۱۳۹۶). حقوق زن و خانواده، جلد ۳. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حیدری، آرمان و دهقانی، حمیده. (۱۳۹۵). واکاوئی کیفی پیامدهای اشتغال زنان متأهل و بسترهای تعدیل کننده آن (مورد مطالعه معلمان آموزش و پرورش شهر دلواری). جامعه شناسی نهادهای اجتماعی. ۳(۸): ۹۵-۷۳. Doi: 10.22080/ssi.2017.1422 [لینک]
- خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ ه. ق.). تحریر الوسیله، ج ۱ و ۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ ه. ق.). منهاج الصالحین، ج ۲. مدینه العلم.

- جهانی دولت آباد، اسماعیل. (۱۳۹۷). بررسی میزان انطباق واقعیت روابط زناشویی در ایران با مفهوم رابطه ناب گیدنز (مورد مطالعه شهر تهران). مطالعات زن و خانواده. ۶ (۲): ۲۵-۵۸. Doi: 10.22051/jwfs.2019.17504.1584 [لینک]
- روشنی، شهره، غروی نائینی، نهله و باستانی، سوسن. (۱۳۹۹). روایت زنان از موانع آرامش در زندگی زناشویی. مطالعات زن و خانواده. ۸ (۳): ۲۹-۷۴. Doi: 10.22051/jwfs.2020.31953.2461 [لینک]
- سالار زایی، امیر حمزه و مسرور، علی اصغر. (۱۳۹۰). استقلال و امتیاز مالی زن نسبت به شوهر در نظام حقوقی ایران. فقه و حقوق خانواده. ۵۴ (۵): ۹۹ تا ۱۲۲.
- سورین، ورنر، و دبلیو تانکار، جی و جیمز. (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. دانشگاه تهران.
- صادقی، رسول، و شهابی، زهرا. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی موانع و چالش‌های مادری زنان شاغل در شهر تهران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۴ (۶): ۷۱۵-۷۳۴. [لینک]
- صفایی، سیدحسین، و امامی، اسدالله. (۱۳۸۹). مختصر حقوق خانواده. میزان.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۲). تحلیل فقهی حقوق خانواده. نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۹). قواعد فقه بخش مدنی (مالکیت، مسئولیت). نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی، محمدکاظم. (۱۴۱۷ ه. ق). مئه قاعده فقهیه. جامعه مدرسین.
- میرخانی، عزت السادات. (۱۳۸۰). رویکردی نوین در روابط خانواده. سفیر صبح.
- علاسوند، فریبا. (۱۳۹۵). زن در اسلام (کلیات و مبانی). هاجر.

References

- Aellavand, F. (2017). *Woman in the Islam*. Centre Publications hajar. (Text in Persian)
- Aghaei, M. Rezagholizadeh, M. Bagheri, F. (2013). The effect of human capital on economic growth: The case of Iran's provinces. *Quarterly Journal of Research and Planing in Higher Education* 1(19): 21-44. (Text in Persian) [Link]
- Al_Ka'ki, Y.A. (2001). *Makanat Al_Mar'at fi Al_Eslam*. Dar Al_Nehzate Al_Arabiah. (Text in Persian)
- Babaei Fard, A.A. (2013). The Study of effects of women's employment on family and social relationships among women working in Aran & Bidgol. *Women in Development & Politics*, 11(3): 427-451. (Text in Persian) Doi:10.22059/jwdp.2013.36537 [Link]
- Balvardi, T.. (2020). Juisprudential and Legal study of Job discrimination for Women with emphasis on Job security. *Journal of Woman & Society*. 11(3): 25-46. (Text in Persian) Doi: 20.1001.1.20088566.1399.11.43.2.0 [Link]
- Bustan, H. (2009). *Islam and Gender Differences in Social Institutions*. Research Institute of Hawzeh and Univercity. (Text in Persian)
- Bedar, uc. Josee Deziel, Luc Lamarche. (2002). Social psychology. Savalan. (Text in Persian)
- Ehsaiee, I.A.J. (1983). *Avali Al_La'li Al_Aziziah fi Al_Ahadith Al-Diniah*. Seyyed Al_Shohada' (AS).
- Festinger, L. (1957). *A theory of cognitive dissonance*. Stanford University Press.
- Jahani Dolatabad, E. (2016). A Study on consistency the reality of Iranian marital relationships with the Giddens's The Study case: city of Tehran. *Women and Family Studies*. 6(2): 25-58 (Text in Persian) Doi: 10.22051/jwfs.2019.17504.1584



- Joireman S.F. (2008). The Mystery of Capital Formation in Sub-Saharan Africa: Women, Property Rights and Customary Law. *World Development*. 7(36): 1233-1246. Doi: [org/10.1016/j.worlddev.2007.06.017](https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2007.06.017). [Link]
- Hekmatnia, M. (2017). *Womans Rights and Family*. Islamic Research Institute for culture and though. (Text in Persian)
- Hore Ameli, M.H. (1994). *Vasaelo Shiia*. Mo'asessh Al Al_Beyt (AS). (Text in Persian)
- Heydari, A. , Dehghani.H. (2016). A Qualitative study on consequences of married women's employment and its moderators: School teaches in Delvar City. *Journal of Sociology of Social Institutions*. 3(8): 95-73. (Text in Persian) Doi:10.22080/ssi.2017.1422 [Link]
- McDorman, Todd F. (1998). Uniting Legal Doctrine and Discourse to Rethink Women's Workplace Rights. *Women's Studies in Communication*. 1(21): 27-54. DOI: [org/10.1080/07491409.1998.10162412](https://doi.org/10.1080/07491409.1998.10162412). [Link]
- Moheghegh Damad, S.M. (1993). *Jurisprudential analysis of family law*. Oloom eslami Publishing Center. (Text in Persian)
- Moheghegh Damad, S.M. (2010). *The Rules of Islamic jurisprudence civil section (Interpretation and construction)*. Oloom eslami Publishing Center. (Text in Persian)
- Mostafavi, M.K. (1997). *Mea Qa'eda Faqih*. Jame' e Modaresin. (Text in Persian)
- Mirqani, E.S. (2001). *New views on family relation ships*. Safir sobh (Text in Persian)
- Khomeini, S.R. (2001). *Tahir Al-Vasileh*, Volumes (1&2). Mo'asessh Tanzim VA Nashville Asar Imam Khomeini. (Text in Persian)
- Khoice, S.A. (1990). *Mentaj Al_Salehin*, Volume (2). Madinate Al_Elm. (Text in Persian)
- Rowshani, SH., Gharavi Naeni, N.& Bastani, S. (2020). The Obstacles of tranquility in marital life from the view of women. *Women and Family Studies*. 893: 29-74. (Text in Persian) DOI:10.22051/jwfs.2020.31953.2461 [Link]
- Salarzaee, A.H. & Aliaasgar M. (2012). Women's Privileges and Financial Independence in Iranian Legal System. *Family Law and Jurisprudence*. No. 54. [Link] (Text in Persian)
- Severin, W.J. (2002). *Communication theories*. Univercity of Tehran. (Text in Persian)
- Safai, S. H. A. Emami. (2010). *A concise family law*. Mizan. (Text in Persian)
- Sadeghi, R.& Shahabi, Z. (2017). A Qualitative Study of the Barriers and Challenges of Motherhood among Employed Women in Tehran City. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*. 16(4): 715-734. (Text in Persian). [Link] DOI: 10.22059/jisr.2018.204488.343
- Strauss, Anselm L, Corbin, Juliet M. (2013). *Basics of qualitative research: grounded theory procedures and techniques*. Ney. (Text in Persian)
- Torabi, F. Sheidani, R. (2019). A Study of Effective Factors in Tendency to Fewer Childbearing of 15-49 Year old Women Residents of Tehran. *Women and Family Studies*. 7(2): 31-63. (Text in Persian) DOI: 10.22051/jwfs.2017.15078.1437 [Link]
- Yassari, N. (2002-2003). Iranian Family Law in Theory and Practice. *Yearbook of Islamic and Middle Eastern Law*. 1(9):43-64. [Link]





Original Research

Designing an Educational Framework for Developing Women's Existential Capacities in Muslim Societies: A Qualitative Research

Fahimeh Keshavarzi^{*1}  Babak Shamschiri^{2*} 

*. Assistant Professor, Department of Management and Educational Planning, Faculty of Education and Psychology, Shira University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author) fahimehkeshavarz@yahoo.com

². Associate Professor, Department of Fundamentals of Education, Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Women's empowerment is essentially "a process by which a person acquires the ability to determine their own life and destiny and at the same time have a reason to value that kind of living" (Galie et al., 2017). Women's empowerment is also a multifaceted process that includes individual and collective awareness, beliefs, and behaviors embedded in the social structure of a cultural context (Huis et al., 2017).

Education as a means of empowering women can create a positive change in attitude. In addition, education is a turning point in women's empowerment because it enables them to face challenges, fulfill their traditional role, and change their lives (Bhat, 2015). Given the pivotal role of women in society, having a clear educational model in place to achieve empowerment in women, can play an important role in women's lives, and subsequently, in the family as well as society, and improve their quality of life in various individual, group, and social dimensions, and lead succeed in various national and international arenas. In fact, the mothers in the Iranian society need to receive appropriate education in accordance with the Iranian culture and society in order to develop the competencies that are worthy of Iranian and Muslim women and mothers so that they can first achieve success for themselves and their families and more broadly for the Iranian society. To realize in different dimensions. Therefore, the present study, in recognition of the importance of this issue, seeks to propose an appropriate educational model for the development of Iranian mothers' empowerment. In accordance with this goal, the following questions are the are being addressed:



- 1- What kinds of education do mothers need for to overcome their weaknesses?
- 2- What are the challenges facing the realization of such educations?
- 3- What strategies enrich the development of mothers' empowerment?

Method

The present study is a qualitative case study. Participants in this study included experts and faculty members in various fields of education, sociology, laws, and psychology as well as successful women in Fars province (successful managers and mothers). Using a purposive sampling strategy and the theoretical saturation criteria, 13 experts and 15 successful mothers in managerial positions were chosen. In-depth interview and study of documents related to the research topic were used to acquire data. The thematic content analysis was used to give the the necessary training to achieve the development of mothers' empowerment based on Iranian women's merit. Trustworthiness and credibility techniques were used to validate the qualitative results.

Results

Experts reviewed the components of mothers' empowerment, the training required to achieve these capacities, the challenges associated with implementing these trainings, and strategies for implementing the components of mothers' empowerment.

Table 1. Educations, challenges and strategies for empowering mothers

educations	Art, skill-building, spirituality and religion, psychology-self-knowledge, economic-social trainings
challenges	Women's resistance, men's resistance, local community resistance, economic and political problems
solutions	Providing educational programs through non-governmental organizations, formal and informal education for mothers and daughters, planning effective educational programs, educating mothers about their rights, promoting gender equality in the workplace, promoting women's culture, change laws affecting women, changing the of families' attitude towards women's empowerment, holding workshops with mothers, empowerment and skills training through primary education, developing self-confidence and altering patterns, expressing and teaching women's rights according to Islamic Sharia, recognizing the media's role in promoting and educating mothers' position and role, and providing lifelong education and learning

Discussion and Conclusion

According to the research findings, the trainings needed to empower mothers and women include art education, skill education, spiritual and

religious education, psychological education, socio-economic education. Given that women's education has become a primary goal of development in recent decades, several studies have addressed the importance of the role of education in women's empowerment (Syomwene and Kindiki, 2015; Bhat, 2015; Samarakoon and Parinduri, 2015; Guinée, 2014; Hilbert, 2011), which are consistent with the present research in emphasizing the need for comprehensive women's education in the direction of empowerment. Additionally, challenges were identified in the way of the aforementioned trainings, which include women's resistance, men's resistance, local community resistance, economic and political problems, all of which are consistent with Fallah Haghighi (2015) and Geleta et al. (2017).

Participants also suggested strategies for improving of mothers' abilities and skills, all of which highlight the women' comprehensive education. Therefore, the need for comprehensive education for women as a tool for empowerment necessitates the development of a model that is adapted to the Islamic society's culture and social institutions. It is obvious that the Iranian and Muslim woman, who views motherhood as a heavenly obligation, deserves a comprehensive educational model based on her culture and religion, so that she can be adorned with the virtues befitting her status. Therefore, the present study can be seen as an attempt to solve this critical issue by presenting an acceptable educational model for the development of Iranian Muslim mothers' empowerment. According to the research findings, a comprehensive education program centered on the development of components for mothers' empowerment is necessary. However, there are challenges in empowering mothers, which can be overcome by adopting practical and appropriate solutions that lay the groundwork for effective implementation of educational programs and realization of empowerment.

Ethical Considerations

All participants in the study consented to participated by signing a consent form, and the researchers assured them that the results of the research would remain confidential.

Funding: The present article is taken from the research project "Proposing an Applied Model for Development of Empowerment in Competent Mothers in Iran Society" No. B-96/1688 which was funded by the International Mother Foundation.

Authors' contribution: Both authors were involved in the project's implementation, as well as all stages article's authoring.

Conflict of interest: This research is not in conflict with personal or organizational interests.

Acknowledgments: The authors would like to thank all the participants in this study.



Reference

- Bhat, R. A. (2015). Role of Education in the Empowerment of Women in India. *Journal of Education and Practice*, 6(10), 188-191. [[Link](#)]
- Falah Haghighi, N. (2015). Micro-entrepreneurship and empowerment of rural women: Leading challenges. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 2(1). (Text in Persian) [[Link](#)]
- Galiè, A., Jiggins, J., Struik, P. C., Grando, S., & Ceccarelli, S. (2017). Women's empowerment through seed improvement and seed governance: Evidence from participatory barley breeding in pre-war Syria. *NJAS-Wageningen Journal of Life Sciences*, 81, 1-8. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.njas.2017/01.002> [[Link](#)]
- Geleta, E. B., P. Elabor-Idemudia, , C. Henry, & N. Reggassa, (2017). The Challenges of Empowering Women: The Experience of Pulse Innovation Project in Southern Ethiopia, *SAGE Open*, 7(4). [[Link](#)]
- Geleta, E. B., P. Elabor-Idemudia, , C. Henry, & N. Reggassa, (2017). The Challenges of Empowering Women: The Experience of Pulse Innovation Project in Southern Ethiopia. *SAGE Open*, 7(4). [[Link](#)]
- Hilbert, M. (2011). Digital gender divide or technologically empowered women in developing countries? A typical case of lies, damned lies, and statistics. *In Women's Studies International Forum*, 34(6), 479-489. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2011.07.001> [[Link](#)]
- Huis, M. A., Hansen, N., Otten, S., & Lensink, R. (2017). A three-dimensional model of women's empowerment: Implications in the field of microfinance and future directions. *Frontiers in Psychology*, 8, 1-14. DOI: <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01678> [[Link](#)]
- Samarakoon, S., & Parinduri, R. A. (2015). Does education empower women? Evidence from Indonesia. *World Development*, 66, 428-442. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2014.09.002> [[Link](#)]
- Syomwene, A., & Kindiki, J. N. (2015). Women Education and Economic Development in Kenya: Implications for Curriculum Development and Implementation Processes. *Journal of Education and practice*, 6(15), 38-43. [[Link](#)]



تدوین چارچوب آموزشی توسعه قابلیت‌های وجودی مادران ایرانی: یک پژوهش کیفی

بابک شمشیری^۲

فهیمه کشاورزی^۱

چکیده

هدف این پژوهش، ارائه آموزش‌های موردنیاز جهت توسعه توانمندسازی زنان در جوامع اسلامی است. روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع مطالعه موردی هست. مشارکت‌کنندگان بالقوه این پژوهش شامل متخصصان و اعضای هیئت‌علمی در رشته‌های مختلف تعلیم و تربیت (علوم تربیتی)، جامعه‌شناسی، حقوق و روان‌شناسی و همچنین زنان نمونه استان فارس (مدیران زن و مادران نمونه) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری ۱۳ نفر از متخصصان و ۱۵ نفر از زنان و مادران نمونه شهر که تصدی مدیریت داشتند، انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق و مطالعه اسناد مرتبط با موضوع پژوهش بود. جهت ارائه آموزش‌های موردنیاز جهت تحقق توسعه توانمندسازی زنان و شناسایی چالش‌های موجود در این زمینه از روش تحلیل شبکه مضامین استفاده شد. در نتیجه آموزش‌های لازم در جهت توانمندسازی مادران در قالب ۵ مضمون سازمان‌دهنده آموزش هنری، آموزش مهارتی، آموزش معنوی و دینی، آموزش روان‌شناختی - خودشناسی، آموزش اقتصادی - اجتماعی تدوین شد و چالش‌های پیشرو جهت اجرایی شدن چنین مهمی در ابعاد مختلف از جمله مقاومت زنان، مقاومت مردان، مقاومت جامعه محلی، مشکلات اقتصادی و سیاسی کاوش و در نهایت راهکارهایی جهت عملی ساختن مؤلفه‌های توانمندسازی مادران ارائه گردید. به منظور اعتباریابی نتایج کیفی از تکنیک‌های قابل قبول بودن و قابل اعتماد بودن استفاده شد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

آموزش، توانمندسازی، توسعه، زنان، جوامع مسلمان.

ارجاع به مقاله:

کشاورزی، فهیمه و شمشیری، بابک. (۱۴۰۱). تدوین چارچوب آموزشی توسعه قابلیت‌های وجودی زنان در جوامع اسلامی: یک پژوهش کیفی. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۰(۱)، ۱۵۱-۱۳۲.
doi: 10.22051/jwfs.2022.37105.27323

^۱. استادیار مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)
fahimehkesavarz@yahoo.com

^۲. دانشیار مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.



مقدمه

همواره عناصر متعددی در جامعه وجود دارند که از حقوق اساسی خود در هر جامعه، شهر و ملت محروم هستند، اما این عناصر فاقد آگاهی از حقوق خود هستند. اگر فهرستی از چنین عناصری از جامعه را بدست آوریم، زنان در صدر این فهرست قرار دارند. در حقیقت، زنان مهمترین عامل هر جامعه‌ای هستند و حتی اگر همه از این واقعیت آگاه باشند، اما هیچ کس حاضر نیست این واقعیت را بپذیرد. به همین دلیل اهمیتی که در گذشته به زنان داده می‌شد در جامعه امروز رو به کاهش است. در نتیجه این گرایش فزاینده به دست کم گرفتن زنان، از جمله اینکه آن‌ها را به تصرف مقام دوم در جامعه و محرومیت از حقوق اساسی خود بدل کردند، نیاز به توانمندسازی زنان احساس شد (بات^۱، ۲۰۱۵). بنابراین، مشارکت اقتصادی زنان، مشارکت سیاسی آنها و توانمندسازی آن‌ها بویژه در دو حیطه مهم آموزش و بهداشت، اغلب به عنوان چهار عامل اساسی برای ایجاد جوامع عادلانه در نظر گرفته می‌شود که زن و مرد بر زندگی خود کنترل داشته باشند و با آن‌ها به طور مشابه رفتار شود (ولمر، خان، تو، پاشا و ساهو^۲، ۲۰۱۷).

توانمندسازی زنان در اصل «فرایندی است که از طریق آن فرد توانایی تعیین زندگی و سرنوشت خود را کسب کند و در عین حال دلیلی برای ارزش‌گذاری بر آن نوع زیستن داشته باشد» (گالی، جیجینز، استریک، گراندو و سکرلی^۳، ۲۰۱۷؛ کبیر^۴، ۱۹۹۹). همچنین توانمندسازی به این معنا است که «زنان قدرت یا ظرفیت تنظیم زندگی روزمره خود را از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند، قدرتی که باعث می‌شود آن‌ها بتوانند از حاشیه به مرحله مرکز حرکت کنند» (گال^۵، ۲۰۱۵). بنابراین می‌توان گفت، توانمندسازی زنان فرایندی چندوجهی است که شامل آگاهی، اعتقادات و رفتار فردی و جمعی است که در ساختار اجتماعی یک زمینه فرهنگی تعبیه شده است (هوئیز، هنسن، اوثن و لنسینک^۶، ۲۰۱۷).

پژوهش‌ها بیانگر این امر هستند که توانمندسازی زنان با استفاده از چندین شاخص گوناگون اندازه‌گیری شده است. برخی از شاخص‌ها در مورد توانمندسازی زنان که قبلاً مورد استفاده قرار گرفته شامل شاخص‌هایی مانند آموزش (برتی و همکاران^۷، ۲۰۰۴؛ اسمیت و حداد^۸، ۲۰۰۰)، کنترل درآمد (اندرسن^۹، ۲۰۱۲؛ برتی و همکاران، ۲۰۰۴؛ لروی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۹)، جنسیت سرپرست خانوار (کندی و پیترز^{۱۱}، ۱۹۹۲)، و کنترل دارایی‌ها در زمان ازدواج (میلیچی و کویسامبینگ^{۱۲}، ۲۰۰۳) است (نقل در گوپتا، ومیردی، ساین و پینگالی^{۱۳}، ۲۰۱۹). نمونه‌ای از شاخص‌های چند بعدی، شاخص جهانی شکاف جنسیتی^{۱۴} است که توسط

¹. Bhat

². Vollmer, Khan, Tu, Pasha, & Sahoo,

³. Galiè, Jiggins, Struik, Grando, & Ceccarelli

⁴. Kabeer

⁵. Gul

⁶. Huis, Hansen, Otten, & Lensink

⁷. Berti et al

⁸. Smith and Haddad

⁹. Andersen

¹⁰. Leroy et al

¹¹. Kennedy & Peters

¹². Maluccio & Quisumbing

¹³. Gupta, Vemireddy, Singh, & Pingali

¹⁴. Global Gender Gap Index (GGGI)

مجمع جهانی اقتصاد تهیه شده است. این شاخص دستاوردها را در چهار نتیجه گسترده اندازه گیری می کند: سلامت، آموزش، مشارکت اقتصادی و توانمندسازی سیاسی (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۴). بنابراین بررسی ها نشان می دهد که یکی از نخستین الگوها در ادبیات مربوط به توانمندسازی زنان، آموزش است. طبق اظهارات بلومبرگ، راکوفسکی، تینکر، و مونتون^۱ (۱۹۹۵)، هریسون^۲ (۱۹۹۱)، و کریستوف و دووون^۳ (۲۰۱۰) آموزش زنان، مترادف با پیشرفت بیشتر جامعه و رسیدن به خیر است؛ به نحوی که بلومبرگ و همکاران (۱۹۹۵) ادعا می کنند، «آموزش مدت هاست که به عنوان یکی از مهمترین عوامل تحریک توسعه ثبت شده است»؛ بعلاوه، هریسون (۱۹۹۱) این ادعا را اظهارداشت که «آموزش و پرورش رمز اصلی پیشرفت در جوامع پویا است» (برد^۴، ۲۰۱۴). اوزیتا-اولاریبه^۵ (۲۰۰۷) معتقد است، هنگامی که یک زن آموزش می بیند، این آموزش به صورت مثبت به تمام خانواده منتقل می شوند. توانمندسازی ذهنی آن ها با آموزش، سفاقت را از بین می برد و مادران را تقویت می کند و به آن ها کمک می کند شیوه صحیحی از فضایل و مهارت ها را به خانواده منتقل کنند (اونیگبلا^۶، ۲۰۱۸).

بنابراین، آموزش به عنوان وسیله ای برای توانمندسازی زنان می تواند یک تغییر نگرشی مثبت ایجاد کند. بعلاوه، آموزش و پرورش نقطه عطف توانمندسازی زنان است زیرا این امکان را برای آن ها فراهم می کند تا در برابر چالش ها پاسخ دهند، با نقش سنتی خود مقابله کنند و زندگی خود را تغییر دهند (بات، ۲۰۱۵). همچنین از آنجا که در دهه های اخیر، آموزش و پرورش زنان به یکی از اهداف اصلی توسعه تبدیل شده است، مفهوم توانمندسازی بادامنه فعالیت های انجام شده توسط زنان در زمینه های مختلف از جمله آموزش گره-خورده است (شیخجان، ۲۰۱۴). بنابراین بدیهی است که نمی توان از اهمیت آموزش و پرورش در رابطه با توانمندسازی زنان غافل شد.

بررسی پایگاه های اطلاعاتی خارجی نشان می دهد پژوهشگران بسیاری (گوپتا و همکاران، ۲۰۱۹؛ سن^۷، ۲۰۱۹؛ هوییز و همکاران، ۲۰۱۹؛ هانان و همکاران^۸، ۲۰۲۰؛ دویچ و سیلبر^۹، ۲۰۱۹؛ گالی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹؛ یونت و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۸؛ کانینگهام و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۹؛ میدیما و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۸؛ گالی و همکاران، ۲۰۱۷؛ هوییز و همکاران، ۲۰۱۷؛ بونیلیا و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۷؛ پریمن و دلوس-آرکوس^{۱۵}، ۲۰۱۶؛ و غیره) در خارج از کشور به توانمندسازی پرداخته اند، که این پژوهش ها از زوایای گوناگونی به توانمندسازی بانوان نگرسته اند. همچنین بررسی ها در پژوهش های پیرامون توانمندسازی زنان

1. Blumberg, Rakowski, Tinker, and Monteón

2. Harrison

3. Kristoff and DuWunn

4. Baird

5. Osita-Olaribe

6. Onyegbula

7. Sen

8. Hannan

9. Deutsch & Silber

10. Galiè

11. Youn

12. Cunningham

13. Miedema

14. Bonilla

15. Perryman & de los Arcos



در کشورهای گوناگون نشان می‌دهد، یکی از ابزارهای مهم توانمندسازی و رسیدن به برابری جنسیتی، آموزش است (سیومون و کیندیکي^۱، ۲۰۱۵؛ بات، ۲۰۱۵؛ ساماراگون و پاریندوری^۲، ۲۰۱۵؛ گوینی^۳، ۲۰۱۴؛ هیلبرت^۴، ۲۰۱۱). در بررسی پژوهش‌های داخلی نیز مشخص شد برخی از محققان (تاراسی، کریم‌زاده و آقاباری هیر، ۱۳۹۸؛ احمدی، ۱۳۹۸؛ حاجی زاده و حافظیان، ۱۳۹۸؛ اسودیان، ۱۳۹۷؛ نادى نژاد، ۱۳۹۵؛ به‌پژوه، ۱۳۹۵؛ اثنی‌عشری و بارانی، ۱۳۹۵؛ و غیره) در زمینه توانمندسازی زنان و مادران به مطالعه پرداخته‌اند.

به‌رغم اهمیت موضوع و وجود پژوهش‌های فراوان در خارج از کشور در رابطه با نقش آموزش در توانمندسازی بانوان و لزوم طراحی و اجرای آموزش‌های مطلوب و مؤثر در این امر، در جامعه ایران توانمندسازی زنان و آموزش‌های مناسب به‌منظور تحقق این امر تا حد زیادی مغفول مانده است و پژوهش‌هایی هم که صورت گرفته عموماً در زمینه توانمندسازی به‌صورت کلی بوده است و هرکدام روی یکی از ابعاد و مؤلفه‌های توانمندسازی تأکید داشتند، و اساساً پژوهش‌های جامعی در خصوص الگوی آموزشی که مناسب توانمندسازی چندجانبه و اثربخش زنان و مادران ایرانی باشد صورت نگرفته است. این‌درحالی است که با توجه به نقش محوری زنان در جامعه، داشتن الگوی مشخص آموزشی به‌منظور تحقق توانمندسازی در بانوان، می‌تواند نقش مهمی در زندگی زنان و متعاقباً در خانواده و همچنین در عرصه اجتماع داشته‌باشد و کیفیت زندگی آنان در ابعاد مختلف فردی، گروهی، اجتماعی را بالا ببرد و موفقیت در عرصه‌های مختلف ملی و بین‌المللی را دنبال داشته‌باشد. در واقع مادران جامعه ایرانی نیازمند دریافت آموزش‌های مناسب و مقتضی با فرهنگ و جامعه ایرانی هستند تا به شایستگی‌هایی دست‌یابند که زیننده زن و مادر ایرانی و مسلمان است تا بتوانند در ابتدا موفقیت خود و خانواده خود و در سطحی گسترده‌تر موفقیت جامعه ایرانی را در ابعاد مختلف محقق سازند لذا با درک اهمیت این مسأله پژوهش حاضر درصدد ارائه الگوی مناسب آموزشی در جهت توسعه توانمندسازی مادران ایرانی است.

روش‌شناسی پژوهش

باتوجه به اینکه هدف از این پژوهش «ارائه آموزش‌های موردنیاز جهت توسعه توانمندسازی مادران» بود، روش پژوهش کیفی از نوع مطالعه موردی^۵ از نوع توضیحی است. مطالعه موردی یک نوع روش پژوهش رایج در علوم اجتماعی است و بر مبنای یک بررسی عمیق درباره یک فرد، گروه یا رویداد خاص صورت می‌گیرد. در واقع مطالعه موردی شامل نوعی بررسی تفصیلی از یک یا چند سازمان یا از گروه‌های درون‌سازمانی است که باهدف ارائه تحلیلی از زمینه و فرایندهای دخیل در پدیده مورد بررسی انجام می‌شود. پدیده موردنظر از بسترش جدا نمی‌شود بلکه چون با آن رابطه تنگاتنگی دارد، در پیوند با بسترش مورد بررسی قرار می‌دهد البته مطالعات موردی روی افراد نیز صورت می‌گیرد. در این نوع مطالعه عموماً تحلیل استقرایی

^۱. Syomwene & Kindiki

^۲. Samarakoon & Parinduri

^۳. Guinée

^۴. Hilbert

^۵. Case Study

بر فرایندها در بستر اجتماعی شان متمرکز است.

مطالعه موردی ممکن است توصیفی یا تبیینی باشد. در واقع در این نوع مطالعه، پژوهش کیفی متمرکز بر مطالعه موارد نه جامعه‌ها و نمونه‌ها است، اما موارد مورد بررسی در رهیافت مطالعه موردی می‌تواند بسیار متنوع از یک گروه کوچک گرفته تا یک سازمان یا حتی یک جماعت کامل باشد. علاوه بر این، یک فرد، یک فعالیت یا یک واقعه خاص نیز می‌توانند موضوع مطالعه موردی قرار گیرند؛ بنابراین اندازه مورد تحت بررسی از یک فرد واحد، تا گروه‌هایی از مردم، سازمان‌ها و یا کل فرهنگ، تغییر می‌پذیرد. انتخاب موردها برای مطالعه، بستگی تام به هدف تحقیق دارد و متناسب با اهداف خاص و ویژگی‌های موضوع هر مورد تحقیق خاص، استراتژی یا رهیافت تحقیقی مطالعه موردی، روش‌های متفاوتی را بکار می‌گیرد (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۲: ۳۵).

مشارکت‌کنندگان بالقوه این پژوهش شامل سه گروه متخصصان و اعضای هیئت‌علمی در رشته‌های مختلف تعلیم و تربیت (علوم تربیتی)، جامعه‌شناسی، حقوق و روان‌شناسی با بیش از ده سال سابقه کار و در مرتبه استادیاری، دانشیاری و استادی، و زنان نمونه استان فارس که هم متخصص و هم دارای پست اجرایی بودند و مادران نمونه که توسط بنیاد بین‌المللی مادر معرفی شده بودند، به‌عنوان جامعه پژوهشی مورد توجه و بررسی قرار گرفتند. نمونه پژوهش شامل ۱۵ نفر از متخصصان و اعضای هیئت‌علمی با بیش از ۱۰ سال سابقه کار، همچنین با ۵ نفر از زنان شاخص و صاحب تجربه و دانش در امور زنان شهر و ۱۰ نفر از مادران نمونه که توسط بنیاد بین‌المللی مادر معرفی شده بودند، با استفاده از رویکرد هدفمند و با روش نمونه‌گیری صاحب‌نظران کلیدی^۱ و استفاده از اشباع نظری داده‌ها^۲، مصاحبه صورت گرفت. ابزار مورد استفاده مصاحبه عمیق نیمه ساختمند با صاحب‌نظران کلیدی بود. جهت اعتباریابی داده‌های پژوهش از معیارهای تأییدپذیری و قابل قبول بودن^۳ با استفاده از روش‌های همسوسازی (مطابقت مصاحبه‌ها و مبانی نظری و پژوهشی) و خود بازمینی محقق در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها و برای سنجش پایایی چارچوب به‌دست آمده از معیار قابل اعتماد بودن^۴ استفاده شد (کرسول، ۲۰۰۷). لازم به ذکر است که برای تعیین قابل اعتماد بودن این چارچوب از روش هدایت دقیق جریان مصاحبه و استفاده از ناظر برای ارزیابی و اجرای برنامه مصاحبه و همچنین به‌عنوان داور بیرونی استفاده شد.

داده‌های به‌دست آمده با بکارگیری نرم‌افزار Nvivo است، و با استفاده از روش تحلیل مضمون و تشکیل شبکه مضامین مورد بررسی قرار گرفت. نرم‌افزار Nvivo نسخه ۱۰، نرم‌افزاری است که برای تحلیل داده‌های کیفی استفاده می‌شود. با استفاده از روش تحلیل مضمون و تشکیل شبکه مضامین بعد از احصای مضامین پایه^۵، سازمان‌دهنده^۶ و فراگیر^۷ مربوط به شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه توانمندسازی زنان، چارچوب اولیه تدوین شد. در این پژوهش جهت تحلیل مضمون از روش براون و کلارک

1. Critical Case

2. Theoretical Saturation of data

3. Credibility

4. Dependability

5. Basic

6. Organizing

7. Global



(۲۰۰۶) و آتراید- استیرلینگ^۱ (۲۰۰۱)، که فرایند گام‌به‌گام و جامعی جهت تحلیل مضمون عرضه‌کرده‌اند، استفاده‌شده‌است. برای این منظور ابتدا کدهای اولیه استخراج‌گردید و از ترکیب این کدها مضامین پایه حاصل شد. سپس مضامین پایه تحلیل شد و بر اساس اصل تشابه و تفاوت دسته‌بندی شدند و مضامین سازمان‌دهنده به‌دست‌آمد و همه این مضامین سازمان‌دهنده نیز زیر مجموعه مضمونی کلی‌تر به نام مضمون فراگیر قرارگرفتند (براون و کلارک، ۲۰۰۶؛ آتراید- استیرلینگ، ۲۰۰۱).

یافته‌ها

۱- چه آموزش‌هایی نیاز است تا مادران بر ضعف‌هایشان غلبه کنند؟ و چالش‌های پیش روی در جهت تحقق چنین آموزش‌هایی چه است؟

در این بخش از پژوهش با توجه به مؤلفه‌های توانمندسازی مادران، آموزش‌های لازم و موردنیاز جهت تحقق این توانمندی‌ها توسط متخصصان مطرح شد که برخی از آن‌ها در زیر آورده شده است و کلیه پیشنهادها متخصصان در زمینه آموزش مؤلفه‌های توانمندسازی مادران در جدول (۱) نشان‌داده شده است.

«کلاً اقداماتی که برای توانمندسازی انجام می‌شود به چند دسته تقسیم می‌شود یکی اجتماعی در بحث امنیت که گفتیم، آموزش امنیت، آگاهی از سوء استفاده‌های احتمالی در جامعه، جلوگیری از خشونت، آزار و اذیت...» همچنین «مادر در درجه اول باید نقش مادر بودن را به دختران آموزش دهند و بعد با توجه به وضعیت معیشتی همسر اگر تمایل داشت می‌تواند کار کند» (کد ۲).

«مادر باید مهارت اجتماعی رو بدونه. ما می‌دانیم دختران از نظر تفکر کلامی قوی تر از پسرها هستند ولی با این حال بعد از مادر شدن می‌بینیم که سخنگوی خانواده کسی دیگه‌ای هست و اون معمولاً همسر خانواده هست، بنابراین مهارت‌های اجتماعی باید در مادران به روز بشه» (کد ۱۵).

«ابتدا باید مادران آموزش ببینند و مهارت‌ها رو کسب کنند و با روان‌شناسی کودک آشنا باشن اینکه چه خطراتی بچه‌ها رو تهدید می‌کنه و در مورد معضلات اجتماعی اطلاعات کافی داشته باشن» (کد ۱۷).

«آشنایی با تربیت دینی، جنسی، مدیریت اقتصاد خانواده، مدیریت چالش و بحران در خانواده، آموزش و سواد رسانه‌ای. نیاز به کلاس‌های آموزش مادران با روش و روان‌شناسی دینی و بومی؛ که متأسفانه اکثر روان‌شناسان ما نگاه روان‌شناسی غربی و غیرنظری دارند یا به‌صورت (غربی+روایات دینی)» (کد ۳).

«آموزش‌های دینی، آگاهی از اصول و فنون تربیت، آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت هوش رفتاری و هیجانی، مسئولیت‌پذیری، سلامت جسمی و روانی و نظم و برنامه‌ریزی ضروری است» (کد ۴).

«مهارت‌های همسرداری و شوهرداری احتیاج به آموزش دارد. در درجه اول و از همان دوران کودکی در بچه‌ها و از طریق امور بانوان به زنان بی‌سرپرست و زنان آسیب دیده کمک شود» (کد ۱۶).

«بحث دیگر ارتباط بین فردی است که حسادت‌های ناآگاهانه و رقابت‌های بی‌شرمانه چه در محیط کاری و چه در محیط خانواده پیدا می‌کند. ما باید به خودمان ببالیم که دوست یا همکار یک خانم توانمند هستیم» (کد ۲).

جدول ۱. آموزش‌های مورد نیاز جهت تحقق مؤلفه‌ها در توانمندسازی مادران

ردیف	آموزش‌های مورد نیاز مادران	مؤلفه‌ها
۱	آموزش‌های مهارتی	آموزش سواد رسانه‌ای رانندگی تسلط بر ابزار خانه و کارکردن با آن‌ها تسلط بر کامپیوتر آشنایی با تکنولوژی و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی آموزش نظم و برنامه‌ریزی در خانواده آموزش روان‌شناسی کودک به مادر
۲	آموزش‌های هنری	آموزش هنری (خیاطی، گل‌دوزی، خطاطی، نقاشی و ...) آموزش حفظ سلامت جسمی آموزش سلامت روح و روان آموزش مهارت‌های همسرمداری آموزش ارتباط بین‌فردی، اخلاقی و بالندگی نسبت به خود و موفقیت‌های دیگران
۳	آموزش‌های معنوی - دینی	تربیت دینی (مسائل اعتقادی از جمله ایمان، تقوا، بیدارسازی فطرت، ...) آموزش مهربان بودن (اخلاق، صداقت، مسئولیت‌پذیر بودن، تعهد و ...)
۴	آموزش‌های روان‌شناختی و خودشناسی	اعتدال رفتاری و عملکردی در زندگی آموزش خودباوری (عزت‌نفس، اعتمادبه‌نفس و ...) آموزش هویت‌یابی و شکوفایی توانمندی‌ها آگاهی نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود آگاهی از حق و حقوق خویش آموزش و یادگیری نقش‌ها و تکالیف زنان
۵	آموزش‌های اقتصادی	آموزش کارآفرینی و توانمندسازی در بعد اقتصادی آموزش مدیریت بحران در خانواده آموزش مدیریت امور مالی خانواده
۶	آموزش‌های اجتماعی	آموزش و آگاهی از قوانین و حقوق اجتماعی زنان آموزش و به‌روزرسانی مهارت‌های اجتماعی در مادران آموزش امنیت، آگاهی از سوء استفاده‌های احتمالی در جامعه، جلوگیری از خشونت، آزار و اذیت توانمندسازی در بعد اجتماعی و آگاهی از حق و حقوق خویش کسب دانش و تخصص جهت حضور در پست‌های مختلف اجتماعی چالش موانع و باورهای غلط (سنتی) در جامعه نسبت زنان ارائه آموزش‌هایی به مردان در باب اهمیت و جایگاه زنان مسئولیت‌پذیری در زندگی خانوادگی و اجتماعی آموزش به فرزندان در ارتباط با اهمیت و جایگاه مادر آموزش نقش مادر بودن به دختران آموزش رسمی مهارت‌های فرزندپروری در آموزش و پرورش و رسانه‌ها آموزش هوش عاطفی از دوران کودکی به دختران

بعد از بررسی آموزش‌های لازم جهت تحقق مؤلفه‌های توانمندسازی مادران، متخصصان و صاحب‌نظران در این بخش از پژوهش به بیان چالش‌های پیشرو جهت تحقق چنین آموزش‌هایی پرداختند که در این بخش از پژوهش به برخی از این چالش‌ها اشاره می‌شود:

«یکی از چالش‌های ما نگاه جامعه به زن، باورهای غلط جامعه نسبت به زن و چیزهای دیگر که در فرهنگ ما حاکم است، ما می‌گوییم مادر منتقل‌کننده میراث فرهنگی است از این نسل به آن نسل، همین مادر چالش‌داره برای انتقال میراث فرهنگی، کدوم فرهنگ را انتقال بده؟ فرهنگی که باورهای غلط است که زن بنشیند در خانه فقط مادری و همسرمداری کند، فقط آسپزی کند. این میراثی که می‌خواهد منتقل کند



چالش بزرگش این است که ما باید این مانع تراشی را از بین ببریم. بگویم تو که می‌خواهی این فرهنگ تصمیم‌گیری را انتقال بدی، این یکی از چالش‌هاست که نمی‌تواند آن را انجام دهد...» (کد ۲).

«از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی در زندگی مادران در جهت تحقق چنین آموزش‌هایی لازم خستگی جسمی و روحی مادران در جهان امروزی است چرا که مادری که در بحث اقتصاد خانواده هم‌گام با سرپرست خانواده قدم بر می‌دارد وقتی برای آموزش دیدن نداشته و اگر هم موقعیتی برایش پیش بیاید توانی ندارد تا آموزش‌های لازم را به کارگیرد و به محاسن آن آموزش پی‌برد...» (کد ۱).

«چالش روبرو وجود تندروها در تصمیم‌گیری سیاست‌های کلی - نگرش دیگر به بانوان به‌عنوان خانه‌دار - عدم حمایت زنان از یکدیگر - سیطره مردان در محیط کار - برخورد نامناسب مدیران - مزاحمت همکاران مرد جهت بانوان به‌خصوص بانوان مجرد - عدم احترام خانواده‌ها به کار زنان - ستاره بودن زنان در محیط کار و در نظاره بیشتر بودن (زوم کردن روی کار بانوان و از کاه کوه ساختن) - نگاه به زن به‌عنوان جنس دوم...» (کد ۸).

«چالش‌هایی که مادران امروزه با آن روبرو هستند می‌توانیم بگویم که بزرگ‌ترین مسأله این است که خودشان به این موضوع اشراف کامل ندارند که به چه آموزش‌هایی نیازمند هستند تمام وقتشان را می‌گذارند برای تغذیه درست کردن و به مدرسه بردن فرزندانشان اما به خودشان اهمیت نمی‌دهند و توانمندسازی خودشان اهمیت نمی‌دهند. دوم اینکه فرزندان باید نسبت به جایگاه مادرانشان مطلع بشوند برای اینکه مادران بتوانند در دوره‌های آموزشی شرکت کنند باید خانواده به آن‌ها کمک کند هم فرزند هم همسر. بنابراین ما تقریباً با یک مجموعه و یک سیستم با مادر روبرو هستیم نمی‌توانیم بگویم مادر تو بیا کلاس بدون اینکه همسر و فرزندان به آن توجه کنند. آگه در این سیستم بخواهیم دوره‌ای را طراحی کنیم باید برای فرزندان و همسر وی هم آموزش بگذاریم. یعنی به شکل سیستم باید دیده شود تا مادر، توانمند تربیت شود...» (کد ۹). جدول ذیل فهرست کاملی از چالش‌های موردنظر متخصصان (اعضا نمونه پژوهش) را شرح می‌دهد:

جدول ۲. چالش‌های پیش رو در آموزش توانمندسازی مادران

ردیف	چالش‌های پیش روی آموزش توانمندسازی مادران	مؤلفه‌ها
۱	مقاومت زنان	خستگی جسمی و روحی مادران به دلیل مشغله‌های زیاد عدم حمایت زنان از یکدیگر ترس روانی از ارائه خویشتن (خجالتی بودن و عدم حضور در مباحث آموزشی) عدم آگاهی زنان از نیازهای آموزشی خویش میل به استقلال‌طلبی
۲	مقاومت مردان	سیطره مردان در محیط کار مزاحمت همکاران مرد جهت بانوان به‌خصوص بانوان مجرد تبعیض جنسیتی بی‌توجهی به نیازهای روانی و عاطفی زنان
۳	مقاومت جامعه محلی (اجتماعی و فرهنگی)	نگاه جامعه به زن، باورهای غلط جامعه نسبت به زن نگرش به بانوان به‌عنوان صرفاً خانه‌دار عدم احترام خانواده‌ها به کار زنان نگاه به زن به‌عنوان جنس دوم

در درجه دوم قراردادن دریافت آموزش و کسب مهارت توسط زنان و تمرکز بر خانه‌داری		
مشکلات اقتصادی	مشکلات (بحران) مالی خانواده‌ها و فشار بر مادران عدم حمایت مالی دولت محلی مشکلات اقتصادی دولت فقر مادران بی‌سرپرست یا بدسرپرست	۴
موانع سیاسی	عدم حمایت جامعه و دولت از توانمندسازی زنان وجود تدریج‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های کلی ستاره بودن زنان در محیط کار و در نظاره بیشتر بودن (زوم کردن روی کار بانوان و از گاه کوه ساختن) برخورد نامناسب مدیران	۵

۲- چه راهکارهایی یا به عبارتی چه پیشنهاداتی در جهت غنا بخشیدن به توسعه توانمندسازی

مادران مدنظر اعضای نمونه پژوهش است که بایستی در این پژوهش ملاحظه گردد و مفید است؟ در این قسمت از پژوهش مجموعه‌ای از پیشنهادها از درون نظرات اعضای هیئت علمی، متخصصان و مادران نمونه جهت توانمندسازی مادران به‌عنوان راهکارهایی جهت بهبود توانایی‌ها و مهارت‌های مادران استخراج شد. جدول (۳) راهکارهای مدنظر متخصصان نشان می‌دهد. برخی از راهکارها از زبان متخصصان بدین شرح است:

- «اگر مادر از نظر مالی آسایش و آرامش در رفاه باشد می‌تواند جامعه آینده را با تربیت فرزندان متعهد دگرگون سازد» (کد ۱).

- «... یک سری راهکارها برای توانمندسازی بحث سمن‌هاست. سازمان‌های مردم نهاد، گاهی وقت‌ها ما از دولت توقع داریم که ورود پیدا کند، که دولت آنقدر سرش شلوغ است که وقت ندارد. سازمان‌های مردم نهاد به دلیل غیردولتی بودنشان خیلی خوب می‌توانند کمک کنند، بحث آموزش به مادر، بحث آموزش دختران دانش آموز می‌توانند کمک کنند» (کد ۲).

- «در محیط کار بایستی مشکلی به نام مرد یا زن وجود نداشته باشد. بانوان همانند مردان همدیگر را حمایت نمایند. داشتن آگاهی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و غیره- آگاهی بانوان نسبت به حقوق شهروندی خود- افزایش قابلیت‌های خود...» (کد ۸).

- «به نظر من برای غناسازی مادران باید نشست‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی، با حضور خود مادران تشکیل بدهیم، نیازسنجی کنیم، الویت‌بندی کنیم و برنامه را تدوین کنیم. بحث مادر این است که باید از دیدگاه خودشان بررسی کنیم. ما باید مادران را قبل از اینکه کاری برایشان انجام دهیم، باید آن‌ها را متوجه خودشان کنیم...» (کد ۹).

- «آموزش و پرورش لازم است از مقطع ابتدایی در جهت توانمندسازی و مهارت‌آموزی اقدام کند. این آموزش‌ها هم باید در مدرسه هم در دانشگاه و هم به واسطه والدین انجام بشه. جلساتی که برای والدین برگزار می‌کنند باید به گونه‌ای باشد که یا مادران شرکت کنند یا پدران و یا هر دوی آن‌ها حضور داشته باشند این حضور داشته باید اجباری باشه. معمولاً این جلسات در مقطع ابتدایی جواب می‌دهد...» (کد ۱۱).

- «ابتدا باید به آن‌ها آموزش خودباوری و تغییر الگوها رو داد. به این معنی که تو به اندازه کافی زیبا هستی



و نیازی نداری برای ارزشمندی شبیه فلان مدل بشی. یکی از نقاط قوت حجاب اینه که آگه هر زنی خودش رو بپوشونه باعث میشه هر مردی زن خودشو بهترین بدونه و با دیگری مقایسه نکنه که او مجبور بشه بخاطر اینکه برای مردش قابل قبول باشه خودش رو شبیه دیگران کنه. اما آگه بهش یاد بدیم که به اندازه کافی زیبا و ارزشمند هستی، پس کمالات انسانیت رو تقویت کن. این آموزش‌ها باید از سنین پایین شروع بشه» (کد ۱۲).

- «... ما باید به دخترانمون مهارت‌هایی رو آموزش دهیم که انتخاب صحیحی داشته باشند ما در توانمندسازی زنان بیایم از احقاق حقوق پایمال شده خانم‌ها صحبت کنیم، نه طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی یا نهضت فمینیسم بلکه طبق شریعت مقدس اسلامی که اصل اساس جمهوری اسلامی ایران است. اما در تبیین این حقوق اجازه دهیم زنان دانشمند آن‌ها را تبیین کنند. این مشکلات که در حوزه حقوق زنان است ساختاری است نه بنیادی، و توانمندسازی به معنای رفع این موانع ساختاری است...» (کد ۱۳).

جدول ۳. راهکارهای لازم جهت توانمندسازی مادران از دیدگاه متخصصان

ردیف	راهکارهای توانمندسازی مادران
۱	فراهم ساختن آسایش و آرامش و رفاه مادی مادر
۲	ارائه برنامه‌های آموزشی توسط سمن‌ها
۳	آموزش به مادران و دختران (رسمی و غیررسمی)
۴	برنامه‌ریزی جهت اجرای برنامه‌های آموزشی اثربخش
	برنامه‌ریزی همه‌جانبه توانمندسازی مادران
۵	آگاهی‌بخشی به مادران نسبت به حق و حقوقشان
	آگاهی نسبت به حقوق شهروندی خود
۶	عدم تبعیض جنسیتی در محیط کار و بازار کار
	فراهم ساختن فرصت‌های برابر برای زنان همچون مردان در جامعه
۷	ارتقای فرهنگی بانوان
۸	افزایش قابلیت‌های خود
۹	تغییر نگرش مردان نسبت به زنان
۱۰	تغییر قوانین مربوط به زنان
۱۱	قبول نقش‌های مختلف زن در خانه و جامعه و تقسیم‌کار منزل بین آقا و خانم
۱۲	تغییر نگرش خانواده‌ها نسبت به توانمندی زنان
۱۳	تقویت مراکز مشاوره حقوقی زنان
۱۴	از بین بردن باورهای غلط اجتماعی به عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها
۱۵	تغییر قوانین دادگاه‌های خانواده
۱۶	فراهم ساختن تسهیلات لازم جهت رفاه حال مادر در هنگام بهره‌مندی از آموزش جهت توانمند شدن (مثل مهدکودک در ساعات کسب آموزش)
۱۷	برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور مادران
۱۸	برگزاری کارگاه‌های آموزشی با حضور مادران
۱۹	نیازسنجی، اولویت‌بندی، تدوین برنامه آموزشی
۲۰	فراهم ساختن زمینه شناخت خودشان (توانمندی‌هایشان)
۲۱	دریافت نظرات مادران اعم از نیازها، خواست‌ها، ترجیحات و برنامه‌ریزی جهت تحقق آنان
۲۲	توانمندسازی و مهارت‌آموزی توسط آموزش و پرورش از مقطع ابتدایی
۲۳	آموزش خودباوری و تغییر الگوها
۲۴	تقویت فضای امید و اعتماد جهت پیشگیری از اعتیاد، تجاوز، خیانت
۲۵	آموزش مهارت‌ها جهت انتخاب صحیح مسائل پیش‌رو در زندگی
۲۶	بیان حقوق زنان و آموزش آن به زنان طبق شریعت اسلام
۲۷	تبیین و تفسیر حقوق زنان توسط زنان دانشمند

حل مشکلات حقوقی (ساختاری) زنان	۲۸
ارائه سیاست‌های حمایتی سازمان‌ها از مادر و نقش مادر	۲۹
تقویت نقش الگوگیری والدین در زندگی فرزندان	۳۰
یادگیری تمام مهارت‌ها توسط مادران جهت آموزش به فرزندان	۳۱
جذب مادران در فعالیت‌های اجتماعی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد	۳۲
نقش متولیان فرهنگ در توسعه نقش‌های اثربخش زنان	۳۳
همکاری دانشکده‌های علوم تربیتی در برگزاری کارگاه‌ها جهت توسعه توانمندی بانوان	۳۴
تدوین برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در راستای توانمندی بانوان	۳۵
آگاهی از اصول و فنون صحیح تربیت فرزند	۳۶
پایبندی به معنویت و باورهای اعتقادی و انتقال آن به فرزندان	۳۷
ارائه خدمات مشاوره‌ای به مادران به صورت مداوم و در دسترس	۳۸
ایجاد مشاغل خانگی	۳۹
ارائه تسهیلات مالی به مادران از جمله وام با سود کم‌بهره، ایجاد تفریح‌های ماهانه برای مادران	۴۰
آموزش و گسترش میراث‌فرهنگی خصوصاً جنبه‌های روشن و واضح و امروزی آن در رابطه با زنان	۴۱
استفاده از فضاهای عمومی مانند مساجد، پارک‌ها، فضاهای سبز، خیابان، کوچه، محله توسط سازمان‌های مردم‌نهاد	۴۲
توجه به نقش رسانه‌ها در تبلیغ و آموزش جایگاه و نقش مادران	۴۳
بسترسازی نقش‌ها توسط رسانه‌ها	۴۳
تسهیم دانش و تجارب مادران با یکدیگر در ابعاد مختلف	۴۴
توجه به نقش مهم و حساس مادران جهت پرورش فرزندان توانمند و شایسته	۴۵
حذف موانع رشد و ارتقای زنان در محیط	۴۶
ارائه آموزش و یادگیری مادام‌العمر	۴۷
ارائه خدمات جهت بهبودی سلامت جسمی و روحی مادران	۴۸
برخورداری از حقوق مالکیت قانونی	۴۹
حذف باورهای سنتی	۵۰

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر، آموزش‌های لازم در جهت توانمندسازی مادران در قالب پنج مضمون سازمان‌دهنده آموزش هنری، آموزش مهارتی، آموزش معنوی و دینی، آموزش روان‌شناختی-خودشناسی، آموزش اقتصادی-اجتماعی تدوین شد و چالش‌های پیش رو جهت اجرایی شدن این آموزش‌ها در ابعاد مختلف از جمله مقاومت زنان، مقاومت مردان، مقاومت جامعه محلی، مشکلات اقتصادی و سیاسی مطرح شد همچنین راهکارهایی جهت عملی ساختن مؤلفه‌های توانمندسازی مادران توسط اعضای نمونه پژوهش ارائه شد.

آموزش‌های موردنیاز جهت توانمندسازی مادران و زنان شامل آموزش هنری، آموزش مهارتی، آموزش معنوی و دینی، آموزش روان‌شناختی، آموزش اقتصادی-اجتماعی است. با توجه به اینکه آموزش و پرورش زنان در دهه‌های اخیر به یکی از اهداف اصلی توسعه تبدیل شده است، مفهوم توانمندسازی با دامنه فعالیت‌های انجام‌شده توسط زنان در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش گره‌خورده است (شیخ‌جان، ۲۰۱۴)، و پژوهش‌هایی چندی نیز با پرداختن به این موضوع بر اهمیت نقش آموزش در توانمندسازی زنان تأکید کرده‌اند (سیومون و کیندیکی، ۲۰۱۵؛ بات، ۲۰۱۵؛ ساماراکون و پاریندوری، ۲۰۱۵؛ گوینی، ۲۰۱۴؛ هیلبرت، ۲۰۱۱) که از حیث تأکید بر لزوم آموزش همه جانبه زنان در مسیر توانمندسازی هم‌راستا با پژوهش حاضر می‌باشند.



یافته‌های پژوهش نشان داد که چالش‌هایی بر سر راه آموزش‌های مذکور وجود دارد که این چالش‌ها شامل مقاومت زنان، مقاومت مردان، مقاومت جامعه محلی، مشکلات اقتصادی و سیاسی هستند که این موارد هم‌راستا با پژوهش فلاح حقیقی (۱۳۹۴) و جلتا و همکاران (۲۰۱۷) هست. همچنین مجموعه‌ای از پیشنهادها و راهکارها از درون نظرات اعضای هیئت‌علمی، متخصصان و مادران نمونه جهت توانمندسازی مادران به عنوان راهکارهایی جهت بهبود توانایی‌ها و مهارت‌های مادران استخراج گردید که در بردارنده مواردی همچون: فراهم ساختن آسایش و آرامش و رفاه مادی مادر، ارائه برنامه‌های آموزشی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)، آموزش رسمی و غیررسمی به مادران و دختران، برنامه‌ریزی جهت اجرای برنامه‌های آموزشی اثربخش، آگاهی‌بخشی به مادران نسبت به حق و حقوقشان، ایجاد برابری جنسیتی در محیط کار، ارتقای فرهنگی بانوان، تغییر قوانین مربوط به زنان، تغییر نگرش خانواده‌ها نسبت به توانمندی زنان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی با حضور مادران، توانمندسازی و مهارت‌آموزی توسط آموزش و پرورش از مقطع ابتدایی، آموزش خودباوری و تغییر الگوها، بیان حقوق زنان و آموزش آن به زنان طبق شریعت اسلام، توجه به نقش رسانه‌ها در تبلیغ و آموزش جایگاه و نقش مادران و ارائه آموزش و یادگیری مادام‌العمر، هستند و لزوم آموزش همه‌جانبه زنان به‌عنوان وسیله تحقق توانمندسازی، ارائه الگویی متناسب با فرهنگ و ساختارهای اجتماعی جامعه ایران را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. بدیهی است زن ایرانی و مسلمان که نقش مقدس مادری را به مثابه فریضه‌ای الهی می‌نگرد، شایسته الگوی آموزشی جامع، متناسب با فرهنگ و دین خود است تا به شایستگی‌هایی که زینده اوست آراسته شود؛ لذا پژوهش حاضر با ارائه الگوی مناسب آموزشی در جهت توسعه توانمندسازی مادران ایرانی مسلمان، تلاشی در جهت پرداختن به این امر مهم بود.

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «ارائه الگویی کاربردی در توسعه توانمندسازی مادران شایسته در جامعه ایران» است که با حمایت بنیاد بین‌المللی مادر در بهار ۱۳۹۷ صورت گرفته است. از آنجایی که پژوهش کیفی مستلزم ایجاد ارتباط نزدیک و صمیمانه بین محقق و مشارکت‌کنندگان در پژوهش است، در نتیجه شرکت‌کنندگان صادقانه نسبت به اهداف تحقیق و چگونگی انتشار گزارش آن آگاهی یافتند. در واقع در پژوهش حاضر قبل از شروع مصاحبه و ضبط آن، اهداف کلی پژوهش به‌سمع نظر مشارکت‌کنندگان رسید و مشارکت‌کنندگان به‌صورت آگاهانه در فرایند پژوهش قرار گرفتند. همچنین با توجه به اینکه روند اجرای پژوهش‌ها و گزارش یافته‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که مانع از هرگونه خسارت مادی و معنوی به شرکت‌کنندگان شود، در این پژوهش به مشارکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد که مصاحبه‌ها به‌صورت محرمانه نزد پژوهشگر باقی می‌ماند و در پژوهش نیز نامی از مشارکت‌کنندگان ذکر نمی‌شود.

حمایت مالی: مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «ارائه الگویی کاربردی در توسعه توانمندسازی مادران شایسته در جامعه ایران» به شماره ۹۶/۱۶۸۸- ب است که با حمایت بنیاد بین‌المللی مادر صورت گرفته است.

سهام نویسندگان: مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «ارائه الگویی کاربردی در توسعه توانمندسازی مادران شایسته در جامعه ایران» است که نویسنده اول (نویسنده مسئول) و دوم مجریان طرح مذکور هستند.

تضاد منافع: پژوهش حاضر با منافع شخصی یا سازمانی تعارض ندارد.

تشکر و قدردانی: شایسته است از همکاری بنیاد بین‌المللی مادر خصوصاً جناب آقای مهندس محمدی جهت درک ضرورت انجام چنین پژوهشی تقدیر و تشکر نماییم. همچنین شایسته است از کلیه اساتید و متخصصان (اعضای هیئت علمی) در رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق که با همکاری‌های ارزشمندشان نقش مهمی در توسعه و غنی بخشیدن به این پژوهش داشتند، تقدیر و تشکر گردد. همچنین از مادران نمونه‌ای که توفیق زیارتشان با انجام این پژوهش میسر گشت، نهایت تقدیر و تشکر به عمل می‌آید. لازم به ذکر است مادران اصل و اساس این پژوهش و غایت وجودی این مهم بودند.

منابع فارسی

- اثنی‌عشری، سیدمحمدخلیل و بارانی، مهشید (۱۳۹۵). بررسی تأثیر هنر در ارائه نوآورانه جایگاه مادر در جامعه. همایش ملی جایگاه و نقش مادر. انتشارات بین‌المللی نوید شیراز، تابستان ۹۵. [لینک]
- احمدی، پریسا (۱۳۹۸). بررسی نقش توسعه اکوتوریسم در کارآفرینی و توانمندسازی زنان منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس، پایان نامه کارشناسی اشد، دانشکده برنامه ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز. [لینک]
- اسودیان، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی و شناسایی موانع توانمندسازی و ارتقاء جایگاه مدیریتی زنان فرهنگی در آموزش و پرورش استان مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی آمل. [لینک]
- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۵). نقش‌های مادر. همایش ملی جایگاه و نقش مادر. انتشارات بین‌المللی نوید شیراز، تابستان ۹۵. [لینک]
- تاراسی، زهرا؛ کریم‌زاده، حسین و آقایی‌هیر، محسن (۱۳۹۸). بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر توانمندسازی زنان روستایی، مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۵۴، ۲۳۷-۲۵۷. [لینک]
- حاجی زاده، اکرم و حافظیان، مریم (۱۳۹۸). شناسایی مؤلفه‌های توانمندسازی مدیران زن در آموزش و پرورش و ارائه الگوی مناسب، زن و جامعه، ۱۱۰(۱)، ۴۵-۷۲. [لینک]
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی و آذر، حسن (۱۳۹۲). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. انتشارات صفار. چاپ پنجم [لینک]
- فلاح‌حقیقی، نگین (۱۳۹۴). میکروکارآفرینی و توانمندسازی زنان روستایی: چالش‌های پیش‌رو، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱۲(۱)، ۱۲۵-۱۴۵. [لینک]
- نادی‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی نمودهای عملی احترام به مادر از منظر قرآن. همایش ملی جایگاه و نقش مادر، دانشگاه شیراز، ۲۸ و ۲۹ شهریور ۹۵. [لینک]
- نعمت‌الهی، محمد (۱۳۹۷). شناسایی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در استان قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم [لینک]

References

- Ahmadi, P. (2019). *Investigating the role of ecotourism development in entrepreneurship and empowerment of women in Aras Free Trade-Industrial Zone*, thesis of submitted, Faculty of Planning and Environmental Sciences, University of Tabriz (Text in Persian) [Link]
- Asniashari, S.M., Barani, M. (2016). *Investigating the effect of art in presenting the innovative, National Conference on the Status and Role of the Mother*. (Text in Persian) [Link]



- Asvadian, F. (2018). *Investigating and identifying the components of empowerment and promotion of the managerial position of cultural women in education of Mazandaran province*, thesis of submitted, Faculty of Humanities, Amol Higher Education Institute (Text in Persian) [Link]
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research, *Qualitative research*, 1(3), 385-405. [Link]
- Baird, D. (2014). Intercultural factors in the Peace Corps' role as a change agent in the empowerment of rural Guatemalan women. [Link]
- Beh Pajoooh, A. (2016). Mother roles, *National Conference on the Status and Role of the Mother* (Text in Persian) [Link]
- Bhat, R. A. (2015). Role of Education in the Empowerment of Women in India. *Journal of Education and Practice*, 6(10), 188-191. [Link]
- Bonilla, J., Zarzur, R. C., Handa, S., Nowlin, C., Peterman, A., Ring, H., ... & Team, Z. C. G. P. E. (2017). Cash for Women's Empowerment? A Mixed-Methods Evaluation of the Government of Zambia's Child Grant Program. *World Development*, 95, 55-72. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.02.017> [Link]
- Brown, S. S., & Clarke, I. C. (2006). A review of lubrication conditions for wear simulation in artificial hip replacements. *Tribology transactions*, 49(1), 72-78. [Link]
- Creswell, J. W. (2007). *Five qualitative approaches to inquiry. Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*, 2, 53-80. [Link]
- Cunningham, K., Ferguson, E., Ruel, M., Uauy, R., Kadiyala, S., Menon, P., & Ploubidis, G. (2019). Water, sanitation, and hygiene practices mediate the association between women's empowerment and child length-for-age z-scores in Nepal. *Maternal & child nutrition*, 15(1), e12638. DOI: <https://doi/epdf/10.1111/mcn.12638> [Link]
- Danaeifard, H., Alwani, S.M., Aar, A. (2013). *Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach*. Ishraqi, Saffar publisher. (Text in Persian) [Link]
- Deutsch, J., & Silber, J. (2019). Women's Empowerment and Child Malnutrition: The Case of Mozambique. *South African Journal of Economics*, 87(2), 139-179. DOI: <https://doi/full/10.1111/saje.12223> [Link]
- Falah Haghighi, N. (2015). Micro-entrepreneurship and empowerment of rural women: Leading challenges. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 2(1). (Text in Persian) [Link]
- Galiè, A., Jiggins, J., Struik, P. C., Grando, S., & Ceccarelli, S. (2017). Women's empowerment through seed improvement and seed governance: Evidence from participatory barley breeding in pre-war Syria. *NJAS-Wageningen Journal of Life Sciences*, 81, 1-8. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.njas.2017/01.002> [Link]
- Galiè, A., Teufel, N., Girard, A. W., Baltenweck, I., Dominguez-Salas, P., Price, M. J., ... & Smith, K. (2019). Women's empowerment, food security and nutrition of pastoral communities in Tanzania. *Global Food Security*, 23, 125-134. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.njas.2019.04.005> [Link]
- Geleta, E. B., P. Elabor-Idemudia, C. Henry, & N. Reggassa, (2017). The Challenges of Empowering Women: The Experience of Pulse Innovation Project in Southern Ethiopia. *SAGE Open*, 7(4). [Link]
- Guinée, N. (2014). Empowering women through education: Experiences from Dalit women in Nepal. *International Journal of Educational Development*, 39, 173-180. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2014.07.007> [Link]

- Gul, S. B. A. (2015). *Women and Violence: A Study of Women's Empowerment and Its Challenges in Jammu and Kashmir*. Online Submission, 2(7), 1-9. [Link]
- Gupta, S., Vemireddy, V., Singh, D., & Pingali, P. (2019). Adapting the Women's empowerment in agriculture index to specific country context: Insights and critiques from fieldwork in India. *Global Food Security*, 23, 245-255. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.gfs.2019.09.009> [Link]
- Hajizadeh, A., Hafezian, M. (2019). Identifying the components of empowerment of female managers in education and providing a suitable model. *Quarterly Journal of Women and Society*, 10(37), 45-72. (Text in Persian) [Link]
- Hannan, A., Heckert, J., James-Hawkins, L., & Yount, K. M. (2020). Cognitive interviewing to improve women's empowerment questions in surveys: Application to the health and nutrition and intrahousehold relationships modules for the project-level Women's Empowerment in Agriculture Index. *Maternal & child nutrition*, e12871. DOI: <https://doi.org/10.1111/mcn.12871> [Link]
- Hilbert, M. (2011). Digital gender divide or technologically empowered women in developing countries? A typical case of lies, damned lies, and statistics. *In Women's Studies International Forum*, 34(6), 479-489. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2011.07.001> [Link]
- Huis, M. A., Hansen, N., Otten, S., & Lensink, R. (2017). A three-dimensional model of women's empowerment: Implications in the field of microfinance and future directions. *Frontiers in Psychology*, 8, 1-14. DOI: <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01678> [Link]
- Huis, M. A., Hansen, N., Otten, S., & Lensink, R. (2019). The impact of husbands' involvement in goal-setting training on women's empowerment: First evidence from an intervention among female microfinance borrowers in Sri Lanka. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 29(4), 336-351. DOI: <https://doi.org/10.1002/casp.2404> [Link]
- Kabeer, N. (1999). Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. *Development and Change*, 30, 435-464. [Link]
- Miedema, S. S., Haardörfer, R., Girard, A. W., & Yount, K. M. (2018). Women's empowerment in East Africa: Development of a cross-country comparable measure. *World Development*, 110, 453-464. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2018.05.031> [Link]
- Naderi Nejad, F. (2016). Examining the practical manifestations of respect for the mother, *National Conference on the Status and Role of the Mother*. (Text in Persian) [Link]
- Onyegbula, R. (2018). *Women's Experiences in Peace Building Processes: A Phenomenological Study of Undeterred Female Leaders in Northern Nigeria*, A Dissertation Presented to the College of Arts, Humanities, and Social Sciences of Nova Southeastern University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy. [Link]
- Perryman, L. A., & de los Arcos, B. (2016). Women's empowerment through openness: OER, OEP and the Sustainable Development Goals. *Open Praxis*, 8(2), 163-180. [Link]
- Samarakoon, S., & Parinduri, R. A. (2015). Does education empower women? Evidence from Indonesia. *World Development*, 66, 428-442. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2014.09.002> [Link]
- Sen, G. (2019). Gender Equality and Women's Empowerment: Feminist Mobilization for the SDG s. *Global Policy*, 10, 28-38. [Link]
- Sheykhjan, M. (2014). *Empowerment of Women through Education in Twenty First Century*. Online Submission. [Link]



- Syomwene, A., & Kindiki, J. N. (2015). Women Education and Economic Development in Kenya: Implications for Curriculum Development and Implementation Processes. *Journal of Education and practice*, 6(15), 38-43. [Link]
- Tarasi, Z., Karimzadeh, H., Aghayari hir, M. (2019). Investigating factors and stimuli affecting the empowerment of rural women (Case study: Zanjan city). *Researches in Geographical Sciences*, 19 (54), 237-257. (Text in Persian) [Link]
- Vollmer, S., Khan, S., Tu, L. T. N., Pasha, A., & Sahoo, S. (2017). PROTOCOL: The effect of interventions for women's empowerment on children's health and education: A systematic review of evidence from low-and middle-income countries. *Campbell Systematic Reviews*, 13(1), 1-61. [Link]
- World Economic Forum. (2014). The Global Gender Gap Report 2014: Global Rankings. [Link]
- Yount, K. M., Crandall, A., & Cheong, Y. F. (2018). Women's age at first marriage and long-term economic empowerment in Egypt. *World Development*, 102, 124–134. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.09.01> [Link]



اسامے داوران شماره بهار ۱۴۰۱

زہرا ال اسحق خونینی

عضوبیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزہرا (س)

محمد رضا کینجا

عضوبیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان ایران

عباس عبداللہی

عضوبیات علمی گروه مشاورہ دانشگاه الزہرا (س)

طاہر سادات نعیمی

عضوبیات علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی

زہرا حسین زاده ملکی

عضوبیات علمی دانشگاه فردوسی شد

سیمین حسینیان

عضوبیات علمی گروه مشاورہ دانشگاه الزہرا (س)

شہرہ روشنی

عضوبیات علمی پژوهشکدہ زنان دانشگاه الزہرا (س)

الہام شہرعلتی نجف آبادی

عضوبیات علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه الزہرا (س)

لیلا عرب سرخنی

دکترای روان شناسی دانشگاه الزہرا (س)

میم فرخی

عضوبیات علمی گروه مطالعات فرہنگی دانشکدہ رفاه تہران

ہاجر سادات کلا تر مستندی

دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شہید مطہری

غلامرضا محمد نسل

عضوبیات علمی گروه حقوق و جرم شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین

خدیجہ مظفری سینی

عضوبیات علمی گروه حقوق دانشکدہ علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزہرا (س)



P-ISSN: 2008-9384
E-ISSN: 2538-2004

Woman and Family Studies

Quarterly Journal of Woman and Family Studies
Alzahra University, Women Research Center

Volume 10, Issue 1, Serial 24, Spring 2022

